



مجموعه مقالات

پنجمین سمینار کمیته های تحقیقات دانشجویی شرق کشور

و

نهمین سمینار کشوری دانش و تندرستی (دانشجویی)

آذر ماه ۸۸

تاریخ چاپ: آذر ماه ۸۸

انتشارات: نشر آفرنگ

صفحه آرایبی و تدوین: معصومه میری

مسئولیت علمی مقالات به عهده نویسندگان است.

با همکاری:

۱- معاونت آموزشی پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی شاهرود

۲- کمیته تحقیقات دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی شاهرود

۳- مرکز تحقیقات علوم رفتاری و اجتماعی در سلامت





رئیس دانشگاه علوم پزشکی شاهرود: دکتر محمد شریعتی

رئیس سمینار: دکتر سیدعباس موسوی

دبیر سمینار: احمد خسروی

دبیر علمی: دکتر افسانه کرامت

مسوول تدارکات: سیدجواد میری

اعضای کمیته اجرایی نهمین سمینار دانشجویی دانش و تندرستی

نورعلی جعفری	فاطمه رم‌یار
سیدعبدالله تقوی	معصومه میری
معظم شریف	محمدرضا علیپوری
حسین عزیزی	حمید دهقان
حسن اسدی	خلیل نوروزی
عالیه فر شبافطوسی	حسن گرزین
افسانه زارعی	وحید اصغری
مینا نجم‌الدین	میترا طاهری
زینب کریمی	اسماعیل عاشوریان مقدم
احمد اکرازی	مریم سلیمی
فائزه عباسی	محمد مهدی اندرزگو
افسانه رضایی	روح‌ا... اسفندیاری
آرزو کامل علی‌آبادی	هادی بیات
ماه‌جبین کریمی نسب	علی بیات
مونا دلشاد	سعید اکبری
زهرا دوخاتون	بهر روز حنفی
مینا دولت‌زاده	حسین‌علی خسروی
الهام احمدزاده	امید اکرامیان
فاطمه ابراهیمیان	جمال شاطریان
مجیده گلزاریان	محمود اسکندری
فاطمه حیدری	سعیده بانی
عالمه قاجار	زهرا احمدی

اعضای کمیته علمی سمینار





دکتر محمد شریعتی	مسعود رحیمی
دکتر سیدعباس موسوی	دکتر محمدحسن امامیان
دکتر محمداسماعیل عجمی	دکتر حمید واحدی
دکتر محسن اعرابی	حمید کلالیان مقدم
دکتر محمد امیری	مهرداد کلاته‌جاری
دکتر جواد نوریان	مهری دلوریان زاده
دکتر خدیجه میرزایی نجم‌آبادی	مرجان قنبریان
دکتر افسانه کرامت	مهندس فریده صادقیان
دکتر رضا چمن	حسین باقری
مریم عباسیان	مهندس علی اکبر رودباری
مهدی میرزایی	محبوبه پورحیدری
ربابه زروح حسینی	گیتی آتش سخن
نزهت‌السادات تقوی	مهدی راعی
علی دادگری	دکتر مهدی پورمغانی
حسین ابراهیمی	مهندس الله‌بخش جاوید
ناهید بلبل حقیقی	فرشته میری
مهندس علیرضا عسگری	مهندس عباسعلی مختاری
آذر سوزنی	زهره دلگشا
اعظم احمدی زاده	دکتر مهدی گودرزوند
مهندس سعید ناظمی	احمد خسروی
محمدرضا خطیبی شریفیه	زهره متقی
محمد یحیایی	مهدی بصیری مقدم
عیسی نصیری	طهورا عبداللهی
مهشید غلامی طامسری	سپیده قدری
حمید صادقی مقدم	لیلا ناصری فدافن
مرضیه خدابخشیان	میثم سرگزی
مریم دامغانیان	مصطفی عباسی سیاه‌سنگی
فروغ‌السادات مرتضوی	هامی اشرف
هانیه حسین نژاد	معصومه شریف‌زاده
جلال محمدزاده	





اعضای هسته مرکزی کمیته تحقیقات دانشجویی

کبری ابوظالبی	لیلا ناصری فدافن
کسری کوثر	ریحانه عرب
زهرا اشرفی	سعیده مظفری
فاطمه مهدی پور	مهدی فراهانی
لیلا خراسانی	اعظم یعقوب زاده
محسن محسن آبادی	سمیه رنجبر
	مهدی عقباپی



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

پنجمین سمینار کمیته‌های تحقیقات دانشجویی شرق کشور و نیز نهمین همایش کشوری دانش و تندرستی را در زمانی برگزار می‌کنیم که هم‌چنان می‌دانیم که کم می‌دانیم و هم‌چنان نیازمند تحقیق و پژوهش هستیم چرا که هنوز بیماری‌ها از جمله آنفولانزای نوع A (H1N1) به تاخت و تاز ادامه می‌دهند و قربانی می‌گیرند.

متأسفانه آموزش در دوره قبل از دانشگاه در کشور ما کاملاً معلم محور بوده و دانش‌آموزان را به طرف پژوهش سوق نمی‌دهد. کمیته‌های تحقیقات دانشجویی جایگاهی است که ضمن رفع این نقص به دانشجویان اجازه می‌دهد همراه با کسب علم و دانش به تحقیق و پژوهش پرداخته و این روش را به‌عنوان سنت افراد دانش‌آموخته در خود نهادینه نمایند.

خوشبختانه بررسی‌ها نشان می‌دهد تعداد زیادی از پژوهش‌های انجام شده در کمیته‌های تحقیقات دانشجویی کاربردی بوده و در ارتقاء سطح سلامت مردم مؤثر بوده است. امیدوارم، برگزاری این سمینار ارزشمند بیش از پیش به کاربردی کردن تحقیقات دانشجویی در راستای ارتقای دانش و تندرستی جوامع بشری کمک کند.

دکتر محمد شریعتی

سرپرست دانشگاه





هوالخلاق

پژوهش و پژوهشگری از اجزاء جدا نشدنی دانشجویی و دانش‌آموختگی است. دوران دانشجویی تأثیر بسیار ژرفی بر سراسر زندگی افراد می‌گذارد. آنانی که در این دوران پژوهشگرانه می‌آموزند، اغلب تولیدکنندگان آینده علم و دانش شده و آن‌هایی در این وادی وارد نمی‌شوند، حداکثر به ضبط و پخش بخشی از علم می‌پردازند که امروزه بسیاری از تکنولوژی‌های نوین، خیلی از انسان بهتر انجام می‌دهند. با این مقدمه کوتاه، فرصت را مغتنم شمرده ضمن تشکر فراوان از تمامی دست‌اندرکاران اعم از دانشجویان و همکاران عزیزم که با تلاش‌های فراوان، سمینار کشوری دانش و تندرستی را سال‌های پیاپی بسیار منظم برگزار می‌نمایند، ویژگی منحصر به فرد امسال سمینار را که همزمانی آن با پنجمین سمینار کمیته‌های تحقیقات دانشجویی شرق کشور می‌باشد، را گرمی داشته و به تمامی دانشجویان، سرپرستان و اعضای محترم هیأت علمی از دانشگاه‌های مختلف خیرمقدم عرض نموده و آرزوی ایامی پر بار و همراه با خاطرات خوش برای همگی دارم.

با آرزوی بهروزی و سربلندی

دکتر سیدعباس موسوی

رئیس سمینار



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

منت خدای را که به ما توفیق عنایت فرمود تا با تلاش و کوشش همکاران نهمین سمینار کشوری دانش تندرستی را با مشارکت دانشگاه‌های علوم پزشکی به‌خصوص کمیته‌های تحقیقات دانشجویی دانشگاه‌های علوم پزشکی منطقه شرق کشور (مشهد، زاهدان، بیرجند، گناباد، زابل، سبزوار، بجنورد و شاهرود) تحت عنوان «پنجمین سمینار کمیته‌های تحقیقات دانشجویی شرق کشور» برگزار نماییم و میزبان اساتید، همکاران و دانشجویان عزیزمان از سراسر کشور باشیم.

لازم می‌بینیم از استقبال گسترده و حضور پرشور شما عزیزان سپاسگزاری کنم. مشارکت و حضور شما عزیزان با بیش از ۱۰۸ مقاله علمی پژوهشی از ۲۲۵ مقاله رسیده به دبیرخانه سمینار، نشان از دستان پرتوان و اندیشه جوشان برای پژوهش و کسب افتخار است. امیدوارم با قضاوت عادلانه در انتخاب مقالات گامی مؤثر در بهبود کیفی سمینار برداشته باشیم. برگزاری این سمینار بدون همراهی و همدلی مسئولین محترم دانشگاه، همکاران، اعضای محترم هیأت علمی و دانشجویان عزیز میسر نبود. بدین وسیله از عنایات ویژه ریاست محترم دانشگاه جناب آقای دکتر شریعتی، معاون محترم آموزشی پژوهشی جناب آقای دکتر موسوی، معاونت محترم دانشجویی و فرهنگی و همکاران معاونت آموزشی پژوهشی، امور عمومی، امور مالی و کلیه دوستانی که به نحوی در برگزاری این سمینار زحماتی را متحمل شده‌اند به‌ویژه سرپرست محترم کمیته تحقیقات دانشجویی سرکار خانم دکتر کرامت، سرپرستان محترم کمیته‌های تحقیقات دانشجویی دانشگاه‌های علوم پزشکی شرق کشور، اعضای محترم کمیته علمی، اجرایی، دبیرخانه سمینار و هم‌چنین داوران محترم مقالات تشکر و قدردانی می‌گردد.

احمد خسروی

دبیر سمینار





فهرست مطالب

۱۵.....	بررسی فراوانی بیماری‌های مختلف در کارگران راه آهن
۱۶.....	ارتباط سبک زندگی با سلامت عمومی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی گناباد
۱۷.....	ارزیابی ریسک ارگونومی ناشی از استرس پوسچرال به روش RULA در کارگران ایستگاه‌های مونتاژ صندلی و تزیینات داخلی شرکت مهر کام پارس ایران خودرو و بررسی عوارض اسکلتی-عضلانی کارگران مونتاژ در سال ۱۳۸۷
۱۸.....	بررسی اثر ضد درد عصاره آبی گیاه تنغ در موش صحرائی نر با استفاده از تست فرمالین
۱۹.....	بررسی میزان آگاهی و عملکرد والدین از کیف استاندارد و درصد استفاده از آن توسط دانش‌آموزان مدارس ابتدایی مناطق سه گانه شهر سبزوار
۲۰.....	بررسی مشکلات سلامتی سالمندان در شاهرود ۱۳۸۷
۲۱.....	بررسی وضعیت سلامت دهان و دندان دانش‌آموزان پایه سوم ابتدایی شهر گناباد در سال ۱۳۸۶
۲۲.....	بررسی تأثیر الگوی آموزش بالینی تلفیقی بر نگرش روانی دانشجویان پرستاری نسبت به بیماران در کارآموزی بخش روان
۲۳.....	بررسی عوامل استرس‌زای محیط بالینی از دیدگاه دانشجویان پرستاری دانشکده پرستاری و مامایی زاهدان
۲۴.....	بررسی مقایسه‌ای نظرات پرستاران بالینی و دانشجویان پرستاری در خصوص عوامل مؤثر بر آموزش به بیمار در بیمارستان‌های آموزشی زاهدان سال ۱۳۸۷
۲۵.....	بررسی نتایج آنالیز کمی و کیفی چند آزمون پیشرفت تحصیلی
۲۶.....	بررسی نیازهای آموزشی پرستاران در محاسبه دوز داروها
۲۷.....	بررسی میزان شیوع سوء مصرف و وابستگی به تریاک و ارتباط آن با برخی فاکتورهای دموگرافیک در بیماران بستری در بیمارستان آموزشی درمانی امام خمینی ساری طی سال ۱۳۸۷
۲۸.....	مقایسه تأثیر متفورمین و توپیرامات در کاهش وزن
۲۹.....	بررسی تأثیر استفاده همزمان انجیر و زیتون در کاهش علائم و بهبودی بیماران سلی
۳۰.....	بررسی تأثیر استفاده همزمان چای سبز و عسل در کاهش علائم و بهبودی بیماران مبتلا به تیفویید
۳۱.....	مقایسه وضع تغذیه دانش‌آموزان دبستانی بالا و پایین شهر و برخی عوامل مؤثر بر آن در شهر شاهرود
۳۲.....	بررسی خشونت جنسی در زنان شهر شاهرود و عوامل مرتبط با آن
۳۳.....	اثر برنامه پیاده‌روی بر چگالی استخوانی دختران لاغر مبتلا به استئوپنی
۳۴.....	بررسی راه‌های ارتقاء سلامت و بهداشت بلوغ دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه استان سیستان و بلوچستان در سال تحصیلی ۸۷-۱۳۸۶
۳۵.....	بررسی اثر توأم ویریشن و گرما بر کاهش درد دیسمنوره اولیه در دختران دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرگان
۳۶.....	تبیین تجربیات زنان از تغییرات جنسی در دوره یائسگی در شهر گرگان
۳۷.....	بررسی ویژگی‌های روانشناختی در مراجعین به مراکز NA
۳۸.....	بررسی میزان آگاهی و نگرش دانشجویان مامایی دانشگاه علوم پزشکی شاهرود در زمینه مامایی جامعه‌نگر در سال ۸۸
۳۹.....	بررسی اثر عصاره‌های آبی، الکلی و هیدروالکلی میوه گیاه زینان بر درمان زخم معده ناشی از ایبوروفن در موش صحرائی نر
۴۰.....	بررسی شاخص (Community Periodontal Index)CPI در زنان باردار مراجعه‌کننده به مراکز بهداشتی درمانی شهری شاهرود سال ۱۳۸۶
۴۱.....	بررسی دیدگاه‌ها و عقاید دانشجویان مامایی دانشگاه علوم پزشکی شاهرود نسبت به زایمان فیزیولوژیک در سال ۱۳۸۸
۴۲.....	دیدگاه‌ها و عقاید زنان باردار مراجعه‌کننده به مراکز بهداشتی-درمانی شاهرود نسبت به ورزش در دوران بارداری
۴۳.....	رابطه بین منبع کنترل و سلامت روان دانشجویان
۴۴.....	بررسی برخی فاکتورهای مرتبط با شاخص‌های چاقی در زنان مراجعه‌کننده به دو کلینیک تغذیه زاهدان در سال‌های ۸۷-۱۳۸۵
۴۵.....	مقایسه دیدگاه دانشجویان و اساتید دانشکده پرستاری و مامایی زاهدان در مورد اولویت‌های ارزشیابی اساتید در سال ۱۳۸۸





..... ۴۶	بررسی الگوی سوء مصرف مواد مخدر و فراوانی رفتارهای پرخطر در مراجعین به مراکز درمان نگهدارنده با متادون و مراکز گذری شهرستان شاهرود: ۱۳۸۸
..... ۴۷	بررسی میزان انتشار بیواترسول‌ها از محل دفن و کانتینرهای جمع‌آوری زباله‌های شهر شاهرود
..... ۴۸	بررسی میزان دریافت کارتنوئیدها توسط افراد ۷۰- ۵۰ سال شهر سبزوار در سال ۸۶- ۸۵
..... ۴۹	بررسی میزان شیوع سوء مصرف و وابستگی به مواد در بیماران سرطانی مراجعه‌کننده به معاونت غذا و داروی دانشگاه علوم پزشکی مازندران در سال ۱۳۸۷
..... ۵۰	بررسی شیوع دیسگلاسمی و عوامل مرتبط در بیماران مشکوک به سندرم حاد کرونری از نیمه دوم ۱۳۸۴ لغایت پایان نیمه اول ۸۵: مراجعه‌کننده به بیمارستان‌های وابسته به دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد
..... ۵۱	بررسی میزان شیوع واریس اندام تحتانی در پرستاران و بهیاران شاغل در بیمارستانهای سبزوار در سال ۱۳۸۶
..... ۵۲	نرم‌افزار دیکشنری واژه‌های مخفف علوم پزشکی
..... ۵۳	مهارت دانشجویان پرستاری در انجام رویه‌های بالینی پرستاری با تغذیه از طریق لوله بینی- معده
..... ۵۴	تأثیر کاهش وزن بر میزان ماهیچه و چربی بدن در بیماران مراجعه‌کننده به کلینیک‌های سرپایی تغذیه بیمارستان‌های آموزشی امام رضا (ع) و قائم (عج)
..... ۵۵	مقایسه اسپری بینی بکلومتازون و اسپری بینی فلوتیکازون در بهبود علائم بیماران مبتلا به رینوسینوزیت آلرژیک در بیماران مراجعه‌کننده به درمانگاه گوش و حلق و بینی بیمارستان خاتم الانبیاء زاهدان
..... ۵۶	بررسی میزان رضایت کارآموزان و کارورزان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان از ارزشیابی مهارت‌های بالینی با استفاده از آزمون بالینی با ساختار عینی (OSCE) به‌عنوان یک رویکرد نوین آموزشی
..... ۵۷	مقایسه تغییرات همودینامیک قبل و بعد الکترو شوک درمانی در بیماران مراجعه‌کننده به بخش اعصاب و روان
..... ۵۸	بررسی شیوع میگرن و سردرد تشیی و همبسته‌های آن در پرستاران و ماماها شاغل در دانشگاه علوم پزشکی شاهرود
..... ۵۹	Immunohistochemical expression of vascular endothelial growth factor (VEGF) in gastric adenocarcinoma; correlation with clinicopathological variables
..... ۶۰	Clinicopathological features and genotypes distribution in patients with Chronic Hepatitis C in northeastern of Iran
..... ۶۱	Women experiences of psychological changes during menopause
پوستر	
..... ۶۲	بررسی عوامل مؤثر بر مشتری‌مداری در دانشگاه علوم پزشکی شاهرود: ۱۳۸۷
..... ۶۳	بررسی آگاهی نیروهای بهداشتی شهرستان شاهرود در زمینه مفاهیم سلامتی
..... ۶۴	بررسی میزان فلزات سنگین سرب و روی در آب‌های سطحی و زیرزمینی اطراف کارخانه سرب روی استان زنجان
..... ۶۵	بررسی میزان آگاهی، نگرش و عملکرد آرایشگران (مرد-زن) سبزوار نسبت به بیماری هپاتیت B در سال ۸۷
..... ۶۶	بررسی میزان فلونور موجود در منابع آب آشامیدنی شهری و روستایی شهرستان سبزوار، طی سال‌های ۱۳۸۲- ۱۳۸۶
..... ۶۷	بررسی اپیدمیولوژیک کمردرد در پرستاران بیمارستان فاطمیه شاهرود ۱۳۸۷
..... ۶۸	بررسی وضعیت سلامت روانی و عوامل مرتبط با آن در دانشجویان علوم پزشکی گناباد
..... ۶۹	بررسی تأثیر آموزش بر آگاهی زنان بالای ۳۰ سال درباره بیماری دیابت
..... ۷۰	بررسی ناراحتیهای اسکلتی عضلانی در کاربران کامپیوتر ۱۳۸۷
..... ۷۱	چگونه یک پرستار به‌عنوان رگ‌گیر ماهر شناخته میشود
..... ۷۲	آگاهی نگرش و عملکرد پرستاران در مراقبت از بیمار رو به مرگ در بیمارستان‌های وابسته به دانشگاه علوم پزشکی بیرجند در سال ۱۳۸۸
..... ۷۳	بررسی شیوع مصرف خود سرانه دارو و علل آن در سالمندان شهر گناباد ۱۳۸۷
..... ۷۴	بررسی تصویر جسمی اعضای هیأت علمی و کارکنان دانشکده‌های دانشگاه علوم پزشکی گلستان
..... ۷۵	ارزیابی تأثیر آموزش تغذیه مناسب بر شاخص توده‌های بدن و آلبومین سرم بیماران تحت همودیالیز بستری در بیمارستان ۱۳۸۶
..... ۷۶	بررسی موفقیت یک رژیم کم کالری در بیماران مراجعه‌کننده به کلینیک‌های سرپایی تغذیه بیمارستان‌های آموزشی امام رضا (ع) و قائم (عج) مشهد
..... ۷۷	
..... ۷۸	





۷۵. مقایسه ویژگی‌های فیزیکی و شیمیایی و میکروبی پنیرهای عرضه شده در شهرستان شاهرود با استاندارد ملی در سال ۱۳۸۷
۸۰. بررسی برخی از ویژگی‌های شیمیایی نمک‌های طعام مصرفی و مقایسه آن با استاندارد در شهرستان شاهرود (زمستان ۱۳۸۷)
۸۱. بررسی ویژگی‌های میکروبی فرآورده‌های گوشتی عرضه شده در شهرستان شاهرود بر اساس استاندارد ملی در سال ۱۳۸۷
۸۲. بررسی الگوی غذایی دانش‌آموزان نوجوان (۱۲-۱۸ ساله) شهر سبزوار و مقایسه آن با هرم غذایی استاندارد در سال ۱۳۸۶
۸۳. بررسی میزان آهن آرد سبوس گرفته مصرفی در سطح در شهرستان شاهرود (شش ماه اول ۱۳۸۸)
۸۴. بررسی میزان آگاهی دانشجویان دختر دانشگاه علوم پزشکی شاهرود در خصوص آنفلوآنزای نوع A
۸۵. موانع و محرک‌های مراجعه زنان برای آزمون‌های تشخیصی سرطان‌های شایع در زنان در شهر بیرجند در سال ۱۳۸۶
۸۶. بررسی برخی عوامل مؤثر بر انتخاب نوع تغذیه شیرخواران منطقه ترکمنشین آق‌قلا
۸۷. معرفی یک مورد شیرخوار مبتلا به نیمن بیک
- مقایسه دو شیوه آموزشی بحث گروهی و آموزش چهره به چهره روش‌های پیشگیری از بارداری بر آگاهی، نگرش و عملکرد زنان مراجعه‌کننده به مراکز منتخب بهداشتی درمانی شهر زاهدان سال ۱۳۸۶
۸۸. بررسی مورد-شاهدی مشخصات دموگرافیک در زوج‌هایی که روش وازکتومی را برگزیدند در مقایسه با انتخاب‌کنندگان سایر روش‌های پیشگیری در شهر شاهرود طی سال‌های ۱۳۸۴-۱۳۸۷
۸۹. بررسی دیدگاه‌های دانشجویان مامایی در خصوص آموزش مهارت‌های بالینی در طول دوره تحصیل
۹۰. بررسی مشکلات حرفه‌ای ماماها شاغل در شهرستان سبزوار در سال ۱۳۸۶
۹۱. بررسی آگاهی (دیداری و شنیداری) و نگرش دانشجویان آموزش عالی علمی-کاربردی جهاد دانشگاهی تهران نسبت به اکستازی
۹۲. بررسی سلامت روان دانشجویان ورودی جدید دانشگاه غیرانتفاعی شاهرود
۹۳. بررسی سلامت روانی-اجتماعی و عوامل مرتبط با آن در بیماران ۱۵ تا ۲۴ ساله مبتلا به بتا تالاسمی ماژور مراجعه‌کننده به بیمارستان علی ابن ابیطالب (ع) زاهدان در سال ۱۳۸۸
۹۴. مقایسه اثر بکلوفن و دکسترومتروفان در درمان سرفه
۹۵. بررسی دیدگاه‌ها و عقاید دانشجویان علوم پزشکی شهر شاهرود نسبت به ازدواج خویشاوندی در سال ۱۳۸۸
۹۶. بررسی آلودگی میکروبی صابون مایع مصرفی در هفت بیمارستان شهر مشهد در سال ۱۳۸۶
۹۷. بررسی شیوع افسردگی و عوامل مرتبط با آن در بیماران با نارسایی کلیوی تحت درمان با همودیالیز مزمن مراجعه‌کننده به بیمارستان امام رضا (ع) شهر آمل
۹۸. درمان‌های خانگی و طب سنتی مردم روستای بنهنگ (تربت حیدریه)
۹۹. بررسی اپیدمیولوژیک موارد حیوان‌گزیدگی در شهرستان شاهرود
- بررسی مقایسه‌ای شیوع تهوع و استفراغ پس از عمل جراحی هیستروکتومی به روش انجام بیهوشی عمومی با دو رژیم دارویی متفاوت
۱۰۰. تعیین فراوانی اختلالات ناشی از گرما در گروهی از کشاورزان منطقه شمال
- بررسی آگاهی از برنامه خود مراقبتی در بیماران مبتلا به بیماریهای عروق کرونر بستری در بخش قلب بیمارستان واسعی سبزوار
- بررسی بهداشت روانی و ارتباط آن با کیفیت زندگی در معن‌دین مراجعه‌کننده به مراکز ترک اعتیاد استان گلستان در سال ۱۳۸۸
۱۰۱. بررسی زمان انتظار بیماران برای دریافت خدمات در بخش اورژانس بیمارستان امیرالمؤمنین علی (ع) زابل در اسفند ۱۳۸۷
۱۰۲. بررسی میزان رضایت زنان باردار از ارایه مراقبت‌های بهداشتی و عوامل مرتبط با آن در مراکز بهداشتی و درمانی شهر زاهدان سال ۱۳۸۸
۱۰۳. بررسی میزان آگاهی و عوامل مرتبط با مصرف داروهای نیروزا در ورزشکاران پرورش اندام زاهدان در سال ۱۳۸۶
۱۰۴. بررسی تغییرات فصلی بر شیوع پره‌اکلامپسی طی پنج سال اخیر در بیمارستان‌های آموزشی مشهد
۱۰۵. بررسی نوع و میزان روغن مصرفی خانوارهای شهر گناباد و تبیین نیازهای آموزشی آن بر اساس مدل اعتقاد بهداشتی ۱۳۸۸
۱۰۶. ارزیابی تغذیه‌ای بیماران با انفارکتوس قلبی در بخش قلب بیمارستان قائم مشهد
۱۰۷. آگاهی و نگرش و عملکرد تغذیه‌ای خانوارهای ایرانی طی ۲۰ سال اخیر
۱۰۸. بررسی میزان و نحوه مشارکت مردان در مراقبت از زنان باردار در بیمارستانهای شهرستان شاهرود





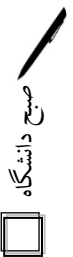
۱۱۳. بررسی وضعیت کلرژنی منابع آب شرب روستاهای منطقه پشت بسطام شهرستان شاهرود در سال ۱۳۸۸
۱۱۴. بررسی میزان آگاهی دانش آموزان دبیرستان‌های شهر درگز از بیماری ایدز و راه‌های انتقال و پیشگیری از آن
۱۱۵. بررسی میزان عوارض جانبی ناشی از واکسن MMR (ساخت ایران) در کودکان تحت پوشش مراکز و پایگاه‌های بهداشتی شهر الوند شهرستان البرز در تابستان ۱۳۸۷
۱۱۶. بررسی شیوع اختلالات جسمی و روانی در معنادران مراجعه‌کننده به مرکز درمان سوء مصرف مواد (Maintenance Methadon Therapy) حیات سمنان در سال‌های ۸۸-۱۳۸۷
۱۱۷. مقایسه اختلالات روانی در والدین کودکان عقیم‌انده ذهنی و والدین کودکان عادی در یزد در سال ۱۳۸۷
۱۱۸. بررسی سلامت عمومی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی ارتش در سال ۱۳۸۸
۱۱۹. بررسی میزان رضایت‌مندی بیماران از خدمات ارائه شده در بیمارستان امام حسین (ع) شاهرود و عوامل مؤثر بر آن
۱۲۰. بررسی یافته‌های غیر طبیعی اکوکاردیوگرافی بیماران مبتلا به آنژین صدری مراجعه‌کننده به بخش قلب بیمارستان امام حسین (ع) شاهرود
۱۲۱. Microvascular density (MVD) in gastric adenocarcinoma and its relationship with clinicopathological characteristics
۱۲۲. The relationship between knowledge of ergonomic science and occupational injuries among nursing staff
۱۲۳. Quality of life issues for Bandar Abbas medical student with acne vulgaris in ۲۰۰۷
۱۲۴. Maternal smoking and pregnancy outcomes: A meta-analysis
۱۲۵. Prevalence of anxiety in Hormozgan university medical sciences students ۲۰۰۸_۲۰۰۷





پنجمین سمینار کمیته‌های تحقیقات دانشجویی شرق کشور و نهمین سمینار دانش و تندرستی

پنجمین سمینار کمیته‌های تحقیقات دانشجویی شرق کشور و نهمین سمینار دانش و تندرستی



پنجمین سمینار کمیته های تحقیقات دانشجویی شرق کشور

و
نهمین همایش کشوری دانش و تندرستی

شهرانی

شاهرود

بجنورد

مشهد

سیزوار

گناباد

زابل

زاهدان

۱۹ و ۲۰ آذرماه ۱۳۸۸


۱۳۸۸ / ۷ / ۲۵

آخرین مهلت ارسال مقالات ۱۳۸۸ / ۷ / ۲۵
موضوع مقالات : کلیه عناوین مرتبط با سلامت

www.shmu.ac.ir

پدیرش مقالات از طریق سامانه الکترونیکی دانشگاه به نشانی: www.shmu.ac.ir
نشانی: شاهرود / میدان هفتم تیر / ساختمان مرکزی دانشگاه علوم پزشکی شاهرود
(معاونت آموزشی ، پژوهشی ، دبیرخانه نهمین سمینار دانش و تندرستی)
تلفن: ۵۴۰ ۵۰۳۳۳ داخلی ۲۲۹ و ۲۳۰ / شماره: ۴۸۰۰۰ (۰۲۲۷۳۳)

برگزارکنندگان:

معاونت آموزشی ، پژوهشی ،  کمیته تحقیقات دانشجویی
روابط عمومی دانشگاه علوم پزشکی شاهرود







بررسی فراوانی بیماری‌های مختلف در کارگران راه آهن

پرویز فندهاری^۱، دکتر محمدطاهر اخیانی^۲، ناهید داور دوست^۳، محمود مسعودی^۴، فریده صادقیان^۵

۱- دانشجوی بهداشت حرفه‌ای- دانشگاه علوم پزشکی شاهرود- کمیته تحقیقات دانشجویی. ۲- پزشک عمومی. ۳- مربی بهداشت خانواده- دانشگاه علوم پزشکی شاهرود. ۴- کارشناس بهداشت حرفه‌ای- دانشگاه علوم پزشکی شاهرود. ۵- عضو هیأت علمی بهداشت حرفه‌ای- دانشگاه علوم پزشکی شاهرود.

چکیده

مقدمه: کارکنان راه آهن نیز مانند بسیاری مشاغل علاوه بر محیط زندگی در معرض خطر عوامل زیان آور محیط کار بیماری‌ها و حوادث قرار دارند که کاهش تولید و افزایش هزینه‌های پزشکی را به دنبال دارد. هدف از این مطالعه تعیین فراوانی بیماری‌های مختلف در این کارکنان است تا با اطلاع از آن در جهت پیشگیری اقدام شود.

مواد و روش‌ها: نوع مطالعه توصیفی تحلیلی بوده جامعه مورد مطالعه ۴۹۴ نفر همه کارکنان فنی شامل لکوموتوران، سوزن بان، تعمیرات، کنترل ترافیک و یک منطقه از راه آهن می‌باشند. روش جمع‌آوری اطلاعات فرم معاینات دوره‌ای کارگران بوده که به صورت مصاحبه و معاینه توسط پزشک و آزمایشات پاراکلینیکی تکمیل گردید. تجزیه و تحلیل اطلاعات با استفاده از نرم‌افزار SPSS انجام گرفت.

یافته‌ها: یافته‌ها نشان داد کارکنان با میانگین سن $39/3 \pm 8/9$ ، سابقه کار $15/5 \pm 8/8$ در مطالعه شرکت کردند. همه افراد به صورت شیفته ۲۴ ساعت کار و ۴۸ ساعت استراحت کار می‌کردند. بالاترین فراوانی بیماری مربوط به افت شنوایی (۳۸٪) سپس کاهش بینایی (۳۰٪)، افزایش چربی خون (۲۷٪) مشکلات اسکلتی عضلانی (۱۷٪) و مشکلات روانی (۱۲٪) به دست آمد.

نتیجه‌گیری: با توجه به نتایج حاصله فراوانی بیماری‌ها در کارکنان راه آهن بالاست. برای پیشگیری پیگیری نتایج معاینات دوره‌ای، تغییر شغل بعضی کارکنان، آموزش موازین بهداشت و ایمنی توصیه می‌گردد.
واژگان کلیدی: کارگران راه آهن، بیماری، سلامتی.





ارتباط سبک زندگی با سلامت عمومی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی گناباد

منصوره رنجبر^۱، آیدا نقیبی، مهناز بهرامی، سارا لقمانیان، محمود شمشیری

۱- دانشجوی کارشناسی پرستاری- دانشگاه علوم پزشکی گناباد.

چکیده

مقدمه: سلامت روانی، یکی از مهم‌ترین ابعاد سلامت عمومی هر فردی محسوب می‌شود. هرگونه اختلال در سلامت روان می‌تواند سایر ابعاد انسان را متأثر سازد. دانشجویان گروه‌های مختلف علوم پزشکی در آینده عهده‌دار سلامت جامعه خواهند بود؛ بنابراین شناخت وضعیت سلامت روانی و عوامل مرتبط با آن ضروری به نظر می‌رسد. پژوهش حاضر با هدف بررسی وضعیت سلامت روانی و عوامل مرتبط با آن انجام گردید.

مواد و روش‌ها: مطالعه از نوع همبستگی می‌باشد. جامعه پژوهش را کلیه دانشجویان اشتغال به تحصیل دانشگاه علوم پزشکی گناباد تشکیل دادند. نمونه پژوهش شامل ۲۰۰ نفر از دانشجویان علوم پزشکی گناباد شامل ۱۵۰ دختر و ۵۰ پسر بودند که به روش تصادفی انتخاب شدند. نمونه‌ها از رشته‌های پرستاری (۴۰٪)، مامایی (۲۰٪)، بهداشت عمومی و حرفه‌ای (۲۰٪)، اتاق عمل و هوشبری (۱۰٪) و فوریت‌های پزشکی (۱۰٪) انتخاب شدند. اطلاعات با استفاده از پرسش‌نامه GHQ-۲۸ در مورد سلامت عمومی و سبک زندگی جمع‌آوری شد. داده‌های به‌دست آمده وارد نرم‌افزار SPSS نسخه ۱۷ شد و با استفاده از آمار توصیفی (فراوانی، میانگین، انحراف معیار و...) و آزمون‌های آماری کای اسکور، آنالیز واریانس یک طرفه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: بر اساس نتایج آزمون کای دو، سلامت عمومی با ورزش ($P=۰/۰۰۱$)، تغذیه ($P=۰/۰۰۱$)، سیگارکشیدن ($P=۰/۰۲۷$)، رعایت اصول ایمنی ($P=۰/۰۰۱$)، کنترل استرس ($P=۰/۰۰۱$) و جنس دانشجویان ارتباط معنی‌دار و با سن، دانشکده محل تحصیل وضعیت سکونت ارتباط نداشت. سلامت عمومی با ابعاد سبک زندگی ارتباط معنی‌دار ضعیفی داشت.

نتیجه‌گیری: یافته‌های پژوهش نشان داد که دانشجویان در زمینه ورزش و وضعیت نامطلوبی داشتند. جهت ارتقاء فعالیت ورزش دانشجویان فراهم نمودن امکانات ورزشی مناسب در محیط دانشگاه هم‌چنین تشویق دانشجویان به منظور استفاده از این امکانات ورزشی در جهت ارتقاء سبک زندگی و سلامت عمومی توصیه می‌شود.

واژگان کلیدی: سبک زندگی، سلامت عمومی، دانشجویان علوم پزشکی.



ارزیابی ریسک ارگونومی ناشی از استرس پوسچرال به روش RULA در کارگران ایستگاه‌های مونتاز صندلی و تزئینات داخلی شرکت مهر کام پارس ایران خودرو و بررسی عوارض اسکلتی-عضلانی کارگران مونتاز در سال ۱۳۸۷

رسول توکلی^۱، ابراهیم عظیمی^۲، شهرام وثوق^۳، مهدی اکبرزاده^۴، پروین خوشه مهری^۵

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد سم شناسی- دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی. ۲- دانشجوی کارشناسی بهداشت عمومی- دانشگاه علوم پزشکی تهران. ۳- عضو هیأت علمی دانشکده سلامت، ابمنی- محیط زیست- دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی. ۴- دکترای آمر- دانشگاه آزاد اسلامی. ۵- عضو هیأت علمی- دانشگاه علوم پزشکی تهران.

چکیده

مقدمه: طی شکایاتی که از طرف کارگران ایستگاه مونتاز قطعات تزئینات داخلی و صندلی خودرو صورت گرفت و هم‌چنین شیوع بیماری‌های اسکلتی-عضلانی و بیماری‌های دیگر در بین کارگران، بر آن شدیم تا اپراتورهای ایستگاه‌های مونتاز را مورد بررسی بیش‌تر قرار داده و برای رفع مشکلات آن‌ها راهکارهایی را ارائه نماییم.

مواد و روش‌ها: در این مطالعه با تصویربرداری درحین فعالیت، وضعیت‌های حساس بدنی ۶۲ کارگر با استفاده از روش RULA بررسی و سه مرحله‌ی ثبت وضعیت انجام کار، سیستم امتیازدهی و مشخص کردن سطوح اقدامات انجام شد. برای تشخیص اینکه آیا روش اجرایی در خصوص ارزیابی پوسچر مناسب است یا خیر از جدول استاندارد Plibel استفاده شد. برای بررسی ناراحتی‌های اسکلتی-عضلانی تمامی کارگران از پرسش‌نامه نوردیک و Body map استفاده شد و برای ارتباط میان وضعیت بدنی و نتایج پرسش‌نامه از نرم‌افزار SPSS استفاده شد. هم‌چنین جهت دستیابی به خطای صفر در امتیازدهی از نرم‌افزار استاندارد رولا استفاده گردید.

یافته‌ها: پس از بررسی ۶۰ ایستگاه و ارزیابی ۹۰ نفر از کارکنان خط مونتاز تزئینات داخلی و صندلی خودرو و تصویربرداری و ارزیابی پوسچر مشخص شد که تعداد ۲۸ کارگر مونتاز رتبه‌ی زیر ۵ را کسب کرده‌اند و هم‌چنین ۶۲ کارگر شاغل در خطوط مونتاز به‌دلیل اینکه رتبه‌ی ۵ و بالاتر را اخذ کرده‌اند مورد بررسی دقیق قرار گرفتند. ضمناً امتیاز پوسچرهای افراد بعد از قرارگیری در وضعیت پیشنهادی نیز بررسی شد. نتایج حاصل از پرسش‌نامه نوردیک نشان داد که در ایستگاه مونتاز تزئینات داخلی کارگران از ناراحتی‌های کمر، زانو، قوزک پا، پشت و گردن رنج می‌برند و در ایستگاه‌های مونتاز صندلی نیز کارگران از ناراحتی‌های اسکلتی-عضلانی در مچ دست راست، پشت زانو، گردن شکایت دارند.

نتیجه‌گیری: نتایج حاصل از پرسش‌نامه نوردیک و ارزیابی پوسچر کارگران خطوط مونتاز نشان داد که رابطه‌ی بسیار نزدیکی بین نوع اختلال و عضو درگیر در فعالیت وجود دارد. پس از بررسی‌های امتیازات اخذ شده در هر وضعیت با ارزیابی اقدام اصلاحی درصدد رفع عوارض اسکلتی-عضلانی برآمدیم که برخی از این راهکارها عبارتند از: تغییر وضعیت کاری، بهبود شرایط محیط کار، طراحی ابزار برای استفاده‌ی کارگران، تنظیم سرعت خط، طراحی صندلی مناسب، انتخاب افراد بر اساس خصوصیات آنتروپومتری، چرخشی کردن کار...

واژگان کلیدی: اختلالات اسکلتی-عضلانی، پوسچر، روش RULA





بررسی اثر ضد درد عصاره آبی گیاه نعنای در موش صحرایی نر با استفاده از

تست فرمالین

دکتر غلامرضا کمیلی^۱، الهه جعفری^۲، فرامرز ملک رئیسی نوشیروان^۲، محمد جهانگیری نژاد^۲

۱- دانشگاه علوم پزشکی زاهدان. ۲- دانشجوی پزشکی- دانشگاه علوم پزشکی زاهدان- کمیته تحقیقات دانشجویی.

چکیده

مقدمه: درد یک شکایت شایع بوده و یکی از شایع‌ترین علل مراجعه بیماران به کلینیک‌های پزشکی است. استفاده از گیاهان دارویی در تسکین درد از زمان‌های قدیم متداول بوده و حتی رو به افزایش است. هدف از انجام این مطالعه ارزیابی اثر ضد درد عصاره آبی نعنای (*mentha spicata*) در موش‌های صحرایی نر است.

مواد و روش‌ها: در این مطالعه تجربی، تعداد ۴۰ موش صحرایی نر Wistar-Albino ۸ تا ۱۲ هفته و با وزن 200 ± 50 گرم را مورد مطالعه قرار گرفتند. حیوانات به‌طور تصادفی، به ۵ گروه تقسیم شدند و در شرایط مشابه نگهداری می‌شدند. در گروه‌های آزمایش (سه گروه) عصاره آبی نعنای (متنا اسپیکاتا) با دوزهای متفاوت شامل ۵۰، ۱۰۰ و ۲۰۰ mg/kg به‌صورت تزریق شد. گروه کنترل مثبت داروی دیکلوفناک را با دوز ۱۰۰ mg/kg دریافت کرد، و در گروه کنترل منفی تنها نرمال سالین تزریق شد. تزریق دارو در تمام گروه‌ها، به‌صورت داخل صفاقی و ۱۵ دقیقه قبل از انجام تست فرمالین بود (۰/۵ mL به ازای هر حیوان). سپس، ۵۰ μ L محلول فرمالین ۲/۵ درصد به‌صورت زیر جلدی در کف پای راست موش‌ها تزریق شد. بعد از تزریق فرمالین به مدت ۳۰ دقیقه، رفتار موش‌ها و اثر ضد درد دارو با استفاده از روش امتیازدهی ارزیابی شد.

یافته‌ها: در دوره حاد درد (۵ دقیقه اول پس از تزریق) بیشترین اثر ضد درد وابسته به دوز عصاره آبی نعنای مشاهده شد، و بیش‌ترین اثر ضد درد در این مدت به ترتیب در دوزهای ۱۰۰ mg/kg و ۵۰ mg/kg وجود داشت ($P < 0/05$). در حالی که در طول دوره درد مزمن (۲۵ دقیقه دوم پس از تزریق) با افزایش دوز، تأثیر ضد درد بیش‌تری مشاهده نشد ($P > 0/05$) و بیش‌ترین اثر ضد درد را دوز ۵۰ mg/kg عصاره داشت. هم‌چنین، تنها اثرات ضد درد دوزهای ۵۰ mg/kg و ۱۰۰ mg/kg عصاره آبی نعنای از دیکلوفناک (۱۰۰ mg/kg) بیش‌تر بود ($P < 0/05$).

نتیجه‌گیری: بر اساس آنالیز نتایج مطالعه ما، عصاره آبی نعنای تنها در دوره حاد درد اثرت ضد درد قابل توجهی داشت. هم‌چنین عصاره آبی نعنای دارای اثرات ضد درد بیش‌تری نسبت به داروی رایج دیکلوفناک بود. البته جهت بررسی عوامل فیزیولوژیک مؤثر روی تأثیر ضد درد این عصاره گیاهی و نیز عوارض جانبی آن در انسان، اجرای تحقیقات کارآزمایی بالینی بیش‌تری پیشنهاد می‌گردد.

واژگان کلیدی: نعنای، عصاره آبی، اثر ضد درد، موش صحرایی نر.



بررسی میزان آگاهی و عملکرد والدین از کیف استاندارد و درصد استفاده از آن توسط دانش‌آموزان مدارس ابتدایی مناطق سه گانه‌ی شهر سبزوار

غفور همایی^۱، محمدعلی یعقوبی‌فر^۲، آرش اکبری^۳

۱- دانشجوی کاردانی بهداشت مبارزه- دانشگاه علوم پزشکی سبزوار، ۲- عضو هیات علمی گروه بهداشت- دانشگاه علوم پزشکی سبزوار، ۳- عضو هیات علمی گروه بهداشت- دانشگاه علوم پزشکی سبزوار.

چکیده

مقدمه: یکی از مسایلی که سلامت جسمانی افراد را در سنین بالا به خطر می‌اندازد، استفاده از کیف‌های غیر استاندارد در مقطع ابتدایی تحصیل می‌باشد. بنابر عقیده‌ی کارشناسان خستگی و عوارض ناشی از استفاده این گونه وسایل به مراتب نگران‌کننده‌تر از مردودی دانش‌آموزان خواهد بود. لذا، این مطالعه با هدف تعیین آگاهی و عملکرد والدین از کیف استاندارد در شهر سبزوار انجام شد.

مواد و روش‌ها: پژوهش حاضر یک مطالعه‌ی توصیفی است. جامعه‌ی پژوهش آن را دانش‌آموزان مقطع ابتدایی شهر سبزوار تشکیل می‌دهند، آموزش و پرورش سبزوار به سه منطقه، تقسیم می‌شود؛ با توجه به این امر روش نمونه‌گیری خوشه‌ای و حجم نمونه ۴۰۰ نفر برآورد شد. جهت تعیین روایی و پایایی مطالعه ابتدا مطالعه‌ی مقدماتی به تعداد تکمیل ۳۰ پرسش‌نامه صورت گرفت و جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار SPSS استفاده شد.

یافته‌ها: از مجموع ۳۹۷ نفر پاسخ‌دهنده به پرسش‌نامه ۱۷٪ والدین آگاهی بسیار خوب و ۳۷/۹٪ آنان آگاهی متوسط از کیف استاندارد داشتند. در میان آن‌ها تنها ۲۹/۵٪ از عوارض کیف غیر استاندارد مطلع بودند. در ارتباط با نوع عملکرد ۷۷/۵٪ والدین هنگام خرید به طرح و مدل کیف تا استاندارد بودن آن توجه دارند. هم‌چنین مشخص شده که درصد ناچیزی از دانش‌آموزان از کیف استاندارد استفاده می‌کنند.

نتیجه‌گیری: اکثر والدین آگاهی مطلوب در زمینه‌ی مشخصات کیف استاندارد نداشته و هنگام خرید نیز کم‌تر به خصوصیات کیف استاندارد توجه می‌کنند.

واژگان کلیدی: کیف استاندارد، آگاهی، عملکرد.





بررسی مشکلات سلامتی سالمندان در شاهرود ۱۳۸۷

قدرت عزتی^۱، مرضیه هاشمی^۲، رضا چمن^۳، فریده صادقیان^۴

۱- دانشجوی بهداشت حرفه‌ای- دانشگاه علوم پزشکی شاهرود- کمیته تحقیقات دانشجویی. ۲- کارشناس بهداشت عمومی- دانشگاه علوم پزشکی شاهرود. ۳- عضو هیأت علمی و اپیدمیولوژیست - دانشگاه علوم پزشکی شاهرود. ۴- عضو هیأت علمی بهداشت حرفه‌ای- دانشگاه علوم پزشکی شاهرود.

چکیده

مقدمه: در عصر حاضر جوامع مختلف به مدد توسعه نظام سلامت و توسعه اجتماعی اقتصادی و فرهنگی به میانگین سنی بالاتری دست پیدا می‌کنند و امید به زندگی بیش‌تری را برای شهروندان خود به ارمغان می‌آورند. در ایران نیز امید به زندگی از کمی بیش از ۵۰ سال از سال ۵۶ به رقمی بالاتر از ۷۵ سال در سال‌های اخیر رسیده است. این اطلاعات یادآوری می‌کند که جوامع مختلف امکان تجربه سال‌های سالمندی را برای آحاد مردم خود فراهم می‌کنند. اما باید توجه داشت که بر اثر تحلیل رفتن قوای جسمانی و ذهنی شاید هیچ دوره‌ای از زندگی مانند سال‌خوردگی پر مساله و نگران‌کننده نباشد و متناسب با آن، نظام‌های سلامت نیز باید خود را برای مدیریت مشکلات سال‌های سالمندی آماده نمایند. هدف از این مطالعه بررسی وضعیت سلامتی سالمندان در شهر شاهرود می‌باشد.

مواد و روش‌ها: این مطالعه از نوع مقطعی می‌باشد که بر روی ۱۰۴۶ نفر از سالمندان ۶۹-۶۰ ساله شهری و روستایی شاهرود انجام شد روش نمونه‌گیری به‌صورت تصادفی بوده و ابزار جمع‌آوری اطلاعات پرسش‌نامه مشکلات سلامتی سالمندان وزارت متبوع بود که توسط بهورز و کاردان بهداشت خانواده به‌صورت مصاحبه تکمیل گردید. تجزیه و تحلیل اطلاعات با استفاده از نرم‌افزار SPSS انجام گرفت.

یافته‌ها: نتایج حاصله نشان داد که از جامعه مورد مطالعه ۶۱٪ زن، ۵۹/۸٪ شهری، ۶۰٪ بی‌سواد و ۱۳٪ تنها زندگی می‌کردند. از مشکلات بهداشتی سالمندی ۴۴/۷٪ مشکلات خواب، ۲۳٪ مشکلات شنوایی، ۶۲٪ مشکلات بینایی، ۴۵/۲٪ مشکلات پا، ۲۱/۷٪ یبوست، ۴۵/۳٪ اختلال حافظه و ۱۴/۸٪ مشکلات دستگاه ادراری را گزارش کردند. در این مطالعه بین مشکلات خواب، یبوست و اختلال حافظه در سالمندان با زن بودن، هم‌چنین مشکلات شنوایی با شهری بودن ارتباط مثبت معناداری به‌دست آمد ($P < 0/05$).

نتیجه‌گیری: نتایج مطالعه نشان داد مشکلات سلامتی در سالمندان بالاست. توسعه مراقبت‌های نظام یافته به سالمندان توسط مراکز بهداشتی درمانی، آموزش‌های ساده پیشگیری و کنترل بیماری به سالمندان و اعضا خانواده آنان می‌تواند در کاهش مشکلات سلامتی این گروه رو به رشد از جامعه مؤثر باشد.

واژگان کلیدی: سالمندی، مشکلات سلامتی، شاهرود.





بررسی وضعیت سلامت دهان و دندان دانش‌آموزان پایه سوم ابتدایی شهر گناباد در سال ۱۳۸۶

لیلی محمدپور^۱، اکرم نور نعمت شاهی^۱، عصمت السادات حسینی^۱، سیامک محبی^۲، محمد مطلبی^۲، دکتر علی رضائی^۳
۱- دانشجوی پرستاری- دانشگاه علوم پزشکی گناباد. ۲- عضو هیأت علمی- دانشگاه علوم پزشکی گناباد. ۳- دندانپزشک.

چکیده

مقدمه: تحقق سلامتی منوط به توجه و برنامه ریزی در تمامی مؤلفه‌های اثرگذار بر آن است. سلامت دهان و دندان یکی از یازده شعار مهم قرن بیست و یکم شناخته شده و قبلاً نیز یکی از اجزای PHC محسوب می‌شد. DMFT شاخصی ساده، سریع و قابل اعتماد در تعیین سلامت دهان و دندان می‌باشد. پایه سوم ابتدایی از لحاظ رشد دندانی ما بین Deciduous و Permanent قرار دارد و در این دوره دندان‌های مخلوط مشاهده می‌شود که امکان dmft را نیز مقدور می‌سازد. این پژوهش به منظور تعیین وضعیت سلامت دهان و دندان دانش‌آموزان با استفاده از شاخص DMFT در شهر گناباد انجام شد.

مواد و روش‌ها: این مطالعه توصیفی مقطعی بوده و جامعه مورد پژوهش دانش‌آموزان پایه سوم ابتدایی شهر گناباد می‌باشد که به روش سرشماری کلیه دانش‌آموزان این مقطع (۵۲۹ نفر) مورد معاینه و مصاحبه زیر نظر دندانپزشک قرار گرفتند. ابزارهای مورد استفاده شامل چک لیست اندکس DMFT، پرسش‌نامه، آینه یکبار مصرف و سوند مخصوص بود. داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS به کمک آزمون T، ضریب همبستگی و آنالیز واریانس مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

یافته‌ها: از نظر جنسیت ۵۱/۲٪ جامعه مورد پژوهش پسر و ۴۹/۸٪ دختر بودند. ۷۷/۳٪ از مسواک فقط ۸/۳۲٪ از نخ دندان استفاده می‌کردند. dmft دانش‌آموزان مورد پژوهش $1/11 \pm 3/86$ و DMFT $0/22 \pm 0/04$ بدست آمد که اختلاف معنی‌داری را در دو جنس نشان نداد. درصد کودکان عاری از پوسیدگی دندان در این بررسی ۸/۳٪ بود. آنالیز واریانس یک طرفه رابطه معنی‌داری را بین تعداد دفعات مسواک زدن با شاخص مربوطه نشان داد. هم‌چنین تحصیلات والدین و بعد خانوار با DMFT ارتباط معنی‌داری داشتند.

نتیجه‌گیری: نتایج این بررسی نشان داد که وضعیت سلامت دهان و دندان دانش‌آموزان پایه سوم ابتدایی شهر گناباد از الگوی کشوری تبعیت کرده و نسبتاً مطلوب است و CF نیز با شاخص کشوری اختلاف معنی‌داری ندارد ولی از نظر اهداف WHO در حد متوسط قرار دارد.

واژگان کلیدی: بهداشت دهان و دندان، دانش‌آموزان، شاخص DMFT، شاخص CF.





بررسی تأثیر الگوی آموزش بالینی تلفیقی بر نگرش روانی دانشجویان پرستاری نسبت به بیماران در کارآموزی بخش روان

حمید حجتی^۱، رقیه نظری^۲، سیدحمید شریف‌نیا^۱، ربابه عموپور^۲، فاطمه صادقی^۳

۱- عضو هیأت علمی- دانشگاه علوم پزشکی بابل. ۲- دانشگاه علوم پزشکی بابل. ۳- دانشجوی کارشناسی پرستاری- دانشگاه علوم پزشکی بابل-عضو کمیته تحقیقات دانشجویی.

چکیده

مقدمه: نظام آموزشی مجموعه‌ای از برنامه‌ها، روش‌ها و موادی است که به‌صورت سیستماتیک دستیابی به اهداف آموزش را برای یادگیرندگان تسهیل می‌نماید. متأسفانه در سال‌های اخیر خلع بین تئوری و عمل باعث بحران در مراقبت پرستاری شده و همین امر خدمات پرستاری را با انتقاداتی مواجه ساخته است. که شاید بتوان با استفاده از روش‌های یادگیری تلفیقی، امکان دستیابی دانشجویان به اهداف یادگیری را فراهم نمود. این مطالعه نیمه تجربی با هدف بررسی تأثیر الگوی آموزش بالینی تلفیقی بر نگرش روانی دانشجویان پرستاری نسبت به بیماران در کارآموزی بخش روان صورت گرفت.

مواد و روش‌ها: در این پژوهش نیمه تجربی ۸۵ دانشجو به‌صورت دو گروه شاهد و آزمایش در طی یک (برنامه-ریزی ۱۰ روزه در یک واحد کارآموزی روان) که قبل شروع کارورزی نگرش روانی عمومی و اختصاصی آن‌ها سنجیده شده بود تحت آموزش قرار گرفتند. بر اساس این برنامه گروه آزمایش در طی دوره کارآموزی علاوه بر آموزش روتین و بالینی به‌صورت عملی با روش گروه درمانی، بازی درمانی، کاردرمانی آشنا شد. هم‌چنین گروه مداخله به‌صورت اصولی با شیوه مصاحبه و ارتباط با بیمار روانی آشنا شدند. هم‌چنین مباحث تئوری در غالب فیلم-های آموزشی با محتوی روان برای گروه آزمایش به اجرا درآمد. گروه شاهد هم طبق روتین بخش توسط پرسنل فقط کارهای بالینی بیمار را انجام دادند. در انتهای کارآموزی مجدد نگرش روانی هر دو گروه سنجیده شد. توسط آمار توصیفی و استنباطی مورد تجزیه تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: نتایج این پژوهش قبل شروع مطالعه بین نگرش روانی دانشجویان گروه شاهد و آزمایش ارتباط معنی‌داری را نشان نداد. ولی بعد انجام مداخله میانگین نمره نگرش عمومی گروه آزمایش $41/9 \pm 5/7$ به میزان بالا بود که در گروه شاهد با میانگین و انحراف معیار $35/2 + 3/7$ به میزان متوسط بود. که بین نگرش روانی قبل و بعد کارآموزی در دو گروه ارتباط معنی‌داری نشان داده شد ($P=0/001$). هم‌چنین نمره نگرش روانی اختصاصی در گروه آزمایش $26/2 \pm 1/9$ و در گروه شاهد $25/4 \pm 2/7$ بود. که در نگرش روانی اختصاصی در دو گروه تفاوت معنی‌داری نشان داده نشد.

نتیجه‌گیری: از آنجایی فیلد بالینی یک اصل اساسی و غیر قابل جایگزین، در آماده کردن دانشجویان پرستاری برای پذیرش نقش حرفه‌ای آن‌هاست. محیط بالینی می‌تواند نتایج آموزش بالینی دانشجویان را تحت تأثیر قرار دهد. که این امر می‌تواند موجب افزایش علائق، انگیزه و مهارت‌های ارتباط بین فردی، تفکر انتقادی و رشد و توسعه مسائل بالینی شود. لذا با توجه به نتایج این پژوهش می‌توان عنوان نمود. الگوی آموزشی تلفیقی در مقایسه با الگوی آموزشی سنتی بر ارتقای سطح درک و نگرش دانشجویان پرستاری نسبت به بیماران روانی مؤثرتر بوده است.

واژگان کلیدی: آموزش تلفیقی، نگرش روانی، دانشجویان، پرستاری.





بررسی عوامل استرس‌زای محیط بالینی از دیدگاه دانشجویان پرستاری

دانشکده پرستاری و مامایی زاهدان

فتیحه کرمان ساروی^۱، سمانه قربان‌زاده^۲، فاطمه سرحدی^۳

۱- عضو هیأت علمی - دانشگاه علوم پزشکی زاهدان. ۲- دانشجوی پرستاری - دانشگاه علوم پزشکی زاهدان.

چکیده

مقدمه: دانشجویان پرستاری از دوره آموزش بالینی پرستاری به‌عنوان تنش‌زاترین دوره یاد می‌کنند. بسیاری از دانشجویان پرستاری تجربیات بالینی را به‌عنوان عامل ایجادکننده‌ی اضطراب می‌شناسند. یادگیری در محیط بالینی، دانشجویان را با چالش‌هایی مواجه می‌سازد که در کلاس درس وجود ندارند. هدف از این مطالعه تعیین عوامل تنش-زای محیط بالین جهت رفع آن‌ها و دستیابی به سطح مطلوب‌تری از کیفیت آموزش و پیشرفت مؤثر آموزش بالینی می‌باشد.

مواد و روش‌ها: این مطالعه بر روی ۱۳۰ دانشجوی ترم‌های سوم تا هشتم دانشکده پرستاری زاهدان انجام شد، نمونه‌گیری به‌صورت سر شماری بوده و اطلاعات از طریق پرسش‌نامه مشتعل بر ۲۹ سؤال بسته جمع‌آوری شد و داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS تجزیه و تحلیل شد.

یافته‌ها: درخصوص ارتباطات بین فردی ارتباط با مربی (۶۷/۵٪) و سر پرستار (۶۳/۳٪) به‌عنوان بیش‌ترین عوامل استرس‌زای ارتباطی مطرح شد، در امر مراقبت‌های پرستاری، تمیز کردن بیماران بعد از دفع (۷۶/۹٪)، مراقبت از بیماران بدحال (۷۲/۳٪) و دیدن بدن بیمار فوت شده (۵۳/۱٪) بیش‌ترین اقدام استرس‌آمیز برای دانشجویان بوده است. بیشترین احساس ناخوشایند را که دانشجویان در طول کارآموزی تجربه کردند عبارتند از: زجر کشیدن بیماران بد حال، مراقبت نا کافی از جانب پزشک و پرستار بوده است دانشجویان تذکر مربی در حضور پرسنل و پزشکان را به - عنوان یک تجربه تحقیرآمیز مطرح نمودند.

نتیجه‌گیری: برای تسهیل یادگیری دانشجویان و دستیابی به اهداف آموزشی ضرورت دارد تا شرایط استرس‌زای محیط‌های آموزشی تعدیل یافته و روش‌های مقابله با استرس‌های موجود به دانشجویان آموزشی داده شود.

واژگان کلیدی: محیط بالینی، استرس، دانشجو.





بررسی مقایسه‌ای نظرات پرستاران بالینی و دانشجویان پرستاری در خصوص عوامل مؤثر بر آموزش به بیمار در بیمارستان‌های آموزشی زاهدان سال ۱۳۸۷

فاطمه کیانی^۱، کیوان بهدخت^۲

۱- عضو هیأت علمی- دانشگاه علوم پزشکی زاهدان. ۲- دانشجوی پرستاری- دانشگاه علوم پزشکی زاهدان.

چکیده

مقدمه: این مطالعه به منظور مقایسه عوامل اثرگذار بر اجرای آموزش به بیمار از دیدگاه پرستاران و دانشجویان انجام شده است.

مواد و روش‌ها: ۱۵۰ پرستار و ۱۵۰ دانشجوی در مطالعه شرکت داشتند، اطلاعات از طریق پرسش‌نامه تهیه شد و عوامل تأثیرگذار به سه دسته تقسیم شدند.

یافته‌ها: از دیدگاه دانشجویان: موارد مربوط آموزش دهنده برخورداری آموزش دهنده از اطلاعات و دانش کافی ۹۸/۷ درصد. موارد مربوط به آموزش‌گیرنده توانایی بیمار در برقراری ارتباط با آموزش‌دهنده در زمان اجرای آموزش ۸۰ درصد. موارد مربوط به تجهیزات و امکانات به کارگیری نتایج ارزشیابی آموزش برای انجام اصلاحات بعدی ۴۷/۳ درصد.

از دیدگاه پرستاران: موارد مربوط آموزش‌دهنده برخورداری آموزش‌دهنده از اطلاعات و دانش کافی ۹۹/۳ درصد. موارد مربوط به آموزش‌گیرنده توانایی بیمار در برقراری ارتباط با آموزش‌دهنده در زمان اجرای آموزش ۹۲ درصد. موارد مربوط به تجهیزات و امکانات به کارگیری نتایج ارزشیابی آموزش برای انجام اصلاحات بعدی ۶۸ درصد.

نتیجه‌گیری: در این مطالعه عوامل مؤثر بر آموزش به بیمار شناسایی شد، که می‌توان عوامل را به سه گروه مربوط به آموزش‌دهنده، مربوط به آموزش‌گیرنده و مربوط به امکانات و تجهیزات تقسیم کرد. در قسمت مقایسه دیدگاه پرستاران و دانشجویان پرستاری در رابطه با عوامل نتایج بسیار به هم نزدیک بود

واژگان کلیدی: آموزش به بیمار، مقایسه، دیدگاه پرستاران، دیدگاه دانشجویان.





بررسی نتایج آنالیز کمی و کیفی چند آزمون پیشرفت تحصیلی

دکتر لیلا جویباری^۱، دکتر اکرم ثناگو^۱، مریم قنبری گرجی^۲

۱- عضو هیأت علمی - دانشگاه علوم پزشکی گلستان. ۲- دانشجو - دانشگاه علوم پزشکی گلستان.

چکیده

مقدمه: هر آزمونی به‌عنوان ابزار سنجش و اندازه‌گیری می‌باید دارای روایی و پایایی کافی برای سنجش صفت مورد نظر باشد. آزمون‌های چند گزینه‌ای رایج‌ترین انواع آزمون‌ها در آموزش پزشکی می‌باشند که از درجه پایایی بالایی برخوردارند. متأسفانه بسیاری از آزمون‌های معلم ساخته و استاندارد نشده با اشکالات متعددی همراه هستند. هدف از این مطالعه ارزیابی کمی و کیفی گروهی از آزمون‌های چند گزینه‌ای یکی از دانشکده‌های پرستاری و مامایی شمال کشور در سال ۱۳۸۸ بوده است.

مواد و روش‌ها: در این مطالعه کاربردی توصیفی کلیه سؤالات آزمون‌های کتبی چند گزینه‌ای نیمسال تحصیلی دوم ۱۳۸۸ دو گروه پرستاری بهداشت جامعه و کودکان شامل ۱۲ درس و ۵۲۳ سؤال مورد بررسی قرار گرفت. سؤالات از نظر ساختار مطابق چک لیست مبتنی بر اصول ۱۴ گانه میلن برای طراحی ساقه و گزینه‌های سؤال، تاکسونومی بلوم ارزیابی شدند. برای بررسی قدرت تمیز سؤال و دشواری آزمون و سایر شاخص‌های کمی از نرم‌افزار آنالیز آزمون استفاده شد.

یافته‌ها: از ۵۲۳ سؤال مورد بررسی ۹۴/۳ درصد «ساختاری در حد خوب» داشتند. بیش‌ترین اشکالات ساختاری مربوط به «چینش خطی گزینه‌ها (۰/۵۷/۴)»، قرار نداشتن بخش اعظم اطلاعات در ساقه سؤال (۰/۳۲/۷)، کلمات تکراری در گزینه‌ها (۰/۳۲/۱) و همسنگ نبودن گزینه‌ها از نظر طول و ساختار لغوی (۰/۲۹/۸) بوده است. ۹۶/۴ درصد سؤالات در سطح یک «دانش و فهم» قرار داشتند. ۷۹/۸ درصد سؤالات از بایدهای یادگیری بودند. میانگین ضریب دشواری کل آزمون‌ها از ۰/۴۹ تا ۰/۸ متغیر بوده است. در کل ۲۱/۱ درصد سؤالات، مناسب، ۴۳/۷ درصد سؤالات خیلی آسان و ۱۴/۵ سؤالات نیز خیلی سخت بودند. تقریباً تمامی آزمون‌ها از قدرت تمیز کمی «با دامنه قدرت تمیز ۰/۱۴ و بیش‌ترین قدرت تمیز ۰/۳۲» برخوردار بودند. از مجموع ۱۲ درس دو درس قدرت تمیز مطلوب داشتند.

نتیجه‌گیری: بررسی حاضر نشان داد اگرچه آزمون‌های چند گزینه‌ای مورد مطالعه از نظر ساختاری در وضع نسبتاً خوبی قرار داشتند اما از نظر توزیع تاکسونومی، قدرت دشواری، قدرت تمیز نیازمند اتخاذ تدابیر اصلاحی می‌باشند. این تدابیر می‌تواند برگزاری کارگاه‌های آموزشی برای اساتید و نظارت دفتر ارزشیابی مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی دانشگاه بر این امر مهم باشد. بررسی کمی و کیفی آزمون‌های سایر گروه‌های بزرگ آموزشی دانشگاه ضروری می‌باشد.

واژگان کلیدی: پیشرفت تحصیلی، آزمون چند گزینه‌ای، تاکسونومی، اصول میلن، آنالیز کمی، آنالیز کیفی.





بررسی نیازهای آموزشی پرستاران در محاسبه دوز داروها

علی دادگری^۱، لیلا دادور^۲، مریم رضایی^۳، ملیحه میرزایی^۴، پروین نظری^۵، لیلا ناصری^۶

۱- عضو هیأت علمی - دانشگاه علوم پزشکی شاهرود. ۲- کارشناس پرستاری - دانشگاه علوم پزشکی شاهرود. ۳- کارشناس آموزش مداوم پزشکی - دانشگاه علوم پزشکی شاهرود. ۴- دانشجوی مامایی - دانشگاه علوم پزشکی شاهرود - عضو کمیته تحقیقات دانشجویی.

چکیده

مقدمه: در برنامه درسی پرستاری توجه به دارو، تجویز دارو و محاسبه دوز دارو از ضروریات به نظر می‌رسد. با توجه به عدم وجود شواهد کافی در مورد دانش و مهارت پرستاران در کشور ما در مورد محاسبه دوز داروها و لزوم بازنگری برنامه درسی بر اساس نیازهای آموزشی پرستاران، محققین بر آن شدند تا پژوهش حاضر را با هدف تعیین نیازهای آموزشی پرستاران در زمینه محاسبه دوز داروهای مختلف اعم از خوراکی، تزریقی، تعیین غلظت داروها و انفوزیون سرم‌ها انجام دهند.

مواد و روش‌ها: برای انجام این پژوهش پس از فراخوان عمومی در وب سایت رسمی دانشگاه علوم پزشکی شاهرود و نصب اطلاعیه در برد بخش‌ها از میان ۲۲۰ پرستاری که به فراخوان پاسخ داده بودند، ۱۹۶ پرستار انتخاب شدند و با استفاده از دو آزمون کتبی و آزمون عملی به روش OSCE (Objective Structure clinical examination) مورد ارزیابی از نظر دانش و مهارت محاسبه دوز داروها قرار گرفتند. آزمون OSCE در محیط بالینی بیمارستان واحدهای مورد پژوهش انجام شد.

یافته‌ها: بر اساس نتایج به دست آمده، پرستاران مورد بررسی دارای دانش قابل قبول در مورد محاسبه دوز داروهای خوراکی بودند (۱۶/۸ ۲/۴). در حالی که از مهارت متوسط در مورد محاسبه دوز داروهای خوراکی برخوردار بودند. سایر نتایج این پژوهش نشان داد که دانش پرستاران شرکت‌کننده در پژوهش در مورد دوز داروهای تزریقی (۳/۶) (عضلانی، وریدی) داروهای حل‌کردنی (۸/۵ ۳/۴)، تعیین غلظت داروها (۱۰/۱ ۱/۴) و تعیین سرعت و مدت انفوزیون سرم‌ها (۱۳/۴ ۳/۳) متوسط بود و در عین حال از مهارت بالینی اندک تمامی موارد فوق‌الذکر برخوردار بودند.

نتیجه‌گیری: بر اساس یافته‌های پژوهش می‌توان چنین استدلال نمود که برنامه درسی حاضر در رشته پرستاری در درس داروشناسی جوابگوی نیازهای بالینی پرستاران در مورد محاسبه دوز داروها نمی‌باشد و با توجه به مدون نبودن برنامه در مورد این هدف آموزشی به بروز مشکل کمک بیش‌تری نموده است. چنان‌که پرستاران میزان ساعات مختلف از ۲ تا ۱۶ ساعت را و در دروس مختلف شامل فن پرستاری، داروشناسی و سایر دروس تخصصی به‌عنوان منبع دانش داروشناسی خود ذکر کردند. پیشنهاد می‌گردد موضوع کاربرد داروها بر بالین بیماران و به‌ویژه بحث محاسبه دوز داروها در بازنگری برنامه درسی پرستاری مورد توجه عمیق‌تری قرار گرفته و به‌صورت مدون طراحی و اجرا گردد.

واژگان کلیدی: دوز داروها، پرستاری، برنامه درسی پرستاری، داروشناسی پرستاری.



بررسی میزان شیوع سوء مصرف و وابستگی به تریاک و ارتباط آن با برخی فاکتورهای دموگرافیک در بیماران بستری در بیمارستان آموزشی درمانی امام خمینی ساری طی سال ۱۳۸۷

سید حمزه حسینی^۱، جواد موسی‌نژاد^۱، میثم مفتاحی^۱، محمد سلطانی‌رضایی‌راد^۱، مهناز مجیدی^۱

۱- دانشگاه علوم پزشکی مازندران.

چکیده

مقدمه: به دلیل تغییرات سریع شیوع سوء مصرف و وابستگی به تریاک و نیاز به شناخت مشکل، حساس کردن جامعه و دست اندرکاران مسائل بهداشتی و انتظامی جامعه از یک سو و از سوی دیگر مطالعات محدودی که در این زمینه وجود داشته، شیوع سوء مصرف و وابستگی به تریاک در بیماران مراجعه‌کننده به بیمارستان امام‌خمینی ساری مورد بررسی قرار گرفت.

مواد و روش‌ها: در این بررسی مقطعی ۴۰۰ نفر از بیماران بستری در بیمارستان امام‌خمینی شهرستان ساری در طی سال ۱۳۸۷، که به‌طور تصادفی انتخاب شده بودند، مورد ارزیابی قرار گرفتند. اطلاعات مورد نیاز از طریق پرسش‌نامه دموگرافیک و مصاحبه بالینی ساختار یافته برای اختلال‌های محور I در DSM IV جهت بررسی سوء مصرف و وابستگی به تریاک که روایی و پایایی آن قابل قبول بود جمع‌آوری گردید. بیماران پس از اخذ رضایت‌نامه آگاهانه و تکمیل پرسش‌نامه دموگرافیک، جهت بررسی سوء مصرف و وابستگی به تریاک توسط پرسشگر مورد مصاحبه قرار گرفتند.

یافته‌ها: از مجموع ۴۰۰ پرسش‌نامه توزیع شده، ۳۱۳ پرسش‌نامه دموگرافیک قابل تجزیه و تحلیل آماری بوده که تحت مصاحبه قرار گرفتند «میزان پاسخگویی حدود ۸۰ درصد». ۴۹/۳ درصد افراد زن و ۵۰/۷ درصد مرد بوده‌اند. در کل نمونه آماری ۲۸/۵ درصد سابقه مصرف تریاک داشته و از این تعداد ۱۳/۳ درصد سوء مصرف تریاک و ۱۱/۲ درصد وابستگی به تریاک داشته و ۴ درصد بیماران باقی مانده حائز کرایتریای سوء مصرف یا وابستگی به تریاک شناخته نشدند. در مردان شیوع سوء مصرف و وابستگی به تریاک به‌صورت معناداری بیش‌تر از زنان بود ($P < 0/001$) مشوق اصلی در مصرف تریاک در مرحله اول دوستان و در مرحله آخر خواهر یا برادر بوده‌است. متوسط مصرف روزانه معادل ۱ گرم بوده‌است. تمایل به ترک بسیار بالا (۹۰/۷ درصد) و متوسط اقدام به ترک سه مرتبه بوده‌است.

نتیجه‌گیری: سوء مصرف و وابستگی به تریاک در بیماران مورد مطالعه در حد قابل توجهی بالا است. به‌ویژه در مردان با توجه به نقش دوستان در این امر و تمایل بالا به ترک، لازم است که سازمان‌های مربوطه نسبت به آموزش جامعه در مورد مهارت‌های فردی و اجتماعی از یک سو و از سوی دیگر امکانات و تسهیلات در دسترس جهت افرادی که تمایل به ترک دارند، اقدام لازم را معمول دارند.

واژگان کلیدی: شیوع، تریاک، وابستگی، سوء مصرف، بیماران.





مقایسه تأثیر متفورمین و توپیرامات در کاهش وزن

میثم مفتاحی^۱، جواد موسی‌نژاد^۱، محمد رضایی‌راد^۲، مهناز مجیدی^۳

۱- دانشجوی پزشکی - دانشگاه علوم پزشکی مازندران. ۲- دانشجوی داروسازی - دانشگاه علوم پزشکی مازندران - عضو کمیته تحقیقات دانشجویی.

۳- پزشک عمومی - عضو مرکز تحقیقات غد - دانشگاه علوم پزشکی تهران.

چکیده

مقدمه: چاقی یکی از مهم‌ترین مشکلات امروزی دنیای طب است که مسبب بسیاری از بیماری‌های رایج بوده و هزینه کلانی را بر اقتصاد کشورهای توسعه‌یافته و درحال توسعه تحمیل می‌کند. پاتولوژی چاقی اغلب ناشناخته بوده و به استراتژی‌های درمانی و تشخیصی متفاوت نیازمند است. مطالعه حاضر با هدف مقایسه تأثیر متفورمین و متفورمین همراه با توپیرامات در کاهش وزن انجام شد.

مواد و روش‌ها: این مطالعه به‌صورت کارآزمایی بالینی تصادفی بر روی ۲۰۰ زن مبتلا به چاقی مراجعه‌کننده به درمانگاه فوق تخصصی طبوبی که معنی جهت مصرف داروهای مذکور از لحاظ پزشکی نداشته‌اند، انجام شد. این بیماران در صورت $BMI > 25$ پس از اخذ رضایت آگاهانه جهت شرکت در طرح، به چهارگروه ۵۰ نفره تقسیم شدند. به گروه اول داروی متفورمین ۵۰۰mg یک بار در روز در هنگام صرف نهار داده‌شده است. به گروه دوم داروی توپیرامات ۵۰mg یک بار در روز داده‌شده است. به گروه سوم داروی متفورمین یک‌بار در روز به همراه توپیرامات یک بار در روز داده‌شد. گروه چهارم نیز به‌عنوان گروه شاهد انتخاب شده‌اند. قابل ذکر است که به ۲۰۰ نمونه در ارتباط با عوارض دارویی توضیح داده‌شد که در صورت داشتن عوارض با قطع دارو به مسئول طرح مراجعه نمایند. ضمناً در ارتباط با تغییر رژیم غذایی توصیه‌ای به بیماران نشد. بیماران مراجعه‌کننده به‌طور ماهیانه تا ۶ ماه توزین شده و از لحاظ عوارض جانبی داروها پایش و در پایان ماه ششم اطلاع به‌دست آمده توسط نرم‌افزار SPSS و با استفاده از آزمون‌های T-Test و دقیق فیشر پردازش شده است.

یافته‌ها: میانگین سنی زنان مورد مبتلا در گروه اول $41/8 \pm 3/3$ بود. در گروه دوم $40/7 \pm 3/2$ ، در گروه سوم $43/8 \pm 3/1$ ، در گروه چهارم $39/8 \pm 3/4$ بوده‌اند که چهار گروه از نظر سنی متفاوت از یکدیگر نبوده‌اند. میانگین کاهش وزن در گروه اول $2/25 \pm 0/7$ kg ($P < 0/05$)، در گروه دوم $4/4 \pm 0/5$ kg ($P < 0/05$) و در گروه سوم $5/9 \pm 0/3$ kg ($P < 0/05$) بوده‌است. در گروه چهارم تغییر محسوسی در وزن مشاهده نشد. در گروه دوم مواردی از عوارض رفتاری و اختلال در تمرکز و حافظه مشاهده شده است.

نتیجه‌گیری: نتایج مطالعه نشان داد که روش درمانی در گروه سوم مؤثرتر از گروه اول و دوم بوده‌است. با توجه به احتمال اثر سینرژیستی توپیرامات و متفورمین، استفاده همزمان از این دو دارو روش درمانی ارجح می‌باشد. البته با توجه به مشاهده مواردی از عوارض دارویی در بیماران مصرف‌کننده توپیرامات مصرف این دارو نیازمند تحقیقات گسترده‌تر جهت کشف مکانیسم دقیق اثر آن است.

واژگان کلیدی: چاقی، متفورمین، توپیرامات.



بررسی تأثیر استفاده همزمان انجیر و زیتون در کاهش علائم و بهبودی بیماران

سلی

محسن کیخا^۱، دکتر محمد مهدی دادرس^۲، گلثومه ابراهیمی^۳، دکتر مهرداد کیانی^۴، محسن رخشانی^۴، زهرا کیخا^۵، محمدرضا کیخا^۶، علیرضا کیخا^۷، مهدیه آدرم^۸

۱- دانشجوی- دانشگاه علوم پزشکی زاهدان. ۲- دستیار تخصص بیهوشی- دانشگاه علوم پزشکی زاهدان. ۳- کارشناس پرستاری- دانشگاه علوم پزشکی زاهدان. ۴- تکنیسین علوم آزمایشگاهی- دانشگاه علوم پزشکی زاهدان. ۵- کارشناس ارشد کامپیوتر و تجارت الکترونیک- دانشگاه علوم پزشکی زاهدان. ۶- کارشناس ارشد MBA. ۷- کارشناس برق و الکترونیک. ۸- دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی.

چکیده

مقدمه: زیتون دارای اثرات مختلفی مثل محافظت از قلب، دفع سنگ‌های صفراوی، کاهش خطر سرطان، درمان دردهای روماتیسمی، انٹی‌اکسیدان ضد اسهال و... است هم‌چنین دم‌کرده برگ درخت زیتون این گیاه دارای خاصیت تب‌بر است. از طرف دیگر انجیر هم خواصی مثل آرام‌بخشی، درمان بیماری‌های عصبی، نرم‌کننده سینه، یوست و منظم‌کننده عادات ماهیانه می‌باشد. هدف تحقیق انجام شده بررسی تأثیر استفاده همزمان انجیر و زیتون در کاهش علائم و بهبودی بیماران سلی می‌باشد.

مواد و روش‌ها: در این مطالعه تجربی تعداد ۱۰۰ بیمار مبتلا به سل شناسایی و به‌طور تصادفی در ۴ گروه (آزمایش ۱، ۲ و ۳) و کنترل قرار گرفتند و علائم بیماران در ابتدا مورد ارزیابی قرار گرفت. گروه کنترل (شامل ۲۵ نفر) مورد درمان‌های روتین با داروهای موجود قرار گرفتند. گروه آزمایش ۱ علاوه بر درمان‌های روتین به مدت ۳ ماه روزانه ۵ سروینگ انجیر (معادل ۱۵ عدد انجیر متوسط) دریافت کردند. گروه آزمایش ۲ علاوه بر درمان‌های روتین به مدت ۳ ماه روزانه ۵۰ گرم روغن زیتون + ۳ لیوان دم کرده برگ زیتون دریافت کردند. گروه آزمایش ۳ علاوه بر درمان‌های روتین به مدت ۳ ماه روزانه ۵ سروینگ انجیر (معادل ۱۵ عدد انجیر متوسط) و ۵۰ گرم روغن زیتون + ۳ لیوان دم کرده برگ زیتون دریافت کردند. بعد از ۳ ماه علائم مجدداً مورد بررسی قرار گرفته و آنالیز شد.

یافته‌ها: در گروه آزمایش ۳ بعد از مصرف انجیر و زیتون علائم بیماری به‌طور معناداری نسبت به سایر گروه‌ها (گروه کنترل و گروه‌های آزمایش ۱ و ۲) کاهش یافته بود. میانگین میزان تب شبانه و افسردگی در گروه آزمایش ۳ کاهش یافت و تفاوت معناداری به سایر گروه‌ها (گروه کنترل و گروه‌های آزمایش ۱ و ۲) داشت ($P < 0/05$). میانگین افزایش وزن و اشتها در گروه آزمایش افزایش یافت و تفاوت معناداری با به سایر گروه‌ها (گروه کنترل و گروه‌های آزمایش ۱ و ۲) داشت ($P < 0/05$). میزان اسهال و تعریق شبانه در گروه آزمایش کاهش یافت و تفاوت معناداری با سایر گروه‌ها (گروه کنترل و گروه‌های آزمایش ۱ و ۲) داشت ($P < 0/05$). میزان دردهای استخوانی و مفصلی در گروه آزمایش به‌طور معناداری نسبت به سایر گروه‌ها (گروه کنترل و گروه‌های آزمایش ۱ و ۲) کاهش یافته بود. میزان دردهای مفاصل در گروه آزمایش به‌طور معناداری نسبت به سایر گروه‌ها (گروه کنترل و گروه‌های آزمایش ۱ و ۲) کاهش یافته بود. هم‌چنین عادات ماهیانه در خانم‌های گروه آزمایش بهبود یافته و نسبت به خانم‌های سایر گروه‌ها (گروه کنترل و گروه‌های آزمایش ۱ و ۲) تفاوت معناداری داشت.

نتیجه‌گیری: خداوند در قرآن به انجیر و زیتون اشاره و به آن‌ها قسم یاد کرده است، هدف این تحقیق بررسی علمی این موضوع بود. نتایج مطالعه فوق نشان داد که استفاده همزمان انجیر و زیتون دارای اثرات ضد درد، ضد التهاب، آرام بخشی، تب‌بر، ضد اسهال و ضد افسردگی می‌باشد. از این رو استفاده همزمان از انجیر و زیتون به‌منظور کاهش علائم بیماری سل که در کشور ما بسیار شایع است پیشنهاد می‌شود.

واژگان کلیدی: انجیر، زیتون، بیماری عفونی، تب، ضد افسردگی، آرام‌بخشی، سل.





بررسی تأثیر استفاده همزمان چای سبز و عسل در کاهش علائم و بهبودی

بیماران مبتلا به تیفوئید

محسن کیخا^۱، دکتر محمد مهدی دادرس^۲، گلثومه ابراهیمی^۳، دکتر مهرداد کیانی^۴، محسن رخشانی^۴، زهرا کیخا^۵، محمدرضا کیخا^۶، علیرضا کیخا^۷، مهدیه آدرم^۸

۱- دانشجو- دانشگاه علوم پزشکی زاهدان. ۲- دستیار تخصص بیهوشی- دانشگاه علوم پزشکی زاهدان. ۳- کارشناس پرستاری- دانشگاه علوم پزشکی زاهدان. ۴- تکنیسین علوم آزمایشگاهی- دانشگاه علوم پزشکی زاهدان. ۵- کارشناس ارشد کامپیوتر و تجارت الکترونیک- دانشگاه علوم پزشکی زاهدان. ۶- کارشناس ارشد MBA. ۷- کارشناس برق و الکترونیک. ۸- دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی.

چکیده

مقدمه: عسل دارای اثرات مختلفی و بسیار زیادی مثل خاصیت ضد میکروبی، درمان بیماری‌های تنفسی، ضد التهاب، تقویت قوای عمومی بدن، افزایش نیروی جنسی، ضد اسهال، ادرار، تسکین دردهای مفصلی و... می‌باشد. هم-چنین این ماده مقوی اثرات مؤثری روی باکتری‌های روده مثل E.coli، ویبریکلرا، سالمونا و شیگلا نیز می‌باشد.

از طرف دیگر چای سبز با داشتن انتی‌اکسیدان فراوان، تینن و طیف وسیعی از ویتامین‌ها و مواد معدنی دارای خاصیت‌های زیادی مثل ضد سرطان، ضد بیماری قلبی، آرام‌بخشی، ضد استرس، کاهش کلسترول به خون و کاهش فشارخون و تقویت دیواره رگ‌های خونی می‌باشد. از این رو هدف تحقیق انجام شده بررسی اثرات استفاده همزمان چای سبز و عسل در کاهش علائم و بهبودی بیماران مبتلا به تیفوئید می‌باشد.

مواد و روش‌ها: مطالعه انجام شده از نوع تجربی و مداخله‌ای است. ۲۰ بیمار مبتلا به تیفوئید شناسایی و در ۴ گروه ۵ تایی قرار گرفتند. علائم بیماری در ابتدا به مطالعه مورد ارزیابی قرار گرفت. گروه کنترل مورد درمان با داروهای روتین قرار گرفتند. گروه آزمایش ۱ علاوه بر داروهای روتین به مدت ۳ ماه روزانه ۵ سرونیک عسل (معادل ۵۰ گرم) دریافت کردند. گروه آزمایش ۲ علاوه بر داروهای روتین به مدت ۳ ماه روزانه ۳ لیوان چای سبز دریافت کردند. گروه آزمایش ۳ علاوه بر داروهای روتین به مدت ۳ ماه روزانه ۵ سرونیک عسل (معادل ۵۰ گرم) و ۳ لیوان چای سبز دریافت کردند. بعد از ۳ ماه علائم مجدداً مورد بررسی و ارزیابی قرار گرفت و نتایج آنالیز شد.

یافته‌ها: در گروه آزمایش ۳ و بعد از مصرف عسل و چای سبز علائم بیماری به طرز معناداری نسبت به سایر گروه-ها (گروه کنترل و گروه‌های آزمایش ۱ و ۲) کاهش یافته بود. میانگین میزان تب در گروه آزمایش ۳ کاهش یافت و تفاوت معناداری با سایر گروه‌ها داشت. میانگین مردهای شکمی و اسهال در گروه آزمایش کاهش یافت و تفاوت معناداری با سایر گروه‌ها داشت. دردهای استخوانی در بیماران گروه آزمایش کاهش یافت و تفاوت معناداری با سایر گروه‌ها داشت. هم‌چنین میزان افسردگی هم در بیماران گروه آزمایش کاهش یافت و تفاوت معناداری با سایر گروه‌ها داشت.

نتیجه‌گیری: عسل ماده غذایی بسیار مقوی و دارای اثرات درمانی بسیار زیاد است. هم‌چنین چای سبز نیز از نوشیدنی‌های تاریخی است که در اکثر جوامع و مال مورد استفاده قرار می‌گیرد، نتایج مطالعه انجام شده نشان داد که استفاده همزمان از عسل و چای سبز تأثیر چشم‌گیری بر بهبودی علائم تیفوئید مثل کاهش تب، بهبود افسردگی و آرام بخشی، تسکین دردهای شکمی، اسهال و دردهای استخوانی و ضد التهاب دارد. از این رو استفاده همزمان از عسل و چای سبز به منظور کاهش علائم بیماری تیفوئید پیشنهاد می‌شود.

واژگان کلیدی: چای سبز، عسل، تیفوئید، ضد افسردگی، آرام‌بخشی، درد استخوانی، تب.





مقایسه وضع تغذیه دانش‌آموزان دبستانی بالا و پایین شهر و برخی عوامل مؤثر

بر آن در شهر شاهرود

محبوبه میرزایی^۱، سمیرا شریفی^۱، مه‌ری دلوربان‌زاده^۲

۱- دانشجوی بهداشت- دانشگاه علوم پزشکی شاهرود- کمیته تحقیقات دانشجویی. ۲- عضو هیأت علمی- دانشگاه علوم پزشکی شاهرود.

چکیده

مقدمه: کودکان به مناسبت ویژگی‌های خاص این دوران کاملاً آسیب‌پذیر هستند و اطلاع یافتن از وضع تغذیه دانش‌آموزان سبب برنامه‌ریزی بهتر در بخش آموزش و پرورش و سیاست‌گذاری‌های بهداشتی خواهد شد. تغذیه صحیح و سالم در یادگیری مؤثر است و باعث رشد تحصیلی و افزایش بازدهی در سرمایه‌گذاری آموزشی و نهایتاً بهره‌وری ملی می‌شود.

مواد و روش‌ها: در یک مطالعه مقطعی (توصیفی-تحلیلی) وضع تغذیه کودکان دبستانی ۱۲-۶ ساله بالا و پایین شهر شاهرود و برخی عوامل مؤثر بر آن مورد بررسی قرار گرفت. و تعداد ۱۰۰۰ دانش‌آموز جهت بررسی انتخاب شدند، جهت تعیین وضع تغذیه شاخص‌های وزن به مجذور قد (BMI) در نظر گرفته شد. برای ورود اطلاعات به کامپیوتر و تجزیه و تحلیل آن‌ها از ابزارهای SPSS و Epi-info استفاده شد برای تعیین ارتباط بین وضع تغذیه با متغیرهای مستقل از آزمون کای دو استفاده گردید.

یافته‌ها: یافته‌های این بررسی درصد دانش‌آموزان دبستانی بالا شهر دارای نمایه شاخص توده بدنی پایین‌تری بودند و شیوع سوء تغذیه در کودکانی که مادران بی‌سواد داشتند و میزان تحصیلات پدران آن‌ها پایین‌تر بود به‌طور معناداری بیش‌تر از کودکانی بود که مادر آنان باسواد و پدرانشان تحصیلات بالاتری داشتند بود. هم‌چنین وضعیت اشتغال مادر بر هر سه نمایه و اشتغال پدر با سوء تغذیه زمان حال ارتباط معناداری مشاهده گردید.

نتیجه‌گیری: براساس یافته‌های مطالعه سوء تغذیه در بین کودکان دبستانی شایع است و منطقه جغرافیایی تأثیر داشته و عوامل مهمی نظیر تحصیلات والدین و اشتغال آن‌ها و نوع مدرسه در ایجاد این سوء تغذیه مؤثر است. به‌هرحال جهت کاهش میزان سوء تغذیه آموزش صحیح تغذیه در مدارس به دانش‌آموزان و والدین آن‌ها راه حل مناسبی جهت رفع این مشکل بهداشتی است.

واژگان کلیدی: وضع تغذیه کودکان دبستانی، شاهرود سمنان.





بررسی خشونت جنسی در زنان شهر شاهرود و عوامل مرتبط با آن

کتابون وکیلان^۱، سپیده حاجیان^۱، دکتر خدیجه میرزائی^۲، ربحانه عرب^۳، معصومه عرب‌سلمانی^۴

۱- دانشجوی دکتری بهداشت باروری- دانشگاه علوم پزشکی شاهرود. ۲- عضو هیأت علمی- دانشگاه علوم پزشکی شاهرود. ۳- دانشجوی مامایی- دانشگاه علوم پزشکی شاهرود- کمیته تحقیقات دانشجویی. ۴- دانشجوی بهداشت خانواده- دانشگاه علوم پزشکی شاهرود- کمیته تحقیقات دانشجویی

چکیده

مقدمه: خشونت علیه زنان یکی از خشن‌ترین نتایج نابرابری‌های فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی است که بین زنان و مردان وجود دارد و می‌تواند به انواع فیزیکی، روانی و جنسی تقسیم‌بندی شود. از هر ۶ زن یک نفر حداقل در هر شش ماه از خشونت رنج می‌برد. خشونت فاکتور مهم در سلامت زنان به شمار می‌رود و موجب بیماری‌های جسمی و روانی می‌شود. امارها نشان می‌دهد ۶۰-۴۰٪ مرگ در اثر قتل زنان ناشی از خشونت در بسیاری از کشورها بوده است. هم‌چنین خشونت موجب شرکت کم زنان در فعالیت‌های اجتماعی، غمگینی، استرس روحی، بدعملکردی جنسی، سقط، بستری مادران باردار، تأخیر در مراقبت‌های بارداری و ابتلا به عفونت‌های جنسی شده است. هدف از این مطالعه ارزیابی انواع خشونت جنسی در زنان شهر شاهرود و عوامل مرتبط با آن است. با توجه به اینکه چنین مطالعه‌ای در این شهر شاهرود انجام نشده است انجام آن ضروری به نظر می‌رسید.

مواد و روش‌ها: این تحقیق یک مطالعه تحلیلی- مقطعی است که در شهر شاهرود و بر روی ۶۰۰ زن انجام شد نمونه‌گیری در ۴ مرکز بهداشتی- درمانی شلوغ و در نقاط متفاوت شهر و ۴ مدرسه که به‌طور تصادفی در مناطق مختلف شهر بودند و ۲ بیمارستان و ۲ دانشگاه علوم پزشکی و علم و صنعت انجام گرفت. ابزار گردآوری پرسش‌نامه- ای بود که قبلاً توسط محققان دیگر در کشور استفاده شده و روانی و پایایی آن مورد تأیید بود پرسشنامه شامل اندازه‌گیری هر سه خشونت فیزیکی، روانی و جنسی بود. از آمار تحلیلی کای دو، پیرسون و تی تست در این تحقیق استفاده شد.

یافته‌ها: نتایج نشان داد که ۱۹/۷٪ زنان از خشونت جنسی رنج می‌برند. یافته‌های خشونت جنسی در مطالعه ما نشان داد که ۱۴/۹ درصد مردان از عدم برقراری رابطه جنسی برای تنبیه زنان استفاده کرده بودند. ۱۴/۶۷٪ زنان هم‌اکنون از همسران خود از رابطه جنسی با آن‌ها ناراضی هستند. ۱۴ درصد از همسران از زور برای رابطه جنسی استفاده کرده بودند و ۱۷/۲٪ درخواست رابطه جنسی غیر معمول داشتند. هم‌چنین بین خشونت جنسی و اعتیاد (P=۰/۰۳)، وضعیت ازدواج (P=۰/۰۰۱)، تحصیلات زن (P=۰/۰۰۸)، تحصیلات مرد (P=۰/۰۰۱)، خانه‌دار و شاغل بودن زن (P=۰/۰۲) و شغل همسر (P=۰/۰۰۱) ارتباط آماری معنی‌دار وجود داشت. از نظر شدت خشونت نیز در بین کل جامعه آماری که از خشونت جنسی رنج می‌بردند ۹۱/۹٪ شدت کم، ۶/۷٪ خشونت متوسط و ۱/۳٪ خشونت شدید را گزارش نموده‌اند.

نتیجه‌گیری: خشونت یک موضوع اجتماعی است که نیاز به زیرساخت‌های فرهنگی و آگاه کردن مردان و زنان از حقوقشان در اجتماع و حقوق بین فردی دارد. توانمندسازی زنان و تجهیز نوجوانان و جوانان به مهارت‌های زندگی در مدارس بسته به سن آنان و به‌طور مداوم از ضروریات کنترل خشونت می‌باشد.

واژگان کلیدی: خشونت خانگی، زنان، توانمندسازی، خشونت فیزیکی، روانی، جن.





اثر برنامه پیاده‌روی بر چگالی استخوانی دختران لاغر مبتلا به استئوپنی

سیده نسیم حبیب‌زاده^۱، دکتر فرهاد رحمانی‌نیا^۲، دکتر حسن دانشمندی^۳

۱- کارشناس ارشد فیزیولوژی ورزش - دانشگاه علوم پزشکی گیلان. ۲- عضو هیأت علمی - دانشگاه علوم پزشکی گیلان. ۳- عضو هیأت علمی - دانشگاه علوم پزشکی گیلان.

چکیده

مقدمه: پوکی استخوان یک معضل عمده برای زنان محسوب می‌شود که به سادگی بعد از یک آسیب ناچیز می‌تواند موجب شکستگی‌های استخوانی در آن‌ها شود. اما در طولانی مدت مشخص شده است که ورزش می‌تواند موجب کاهش خطر پوکی استخوان شود، که عموماً این موضوع در دختران مبتلا به استئوپنی به اندازه کافی مورد پژوهش قرار نگرفته است، بنابراین هدف از این تحقیق بررسی اثر برنامه پیاده‌روی بر چگالی استخوانی دختران لاغر در پیشگیری از کاهش توده استخوانی و پوکی استخوان است.

مواد و روش‌ها: ۲۰ نفر از دختران لاغر غیر ورزشکار مبتلا به استئوپنی میانگین سنی $17/50 \pm 22/00$ سال به‌طور داوطلبانه در این پژوهش شرکت کردند و سپس به‌طور تصادفی به دو گروه ۱۰ نفره شاهد و تجربی تقسیم شدند (گروه شاهد: BMI $17/5 \pm 1/1$ kg/m²، گروه تجربی: BMI $17/7 \pm 1/2$ kg/m²). پیش‌آزمون و پس‌آزمون شامل اندازه‌گیری‌های چگالی استخوانی (ران و ستون فقرات)، ترکیب بدن (وزن، توده چربی، درصد توده چربی، توده بدون چربی) و متغیرهای خونی (سفرس، کلسیم، استروژن سرم) بود. سپس گروه تجربی برنامه پیاده‌روی را که شامل ۳۰ دقیقه پیاده‌روی مداوم با شدت ۵۰-۷۵ درصد ضربان قلب، ۳ جلسه در هفته و به مدت ۲ ماه بود انجام دادند. تمام اندازه‌گیری‌ها بعد از ۲ ماه تکرار شدند. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش t-استودنت در سطح اطمینان ($P < 0/05$) استفاده شد.

یافته‌ها: یافته‌های پژوهش نشان داد که برنامه پیاده‌روی بر چگالی استخوانی ران و ستون فقرات (L۲-L۴) و غلظت کلسیم و سفرس سرم دختران لاغر گروه تجربی اثر معنی‌داری نداشت، اما سطح استروژن سرم در گروه تجربی نسبت به گروه شاهد به‌طور معنی‌داری بیش‌تر بود ($P = 0/004$). هم‌چنین کل وزن بدنی دختران لاغر نیز نسبت به مقدار پایه تغییر نکرد، اما توده عضلانی در گروه تجربی افزایش و توده چربی و درصد توده چربی به‌طور معنی‌داری کاهش یافتند ($P = 0/000$).

نتیجه‌گیری: این پژوهش نتیجه گرفت که برنامه پیاده‌روی در کوتاه مدت بر چگالی استخوانی دختران لاغر اثری ندارد و این بدان معنی است که آن‌ها هم‌چنان در معرض خطر کاهش چگالی استخوانی و در نتیجه پوکی استخوان قرار دارند و به نظر می‌رسد که به تحقیقات بیش‌تری در پیشگیری از این بیماری در دختران لاغر مبتلا به استئوپنی نیاز است.

واژگان کلیدی: دختران لاغر، چگالی استخوانی، پوکی استخوان، کاهش چگالی استخوانی، برنامه پیاده‌روی.





بررسی راه‌های ارتقاء سلامت و بهداشت بلوغ دانش‌آموزان دختر مقطع

متوسطه استان سیستان و بلوچستان در سال تحصیلی ۸۷-۱۳۸۶

فاطمه کیانی^۱، دکتر ملک کیانی^۲، حامد مشهدی^۳

۱- عضو هیأت علمی - دانشگاه علوم پزشکی زاهدان. ۲- معاون مرکز بهداشت استان. ۳- دانشجوی پرستاری - دانشگاه علوم پزشکی زاهدان.

چکیده

مقدمه: این تحقیق نوعی مطالعه توصیفی تحلیلی است که به منظور تعیین مفهوم سلامت و رفتارهای ارتقای سلامت و بهداشت بلوغ از دیدگاه دختران در مقطع متوسطه انجام گرفته است.

مواد و روش‌ها: نمونه پژوهش شامل ۴۰۰ دانش‌آموز بود که از کل جامعه ۳۶۶۲۸ نفری با استفاده از جدول مورگان انتخاب شده است. جهت گردآوری داده‌ها از پرسش‌نامه‌ی استاندارد پندرو پرسش‌نامه‌ی بهداشت بلوغ استفاده شده است. یافته‌های پژوهش مجموعاً در ۱۲ جدول خلاصه گردیده است جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از شاخص‌های آماری (شاخص مرکزی میانگین و شاخص پراکندگی انحراف معیار) و همبستگی پیرسون استفاده شده است.

یافته‌ها: در بین ابعاد چهارگانه‌ی مفهوم سلامت پایین‌ترین میانگین نمره مربوط به بعد سازگاری بوده است (۲۲/۹) از حداکثر ۴۲ امتیاز) و انحراف معیار ۴/۴ بوده است بالاترین میانگین نمره مربوط به ایفای نقش (با میانگین ۳۸/۱ از حداکثر ۴۲ امتیاز) می‌باشد. ضمناً بین مفهوم بیولوژیک و رفتارهای ارتقای سلامت رابطه‌ی آماری معنی‌داری وجود داشت به این صورت که هر چه میانگین نمرات در مفهوم بیولوژیک سلامت بالاتر رود نمره کسب شده از رفتار هم ارتقا می‌یابد و در مجموع بین دو متغیر سلامت و رفتار رابطه‌ی آماری معنی‌داری با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون دیده شد. دختران دارای نگرش مثبت در مورد بلوغ و تغییرات آن بودند.

نتیجه‌گیری: درک سلامتی و رفتارهای ارتقای سلامت و بهداشت بلوغ موضوعی فراتر از یک پدیده‌ی فردی است و عوامل متعددی نظیر فرهنگ، خانواده، جامعه و پیش‌های مذهبی در آن تأثیرگذار است. با آموزش به نوجوانان و مشارکت خانواده و مدرسه می‌توان نقش به‌سزایی در ایجاد رفتار و نگرش مثبت نسبت به سلامت و بهداشت بلوغ ایفا کرد.

واژگان کلیدی: ارتقاء سلامت، بهداشت بلوغ، دانش‌آموزان.



بررسی اثر توّام و بیریشن و گرما بر کاهش درد دیسمنوره اولیه در دختران دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرگان

شیدا رفیع‌زاده قره‌تپه^۱، دکتر اکرم ثناگو^۲، دکتر لیلا جویباری^۲، منصوره حسینی^۱، امین قلعه‌قافی^۱، رضامکرم^۱، دکتر زهره منتظری^۲، رقیه قره‌دشتی^۱
۱- دانشجو- دانشگاه علوم پزشکی گلستان، ۲- عضو هیأت علمی- دانشگاه علوم پزشکی گلستان.

چکیده

مقدمه: قاعدگی دردناک یکی از اختلالات شایع دستگاه تناسلی است و تقریباً پنجاه درصد از زنان دارای دوره قاعدگی منظم را درگیر می‌کند. هدف از این پژوهش بررسی اثر توّام و بیریشن و گرما بر کاهش درد دیسمنوره اولیه در دختران دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرگان بوده است.

مواد و روش‌ها: در این مطالعه نیمه تجربی، ۲۵ دختر ۱۸ تا ۲۲ سال ساکن خوابگاه دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرگان با روش نمونه‌گیری غیرتصادفی بررسی شدند. هر نمونه در سیکل اول قاعدگی خود از روش روتین تسکین درد و در سیکل دوم از روش توّام و بیریشن و گرما به مدت ده دقیقه استفاده نمود. برای گردآوری اطلاعات از خط کش درد و پرسش‌نامه استفاده شد. برای تحلیل داده‌ها از آزمون‌های آماری تی و ویلکاکسون استفاده شد.

یافته‌ها: تعداد ۲۵ نفر مشارکت‌کننده در دو مرحله مورد مطالعه قرار گرفتند. یافته‌ها نشان داد میزان درد دختران دانشجو در نوبت اول استفاده از روش روتین و نوبت دوم استفاده از بیریشن و گرما با درد قبل از مداخله ارتباط معنی‌داری آماری دیده شد ($P < 0/05$). گروه روتین در زمان مطالعه از داروهای صنعتی و داروهای گیاهی و یا از درمان‌های خانگی استفاده نمودند. و بیریشن و گرما یک روش غیر تهاجمی، غیر دارویی و بی‌خطر می‌باشد. طی این پژوهش هیچگونه عارضه جانبی دیده نشد. تنها عارضه جزئی از قبیل قرمزی متوسط در ۸ درصد از نمونه‌ها گزارش شد.

نتیجه‌گیری: به دلیل اینکه روش ذکر شده ایمن می‌باشد در نتیجه شاید بتوان آنرا همراه با موارد معمول در درمان دیسمنوره یا بصورت جایگزین استفاده نمود.

واژگان کلیدی: درد، گرما، و بیریشن، دیسمنو.





تبیین تجربیات زنان از تغییرات جنسی در دوره یائسگی در شهر گرگان

سمیه صرافی‌خیرآباد^۱، دکتر اکرم ثناگو^۲، دکتر لیلا جویباری^۲

۱- دانشجو- دانشگاه علوم پزشکی گرگان- کمیته تحقیقات دانشجویی. ۲- عضو هیأت علمی- دانشگاه علوم پزشکی گلستان.

چکیده

مقدمه: منوپوز یک پدیده ناگهانی نیست. در زندگی زنان مرحله‌ای وجود دارد که یک دوره انتقالی بین انتهای سال‌های باروری و شروع یائسگی است. زنان در این دوران مشکلات بهداشتی زیادی را در ابعاد جسمی، روحی و جنسی تجربه می‌نمایند. تغییرات آشکار فیزیولوژیک در سیستم غدد درون‌ریز با افزایش سن رخ می‌دهد بسیاری از علائم مرتبط با پیری در زنان بعلت کاهش استروژن بروز می‌کنند عبارتند از علائم وازوموتور، آتروفی دستگاه ادراری تناسلی، استئوپروز، که احتمالاً عمدتاً به دلیل کاهش استروژن ایجاد می‌شود. هدف از این پژوهش تبیین تجربیات زنان از تغییرات جنسی در دوره یائسگی در شهر گرگان می‌باشد.

مواد و روش‌ها: این مطالعه کیفی در سال ۱۳۸۸ بر روی ۵۰ زن یائسه در شهر گرگان انجام شد. از مصاحبه‌های نیمه ساختار برای جمع‌آوری داده‌ها استفاده شد. نمونه‌گیری مبتنی بر هدف بود. مصاحبه‌ها دست‌نویس و سپس مطابق روش «تحلیل محتوا» آنالیز شد.

یافته‌ها: مضامین برگرفته شده از داده‌ها نشان داد که زنان مورد مطالعه در دوره یائسگی کاهش در تمایل جنسی داشته و مشکلاتی از قبیل: درد، سوزش، خارش، کاهش ترشح را ذکر نمودند. آن‌ها در این دوره با احساس بی‌نیازی نسبت به میل جنسی مواجه بودند و در حالی که تجربیات آن‌ها نشان داد که همسران آن‌ها احساسی همانند آن‌ها نداشتند. و این رابطه را بافواصل ماهگی یکبار و یا کم‌تر و آن هم به‌منظور راضی نگه داشتن شوهر خود انجام می‌دادند. ارتباط عاطفی با همسر خود را مانند سابق حفظ نموده بودند. احساس پیری و انجام نزدیکی را مناسب این سن ندانستند از عواملی بود که مانع تلاش آن‌ها در این رابطه می‌شده است.

نتیجه‌گیری: نتایج نشان داد که زنان در میل جنسی همانند مردان نیستند که این می‌تواند ناشی از نفوذ فرهنگ و خانواده در تمایل زنان به روابط جنسی باشد. زنان این روابط را مختص اوایل زندگی خود می‌دانستند و به‌خصوص برای باروری لازم می‌دانستند. اما در این دوران با احساس بی‌نیازی مواجهه بودند، و تنها برای نگهداری زندگی زناشویی خودای رابطه را کماکان حفظ نموده بودند.

واژگان کلیدی: یائسگی، زنان، مشکلات جنسی، گرگان.



بررسی ویژگی‌های روانشناختی در مراجعین به مراکز NA

دکتر سیدعباس موسوی^۱، دکتر افسانه کرامت^۱، رقیه گرزین^۲، سکینه سلیمی^۲، زهرا رضوانی^۳، محمدرضا اندرزگو^۳، محمدامین باباغبیبی^۳، حسن‌زاده^۳، پروین نظری^۴

۱- مرکز تحقیقات علوم رفتاری و اجتماعی در سلامت- دانشگاه علوم پزشکی شاهرود. ۲- کارشناس ارشد روانشناسی- دانشگاه علوم پزشکی شاهرود. ۳- دانشجوی بهداشت- دانشگاه علوم پزشکی شاهرود- کمیته تحقیقات دانشجویی. ۴- دانشگاه علوم پزشکی شاهرود.

چکیده

مقدمه: امروزه در جامعه روش‌های متعددی برای رها شدن افراد از وابستگی به مواد مخدر وجود دارد. از جمله این روش‌ها گروه معتادان گمنام هستند که تحت عنوان گروه NA شناخته شده‌اند. مهم‌ترین جنبه این گروه خود یاری، ارایه حمایت‌های اجتماعی است اولین شرط ورود به این گروه آرزوی قطع مصرف مواد است. تحقیق حاضر به منظور بررسی ویژگی‌های روانشناختی در چند گروه NA در شهر شاهرود طراحی گردید

مواد و روش‌ها: جمع‌آوری اطلاعات از طریق مصاحبه و پر کردن پرسش‌نامه به وسیله ۷۳ نفر از مددجویان مذکر مراجعه‌کننده به ۵ مرکز سطح شهر شاهرود طی نیمه اول سال ۱۳۸۸ انجام گرفت. اطلاعات مربوط به ویژگی‌های شخصیتی و بهداشت روان با استفاده از پرسش‌نامه استاندارد SCL۹۰ مورد سنجش قرار گرفت. به منظور بررسی میزان همکاری افراد از پرسش‌نامه MMPI استفاده شد و افرادی که خارج از محدوده نرمال بودند از بررسی خارج گردیدند. اطلاعات پس از استخراج در نهایت با نرم‌افزار SPSS و روش‌های آمار توصیفی و تحلیلی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

یافته‌ها: از مجموع ۷۳ پرسش‌نامه پاسخ داده شده اطلاعات مربوط به ۱۲ مورد (۱۶/۴٪) از پاسخگویان پس از استفاده از فیلتر MMPI از نتیجه تحقیق حذف گردید. میانگین GSI در ۶۱ مورد باقی‌مانده $0/75 \pm 0/5$ برآورد گردید کم‌ترین میزان صفر و بیش‌ترین میزان آن ۲/۱۷ بود. در این تحقیق نقطه برش GSI، ۰/۷ در نظر گرفته شد که ۴۷/۹٪ نمونه‌ها بالاتر از میزان تعیین شده قرار داشتند. در بررسی ۹ ویژگی روانشناختی مورد سنجش، نقطه برش نمره میانگین ۱ در نظر گرفته شد که بیش‌ترین فراوانی اختلالات به ترتیب در ویژگی‌های مربوط به وسواس (۴۵/۹٪)، پارانویا (۳۲/۸٪) و حساسیت فردی (۳۱/۱٪) مشاهده و کم‌ترین فراوانی اختلالات به ترتیب در ویژگی‌های مربوط به ترس مرضی (۹/۸٪)، روان پریشی (۱۳/۱٪) و اضطراب (۱۶/۴٪) گزارش گردید.

نتیجه‌گیری: با توجه به نتیجه تحقیق اخیر و اهمیت نقش ابعاد روانشناختی افراد در گرایش به مصرف مواد مخدر یا ترک آن توصیه می‌شود گروه‌های NA از مشاوره‌های روانشناسی در برگزاری جلسات بهره‌گیرند. ضمناً انجام مطالعات بیش‌تر در خصوص ویژگی‌های روانشناختی در مراجعین به مراکز NA و همچنین استفاده‌کنندگان از سایر روش‌های درمانی ضروری به نظر می‌رسد.

واژگان کلیدی: ویژگی‌های روانشناختی، وابستگی به مواد، SCL۹۰.



بررسی میزان آگاهی و نگرش دانشجویان مامایی دانشگاه علوم پزشکی

شاهرود در زمینه مامایی جامعه‌نگر در سال ۸۸

دکتر افسانه کرامت^۱، ریحانه عرب، لیلا خراسانی^۲

۱- عضو هیأت علمی- دانشگاه علوم پزشکی شاهرود. ۲- دانشجوی کارشناسی مامایی- دانشگاه علوم پزشکی شاهرود- کمیته تحقیقات دانشجویی.

چکیده

مقدمه: تا قبل از پیدایش مفهوم جامعه‌نگری در پزشکی، ماماها خدمات خود را از طریق حضور در جامعه به افراد ارائه می‌کردند، اما در سال‌های اخیر مفهوم مامایی اجتماعی به صورت گسترده رواج یافته است. منظور از مامایی جامعه‌نگر آن است که ماماها در زمینه مسائل اجتماعی و خانوادگی با زنان ارتباط برقرار کرده و آن‌ها را در طی رخدادهای مهم زندگیشان از قبیل بارداری، زایمان، شیردهی و مراقبت از نوزاد حمایت نمایند. در این مطالعه میزان آگاهی و نگرش دانشجویان مامایی را نسبت به این مسأله مهم ارزیابی کرده و بر پایه نتایج حاصل اقدامات لازم را در جهت بهبود جایگاه جامعه‌نگری در مامایی برنامه‌ریزی و اجرا نماییم.

مواد و روش‌ها: در این مطالعه کلیه دانشجویان سال آخر مقطع کارشناسی پیوسته و ناپیوسته مامایی دانشگاه علوم پزشکی شاهرود شرکت داده شدند. جمع‌آوری اطلاعات از طریق پرسش‌نامه خودساخته حاوی ۲۰ سؤال آگاهی و ۲۵ سؤال نگرش با استفاده از معیار لیکرت انجام گرفت. روایی پرسش‌نامه طبق نظر اساتید و پایایی آن از طریق انجام test-re-test ۱۰٪ از افراد جامعه نمونه بررسی گردید. پس از جمع‌آوری نمونه‌ها اطلاعات با استفاده از نرم‌افزار SPSS و روش‌های آماری T. student test و ٪۲ تجزیه و تحلیل شدند. سؤالات آگاهی به صورت چند گزینه‌ای مطرح شده‌اند در نهایت مجموع کل امتیازات ۱۲۰ داشت. در پایان برای محاسبه میزان آگاهی کسب امتیاز بالاتر از ۹۵ آگاهی خوب تلقی گردید، امتیاز ۹۵-۷۵ آگاهی متوسط و امتیاز کم‌تر از ۷۵ آگاهی ضعیف خواهد بود. سؤالات نگرش بر اساس معیار لیکرت طراحی شده‌اند. در پایان پس از محاسبه امتیازات کسب امتیاز ۵۰-۲۵ به معنای نگرش منفی، امتیاز ۷۵-۵۱ به معنای نگرش خنثی و امتیاز ۱۰۰-۷۵ به معنای نگرش مثبت در نظر گرفته شد.

یافته‌ها: کل جامعه نمونه ۶۰ نفر بودند که کم‌ترین نمره نگرش در این جامعه ۷۵ و بیش‌ترین نمره ۱۰۴ بود و میانگین نمره‌ها 96.2 ± 10.3 به دست آمد. در بین جامعه نمونه هیچ مورد نگرش منفی نداشتند، ۲۱٪ نگرش خنثی و ۷۸٪ نگرش مثبت داشتند. در بین گروه‌های کارشناسی پیوسته و ناپیوسته نگرش مثبت دارای اختلاف معنی‌داری بود. میانگین آگاهی در بین جامعه نمونه 88.3 ± 12.7 می‌باشد که کم‌ترین نمره ۶۰ و بیش‌ترین نمره ۱۱۳ بود. ۱۶٪ از افراد جامعه نمونه دارای آگاهی ضعیف، ۵۳٪ دارای آگاهی متوسط و ۳۰٪ دارای آگاهی خوب بودند. ارتباط بین میزان آگاهی دانشجویان کارشناسی پیوسته و ناپیوسته معنی‌دار بود (آگاهی خوب دانشجویان پیوسته ۵۲٪ و آگاهی خوب دانشجویان ناپیوسته ۱۹٪).

نتیجه‌گیری: با توجه به یافته‌های تحقیق به نظر می‌رسد که در بین دانشجویان نگرش مثبت و آگاهی در حد متوسط در زمینه مامایی جامعه‌نگر وجود دارد و این آگاهی و نگرش در دانشجویان کارشناسی پیوسته نسبت به گروه ناپیوسته بیش‌تر است و این مسأله می‌تواند مربوط به تعداد واحدهای درسی بیش‌تری که دانشجویان پیوسته در این خصوص می‌گذرانند نسبت داد. با توجه به اهمیت مامایی جامعه‌نگر در پیشگیری از معضلات مربوط به بهداشت زنان توصیه می‌شود برنامه‌ریزی جهت آموزش بیش‌تر در این زمینه انجام گیرد.

واژگان کلیدی: آگاهی، نگرش، مامایی جامعه‌نگر.

ن
ن





بررسی اثر عصاره‌های آبی، الکلی و هیدروالکلی میوه گیاه زنیان بر درمان

زخم معده ناشی از ایبوپروفن در موش صحرایی نر

دکتر غلامرضا کمیلی^۱، میثم سرگزی^۲، شهاب الدین مالکی^۳، سیاوش سلوکی^۴، عصمت سنچولی^۴، فاطمه سعیدی نیک^۲
۱- دانشگاه علوم پزشکی زاهدان. ۲- دانشجوی پزشکی- دانشگاه علوم پزشکی زاهدان- کمیته تحقیقات دانشجویی.

چکیده

مقدمه: داروهای ضد التهابی غیر استروئیدی در جوامع امروزی مصرف بسیار بالایی دارند و یکی از عوارض مصرف آن‌ها ایجاد زخم معده می باشد. یکی از درمان‌های رایج زخم معده استفاده از داروهای مانند امپرازول (مهارکننده ترشح اسید معده) است که همراه با عوارض جانبی بوده و احتمال عود ضایعات پس از قطع درمان وجود دارد. در این مطالعه سعی شده است تا اثر عصاره دانه گیاه زنیان در درمان زخم معده ایجاد شده توسط ایبوپروفن در مدل حیوانی مورد بررسی قرار گیرد.

مواد و روش‌ها: این تحقیق بر روی ۷۶ سر موش صحرایی نر بالغ انجام شده است. برای ایجاد زخم معده از ایبوپروفن (دوز ۴۰۰ میلی گرم به ازای کیلوگرم) به صورت دهانی استفاده شد. شش ساعت پس از ایجاد زخم، حیوانات تحت درمان با امپرازول (۲۰۰ میلی گرم به ازای کیلوگرم) و یا عصاره آبی، هیدروالکلی و یا الکلی دانه گیاه زنیان با دوزهای ۱۲۵، ۲۵۰ و ۵۰۰ میلی گرم به ازای کیلوگرم، دو نوبت در روز و به مدت دو هفته قرار گرفتند. در پایان مطالعه حیوانات از نظر تعداد و وسعت زخم معده مورد بررسی قرار گرفتند و ED₅₀ هر کدام از عصاره‌ها محاسبه شد. مقدار آنزیم‌های کبدی SGPT و SGOT در سرم حیوانات نیز اندازه‌گیری شد.

یافته‌ها: عصاره دانه گیاه زنیان به صورت وابسته به دوز موجب بهبودی زخم معده در حیوانات شد که این اثر درمانی در دوزهای ۱۲۵ و ۲۵۰ عصاره گیاهی زنیان میلی گرم به ازای کیلوگرم در مقایسه با امپرازول معنی دار بود. میانگین تعداد و مساحت زخم‌های معده نیز در گروه‌های دریافت‌کننده عصاره به طور معنی داری کم‌تر از گروه دریافت‌کننده امپرازول بود. مقدار آنزیم‌های کبدی نیز در گروه‌های دریافت‌کننده عصاره با دوز ۵۰۰ میلی گرم به ازای کیلوگرم به صورت معنی داری افزایش یافته بود.

نتیجه‌گیری: مصرف عصاره دانه گیاه زنیان در درمان زخم معده بسیار مؤثر است و اثر درمانی آن با داروی شناخته شده امپرازول نیز قابل مقایسه است.

واژگان کلیدی: عصاره دانه زنیان، زخم معده، موش صحرایی، ایبوپروفن.





بررسی شاخص CPI (Community Periodontal Index) در زنان باردار مراجعه-

کننده به مراکز بهداشتی درمانی شهری شاهرود سال ۱۳۸۶

افسانه دلخوش^۱، ربابه یونسیان^۲، زهرا فلاحی^۲، عباسعلی خواجه‌تراب^۳، محمد شمسانی^۳، سعیده عابدیان^۴، فریده صادقیان^۴، امیر کسانیان^۵

۱- دانشجوی بهداشت عمومی - دانشگاه علوم پزشکی شاهرود. ۲- کارشناس بهداشت عمومی - دانشگاه علوم پزشکی شاهرود. ۳- دندانپزشک، ۴- عضو هیأت علمی بهداشت حرفه ای - دانشگاه علوم پزشکی شاهرود. ۵- عضو هیأت علمی آمار حیاتی - دانشگاه علوم پزشکی شاهرود.

چکیده

مقدمه: در دهه اخیر مطالعات زیادی نشان داده است که مشکلات بهداشتی دهان و دندان عامل خطر برای نتایج بارداری می‌باشد. هدف از این مطالعه بررسی وضعیت سلامتی دهان و دندان در زنان باردار مراجعه‌کننده به مراکز بهداشتی درمانی شهر شاهرود می‌باشد.

مواد و روش‌ها: این مطالعه از نوع مقطعی می‌باشد که بر روی ۳۸۵ نفر از زنان باردار مراجعه‌کننده به مراکز بهداشتی درمانی شهری شاهرود انجام شد روش نمونه‌گیری به صورت تصادفی بوده و ابزار جمع‌آوری اطلاعات چک لیست شامل سؤالات دموگرافیک و سؤالات تخصصی دندانپزشکی بود که توسط دندانپزشک پس از معاینه تکمیل گردید. تجزیه و تحلیل اطلاعات با استفاده از نرم‌افزار SPSS انجام گرفت.

یافته‌ها: نتایج حاصله نشان داد مادران باردار با میانگین سن $26/24 \pm 4/9$ (حداقل ۱۷ و حداکثر ۴۰ سال) در این مطالعه شرکت کردند ۲۳٪ از آنان تحصیلات کم‌تر از دیپلم داشتند. معاینه دندان نشان داد ۸۲/۴٪ از جامعه مورد مطالعه مشکلات دهان و دندان دارند و فقط ۶/۶٪ از آنان روزانه ۳ بار مسواک می‌زدند در این مطالعه شاخص CPI با رتبه بارداری، تحصیلات و استفاده از مسواک و نخ دندان ارتباط معنی‌داری نشان داد ($P < 0/05$).

نتیجه‌گیری: نتایج مطالعه نشان داد مشکلات دهان و دندان در زنان باردار خیلی شایع و وضعیت سلامت دهان ضعیف است. مداخلات ارتقا سلامت، آموزش‌های ساده پیشگیری، خود مراقبتی دهان و درمان به موقع در دوران بارداری راهی را برای بهبود سلامت دهان و کاهش اثرات سوء مشکلات دهان و دندان بر روی این گروه مهم از جامعه می‌گشاید.

واژگان کلیدی: مادران باردار، سلامت دهان و دندان، CPI.



بررسی دیدگاه‌ها و عقاید دانشجویان مامایی دانشگاه علوم پزشکی شاهرود

نسبت به زایمان فیزیولوژیک در سال ۱۳۸۸

لیلا ناصری^۱، دکتر افسانه کرامت^۲

۱- دانشجوی کارشناسی مامایی- دانشگاه علوم پزشکی شاهرود- کمیته تحقیقات دانشجویی. ۲- عضو هیأت علمی- دانشگاه علوم پزشکی شاهرود.

چکیده

مقدمه: مکانیسم انجام زایمان یک فرایند خودبه‌خودی و بدون نیاز به مداخله می‌باشد که در طی حیات بشری با سیر طبیعی خود انجام شده است یکی از راه‌های فراهم کردن زمینه بهتر این تجربه شیرین برای مادر زایمان فیزیولوژیک است. از آن‌جا که حرفه مامایی می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در ترویج و هدایت زایمان فیزیولوژیک به عهده داشته باشد بر آن شدیم تا دیدگاه دانشجویان سال آخر مامایی دانشگاه علوم پزشکی شاهرود را در خصوص زایمان فیزیولوژیک بسنجیم.

مواد و روش‌ها: این مطالعه یک تحقیق کیفی است که به بررسی عمیق دیدگاه‌های دانشجویان مامایی در مورد انجام زایمان فیزیولوژیک می‌پردازد. نمونه‌گیری به صورت مبتنی بر هدف شامل دانشجویان مامایی سال آخر در گروه‌های جداگانه مامایی پیوسته و ناپیوسته انجام گرفت. اطلاعات به روش بحث گروهی (FGD) جمع‌آوری شد. روش تحلیل این بررسی بر اساس تحلیل محتوا بود. بدین صورت که کلیه نظرات شرکت‌کنندگان پس از ضبط در فایل‌های صوتی و پیاده شدن توسط پژوهشگران چند بار خوانده شد و عناوین اصلی از آن استخراج و سپس کدگذاری شدند و هر عنوان به صورت یک تم اصلی آورده شد که هر تم دارای زیر مجموعه‌هایی از چند «ساب تم» بود.

یافته‌ها: در مجموع ۱۴ نفر در مصاحبه شرکت نمودند. مباحثی که در FGDها مطرح گردید به چهار دسته کلی تقسیم می‌شد هم‌چنین مفاهیم جزئی به‌عنوان زیر طبقه مفاهیم کلی پدیدار شد. مباحث اصلی عبارت بود از الف- شناخت از زایمان فیزیولوژیک و داشتن تجربه در این خصوص، ب- معایب و محاسن انجام زایمان فیزیولوژیک، ج- موانع انجام زایمان فیزیولوژیک، د- پیشنهاد برای ترویج زایمان فیزیولوژیک. در حیطه معایب انجام زایمان فیزیولوژیک تم‌های اصلی و ساب تم‌های مربوطه عبارت بود از ۱- عوامل مربوط به مادر و همراه (شامل: خستگی، ترس از عوارض زایمان طبیعی، تمایل مادر به بستری شدن زود هنگام). ۲- عوامل مربوط به پرسنل و امکانات (شامل: افزایش مسؤلیت ماما، نیاز به امکانات، هزینه‌بر بودن). ۳- عوارض مادری و جنینی. در گروه دانشجویان ناپیوسته عوارض مادری و جنینی ذکر شده از تنوع و اهمیت بیش‌تری برخوردار بود. (شامل: ایجاد عفونت در مادر و مرگ جنین در اثر طولانی شدن زایمان). در مقابل محاسن ذکر شده برای زایمان فیزیولوژیک در گروه دانشجویان پیوسته از تنوع و اهمیت بیش‌تری برخوردار بود و در هر دو گروه بیش‌ترین پیشنهاد مطرح شده برای ترویج زایمان فیزیولوژیک به فرهنگ سازی چه در سطح مردم و چه در سطح پرسنل (شامل: متخصصین، ماماها) مربوط می‌شد.

نتیجه‌گیری: از نکات قابل توجه براساس یافته‌های این پژوهش، دیدگاه نسبتاً منفی و نگرانی دانشجویان ناپیوسته مامایی نسبت به زایمان فیزیولوژیک است. با توجه به وجود تجارب شغلی در دانشجویان ناپیوسته وجود این دیدگاه را می‌توان به جو حاکم بر محیط کار نسبت داد و این امر ضرورت فرهنگ سازی بیش‌تر در خصوص ترویج زایمان فیزیولوژیک چه در محیط‌های شغلی و چه در سطح جامعه را مطرح می‌سازد.

واژگان کلیدی: زایمان فیزیولوژیک، دیدگاه دانشجویان، دانشجویان مامایی.



دیدگاه‌ها و عقاید زنان باردار مراجعه‌کننده به مراکز بهداشتی - درمانی

شاهرود نسبت به ورزش در دوران بارداری

ریحانه عرب^۱، لیلیا ناصری^۱، محبوبه پورحیدری^۲، احمد خسروی^۳

۱- دانشجوی کارشناسی مامایی- دانشگاه علوم پزشکی شاهرود. ۲- عضو هیأت علمی گروه مامایی- دانشگاه علوم پزشکی شاهرود. ۳- مرکز تحقیقات علوم رفتاری و اجتماعی در سلامت- دانشگاه علوم پزشکی شاهرود.

چکیده

مقدمه: علی‌رغم اطلاع از تظاهرات فیزیولوژیک ورزش در طول حاملگی، هنوز درک جامع و دقیقی از اثرات ورزش در زمان حاملگی بر مادر و جنین وجود ندارد. در این مطالعه دیدگاه مادران در مورد ورزش دوران بارداری و علل عدم تمایل مادران به ورزش بررسی شده است.

مواد و روش‌ها: در این مطالعه کیفی، مصاحبه نیمه ساختار یافته به روش بحث گروهی با مادران باردار مراجعه‌کننده به سه مرکز بهداشتی- درمانی شاهرود (عظیمی، مهدی آباد، امام موسی کاظم) با روش مبتنی بر هدف انجام گرفت. در تمامی بحث‌های گروهی نظرات و صحبت‌های افراد با اجازه آنان ضبط شده و روی کاغذ پیاده سازی شد. از اطلاعات به دست آمده تم‌های اصلی استخراج و کدگذاری گردید که هر تم دارای چند ساب تم بود. یافته‌های پژوهش در دو گروه اصلی ((علل عدم تمایل مادران به انجام ورزش در دوران بارداری)) و ((علل تمایل به ورزش در دوران بارداری)) دسته‌بندی شدند و در نهایت راه‌های ترویج ورزش در دوران بارداری از دیدگاه شرکت‌کنندگان مورد بررسی قرار گرفت.

یافته‌ها: مهم‌ترین دلایل عدم تمایل مادران به ورزش در دوران بارداری از دیدگاه شرکت‌کنندگان در مطالعه ((عدم آگاهی کافی)) بود. سایر دلایل عبارت بودند از توصیه و نظر پزشک به عدم تحرک و استراحت بیشتر، توصیه اطرافیان به استراحت، ترس از صدمه به جنین، نداشتن وقت، ترس از سقط جنین، خستگی و تصویرسازی از بارداری به‌عنوان ۹ ماه بیماری که نیاز به مراقبت ویژه دارد، تشدید مشکلات بارداری، عادت نداشتن به ورزش قبل از بارداری. یکی از مادران که سومین بارداری را تجربه می‌کرد بیان داشت: اولین بار است در مورد ورزش در دوران بارداری می‌شنوم. در نهایت اکثر مادران به این نکته اشاره می‌کردند که در تمام مدتی که جهت مراقبت دوران بارداری به پزشک متخصص یا ماما درمانگاه مراجعه می‌نمودند، هیچکدام در مورد فواید یا نحوه انجام ورزش دوران بارداری با آن‌ها صحبتی نکرده‌اند.

نتیجه‌گیری: گرچه دیدگاه اغلب مادران در مورد ورزش مثبت بود اما ورزش در دوران بارداری انجام نمی‌دادند. تنها ورزشی که از طرف پزشک، ماما یا اطرافیان به آن‌ها توصیه شده بود پیاده روی در ماه‌های آخر آن هم در مورد مادرانی که تمایل به زایمان طبیعی داشتند بود. در خصوص ترویج ورزش در دوران بارداری مهم‌ترین مسأله آرایه اطلاعات و آموزش‌های اثر بخش پیش و طی دوران بارداری در مورد فواید و نحوه انجام به مادران و همسران آن‌ها می‌باشد. توصیه به انجام ورزش از طرف پرسنل بهداشتی به‌خصوص پزشک در مواردی که کنتراپندیکاسیونی وجود ندارد مهم‌ترین عامل انگیزشی محسوب می‌شود.

واژگان کلیدی: ورزش، ورزش دوران بارداری، دیدگاه، زنان باردار.





رابطه بین منبع کنترل و سلامت روان دانشجویان

رقیه گرزین^۱، مهدی راعی^۲، انسیه نورمحمدیان^۳، بی‌بی طاهره ابراهیمی مقدم^۳

۱- کارشناس ارشد روانشناسی- دانشگاه علوم پزشکی شاهرود. ۲- کارشناس ارشد آمار حیاتی- دانشگاه علوم پزشکی شاهرود. ۳- دانشجوی کارشناسی مشاوره- دانشگاه غیر انتفاعی شاهرود.

چکیده

مقدمه: حفظ سلامت روانی به منظور ایجاد یک محیط فردی و اجتماعی سالم و مناسب از ضروریات یک جامعه محسوب می‌گردد و احساس کنترل داشتن بر وقایع و رویدادهای زندگی شخصی و باور فرد مبنی بر اینکه تا چه اندازه می‌تواند بر زندگی خود اثر داشته باشد یکی از مواردی است که می‌تواند ما را به این مهم رهنمون نماید. این پژوهش با هدف بررسی رابطه بین سلامت روان و منبع کنترل در دانشجویان ورودی جدید انجام شده است.

مواد و روش‌ها: نمونه مورد بررسی ۱۹۷ نفر از دانشجویان ورودی جدید دانشگاه غیر انتفاعی شاهرود بوده که به شیوه طبقه‌ای انتخاب شدند و به دو پرسش‌نامه سلامت عمومی گلدبرگ و منبع کنترل جولیان راتر پاسخ گفتند. نمرات حاصل از اجرای پرسش‌نامه‌ها با استفاده از روش‌های آمار استنباطی (ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون) مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: نتایج و یافته‌های حاصل نشان داد میان منبع کنترل و سلامت روان رابطه مثبت و معنادار وجود دارد ($P < 0/01$)، سایر نتایج پژوهش نیز نشان داد کم‌ترین میانگین سلامت روان در مقطع کاردانی وجود دارد و از نظر وضعیت تأهل و جنسیت نیز تفاوت معناداری میان گروه‌ها مشاهده نشد.

نتیجه‌گیری: شناساندن و آموزش منبع کنترل به دانشجویان به‌عنوان گروه بزرگی از جامعه که سلامت جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهند می‌تواند راهگشا باشد.

واژگان کلیدی: سلامت روان، منبع کنترل، دانشجویان.





بررسی برخی فاکتورهای مرتبط با شاخص‌های چاقی در زنان مراجعه‌کننده به دو کلینیک تغذیه زاهدان در سال‌های ۸۷-۱۳۸۵

دکتر منصور شهرکی^۱، دکتر توران شهرکی^۱، فاطمه صبح‌خیزی^۱، امیرحسین ضرغامی^۲

۱- دانشگاه علوم پزشکی زاهدان. ۲- دانشجوی پزشکی- دانشگاه علوم پزشکی زاهدان- کمیته تحقیقات دانشجویی.

چکیده

مقدمه: چاقی خصوصاً در زنان، با تعداد زیادی از بیماری‌های متابولیک و قلبی- عروقی مرتبط است؛ همچنین وجود یک رابطه مستقیم و غیر مستقیم بین چاقی و دیابت، دیس لیپیدمی، هایپرتانسیون و آترواسکلروزیس اثبات شده است. هدف از انجام این مطالعه، ارزیابی برخی از فاکتورهای مرتبط با شاخص‌های چاقی در زنان بود.

مواد و روش‌ها: در این مطالعه مقطعی از نوع توصیفی- تحلیلی (Descriptive-Analytical)، ۸۱۱ زن با میانگین سنی ۳۵ سال که در طی سال‌های ۸۷-۱۳۸۵ برای بررسی کامل روتین به دو کلینیک تغذیه زاهدان مراجعه کرده بودند مورد مطالعه قرار گرفتند. شاخص‌های آنترپومتریک (قد، وزن، دور باسن و کمر) با روش‌های استاندارد اندازه‌گیری شدند و اطلاعات اجتماعی، دموگرافیک از جمله سن، جنس، سطح سواد، وضعیت تأهل، فعالیت فیزیکی، سابقه بارداری و تعداد بارداری در طول مطالعه جمع‌آوری و مورد ارزیابی قرار گرفت. میانگین نمایه توده بدنی (BMI) و نسبت دور کمر به دور باسن (WHR) و محیط دور کمر (WC) بر حسب سن، جنس و سایر فاکتورها مورد ارزیابی قرار گرفت. سپس یافته‌ها با استفاده از نرم‌افزار آماری SPSS ۱۵ و تست‌های آماری ANOVA، Tuckey HSD و independent T Student آنالیز شد.

یافته‌ها: میانگین سن زنان مورد مطالعه $35/03 \pm 3/35$ سال بود. میانگین BMI، WC و WHR در تمام زنان مورد مطالعه به ترتیب $34/03 \pm 5/46$ (کیلوگرم بر مترمربع)، $102/56 \pm 13/5$ (سانتی متر) و $0/89 \pm 0/09$ بود. نتایج مطالعه نشان داد که ارتباط معنی‌داری بین شاخص‌های چاقی شکمی و عمومی با سن، سطح سواد و وضعیت تأهل وجود دارد. همچنین مشخص گردید که به جز BMI، بین نمایه‌های WC و WHR با فعالیت فیزیکی ارتباط معنی‌داری وجود دارد (به ترتیب $P=0/03$ ، $P=0/01$).

نتیجه‌گیری: بر اساس نتایج این مطالعه، سن بالاتر، عدم فعالیت فیزیکی، سطح پایین سواد، متأهل بودن، تعداد بارداری بیش‌تر ممکن است به‌عنوان فاکتورهای خطر در افزایش شیوع چاقی عمومی و شکمی در جامعه مورد مطالعه باشد. بنابراین، آموزش زنان برای تغذیه بهتر و تغییر سبک زندگی بسیار با اهمیت می‌باشد. تحقیقات جامع‌تر و کمی برای ارزیابی فاکتورهای اختصاصی مؤثر بر شاخص‌های چاقی در زنان پیشنهاد می‌گردد.

واژگان کلیدی: فاکتورهای خطر، زنان، BMI، WC، WHR.



مقایسه دیدگاه دانشجویان و اساتید دانشکده پرستاری و مامایی زاهدان در

مورد اولویت‌های ارزشیابی اساتید در سال ۱۳۸۸

فتیحه کرمان ساروی^۱، رضا شهرکی^۲، فواد کرم ویسی^۳

۱- عضو هیأت علمی دانشکده پرستاری و مامایی- دانشگاه علوم پزشکی زاهدان. ۲- دانشجوی پرستاری- دانشگاه علوم پزشکی زاهدان. ۳- کارشناس پرستاری- دانشگاه علوم پزشکی زاهدان.

چکیده

مقدمه: شناخت نظرات دانشجویان و اعضای هیأت علمی به‌عنوان دو مشتری اصلی سیستم ارزشیابی استاد می‌تواند راهنمای مفیدی برای اصلاح مشکلات موجود فراهم آورد. بعلاوه شناخت نقاط قوت و ضعف در ارزشیابی به برنامه‌ریزان آموزشی کمک می‌کند تا امکان اصلاح و ارتقای کیفیت آن را فراهم نماید. این مطالعه به منظور مقایسه دیدگاه دانشجویان و اساتید دانشکده پرستاری و مامایی زاهدان در مورد اولویت‌های ارزشیابی اساتید انجام شد.

مواد و روش‌ها: این مطالعه توصیفی - تحلیلی در نیمه دوم سال تحصیلی ۸۸-۸۷ بر روی کلیه دانشجویان رشته‌های مختلف دانشکده پرستاری مامایی (۲۴۵ نفر) و اساتید دانشکده (۲۶ نفر) انجام شد. جمع‌آوری داده‌ها از طریق پرسشنامه ایی که در زمینه ویژگی‌های فردی استاد، مهارت‌های ارتباطی، رعایت اصول و قوانین آموزشی و مهارت‌های ارزشیابی تنظیم شده بود جمع‌آوری شد.

یافته‌ها: نتایج یافته‌ها نشان داد که از نظر دانشجویان (۷۱٪) و اساتید (۸۴/۶٪) مهم‌ترین اولویت در ارزشیابی استاد تسلط به موضوع درسی بود. در بخش ویژگی‌های فردی، شیوه بیان و تفهیم مطالب (۷۶/۷ درصد) از دید دانشجویان و اساتید (۷۶/۹ درصد)، در بخش مهارت‌های ارتباطی احترام به دانشجو (۷۱/۸ درصد دانشجویان و ۵۳/۸ درصد اساتید)، در بخش اصول و قوانین آموزشی، شروع و اتمام درس در زمان مقرر و بر اساس برنامه مدون (۴۴/۹ درصد از دید دانشجویان و ۵۳/۸ درصد اساتید) و در بخش مهارت‌های ارزشیابی، انجام ارزشیابی مرحله‌ای (۵۱/۴ درصد) از دید دانشجویان و خواستن تکالیف تحقیقی از نظر اساتید (۶۱/۵ درصد) مهم‌ترین اولویت بود. ۵۵٪ درصد دانشجویان نتایج ارزشیابی فعلی از اساتید را با واقعیت منطبق می‌دانستند که این میزان در اساتید ۳۰/۸ درصد می‌باشد. تنها ۲/۴ درصد دانشجویان و ۳/۸ درصد اساتید ارزیابی‌های فعلی را اصلاً با واقعیت منطبق نمی‌دانستند.

نتیجه‌گیری: با توجه به اینکه ارزشیابی اساتید منجر به بهبود زندگی و ارتقای آموزش خواهد شد، بنابراین زمانی مفید خواهد بود که داده‌های حاصل از آن از روائی و پایایی لازم برخوردار باشد با توجه به اختلاف نظر اساتید و دانشجویان در خصوص برخی از ملاک‌های ارزشیابی اساتید طراحی یک فرم منطبق با نظرات اساتید و دانشجویان ضروری به نظر می‌رسد.

واژگان کلیدی: دانشجو، استاد، ارزشیابی، دانشکده پرستاری و مامایی زاهدان.





بررسی الگوی سوء مصرف مواد مخدر و فراوانی رفتارهای پرخطر در مراجعین به مراکز درمان نگهدارنده با متادون و مراکز گذری شهرستان شاهرود: ۱۳۸۸

رضا رضانی‌دیل^۱، دکتر محمد امیری^۲، احمد خسروی^۳، دکتر احمد مهدوی^۴

۱- دانشجوی کارشناسی ناپیوسته بهداشت عمومی - دانشگاه علوم پزشکی شاهرود - کمیته تحقیقات دانشجویی. ۲- دکتری مدیریت خدمات بهداشتی درمانی - دانشگاه علوم پزشکی شاهرود. ۳- مرکز تحقیقات علوم رفتاری و اجتماعی در سلامت - دانشگاه علوم پزشکی شاهرود. ۴- پزشک عمومی.

چکیده

مقدمه: سوء مصرف و وابستگی به مواد مخدر، یکی از معضلات و نگرانی‌های عمده جهان امروز و عامل بازدارنده رشد و شکوفایی جامعه است. پژوهش حاضر با هدف تعیین الگوی سوء مصرف مواد مخدر و فراوانی رفتارهای پرخطر در مراجعین به مراکز DIC و MMT شهرستان شاهرود انجام شد.

مواد و روش‌ها: این پژوهش از نوع مطالعات توصیفی - مقطعی و کاربردی می‌باشد. در این مطالعه پرسش‌نامه‌ای مشتمل بر ۱۰ سؤال عمومی و ۳۲ سؤال اختصاصی در خصوص اعتیاد و رفتارهای پرخطر استفاده شد. داده‌ها از طریق مصاحبه و بررسی پرونده افراد تحت درمان در مراکز DIC و MMT استخراج شد. داده‌ها پس از کدگذاری، وارد نرم-افزار SPSS شده و مورد تحلیل آماری قرار گرفت.

یافته‌ها: میانگین سنی افراد مورد مطالعه ۳۴/۸ بود. ۹۷/۵٪ افراد مرد بودند. ۹۲/۷٪ در شهر و ۷/۳٪ ساکن روستا بودند. تدخین ۴۴/۴٪، طریقه مصرف مواد مخدر در افراد مورد مطالعه قبل از مراجعه به مراکز DIC و MMT بوده و پس از آن خوردن (۲۵/۷٪) و تزریق (۱۲/۷٪) در رده‌های بعدی می‌باشند. کراک بیش‌ترین ماده مخدر مورد استفاده در افراد مورد مطالعه قبل از مراجعه به مراکز بوده و پس از آن تریاک و شیره در رده‌های بعدی قرار داشتند. در این افراد مواد زیر به ترتیب در طی مدت زمان اعتیاد تجربه شده‌اند: تریاک (۳۱۳ مورد) ۸۸/۴۲٪، شیره (۲۳۲ مورد) ۶۵/۵۴٪، کراک (۱۷۰ مورد) ۴۸/۰۲٪، الکل (۱۰۷ مورد) ۳۰/۲۳٪، حشیش (۷۰ مورد) ۱۹/۷۷٪، هروئین (۵۹ مورد) ۱۶/۶۷٪ و سایر مواد (۲۳ مورد) ۶/۵۰٪ بود.

نتیجه‌گیری: با عنایت به پایین بودن سن شروع سیگار، وجود بسیاری از رفتارهای پرخطر در افراد، وجود سابقه اعتیاد در حدود نیمی از خانواده‌های افراد مورد مطالعه توجه بیش‌تر به این گروه و تدوین قوانین راهبردی و افزایش مراکز ارایه خدمت و آموزش مهارت‌های زندگی در مدرسه، خانواده و اجتماع می‌تواند کمک شایانی به پیشگیری از عواقب ویرانگر اعتیاد نماید.

واژگان کلیدی: مواد مخدر، رفتارهای پرخطر، متادون، مراکز درمان نگهدارنده با متادون، مراکز گذری.



بررسی میزان انتشار بیوآئروسول‌ها از محل دفن و کانتینرهای جمع‌آوری زباله-

های شهر شاهرود

محمدامین باباغیبی^۱، حامد حسن‌زاده^۱، پیراسته نوروزی^۲، اله‌بخش جاوید^۳

۱- دانشجو بهداشت محیط- دانشگاه علوم پزشکی شاهرود- کمیته تحقیقات دانشجویی. ۲- کارشناس آزمایشگاه- دانشگاه علوم پزشکی شاهرود. ۳- عضو هیأت علمی- دانشگاه علوم پزشکی شاهرود.

چکیده

مقدمه: تحقیقات نشان می‌دهند ریه و ایجاد حساسیت‌ها ممکن است در نتیجه مواجهه با هوای آلوده به گرد و غبار آلی، باکتری‌های گرم منفی، آکتینو سیت‌ها و قارچ‌ها ناشی از مکان‌های کمپوست مواد زائد جامد اتفاق افتند. با توجه به اینکه کارگران متعددی در مواجهه با هوای آلوده مراکز دفن و جمع‌آوری مواد زائد جامد شهری هستند و نیز انتشار ذرات بیولوژیکی می‌تواند ساکنین منطقه را نیز تحت تأثیر قرار دهد. از این جهت نیاز به مطالعه میزان انتشار ذرات بیولوژیکی از محل‌های دفن و کانتینرهای جمع‌آوری مواد زائد جامد احساس می‌شود.

مواد و روش‌ها: محیط پژوهش در این مطالعه مرکز دفن مواد زائد جامد، ایستگاه موقت جمع‌آوری مواد زائد جامد و کانتینرهای جمع‌آوری مواد زائد جامد می‌باشد. نقاط نمونه برداری به این نحو بود که نمونه‌ها از ایستگاه موقت، یک نقطه ابتدایی محل دفن (جایی که دفن زباله از آن نقطه شروع شده است) و نقطه دیگری در محل بهره‌برداری فعلی هم- چنین کانتینرهای جمع‌آوری مواد زائد جامد از سطح شهر انتخاب شدند. (چهار نقطه از شهر شامل مرکز شهر، منطقه با درآمد بالا، منطقه با درآمد متوسط، منطقه با درآمد کم). نمونه برداری در این تحقیق به وسیله نمونه بردار میکروبی هوا quick take با دبی ۲۸/۳ لیتر در دقیقه با مدت زمان نمونه‌برداری ۲ دقیقه به مدت ۳ ماه متوالی و هر هفته یکبار صورت گرفت. محیط کشت انتخابی تریپتیک سوی آگار (TRYPTIC SOY AGAR) به‌عنوان محیط ترانسفر برای شناسایی باکتری‌های منتقله از هوا می‌باشد. نمونه‌های برداشته شده برای انجام آنالیز مربوطه به آزمایشگاه میکروبیولوژی دانشکده بهداشت شاهرود منتقل شدند.

یافته‌ها: در این پژوهش تعداد ۱۰۰ نمونه از محل‌های مختلف شهر و نیز محل دفن و جایگاه موقت مواد زائد جامد جمع‌آوری گردید. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که میانگین تعداد کلنی بیوآئروسول در کانتینرهای سطح شهر ۳۳۴ CFU/M^۳ (۳۰۵ کلنی باکتری و ۲۹ کلنی قارچ) و در محل دفن در ترانسه‌های در حال بهره‌برداری تعداد ۲۹۲ کلنی (۲۶۲ کلنی باکتری و ۳۰ کلنی قارچ) و در ترانسه‌های پایان یافته قدیمی تعداد ۱۳۴ کلنی (۱۱۷ کلنی باکتری و ۱۷ کلنی قارچ) و نیز در ایستگاه موقت جمع‌آوری مواد زائد جامد تعداد ۳۴۸ (۲۸۰ کلنی باکتری و ۶۸ کلنی قارچ) می‌باشد. هم‌چنین نوع باکتری‌های یافت شده شامل: باکتری‌های استافیلوکوک، باسیلوس سرئوس، باسیلوس سوبتلیس، استرپتوکوک، میکروکوک و لاکتوباسیلوس قارچ‌های موجود شامل: پنی سیلیوم، اسپریژیلاوس و کلادوسپوریوم بودند.

نتیجه‌گیری: نتایج بیانگر آن است که میزان میکروارگانیسم موجود در هوای مجاور کانتینرهای سطح شهر بالاتر بوده و نیز در محل دفن ترانسه‌های در حال بهره‌برداری از بقیه ترانسه‌ها آلوده‌تر است و این امر می‌تواند با توجه به تماس بیش‌تر کارگران با هوای مکان‌های فوق سلا متی آن‌ها را به خطر اندازد.

واژگان کلیدی: بیوآئروسول‌ها، محل دفن زباله، مواد زائد.





بررسی میزان دریافت کارتنوئیدها توسط افراد ۷۰ - ۵۰ سال شهر سبزوار در سال ۸۶ - ۸۵

سمیه کرامتی^۱، اشرف دلبری^۱، اکرم کوشکی^۲

۱- دانشجوی کارشناسی پرستاری- دانشگاه علوم پزشکی سبزوار. ۲- عضو هیأت علمی گروه علوم پایه- دانشگاه علوم پزشکی سبزوار.

چکیده

مقدمه: کارتنوئیدها مولکول‌هایی هستند که با خشی کردن رادیکال‌های آزاد مانع اثرمخرب آن‌ها بر سلول‌های بدن می‌شوند. امروزه تحقیقات نشان داده‌است که برخی از کارتنوئیدها خطر ابتلا به بیماری‌ها از جمله: کاتاراکت، بیماری‌های قلبی- عروقی، سرطان‌ها و... را کاهش می‌دهد. کارتنوئیدها رنگدانه‌های زرد- نارنجی و قرمز موجود در گیاهان هستند.

مواد و روش‌ها: پژوهش حاضر توصیفی از نوع مقطعی بوده که برافراد سالمند سبزوار انجام شد، بدین ترتیب که به- طور طبقه‌ای از تمام مناطق شهر با مراجعه به درب منازل و مصاحبه فردی بعد از کسب رضایت‌نامه تمام مواد غذایی مصرفی در ۳ ماه گذشته (بسامد خوراک) تهیه شد. برای کمک به یادآوری مواد غذایی خورده شده از پیمانه‌های خانگی استفاده گردید. سپس تمام مواد غذایی خورده شده به گرم تبدیل شد. مقدار کارتنوئیدها دریافتی محاسبه گردید، و داده‌ها وارد SPSS شد و آنالیز آماری به کمک آزمون‌های توصیفی و Test-T مستقل انجام گرفت.

یافته‌ها: دراین مطالعه ۷۸ نفر از سالمندها شرکت داشتند که ۴۱/۶٪ آن‌ها مرد و ۵۸/۴٪ آن‌ها زن بودند میانگین سنی آن‌ها ۶۱/۶۱±۶۲/۳۵ سال بود که ۲۲/۵ درصد آن‌ها لاغر، ۶۰/۱ درصد آن‌ها وزن نرمال و ۱۷/۴٪ آن‌ها دارای اضافه وزن بودند. میانگین دریافت کارتنوئیدها در افراد سالمندی که به بیماری مزمن مبتلا بودند ۵۷۰۱۶/۹۹±۷۱۸۴/۶۹ میکروگرم و در افراد سالم ۳۹۶۲۲/۰۳±۳۸۱۶۳/۵۳ میکروگرم بود که این تفاوت از نظر آماری معنادار نیست.

نتیجه‌گیری: این مطالعه حاکی از آن بود که میزان مصرف کارتنوئیدها در افراد سالمند ساکن سبزوار مطلوب می- باشد.

واژگان کلیدی: کارتنوئیدها، سالمندان، سبزوار.



بررسی میزان شیوع سوء مصرف و وابستگی به مواد در بیماران سرطانی مراجعه کننده به معاونت غذا و داروی دانشگاه علوم پزشکی مازندران در سال ۱۳۸۷

سیدحمزه حسینی^۱، جواد موسی نژاد^۲، میثم مفتاحی^۳، ابراهیم صالحی فر^۴، محمدرضا مهدوی^۱، عاطفه هادیان^۳
 ۱- عضو هیأت علمی - دانشگاه علوم پزشکی مازندران. ۲- دانشجوی سال آخر پزشکی - دانشگاه علوم پزشکی مازندران. ۳- پزشک عمومی - عضو پایگاه تحقیقاتی بیمارستان بوعلی سینای مازندران.

چکیده

مقدمه: اکثریت قابل توجهی از بیماران مبتلا به سرطان‌های پیشرفته، قبل از فوت به دردهای مزمن و فرساینده مبتلا می‌شوند. اپیوئیدها نقش مهمی در تسکین درد در این بیماران ایفا می‌کنند. در این مطالعه میزان شیوع سوء مصرف و وابستگی به مواد در بیماران سرطانی مورد بررسی قرار گرفت.

مواد و روش‌ها: در این بررسی کلیه بیماران سرطانی استان مازندران که در طول سال ۸۷ جهت دریافت اپیوم با معرفی نامه پزشک معالج به معاونت غذا و داروی دانشگاه علوم پزشکی مازندران یا واحدهای تابعه (مراکز بهداشتی شهرستان‌های منتخب) مراجعه می‌کردند، مورد ارزیابی قرار گرفتند. اطلاعات مورد نیاز از طریق پرسش‌نامه دموگرافیک و مصاحبه بالینی ساختاریافته برای اختلال‌های محور I در DSM IV جهت بررسی سوء مصرف و وابستگی به مواد که روایی و پایایی آن قابل قبول بود جمع‌آوری گردید. بیماران پس از اخذ رضایت آگاهانه و تکمیل پرسش‌نامه دموگرافیک، توسط پرسشگر که قبلاً آموزش‌های لازم را در این زمینه دیده بود، تحت مصاحبه قرار گرفتند. از بیماران مراجعه کننده به معاونت دارو و غذای دانشگاه به عنوان حوزه اصلی دریافت دارو، جهت بررسی دقیق‌تر سوء مصرف مواد، تست تکمیلی آنالیز ادراری به روش TLC نیز به عمل آمد و نتایج به دست آمده توسط آزمون تست T مستقل مورد بررسی قرار گرفت.

یافته‌ها: از مجموع ۲۶۸ بیمار سرطانی استان، ۳۰ نفر به دلایل مختلف (عدم موافقت با شرکت در پژوهش، عدم مراجعه و...) از مطالعه خارج شدند و ۲۳۸ بیمار باقی مانده تحت مصاحبه قرار گرفتند. در کل نمونه آماری، ۵۳/۴٪ جمعیت مصرف مواد را ذکر می‌کردند که از این تعداد ۱۱/۳٪ سوء مصرف مواد و ۱۰/۸٪ وابستگی به مواد داشتند. در تست تکمیلی TLC نیز، ۷۲/۷٪ جمعیت مورد بررسی، تست ادراری مثبت (اعم از مرفین، کدئین، بنزودیازپین، باربیتورت) داشتند. با افزایش سن، میزان سوء مصرف مواد در بیماران به طور معنی داری افزایش می‌یافت ($P < 0/05$). همچنین ارتباط معنی داری میان افزایش طول بیماری و طول مدت مصرف مواد و میزان وابستگی به آن در بیماران وجود داشت ($P < 0/05$). بین میزان داروی تجویزی و سوء مصرف و وابستگی به مواد، ارتباط معنی داری وجود نداشت ($P > 0/05$). بیشترین میزان سوء مصرف و وابستگی به مواد در درگیری‌های اولیه یا مناسباتیک استخوانی وجود داشته است.

نتیجه‌گیری: سوء مصرف و وابستگی به مواد در بیماران سرطانی مورد مطالعه در حد قابل توجهی بالا است. این امر نشان می‌دهد که میزان اپیوم تجویزی توسط پزشکان موجب تسکین کافی درد در بیماران نشده است و آنان را به سمت مصرف سایر مواد سوق داده است. بیماران در طول دوره مصرف دارو باید بطور مداوم تحت پایش قرار گیرند و دوز دارو، راه مصرف، توالی مصرف، عوارض دارو، تداخلات و سایر موارد به دقت تحت بررسی قرار گیرد و پروتکل‌های کنترل درد در طول دوره بیماری، بر حسب نیاز بیمار توسعه یابد.

واژگان کلیدی: شیوع، مواد، وابستگی، سوء مصرف، سرطان.





بررسی شیوع دیس گلاسمی و عوامل مرتبط در بیماران مشکوک به سندرم حاد کرونری از نیمه دوم ۱۳۸۴ لغایت پایان نیمه اول ۸۵؛ مراجعه‌کننده به

بیمارستان‌های وابسته به دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد

طهورا عبداللهی^۱، دکتر محمد سرافرازبزدی^۲، سییده قدری^۱، نیلوفر صفایی^۱، لعیسا ولایی^۱، دکتر سعید ناظمی^۲،
مجتبی مشکات^۲

۱- دانشجوی پزشکی- دانشگاه آزاد اسلامی مشهد. ۲- استادیار داخلی- دپارتمان داخلی بیمارستان آریا دانشکده پزشکی- دانشگاه آزاد اسلامی مشهد. ۳- دانشگاه آزاد اسلامی مشهد.

چکیده

مقدمه: از کار افتادگی و مرگ‌ومیر ناشی از اختلالات قلبی- عروقی در بیماران مبتلا به دیابت در حال افزایش است از سوی دیگر اختلالات متابولیسم گلوکز در بیماران غیر دیابتی نیز می‌تواند عامل خطری برای افزایش آترواسکلروز باشد. بررسی شیوع دیس گلاسمی و تعیین عوامل مرتبط در بیماران مشکوک به سندرم حاد کرونری.

مواد و روش‌ها: این مطالعه Cross-Sectional بوده و از نیمه دوم سال ۱۳۸۴ شروع و تا نیمه اول سال ۸۵ ادامه یافته است. بیماران مورد نظر کلیه کسانی بودند که با شک به سندرم حاد کرونری در بخش اورژانس قلب و CCU بیمارستان آریا بستری شده‌اند؛ از بیماران شرح کامل بر اساس پرسش‌نامه گرفته شد. نمونه خون مجزا جهت بررسی HbA1C از بیماران گرفته شد. جهت کاهش تأثیر هایپر گلاسمی ناشی از استرس، پس از ثابت شدن شرایط عمومی بیمار، نمونه گلوکز خون تصادفی گرفته شده و سپس در روز بعد گلوکز پلاسمای ناشتا بررسی گردید. برای تجزیه و تحلیل آماری از نرم‌افزار SPSS و آزمون آماری (Fisher exact test) و مجذور کای استفاده شد.

یافته‌ها: از ۱۰۱ بیمار مشکوک به سندرم حاد کرونری، ۷۲ نفر (۷۱/۲۹٪) مبتلا به ACS بوده، ۱۱ نفر (۱۰/۹٪) مشکلات دریچه‌ای و آریتمی داشتند، هم‌چنین بیماری ۱۸ نفر (۱۷/۸۲٪) نا مرتبط به مشکلات قلبی بود (GERD، پنومونی و...). هم‌چنین از کل بیماران مورد مطالعه ۴۵ نفر (۴۴/۵٪) بیماران دیابتی بودند. ۳۱ نفر (۳۰/۶۹٪) دیس- گلاسمی داشتند و ۲۵ نفر (۲۴/۷٪) نورموگلاسمی داشتند. دیس لیپیدمی ($P=0/015$) و بالا بودن فشارخون ($P=0/000$) و سابقه فامیلی دیابت ($P=0/000$) ارتباط معنی‌داری با متابولیسم گلوکز دارند. HTN با ابتلا به دیسگلاسمی مرتبط است ($P=0/003$). از میان بیماران ACS، ۲۹/۱۷٪ بیماران دارای دیس گلاسمی و فشارخون می- باشند

نتیجه‌گیری: دیس گلاسمی تقریباً در یک سوم بیماران دارای ACS دیده شد. شیوع بالای دیابت و دیس گلاسمی در گروه مورد، وجود اختلالات متابولیسم گلوکز در تعداد زیادی از بیماران با تشخیص ACS را اثبات می‌کند. در مجموع میزان شیوع دیس گلاسمی در بیماران مبتلا به ACS ۲۵ نفر (۳۴/۷۲٪) از ۷۲ بیمار دارای ACS بود.

واژگان کلیدی: سندرم حاد کرونری، هموگلوبین گلیکوزیله، دیس گلاسمی.





بررسی میزان شیوع واریس اندام تحتانی در پرستاران و بهیاران شاغل در

بیمارستان‌های سبزوار در سال ۱۳۸۶

محمد عابدی^۱، وجیهه جعفری^۲، زکیه ریحانی^۲، لادن نجار^۲، آرش اکابری^۴

۱- دانشجوی بهداشت گرایش مبارزه با بیماری‌ها- دانشگاه علوم پزشکی سبزوار. ۲- دانشجوی پرستاری- دانشگاه علوم پزشکی سبزوار. ۳- عضو هیأت علمی- دانشگاه علوم پزشکی سبزوار. ۴- عضو هیأت علمی- دانشگاه علوم پزشکی سبزوار.

چکیده

مقدمه: واریس یکی از بیماری‌های عروقی است که با شغل افراد در ارتباط است و در افرادی که به علت نوع شغل مجبورند به مدت طولانی ایستاده باشند و به خصوص در پرستاران شایع است و باعث می‌شود که وریدها غیر طبیعی شده و ناتوانی در درجه‌های وریدی به وجود آید که این وضعیت در وریدهای ساکن به‌طور شایع‌تری اتفاق می‌افتد. واریس اندام تحتانی با ایجاد ناراحتی‌های جسمی و روانی فراوان می‌تواند بر بازده کاری افراد تأثیر بگذارد. بنابراین پژوهش حاضر به منظور بررسی شیوع واریس در پرستاران و بهیاران بیمارستان‌های سبزوار انجام گرفت.

مواد و روش‌ها: پژوهش حاضر یک مطالعه توصیفی می‌باشد که در سال ۱۳۸۶ بر روی پرستاران و بهیاران شاغل در شهر سبزوار انجام گرفت که حجم نمونه ۱۶۲ نفر بودند. جهت تعیین اعتبار علمی از روش روایی محتوا و جهت تعیین اعتماد علمی پرسش‌نامه از آزمون آلفا کرونباخ با ضریب اطمینان ۹۵٪ استفاده شد. جهت آنالیز داده‌ها از آزمون مجذور کای و رگرسیون لجستیک استفاده شد.

یافته‌ها: پژوهش بر روی ۱۶۲ نفر (۱۱۱ نفر زن و ۵۱ نفر مرد) انجام شد. از این تعداد ۱۳۶ نفر پرستار و ۲۶ نفر بهیار بودند که ۹۲ نفر (۵۶/۸٪) مبتلا به واریس نبوده و ۷۰ نفر (۴۳/۲٪) مبتلا به واریس بودند. که از این میان ۲۶/۵٪ واریس ضعیف، ۱۴/۲٪ واریس متوسط و ۲/۵٪ به واریس شدید مبتلا بودند. بین جنسیت، مصرف داروهای هورمونی، سابقه جراحی و راه رفتن با ابتلا به واریس رابطه معناداری در سطح ۵٪ پیدا شد. ولی ارتباط سایر متغیرها معنادار نبود. آنالیز رگرسیون لجستیک نشان داد که بین همه متغیرهای مورد بررسی ۲ متغیر جنسیت و شغل به عنوان متغیرهای مرتبط با ابتلا به واریس شناخته شدند. نتایج نشان داد که شانس ابتلا به واریس در زنان ۴/۰۳ برابر مردان و در بهیاران ۳/۷۱ برابر پرستاران می‌باشند.

نتیجه‌گیری: با توجه به شیوع بالای واریس در جامعه‌ی پرستاران و بهیاران آموزش‌های لازم جهت آگاهی در شیوع از این بیماری و عوارض آن کمک‌کننده و مؤثر می‌باشد.

واژگان کلیدی: شیوع واریس، پرستاران و بهیاران، سبزوار.





نرم‌افزار دیکشنری واژه‌های مخفف علوم پزشکی

مسعود رحیمی^۱، ریحانه عرب^۲، زینب رحیمی^۳

۱- عضو هیأت علمی - دانشگاه علوم پزشکی شاهرود. ۲- دانشجوی مامایی - دانشگاه علوم پزشکی شاهرود - کمیته تحقیقات دانشجویی. ۳- دانشجوی کامپیوتر - دانشگاه امیرکبیر.

چکیده

مقدمه: با توجه به تأثیر شگرف نوآوری‌های فن آوری اطلاعات و ارتباطات در ارتقای کمی و کیفی آموزش و فراهم نمودن امکان عمومی برای دسترسی به اطلاعات و آموزش‌های برتر، رویکرد نوینی در آموزش تحت عنوان "یادگیری الکترونیک" (e-learning) مطرح شده است که در آن با استفاده از فن‌آوری رایانه، امکان دسترسی به بانک‌های اطلاعاتی و منابع درسی فراهم شده و نیز موجب گردیده است توزیع آموزش در سطح وسیع‌تر و کیفیت بهتری صورت گیرد و از آنجا که وجود بانک‌های اطلاعاتی بنیادی‌ترین عامل شکل‌گیری یادگیری الکترونیک هستند، انجام هر اقدامی در طراحی نرم‌افزار ایجادکننده بانک اطلاعاتی جدید حائز ارزش و اهمیت فراوان خواهد بود. بنابراین به منظور تحقق هرچه مطلوب‌تر و کارآمدتر فرایند نوپای یادگیری الکترونیک در جامعه ما و به‌ویژه در زمینه آموزش رشته‌های مختلف مرتبط با سلامت تصمیم گرفتیم تا با طراحی نرم‌افزار فرهنگ واژه‌های مخفف حوزه پزشکی و سلامت در امر دسترسی آسان‌تر، کامل‌تر و سریع‌تر دانشجویان و سایر دست‌اندرکاران، به واژه‌های مخفف که هر روز به دلیل نیاز و پیچیدگی دانش پزشکی و بهداشت به تعداد آن‌ها افزوده می‌گردد، نقش کوتاهی در این امر مهم ایفا کرده باشیم. هدف از این پروژه طراحی یک نرم‌افزار دیکشنری است که قابلیت وارد کردن کلمات مخفف و عبارت اصلی آن‌ها و همچنین معادل‌های آن‌ها را به زبان فارسی و انگلیسی دارد و آن‌ها را درون یک بانک اطلاعاتی ذخیره می‌کند و قابلیت جستجو را نیز دارد. ویژگی اصلی این نرم‌افزار جستجو و پیدا کردن عبارات اصلی واژگان مخفف (هم به زبان فارسی و هم انگلیسی) رشته‌های گروه پزشکی است. به نحوی که واژه‌های وارد شده را به تفکیک زمینه کاربرد (پزشکی، پرستاری، مامایی، بهداشت و ...) در بانک اطلاعاتی ذخیره می‌کند و در هنگام جستجو آن را در اختیار کاربر قرار می‌دهد. این نرم‌افزار قابلیت ویرایش بانک‌های اطلاعاتی را هم به ما می‌دهد. یعنی کلمات وارد شده را می‌توان تغییر داد یا حذف نمود. ضمناً در صورت نیاز فزای دارای قابلیت افزودن تصویر نیز خواهد بود. روند طراحی: برای این امر از متد برنامه‌نویسی شی‌گرا با استفاده از زبان برنامه‌نویسی #C و در محیط برنامه‌نویسی visual studio ۲۰۰۸ و تحت Net frame work ۳.۵ بهره گرفته شده است. ظاهر نرم‌افزار به این صورت است که در صفحه آغازین یک فرم ظاهر خواهد شد که شامل منو، دارای گزینه‌های اصلی "زمینه‌های کاربرد" و "جستجو" می‌باشد و به فراخور انتخاب اولیه صفحاتی ظاهر خواهد شد. در صورت انتخاب گزینه اول که در واقع معرف تمام بانک‌های اطلاعاتی ماست صفحه‌ای ظاهر خواهد شد که قابلیت افزودن یا حذف کردن یک حیطه (بانک اطلاعاتی پزشکی) را دارد و در صورت انتخاب یک حیطه خاص امکان مشاهده رکوردهای آن و یا وارد کردن رکوردهای جدید در آن و حذف و ویرایش رکوردهای قبلی وجود دارد.

در صورت انتخاب گزینه دوم صفحه‌ای برای جستجو ظاهر می‌شود و پس از فشردن کلید جستجو در صورت وجود کلمه موردنظر، معادل هایش نمایش داده می‌شود و در صورت عدم وجود پیامی برای اطلاع به کاربر ظاهر می‌شود. هم‌چنین جستجو می‌تواند بر روی همه ستون‌های انجام گیرد. به نحوی که عبارت جستجو با همه واژه‌های ذخیره شده در همه بانک‌های اطلاعاتی مقایسه شده و هرگونه مشابهت نتایج نمایش داده می‌شود.





مهارت دانشجویان پرستاری در انجام رویه‌های بالینی پرستاری با تغذیه از

طریق لوله بینی - معده

علی دادگری^۱، لیلا دادور^۲، زهرا اشرفی^۳، زهرا بختیاری^۳

۱- عضو هیأت علمی - دانشگاه علوم پزشکی شاهرود، ۲- کارشناس پرستاری - دانشگاه علوم پزشکی شاهرود، ۳- دانشجوی پرستاری - دانشگاه علوم پزشکی شاهرود - کمیته تحقیقات دانشجویی.

چکیده

مقدمه: لوله بینی - معده یکی از وسایل شایع در پزشکی است که به مقاصد مختلف از جمله پیشگیری از تهوع و استفراغ و اتساع معده، تخلیه ترشحات معده برای شستشو و آزمایش شیره معده، تجویز داروهای خوراکی و گاوآژ استفاده می‌شود. این رویه مهم پرستاری یعنی گاوآژ بیماران در بخش‌های مراقبت‌های ویژه به شکل روزمره توسط پرستاران و دانشجویان پرستاری صورت می‌گیرد. از این رو لازم است این تکنیک مهم پرستاری با دقت و ایمنی و صحت لازم انجام شود تا از عوارض آن پرهیز گردد. این پژوهش با هدف تعیین میزان مهارت دانشجویان در انجام صحیح این رویه پرستاری بر روی دانشجویان سال آخر پرستاری صورت گرفت.

مواد و روش‌ها: در این تحقیق ۵۴ نفر از دانشجویان پرستاری در سال آخر تحصیل که در بخش مراقبت‌های ویژه حضور یافتند به‌عنوان واحد‌های مورد پژوهش بررسی شدند. نمونه‌گیری به روش در دسترس انجام شد. ابزار مورد استفاده برگ مشاهده‌ای بود که به روش تحلیل محتوی و پایایی همزمان از نظر اعتبار و روایی مورد سنجش قرار گرفته بود. برگ مشاهده شامل ۱۵ گویه مربوط به انجام صحیح تکنیک گاوآژ بود و بر اساس تقسیم‌بندی سه بخشی لیکرت به‌صورت "مناسب"، "نسبتاً مناسب" و "نامناسب" و "نامناسب" نمره‌گذاری شد. برای تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار SPSS استفاده شد.

یافته‌ها: بر اساس نتایج به‌دست آمده از این پژوهش مشخص گردید که عده زیادی از دانشجویان (۴۴ نفر معادل ۸۱/۵ درصد) هیچ‌گونه توضیحی راجع به رویه انجام شده به بیمار خود نمی‌دهند، ۲۷ نفر (۵۰ درصد) پوزیشن مناسبی برای این رویه به کار نمی‌گیرند، ۳۷ نفر (۶۸/۵ درصد) پس از انجام رویه دست‌های خود را نمی‌شویند و ۱۸ نفر (۳۳/۳ درصد) عوارض احتمالی رویه را بررسی نمی‌کنند. در عین حال عده قابل توجهی از دانشجویان (۳۷ نفر معادل ۶۸/۵ درصد) پس از انجام گاوآژ کتتر را کلمپ می‌کنند، ۴۱ نفر (۷۶ درصد) پس از گاوآژ کتتر را با آب ساده شستشو می‌دادند و ۳۰ نفر (حدود ۵۶ درصد) از نیروی جاذبه برای گاوآژ استفاده می‌کردند.

نتیجه‌گیری: بر اساس نتایج به‌دست آمده از این پژوهش مشخص گردید که انجام پروسیجر پرستاری مهمی همچون گاوآژ بیماران در بخش مراقبت‌های ویژه با اشکال صورت می‌گیرد. دانشجویان پرستاری در انجام این تکنیک دارای نقایصی قابل توجهی از نظر مهارتی می‌باشند. همانند تمامی مهارت‌های پرستاری انجام نادرست این رویه ممکن است با عوارض جبران‌ناپذیری برای خود بیمار یا سایر بیماران در بخش ویژه همراه باشد. نتایج این پژوهش در راستای سایر پژوهش‌های مشابه بوده و مؤید عدم رضایت بخش بودن توانمندی حرفه‌ای دانشجویان بود. هم‌چنین، از سایر یافته‌های این پژوهش چنین برمی‌آید که جهت تحقق اهداف آموزشی در رویه‌های مهم پرستاری، برنامه درسی پرستاری در حیطه مهارت‌های بالینی نیازمند بازنگری می‌باشد.

واژگان کلیدی: مهارت بالینی، دانشجویان پرستاری، لوله بینی - معده.



تأثیر کاهش وزن بر میزان ماهیچه و چربی بدن در بیماران مراجعه‌کننده به کلینیک‌های سرپایی تغذیه بیمارستان‌های آموزشی امام رضا (ع) و قائم (عج)

مشهد

علیرضا سپهری شاملو^۱، دکتر محسن نعمتی^۱، دکتر محمد تقی شاکری^۱

۱- دانشگاه علوم پزشکی مشهد.

چکیده

مقدمه: با افزایش سرعت بروز چاقی، تأثیرات برنامه‌های رژیم‌های کاهش وزن باید به‌طور دقیق‌تری مورد بررسی قرار گیرند. رژیم غذایی ارایه شده در صورتی موفق خواهد بود که کاهش وزن به‌طور برنامه‌ریزی شده و از قسمت‌های مشخصی از بدن چون چربی‌های اضافی صورت گیرد. آمارهای ارایه شده از طرف سازمان بهداشت جهانی نشان می‌دهند نیمی از ایرانیان اضافه وزن دارند. هدف از این مطالعه بررسی این مورد بود که با کاهش وزن عموماً چه موادی از بدن و با چه درصدی با کاهش بیش‌تری مواجه می‌شوند. بر طبق مطالعات انجام شده رژیم مناسب خواهد بود که بیش‌تر کاهش وزن از طریق سوزاندن چربی‌های اضافی بدون و نه بافت عضلانی بدن صورت گیرد. در واقع هدف مطالعه تأثیر یک رژیم کم کالری (۵۰۰ کیلو کالری کم‌تر از رژیم مورد نیاز غذایی هر فرد) بر میزان چربی‌ها و بافت عضلانی بدن می‌باشد.

مواد و روش‌ها: از بین بیماران مراجعه‌کننده به علت اضافه وزن و چاقی ($BMI > 23/5$) به درمانگاه‌های تغذیه بیمارستان‌های آموزشی قائم (عج) و امام رضا (ع) مشهد در بین بهمن ۸۶ تا بهمن ۸۷، تعداد ۳۹۱ بیمار وارد مطالعه شدند. این بیماران شامل ۹۲ مذکر، ۲۹۹ مؤنث ($\pm SD$ میانگین سن) 29 ± 15 بودند. اطلاعات بدنی از قبیل وزن، BMI، میزان چربی و بافت عضلانی بدن با دستگاه آنالیز ترکیبات بدن ثبت شد. رژیم با کاهش ۵۰۰ کیلو کالری کم‌تر از رژیم مورد نیاز غذایی هر فرد به بیماران ارایه گردید. اطلاعات بیماران ماهیانه ثبت شد و سپس داده‌ها توسط SPSS v.13 مورد آنالیز (Paired T-Test) قرار گرفتند.

یافته‌ها: در آغاز ماه دوم ۷۹ بیمار مجدداً به کلینیک مراجعه کردند و در ماه‌های سوم و چهارم به ترتیب ۳۹ و ۱۸ نفر از ۳۹۱ بیمار اولیه برای پیگیری دقیق‌تر رژیم خود مراجعه کردند. در بین ۷۹ بیمار و در آغاز ماه دوم ۲/۸٪ کاهش وزن رخ داد (۲/۳٪ از چربی بدن و ۰/۵٪ از بافت مایچه‌ای) ($f=55/1a, P<0/01$). در ۳۹ بیمار مراجعه‌کننده در آغاز ماه سوم ۴/۷٪ کاهش وزن (۳/۸٪ از چربی بدن و ۰/۹٪ بافت مایچه‌ای) صورت گرفت ($f=55/1a, P<0/01$). و نهایتاً در ۱۸ بیماری که رژیم خود را برای یک دوره ۳ ماهه ادامه دادند ۶/۷٪ کاهش وزن (۴/۸٪ از چربی بدن و ۱/۸٪ بافت مایچه‌ای) گزارش شد ($f=55/1a, P<0/01$).

نتیجه‌گیری: مطالعات نشان می‌دهد که در طی یک رژیم کاهش وزن با کاهش ۲ فاکتور اساسی چربی و بافت عضلانی روبرو می‌شویم.

واژگان کلیدی: کاهش وزن، بافت چربی، بافت مایچه.





مقایسه اسپری بینی بکلومتازون و اسپری بینی فلوتیکازون در بهبود علائم بیماران مبتلا به رینوسینوزیت آلرژیک در بیماران مراجعه‌کننده به درمانگاه

گوش و حلق و بینی بیمارستان خاتم الانبیاء زاهدان

دکتر حشمتی‌پور^۱، اعظم شیخی^۱، سیاوش سلوکی^۲، میثم سرگزی^۱، شهاب‌الدین مالکی^۱

۱- دانشگاه علوم پزشکی زاهدان. ۲- دانشجوی پزشکی- دانشگاه علوم پزشکی زاهدان- کمیته تحقیقات دانشجویی.

چکیده

مقدمه: کورتیکواستروئیدهای موضعی بینی متداول‌ترین داروهای ضد التهابی‌اند که ثابت شده است نسبت به سایر داروها در درمان بیماری کارایی بیش‌تری دارند. فلوتیکازون پروپیونیت و بکلومتازون دیپروپیونیت در ایران نسبت به سایر ترکیبات رایج‌ترند. با توجه به اینکه میزان بهبودی علائم رینوسینوزیت آلرژیک در ۲ ترکیب فوق متفاوت می‌باشد، بر آن شدیم تا میزان بهبودی علائم بیماری را در دو روش درمان با اسپری بینی فلوتیکازون و اسپری بینی بکلومتازون، مورد بررسی قرار دهیم.

مواد و روش‌ها: بیماران ۱۴ سال به بالائی که با حداقل ۳ کرایتریای رینوسینوزیت آلرژیک در نیمه اول سال ۱۳۸۶ به درمانگاه گوش و حلق و بینی بیمارستان خاتم‌الانبیاء مراجعه کردند، براساس جداول اعداد اتفاقی در ۲ گروه تقسیم‌بندی شدند. براساس این روش از ۶۴ بیمار مراجعه‌کننده، ۳۲ نفر در گروه بکلومتازون و ۳۲ نفر در گروه فلوتیکازون تحت درمان به مدت ۳ هفته قرار گرفتند. سپس شدت رینوره، خارش بینی، عطسه و انسداد بینی و ترشح پشت حلق در ۲ گروه درمانی براساس مقیاس VAS در روزهای ویزیت (۱ و ۸ و ۱۵ و ۲۲ درمان) در پرسش‌نامه‌ای که به همین منظور تهیه شده بود، ثبت گردید. بیمارانی که در هر بار ویزیت برای هر یک از علائم مورد مطالعه نمره ۴ ≤ دریافت کردند جهت آنان بهبودی در نظر گرفته شد. اطلاعات به‌دست آمده با استفاده از آزمون Independent Sample T Test و آزمون دقیق فیشر و آزمون کای دو آنالیز شدند. اختلاف آماری با $P < 0/05$ معنی‌دار تلقی گردید.

یافته‌ها: از نظر بهبودی میزان خارش بینی در گروه فلوتیکازون در مقایسه با گروه بکلومتازون در ویزیت روز ۲۲ بعد درمان تفاوت آماری معنی‌داری مشاهده شد. میزان بهبودی خارش بینی با مصرف فلوتیکازون بیشتر بود. میانگین رینوره در روزهای ۸ و ۱۵ و ۲۲ ویزیت تفاوت آماری معنی‌داری را در بین دو گروه مداخله نشان داد که میزان بهبودی در رینوره در گروه فلوتیکازون بیش‌تر بود. از نظر میزان بهبود عطسه فقط در روز ۲۲ ویزیت، تفاوت آماری معنی‌داری بین دو گروه وجود داشت بدین‌گونه که میزان بهبود عطسه در بیمارانی که با فلوتیکازون درمان شده بودند، بیش‌تر بود. از نظر بهبودی گرفتگی بینی در روزهای ۱۵ و ۲۲ ویزیت تفاوت آماری معنی‌داری بین ۲ گروه وجود داشت که میزان بهبودی در گروه فلوتیکازون بیش‌تر بود. از نظر بهبودی ترشحات پشت حلق فقط در روز ۲۲ ویزیت تفاوت آماری معنی‌داری بین ۲ گروه مشاهده شد که میزان بهبودی در گروه فلوتیکازون بیش‌تر بود.

نتیجه‌گیری: نتایج حاصل از این بررسی نشان داد که میزان بهبودی علائم (رینوره و انسداد بینی و عطسه و خارش بینی و ترشحات پشت حلق) در گروه فلوتیکازون نسبت به بکلومتازون بیش‌تر بود و به نظر می‌رسد که این ترکیب دارویی نسبت به بکلومتازون در درمان بیماری رینوسینوزیت آلرژیک کارایی بیش‌تری داشته باشد.

واژگان کلیدی: رینوسینوزیت آلرژیک، فلوتیکازون، بکلومتازون، اینترانازال کورتیکواستروئید.





بررسی میزان رضایت کارآموزان و کارورزان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان از ارزشیابی مهارت‌های بالینی با استفاده از آزمون بالینی با ساختار عینی (OSCE) به عنوان یک رویکرد نوین آموزشی

شیوا حسینی^۱، دکتر سید امیر علی فاطمی^۲

۱- کارشناسی ارشد آموزش پزشکی - دانشگاه علوم پزشکی تهران. ۲- دانشگاه علوم پزشکی اصفهان

چکیده

مقدمه: یکی از مهم‌ترین جنبه‌های آموزش بالینی، سنجش دقیق و ارزشیابی عینی شایستگی‌های حرفه‌ای دانشجویان پزشکی است. با استفاده از آزمون بالینی با ساختار عینی (clinical exam objective structural) طیف گسترده‌ای از مهارت‌های تکنیکی و پایه در محیط آزمایشگاهی مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. رضایت دانشجویان از این روش ارزشیابی می‌تواند بستر مناسبی برای توسعه آن در آموزش بالینی ایجاد نماید. لذا با توجه به اهمیت موضوع این مطالعه با هدف تعیین میزان رضایت‌مندی کارآموزان و کارورزان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان نسبت به شیوه ارزشیابی مهارت‌های بالینی با ساختار عینی (OSCE)، صورت گرفت.

مواد و روش‌ها: این مطالعه از نوع مقطعی (Cross sectional) است. جامعه مورد مطالعه ۳۰۰ نفر از دانشجویان پزشکی (کارورز و کارآموز) دانشگاه علوم پزشکی اصفهان بودند که تجربه ارزشیابی بالینی به شیوه OSCE را داشتند. ابزار جمع‌آوری داده‌ها پرسش‌نامه‌ای پژوهشگر- ساخته بود که پس از کسب رضایت و تعیین پایایی با محاسبه ضریب آلفای کرونباخ مورد استفاده قرار گرفت.

یافته‌ها: نتایج مطالعه حاضر بیانگر آن بود که کارآموزان و کارورزان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان که تجربه ارزشیابی مهارت‌های بالینی به شیوه OSCE را داشتند، نسبت به این شیوه ارزشیابی با کسب (۷۶/۴٪) نمره کل از رضایت مطلوبی برخوردار بودند. در مجموع افراد مورد مطالعه برای (۷۳/۱٪) عبارات، گزینه راضی یا کاملاً راضی، (۱۳٪) بی‌نظر و (۱۳/۹٪) ناراضی یا کاملاً ناراضی را انتخاب کردند. هم‌چنین (۹۳/۸٪) آن‌ها رضایت خود را نسبت به برگزاری این شیوه ارزشیابی اعلام نمودند. در بررسی ارتباط رضایت دانشجویان و توافق نسبت به برگزاری این شیوه در سایر گروه‌های آموزشی ارتباط معنی‌دار آماری ($P < 0/01$) مشاهده شد ولی در بررسی سایر متغیرهای زمینه‌های تفاوتی مشاهده نگردید.

نتیجه‌گیری: با توجه به رضایت‌مندی دانشجویان از ارزشیابی با ساختار عینی (OSCE) و نیز ارتقاء مهارت‌های عملی- حرکتی (سایکوموتور) به نظر می‌رسد کاربرد وسیع این روش در بخش‌های مختلف بالینی ضروری باشد و لذا پیشنهاد می‌گردد بر برنامه‌ریزی اثربخش نسبت به طراحی و اجرای آن در امر آموزش و ارزشیابی اقدام گردد.

واژگان کلیدی: ارزشیابی بالینی، آزمون بالینی با ساختار عینی، رضایت، کارآموز، کارورز.



مقایسه تغییرات همودینامیک قبل و بعد الکترو شوک درمانی در بیماران

مراجعه‌کننده به بخش اعصاب و روان

سکینه ملکی^۱، راضیه یوسفی^۲، حمید حجتی^۳، حمیدرضا شریف‌نیا^۴

۱- دانشگاه علوم پزشکی بابل. ۲- دانشجوی کارشناسی پرستاری- دانشگاه علوم پزشکی بابل- کمیته تحقیقات دانشجویی. ۳- عضو هیأت علمی- دانشگاه علوم پزشکی بابل. ۴- عضو هیأت علمی- دانشگاه علوم پزشکی بابل.

چکیده

مقدمه: الکتروشوک درمانی (ECT) عبور دادن یک جریان الکتریکی از مغز بیمار با هدف ایجاد یک صرع بزرگ می‌باشد. که کاربرد آن در بیماران افسرده، بیمارانی که به درمان دارویی جواب نمی‌دهند یا عوارض دارویی را تحمل نمی‌کنند و یا نیازمند پاسخ درمانی فوری و سریع هستند استفاده می‌گردد. که یکی از عوارضی که به دنبال درمان با الکتروشوک ایجاد می‌شود تغییر در وضعیت همودینامیک از قبیل تغییرات (فشارخون، نبض، درجه حرارت و تنفس) می‌باشد. این مطالعه توصیفی تحلیلی با هدف بررسی و مقایسه تغییرات همودینامیک قبل و بعد الکترو شوک درمانی در بیماران مراجعه‌کننده به بخش اعصاب و روان بیمارستان‌های شهر آمل و بابل صورت گرفت.

مواد و روش‌ها: نمونه این پژوهش ۴۰ نفر از بیمارانی که تحت درمان با الکتروشوک قرار گرفته بودند. که وضعیت همودینامیک (فشارخون، تنفس، نبض، درجه حرارت) آنان به ترتیب در دقایق بلافاصله، ۱۵ و ۳۰ دقیقه بعد الکتروشوک سنجیده شده و سپس با وضعیت قبل شوک آنان به کمک آمار توصیفی و استنباطی مورد تجزیه تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: نتایج پژوهش با آزمون مخلی بین تغییرات نبض ($P=0/000$)، دمای بدن ($P=0/01$) و فشارخون سیستول ($P=0/001$) ارتباط معناداری نشان داده شد. ولی بین تنفس ($P=0/097$)، فشارخون دیاستول ($P=0/84$) ارتباط معناداری نشان نداد. که بیش‌ترین تغییرات همودینامیک در زمان بلافاصله بعد شوک بود.

نتیجه‌گیری: نتایج این مطالعه نشان داد الکتروشوک موجب تغییرات همودینامیک می‌شود بنابراین لازم است مراقبت‌های پرستاری لازم در صورت وجود تغییرات همودینامیک انجام گیرد.

واژگان کلیدی: همودینامیک، الکتروشوک.





بررسی شیوع میگرن و سردرد تنشی و همبسته‌های آن در پرستاران و ماماها

شاغل در دانشگاه علوم پزشکی شاهرود

سمیه رنجبر^۱، آزاده معمارزاده^۱، ماه‌جبین کریمی‌نسب^۱، احمد خسروی^۲

۱- دانشجو، دانشگاه علوم پزشکی شاهرود- کمیته تحقیقات دانشجویی. ۲- مرکز تحقیقات علوم رفتاری و اجتماعی در سلامت- دانشگاه علوم پزشکی شاهرود

چکیده

مقدمه: سردردهای تنشی شایع‌ترین نوع سردرد هستند که علی‌رغم این موضوع، تاکنون توجه کم‌تری به اپیدمیولوژی آن شده است. سردردهای میگرنی با وجود شیوع کمتر نسبت به سردردهای تنشی، دارای شدت بیش‌تر و قدرت ناتوان‌کنندگی بالاتری می‌باشند. هدف این مطالعه، بررسی شیوع میگرن و سردردهای تنشی و عوامل مؤثر بر آن در پرستاران و ماماها شاغل در دانشگاه علوم پزشکی شاهرود در سال ۱۳۸۸ می‌باشد.

مواد و روش‌ها: در این مطالعه مقطعی شیوع یک‌ساله سردرد تنشی و میگرنی با استفاده از یک پرسش‌نامه نیمه ساختاریافته و بر اساس معیارهای انجمن بین‌المللی سردرد (HIS) در بین تعداد ۲۷۵ نفر از پرستاران و ماماها شاغل در دانشگاه علوم پزشکی شاهرود برآورد شده است. هم‌چنین کیفیت خواب با استفاده از پرسش‌نامه کیفیت خواب پیتربرگ بررسی شده است.

یافته‌ها: در این مطالعه تعداد ۳۰ نفر (۱۰/۹٪) مرد و ۲۴۵ نفر (۸۹/۱٪) آن‌ها زن بودند که شیوع یک‌ساله سردرد برابر با ۸۵/۵٪ و شیوع میگرن و سردرد تنشی به ترتیب برابر با ۱۰/۵٪ و ۹/۵٪ گزارش شده است. هم‌چنین تعداد ۷ نفر (۲/۵٪) مبتلا به سردرد توام میگرنی- تنشی تشخیص داده شدند. در این مطالعه فقط تعداد ۱۱۵ نفر (۴۱/۸٪) از گروه تحت مطالعه از کیفیت خواب مطلوب برخوردار بوده که ارتباط معناداری را با ابتلا به سردرد تنشی نشان می‌دهد.

نتیجه‌گیری: اصلاح الگوی خواب و ارتقاء سلامت عمومی در پرستاران و کادر بهداشتی می‌تواند در پیشگیری از ابتلا به سردرد تنشی و انواع سردرد مؤثر باشد.

واژگان کلیدی: میگرن، سردرد تنشی، پرستار، ماما، الگوی خواب.



Immunohistochemical expression of vascular endothelial growth factor (VEGF) in gastric adenocarcinoma; correlation with clinicopathological variables

Hanieh Hosseinnzhad^{۱,۲}, Hamid Reza Sima^۳, Kamran Ghaffarzadehgan^۴, Mostafa Jafarzadeh^{۲,۳}, Mehrabi Bahar^۵, Hamid Reza Raziee^۶

۱- Department of Medicine, Mashhad University of Medical Sciences. ۲- Young Researchers' Club, Medical School of Islamic Azad University of Mashha. ۳- Gastric Cancer Research Group, Mashhad University of Medical Sciences. ۴- Department of Pathology, Mashhad University Cancer Research Center, Mashhad University of Medical Sciences. ۵- Mashhad University of Medical Science. ۶- Department of Radiation Oncology, Mashhad University of Medical Sciences.

Abstract:

Introduction: As a major worldwide cause of morbidity and cancer-related deaths, gastric cancer needs molecular-based approaches for predicting clinical outcome and guiding treatment strategies. VEGF is one of the most potent angiogenic factors, and plays an important role in tumor growth, invasion, and metastasis. In spite of many studies on the topic, data about the significance of VEGF in gastric cancer is controversial. The purpose of the present study was to investigate VEGF tissue expression and its possible correlation with clinicopathological features.

Methods: Paraffin-embedded tumor specimens from ۳۲ patients with gastric adenocarcinoma who had undergone gastrectomy at Omid Oncology Hospital, Mashhad were studied. The immunohistochemical (IHC) expression of VEGF was investigated in extracted tumorol tissue. using the VEGF score, based on the intensity of reaction and percent of positive cells. Correlation of VEGF expression with clinicopathological parameters were analyzed using SPSS.

Results: The positive rate of VEGF was ۶۵.۶% (۲۱ out of ۳۲ cases with ۲۳.۸% diffuse and ۷۶.۲% intestinal type). All of cases with poorly differentiated tumors were VEGF positive ($P=۰.۰۰۹$). A Significant correlation between VEGF expression and stage of tumors was seen ($P=۰.۰۳۷$). The intensity of VEGF expression was significantly related to differentiation and TNM staging of tumors ($P<۰.۰۰۵$). Although positive VEGF expression was correlated with history of dysphagia ($P=۰.۰۱۳$), There was no significant correlation between VEGF expression and other studied variables like tumor location and H pylori infection.

Conclusion: VEGF expression is significantly correlated to the malignant biological behaviors of gastric adenocarcinoma. These findings suggest that, the immunohistochemistry staining for VEGF can be useful for clinical diagnosis, and prediction of tumor progression to determine the patient with aggressive behavior for sever treatment

Keywords: Growth factor, Adenocarcinoma, Immunohistochemical expression.





Clinicopathological features and genotypes distribution in patients with Chronic Hepatitis C in northeastern of Iran

Hamid-Reza Sima^۱, Aida Sharifi-Haddad^۱, Abbas Esmaeilzadeh^۱, Mahbube Parsa^۱, Mousalreza Hosseini^۱, Amir-Abbas Azarian^۱, Seyed-Javad Purafzali-Firoozabadi^۱, Azita Ganji^۱, Ali Mokhtarifar^۱

^۱- Mashhad University of Medical Sciences.

Abstract:

Introduction: Hepatitis C virus (HCV) is a major causative agent of liver diseases worldwide. HCV genotypes have shown some differences in epidemiological and clinicopathological characteristics, as well as response to therapy. This study was aimed to investigate the clinicopathological features and genotypes distribution in patients with chronic hepatitis C, as the first report from northeastern of Iran.

Methods: Ninety-seven HCV infected patients who were referred to Gastroenterology and Hepatology Research Unit, Imam Reza University Hospital, Mashhad, were enrolled. Clinical and epidemiological characteristics were reviewed. Liver biopsy was performed for patients and histological finding scored according to HAI scoring system. HCV viral load and genotype were detected using Amplicor test and genotype-specific primers, respectively. Correlation of clinicopathological characteristics and HCV genotypes was analyzed.

Results: Eighty Patients (۸۲.۵%) were male with mean age of ۴۱.۶۶ and previous hospitalization and surgery were the most frequent risk factors, shown in ۶۷% and ۵۶.۷%, respectively. Co-infection with the other agents was detected in ۵ (۵.۲%) patients (HCV/HBV in ۴ patients and HCV/HTLV ۱ in one patient). HCV genotype was ۱ in ۴۹ patients (۵۰.۵%), ۳a in ۳۸ patients (۳۹.۲%), ۲ in ۲ patients (۲.۱%), and non-determined in ۸ patients (۸.۲%). Smoking was reported significantly more in patients with genotype ۳a ($P=۰.۰۱۸$), although no statistically significant differences was shown between HCV genotype and the other epidemiological and clinicopathological features including viral load ($p=۰.۶۲۴$), and pathological grade ($P=۰.۷۹۴$) and stage ($P=۰.۸۰۰$).

Conclusion: Genotype ۱ is the most frequent HCV genotype in our region, followed by ۳a. Further studies with larger sample size are needed to determine its clinicopathological significance.

Keywords: Clinicopathological features, Genotypes, Hepatitis C.



Women experiences of psychological changes during menopause

Somayyeh Sarrafi Kheyraabad^۱, Dr. Akram Sanagoo^۲, Dr. Leila M Jouybari^۲

۱- Student, Golestan University of Medical Sciences. ۲- Dept. of Nursing, Golestan University of Medical Sciences.

Abstract:

Introduction: Many of women experience agitation, crying, sleepless, tiredness, loss of concentration and depression near or during their menopause period. How to deal with the symptoms of menopause can be challenging, especially for lower and middle-class women of the population. The aim of this study was to explore women emotional changes during pregnancy.

Methods: This qualitative study was done in ۲۰۰۹ in Gorgan, Northern Iran. Data gathered by semi-structured interviews. We used purposeful sampling. All interviews were taped and transcribed line by line and then analyzed using "content analysis" method.

Results: The emerged themes revealed that studied women experienced a variety of emotional and psychological and mood changes such as isolation, irritability, bad temper, anxiety, dependency, guilty, and loneliness. Some of women believed they don't receive any support from their husband and they don't understand them well. The coping strategies used by the participants were "relying on God, Prayer to God, Attending in mess pray and Religious journey".

Conclusion: Nearly ۴ million of women in Iran are aged ۴۵-۶۰ that will live one third of their lives after menopause. How menopause is individually managed will likely depend on the woman's perceptions of the transition as a natural or medical event, her current health and perceived need to receive medical advice or treatment, and the degree of trust in and communication with her healthcare provider. According the negative perceptions and experiences of the women, health care providers and policy makers should provide intervention to help women in this transitional period of life to improve the quality of life.

Keywords: Menopause, Emotional problems, Psychological, Women.



پنجمین سمینار کمیته های تحقیقات دانشجویی شرق کشور

و نهمین همایش کشوری دانش و تندرستی

پایگاه



۱۹ و ۲۰ آذرماه ۱۳۸۸

آخرین مهلت ارسال مقالات ۱۳۸۸ / ۷ / ۲۵
موضوع مقالات: کلیه عناوین مرتبط با سلامت

www.shmu.ac.ir

پدیرش مقالات از طریق سامانه الکترونیکی دانشگاه به نشانی: www.shmu.ac.ir / شاهرود
نشانی: شاهرود / میدان هفتم تیر / ساختمان مرکزی دانشگاه علوم پزشکی شاهرود
(معاونت آموزشی، پژوهشی، دبیرخانه نهمین سمینار دانش و تندرستی)
تلفن: ۵۴۵۵۳۳۳ داخلی ۴۲۹ و ۲۳۰ / نمابر: ۴۱۰۰۰ (۰۲۲۳)
برگزارکنندگان:
معاونت آموزشی، پژوهشی، کمیته تحقیقات دانشجویی / روابط عمومی دانشگاه علوم پزشکی شاهرود







بررسی عوامل مؤثر بر مشتری‌مداری در دانشگاه علوم پزشکی شاهرود: ۱۳۸۷

محمد مهدی اندرزگو^۱، رضا رضانی دیل^۱، دکتر محمد امیری^۲، حسن باقری^۳

۱- دانشجوی کارشناسی ناپیوسته بهداشت عمومی - دانشگاه علوم پزشکی شاهرود - کمیته تحقیقات دانشجویی. ۲- دکتری مدیریت خدمات بهداشتی درمانی - دانشگاه علوم پزشکی شاهرود. ۳- کارشناس بودجه - دانشگاه علوم پزشکی شاهرود.

چکیده

مقدمه: مدیریت کیفیت فراگیر یکی از ابزارهای نوین بهبود عملکرد و ارتقای کیفیت کالاها و خدمات است که با رویکردی علمی و کاربردی در کاهش ضایعات و کسب درآمد بیشتر، قادر است رضایتمندی روز افزون مشتریان را نیز به خوبی جلب نماید. پژوهش حاضر به منظور تعیین عوامل مؤثر بر مشتری‌مداری در دانشگاه علوم پزشکی شاهرود در سال ۱۳۸۷ انجام شد.

مواد و روش‌ها: این پژوهش از نوع مطالعات کاربردی است که به شیوه توصیفی - مقطعی (cross-sectional) انجام شد. در این مطالعه کلیه مدیران دانشگاه در سطوح سه‌گانه ارشد، میانی و پایه به روش سرشماری مورد پژوهش واقع شده و برای آنان پرسش‌نامه‌ای حاوی ۱۰ سؤال تخصصی در زمینه مشتری‌مداری و ۱۱ سؤال عمومی تکمیل شد. جهت پردازش داده‌ها از نرم‌افزار SPSS ۱۶ استفاده شده و نتایج به صورت جداول و نمودار نمایش داده شد.

یافته‌ها: ۶۱/۲ درصد مدیران را مردان و ۳۸/۸ درصد را زنان تشکیل داده بودند. ۴۷/۱ درصد از مدیران دوره آموزشی در زمینه مدیریت کیفیت را گذرانده و مابقی در این زمینه آموزشی ندیده بودند. میانگین نمره نگرش در مردان ۶۲/۹۸۰۸ و در مدیران زن ۶۵/۰۷۵۸ از ۱۰۰ بوده که حاکی از میانگین نگرش مثبت آنان می‌باشد. بالاترین امتیاز با ۷۷/۵۰۰۰ در معاونت درمان و کم‌ترین آن ۵۵/۲۰۰۰ مربوط به معاونت بهداشتی می‌باشد. با افزایش سن امتیاز نگرش مدیران بالاتر رفته بود.

نتیجه‌گیری: با توجه به عدم آموزش بیش از نیمی از مدیران در صورتی که مدیران بخواهند کیفیت خدمات را در سازمان بهبود بخشند آموزش آشناری مدیران و کارکنان و ایجاد ساختار مناسب می‌تواند کمک شایانی به این امر نماید.

واژگان کلیدی: مدیریت کیفیت فراگیر، کیفیت، کیفیت جامع، TQM، مشتری‌مداری.



بررسی آگاهی نیروهای بهداشتی شهرستان شاهرود در زمینه مفاهیم سلامتی

مریم سلیمی^۱، دکتر رضا چمن^۲، دکتر محمد امیری^۳، ناهید داور دوست^۴، زهرا کمیاب^۵، محبوبه میرزایی^۶

۱- دانشجوی کارشناسی ناپیوسته بهداشت عمومی دانشگاه علوم پزشکی شاهرود- کمیته تحقیقات دانشجویی. ۲- دکتری تخصصی اپیدمیولوژی- دانشگاه علوم پزشکی شاهرود. ۳- دکتری مدیریت خدمات بهداشتی درمانی- دانشگاه علوم پزشکی شاهرود. ۴- کارشناس مامایی- دانشگاه علوم پزشکی شاهرود. ۵- کارشناس اسناد پزشکی- دانشگاه علوم پزشکی شاهرود. ۶- کاردانی بهداشت خانواده- کمیته تحقیقات دانشجویی.

چکیده

مقدمه: ارتقاء سطح بهداشت جامعه و افزایش توانمندی‌های فیزیکی و ذهنی و فردی و اجتماعی نتیجه عملکرد متقابل ارایه دهندگان خدمات و مشارکت بخش بهداشت و مردم می‌باشد. پژوهش حاضر به منظور تعیین آگاهی نیروهای بهداشتی شهرستان شاهرود در زمینه مفاهیم سلامتی در سال ۱۳۸۸ انجام شد.

مواد و روش‌ها: این پژوهش از نوع مطالعات کاربردی است که به شیوه توصیفی- مقطعی انجام شد. ابزار جمع-آوری اطلاعات پرسش‌نامه حاوی تعداد ۵ سؤال عمومی و ۱۲۰ سؤال اختصاصی در زمینه‌های مختلف سلامت بود که پس از تنظیم و طراحی اولیه روایی آن مورد تأیید اساتید و متخصصین فن قرار گرفته و به‌صورت خود ایفا توسط بهورزان و کاردان‌های بهداشتی تکمیل شد. داده‌های جمع‌آوری شده وارد نرم‌افزار SPSS ۱۶ شده و نتایج پس از تحلیل به‌صورت نمودار و جداول آمار توصیفی بیان شد.

یافته‌ها: میانگین سنی افراد مورد مطالعه ۴۰/۴۲ بوده که کم‌ترین فرد ۲۷ سال سن داشت. اکثر بهورزان متأهل و درصد کمی (۳/۷٪) مجرد بودند. میانگین آگاهی بهورزان ۶۰/۶۳ از ۱۰۷ بوده که در حد متوسط می‌باشد. در زمینه بهداشت خانواده ۲۰ از ۳۷، در زمینه بهداشت محیط ۵/۸۹ از ۱۰، مبارزه با بیماری‌ها ۳۲/۴۲ از ۶۴ و بهداشت دهان و دندان ۲/۳۰ از ۷ بود. آنالیز واریانس یکطرفه تفاوت معناداری بین آگاهی و سابقه کار نشان داد ($P= ۰/۰۰۸$). آنالیز واریانس یکطرفه تفاوت معناداری بین آگاهی و مدرک تحصیلی نشان داد. میانگین نمره آگاهی در کاردانان با ۸۹/۶۷ در سطح مطلوب بود.

نتیجه‌گیری: با عنایت به پایین بودن امتیاز آگاهی بهورزان برگزاری کلاس‌های آموزشی از سوی کاردان‌های مراکز و مرکز آموزش بهورزی می‌تواند کمک شایانی به بهبود وضعیت شاخص‌های بهداشتی نماید.

واژگان کلیدی: آگاهی، نیروهای بهداشتی، مفاهیم سلامتی، بهورز.





بررسی میزان فلزات سنگین سرب و روی در آب‌های سطحی و زیرزمینی اطراف کارخانه سرب روی استان زنجان

سهیلا مغانلو^۱

۱- کاردان بهداشت محیط- دانشکده بهداشت- دانشگاه علوم پزشکی زنجان.

چکیده

مقدمه: این مقاله به بررسی و جمع‌آوری اطلاعاتی در مورد غلظت سرب روی کادمیوم در آب‌های سطحی و زیرزمینی استان زنجان و تأثیر آن بر سلامت انسان و محیط زیست پرداخته است.

مواد و روش‌ها: در این مقاله به جمع‌آوری آمار و اطلاعات و نمونه‌برداری‌های که از ۱۸ محل تأمین آب آشامیدنی استان زنجان از سال ۷۴-۸۶ انجام شده می‌پردازیم و میزان موجود در این فلزات در آب را با میزان مورد قبول استانداردهای جهانی می‌سنجیم و به بحث و یافتن جواب اینکه آیا غلظت این فلزات با گذشت زمان در آب تغییر کرده یا نه و چه اثرات مخربی می‌تواند بر سلامت جامعه بگذارد می‌پردازیم.

یافته‌ها: با توجه به نتایج مطالعه غلظت فلزات سنگین در حال نوسان بوده ولی روند رو به افزایشی دارد، هم چنین غلظت سرب در مقایسه با رهنمود ملی ایران قابل قبول می‌باشد ولی در مقایسه با رهنمود سازمان جهانی بهداشت ۱۰ حلقه چاه به معادل ۵۹ در صد بیش از حد مجاز بوده و در مقایسه با استاندارد اولیه سازمان حفاظت محیط زیست آمریکا تعداد ۵ حلقه چاه (۲-۲) به معادل ۲۹ در صد بیش از حد مجاز می‌باشد و با توجه به اینکه چاه‌های شماره ۱۰-۱۸-۱۵-۴-۱۷ مربوط به چاه آب آشامیدنی زنجان و دیزج آباد است، این موضوع با توجه به اینکه سرب در مقدار اندک نیز سمی می‌باشد حائز اهمیت است و مقادیر غیر استاندارد آن موجب سرگیجه، کم‌خونی و منجر به عقب افتادگی ذهنی در کودکان می‌شود نسل آینده را به خطر می‌اندازد. میزان کادمیوم در ۶ نمونه معادل ۳۵ در صد بالاتر از حد استاندارد ملی ایران و EPA بوده و نسبت به رهنمودهای WHO میزان کادمیوم در ۹ نمونه معادل ۵۳ درصد غیرمجاز می‌باشد و با توجه به اینکه حلقه‌های چاه ۱۵-۱۸-۱۰-۵-۲ مربوط به آب آشامیدنی استان زنجان و ایستگاه بناب می‌باشد می‌تواند تهدیدی جدی برای سلامت انسان باشد فلز کادمیوم موجب کاهش متابولیسم ویتامین D و Ca می‌شود و مستقیماً از طریق آب و تا حدودی از هوا و غذا جذب می‌شود. چون غلظت روی در هیچ نمونه‌ای فراتر از حد مجاز در سال ۸۶ نبوده الزامی به توصیه بهداشتی نیست.

نتیجه‌گیری: با افزایش مقادیر فلزات سنگین در آب به طبع اثرات مخرب این فلزات نیز در حال افزایش است بهتر است پساب‌های صنعتی تحت نظارت شدیدتری به‌صورت بهداشتی به محیط تخلیه شود و از تصفیه‌های پیشرفته برای این پساب‌ها استفاده شود و پسماندهای صنعتی با مسئولیت خود صنایع به محیط دفع شود تا خاک‌های زراعی از بین نرود چرا که در غیر این صورت در آینده نه چندان دور ما مجبور می‌شویم از نظر تأمین محصولات کشاورزی به کشورهای بیگانه وابسته شویم.

واژگان کلیدی: سرب، روی، آب‌های سطحی، فلزات سنگین.



بررسی میزان آگاهی، نگرش و عملکرد آرایشگران (مرد-زن) سبزوار نسبت به

بیماری هپاتیت B در سال ۸۷

مریم قیاسی^۱، محمدرضا ناصری‌اده^۲، آقای خمیرچی^۳، آرش اکابری^۴

۱- دانشجوی کردانی بهداشت محیط- دانشگاه علوم پزشکی سبزوار. ۲- دانشجوی کردانی بهداشت مبارزه- دانشگاه علوم پزشکی سبزوار. ۳- عضو هیأت علمی گروه بهداشت- دانشگاه علوم پزشکی سبزوار. ۴- عضو هیأت علمی گروه بهداشت- دانشگاه علوم پزشکی سبزوار.

چکیده

مقدمه: هپاتیت B یک بیماری عفونی حاد است که به‌طور معمول با خون و محصولات خونی آلوده منتقل می‌شود، اگر ویروس هپاتیت B وارد بدن فردی شود علاوه بر ایجاد عفونت حاد برای خود شخص، این فرد ناقل پایدار این ویروس نیز می‌باشد که می‌تواند عفونت پایدار را به دیگران منتقل نماید. آرایشگاه‌ها یکی از مکان‌های عمومی هستند که به علت استفاده از وسایلی چون تیغ، قیچی و حوله می‌توانند یکی از اغین مکان‌ها باشند که ویروس این بیماری از فردی به فرد دیگر منتقل شود.

مواد و روش‌ها: در این مطالعه ی توصیفی- مقطعی تعداد ۲۵۰ نفر از آرایشگران مرد و زن شهر سبزوار به‌طور تصادفی و به تفکیک منطقه ی شهری انتخاب شدند و ابزار جمع‌آوری اطلاعات، دو نوع پرسش‌نامه که یک نوع آن توسط فرد مورد پرسش (آرایشگر) و نوع دیگر آن توسط پژوهشگر از طریق مشاهده‌ی محیط کار و عملکرد آرایشگر تکمیل شده است.

یافته‌ها: نتایج نشان داد که سن و وضعیت تأهل در میزان آگاهی، نگرش و عملکرد آرایشگران مؤثر نمی‌باشد. اما از نظر، میزان تحصیلات و منطقه‌ی شهری ($P < 0/001$). در بین آرایشگران و متغیرهای تعریف شده (آگاهی، نگرش و عملکرد) روابط معناداری دیده می‌شود. در واقع کسانی که دارای مقطع تحصیلی بالاتری هستند، از نظر آگاهی، نگرش و عملکرد در سطح بالاتری نشان می‌دهند.

نتیجه‌گیری: زنان از نظر آگاهی، نگرش و عملکرد بالاتر از مردان می‌باشند. آگاهی، نگرش و عملکرد در مناطق مرفه بهتر مشاهده می‌شود. تعداد قابل توجهی از افراد که آگاهی متوسط دارند، دارای عملکرد ضعیفی می‌باشند.

واژگان کلیدی: هپاتیت B، آرایشگران سبزوار، آگاهی، نگرش و عملکرد.





بررسی میزان فلئور موجود در منابع آب آشامیدنی شهری و روستایی شهرستان سبزوار، طی سال‌های ۱۳۸۲-۱۳۸۶

حمیدرضا کریمی‌ثانی^۱، زهرا مهربان^۱

۱- کارشناس بهداشت محیط- دانشگاه علوم پزشکی سبزوار.

چکیده

مقدمه: نیاز به آب آشامیدنی با کیفیت مطلوب دائماً رو به افزایش است. فلئور از جمله عناصر موجود در آب می باشد که در غلظت‌های کم ضرورت داشته و در غلظت‌های زیاد زیان آور است. این تحقیق به منظور آگاهی از میزان فلئور موجود در منابع آب شرب شهرستان سبزوار انجام گرفته است.

مواد و روش‌ها: نوع مطالعه توصیفی- مقطعی می باشد. در این مطالعه، نمونه‌های ارسالی به آزمایشگاه آب و فاضلاب (آزمایشگاه بهداشت محیط مرکز بهداشت شهرستان سبزوار) جهت انجام آزمایش‌های شیمیایی، طی سال‌های ۱۳۸۶-۱۳۸۵-۱۳۸۴-۱۳۸۳-۱۳۸۲ مورد بررسی قرار گرفت. سنجش یون فلئور، روی ۸۵ نمونه آب شرب توسط دستگاه اسپکتروفتومتر (مدل ۲۱۵۰ unico) انجام گرفت.

یافته‌ها: در شهرستان سبزوار از کل ۸۵ نمونه آب شرب ارسالی مناطق شهری و روستایی به آزمایشگاه، میانگین میزان فلئور در آب آشامیدنی ۰/۵۱ ppm می‌باشد. بیش‌ترین مقدار مربوط به «فیلشور» با مقدار ۳/۵ ppm و کم‌ترین مقدار آن مربوط به «تندک، کیدور، نهالان، دستوران، مزینان» با مقدار ۰/۱ ppm می‌باشد. از کل نمونه‌ها فقط ۱۴/۱۲٪ در محدوده‌ی مطلوب ۱/۲ - ۰/۷ ppm می‌باشد. ۸۱/۱۷٪ نمونه‌ها فلئور پایین‌تر از حد مطلوب و در ۴/۷۱٪ از موارد، میزان فلئور موجود در منابع بیش‌تر از حد مجاز می‌باشد.

نتیجه‌گیری: میزان فلئور موجود در اغلب منابع آب آشامیدنی و روستایی سبزوار کمتر از حد مطلوب می‌باشد.

واژگان کلیدی: آب آشامیدنی، فلئور، سبزوار.



بررسی اپیدمیولوژیک کمردرد در پرستاران بیمارستان فاطمیه شاهرود ۱۳۸۷

روح... اسفندیاری^۱، میترا لشکری^۲، فریده صادقیان^۳، میترا طاهری^۴

۱- دانشجوی بهداشت حرفه‌ای- دانشگاه علوم پزشکی شاهرود- کمیته تحقیقات دانشجویی. ۲- کارشناس پرستاری دانشگاه علوم پزشکی شاهرود- کمیته تحقیقات دانشجویی. ۳- عضو هیأت علمی بهداشت حرفه‌ای- دانشگاه علوم پزشکی شاهرود. ۴- کارشناس مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی- دانشگاه علوم پزشکی شاهرود.

چکیده

مقدمه: کمردرد در پرسنل پرستاری به‌عنوان یک مشکل مهم بهداشت حرفه‌ای شناخته شده است که هم عوارض انسانی و هم اثرات اقتصادی به دنبال دارد. این مطالعه با هدف تعیین شیوع کمردرد و عوامل مرتبط در پرسنل پرستاری انجام شده است.

مواد و روش‌ها: مطالعه مقطعی بر روی ۵۵ نفر زن، همه پرسنل پرستاری (پرستار، بهیار) شاغل در بیمارستان فاطمیه شاهرود در پاییز ۸۷ انجام شد. پرسش‌نامه تکمیل شده نوردیک به‌صورت مصاحبه برای جمع‌آوری اطلاعات مورد استفاده قرار گرفت.

یافته‌ها: پرسنل پرستاری با میانگین سن $31/6 \pm 7/6$ و ساعات کار در هفته $45/7 \pm 8/7$ در این مطالعه شرکت کردند. ۲۵٪ از آنان بیش از ۵ سال سابقه کار داشتند. در جامعه مورد مطالعه $63/6$ ٪ (۳۵ نفر) کمردرد و ۲۵/۵٪ سیاتیک را در ۱۲ ماه گذشته گزارش کردند. $41/8$ ٪ در ماه گذشته هم کمردرد داشتند و ۲۵/۵٪ از آنان به دلیل کمردرد به پزشک مراجعه داشتند. در این مطالعه سن، رضایت از کار و امکان تصمیم‌گیری در کار با غیبت از کار به دلیل کمردرد رابطه معنی‌داری را نشان داد ($P < 0/05$).

نتیجه‌گیری: نتایج نشان داد میزان کمردرد در پرسنل پرستاری بالاست. برای پیشگیری اجرای برنامه‌های ارگونومیک و آموزش بهداشت، هم‌چنین معاینات دوره‌ای منظم پیشنهاد می‌گردد.
واژگان کلیدی: شاهرود، کمردرد، پرستاری.





بررسی وضعیت سلامت روانی و عوامل مرتبط با آن در دانشجویان علوم پزشکی

گناباد

مهناز بهرامی^۱، آیدا نقیبی^۲، سارا لقمانیان^۳، منصوره رنجبر^۴، محمود شمشیری^۵

۱- دانشجوی کارشناسی پرستاری- دانشگاه علوم پزشکی گناباد. ۲- دانشجوی کارشناسی پرستاری- دانشگاه علوم پزشکی گناباد. ۳- دانشجوی کارشناسی پرستاری- دانشگاه علوم پزشکی گناباد. ۴- عضو هیأت علمی- دانشگاه علوم پزشکی گناباد.

چکیده

مقدمه: سلامت روانی، یکی از مهم‌ترین ابعاد سلامت عمومی هر فردی محسوب می‌شود. هرگونه اختلال در سلامت روان می‌تواند سایر ابعاد انسان را متأثر سازد. دانشجویان گروه‌های مختلف علوم پزشکی درآینده عهده‌دار سلامت جامعه خواهند بود؛ بنابراین شناخت وضعیت سلامت روانی و عوامل مرتبط با آن ضروری به نظر می‌رسد. پژوهش حاضر با هدف بررسی وضعیت سلامت روانی و عوامل مرتبط با آن انجام گردید.

مواد و روش‌ها: مطالعه از نوع توصیفی- مقطعی می‌باشد. جامعه پژوهش را کلیه دانشجویان اشتغال به تحصیل دانشگاه علوم پزشکی گناباد تشکیل دادند. نمونه پژوهش شامل ۲۰۰ نفر از دانشجویان علوم پزشکی گناباد شامل ۱۵۰ دختر و ۵۰ پسر بودند که به روش تصادفی انتخاب شدند. نمونه‌ها از رشته‌های پرستاری (۴۰٪)، مامایی (۲۰٪)، بهداشت عمومی و حرفه‌ای (۲۰٪)، اتاق عمل و هوشبری (۱۰٪) و فوریت‌های پزشکی (۱۰٪) انتخاب شدند. اطلاعات با استفاده از پرسش‌نامه GHQ-۲۸ در مورد سلامت عمومی جمع‌آوری شد. داده‌های به‌دست آمده وارد نرم-افزار SPSS نسخه ۱۷ شد و با استفاده از آمار توصیفی (فراوانی، میانگین، انحراف معیار و...) و آزمون‌های آماری کای اسکور، آنالیز واریانس یک طرفه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: یافته‌ها نشان داد که ۸۰٪ دانشجویان دختر و ۶۳٪ دانشجویان پسر از سلامت روان مطلوب برخوردار هستند. همچنین ۲۰٪ دانشجویان دختر و ۳۷٪ دانشجویان پسر مشکوک به اختلال بودند و ارتباط معنی‌داری بین سطح سلامت روانی و جنسیت وجود داشت ($P= ۰/۰۰۱$). سلامت روان ارتباط معنی‌داری با متغیرهای دیگر از جمله رشته تحصیلی، بومی بودن و غیر بومی بودن نداشت.

نتیجه‌گیری: با توجه به نتایج به‌دست آمده می‌توان اظهار داشت بخش قابل توجهی از دانشجویان به‌خصوص دانشجویان پسر از نوعی اختلال سلامت روانی رنج می‌برند. توصیه می‌شود، برنامه‌های ارتقاء سلامت روان از جمله مشاوره‌های مداخله‌ای و آموزش‌هایی جهت کاهش استرس و افسردگی ارائه شود.

واژگان کلیدی: سلامت روانی، دانشجویان، علوم پزشکی گناباد.





بررسی تأثیر آموزش بر آگاهی زنان بالای ۳۰ سال درباره بیماری دیابت

محسن اصغری^۱، هاجر شهسوار^۲، ریابه یونسیان^۳، فریده صادقیان^۴، احمد خسروی^۵

۱- دانشجوی بهداشت حرفه‌ای- دانشگاه علوم پزشکی شاهرود- کمیته تحقیقات دانشجویی. ۲- کارشناس بهداشت عمومی- دانشگاه علوم پزشکی شاهرود. ۳- کارشناس بهداشت عمومی- دانشگاه علوم پزشکی شاهرود. ۴- عضو هیأت علمی بهداشت حرفه‌ای- دانشگاه علوم پزشکی شاهرود. ۵- مرکز تحقیقات علوم رفتاری و اجتماعی در سلامت- دانشگاه علوم پزشکی شاهرود.

چکیده

مقدمه: دیابت یک بیماری بسیار شایع و یکی از علت‌های مهم مرگ در جهان محسوب می‌شود. با توجه به اهمیت مسأله آموزش در این بیماری، تحقیق حاضر به منظور ارزیابی تأثیر آموزش به روش سخنرانی و پمفلت، بر روی میزان آگاهی به اجرا در آمد.

مواد و روش‌ها: نوع مطالعه توصیفی- تحلیلی بوده و جامعه مورد مطالعه ۲۵۰ نفر زنان بالای ۳۰ سال منطقه شهنامی شاهرود بودند. روش جمع‌آوری اطلاعات پرسش‌نامه شامل سؤالاتی در مورد مشخصات دموگرافیک و بیماری دیابت به روش مصاحبه بود که قبل و بعد از آموزش برای آنان تکمیل گردید. برای آنالیز اطلاعات نرم‌افزار SPSS استفاده گردید.

یافته‌ها: زنان با میانگین سن $45/07 \pm 12/5$ در این مطالعه شرکت کردند که از این تعداد ۶/۸۵٪ متأهل و ۶/۹۵٪ خانه‌دار، ۲/۲۳٪ (۵۸ نفر) بی‌سواد و فقط ۱۶٪ (۴۰ نفر) دیپلم و بالاتر بودند. فراوانی نسبی افراد مورد مطالعه در مورد تعریف دیابت، انواع آن، علائم، افراد در معرض خطر، عوارض، آموزش و راه تشخیص بعد از آموزش به ترتیب ۳۷٪، ۶۷٪، ۳۸٪، ۷۷٪، ۵۴٪، ۸۱٪، ۵۴٪ افزایش یافت. اما در این مطالعه میزان آگاهی با هیچ یک از عوامل دموگرافیک ارتباط معنی‌داری نشان نداد.

نتیجه‌گیری: اگر چه میزان آگاهی زنان در مورد دیابت در این منطقه پایین بود اما آموزش به روش سخنرانی و پمفلت به مقدار قابل توجهی آگاهی آنان را افزایش داد. بنابراین برنامه آموزشی مداوم برای زنان به منظور پیشگیری و کنترل بیماری دیابت پیشنهاد می‌شود.

واژگان کلیدی: آموزش، آگاهی، دیابت.





بررسی ناراحتی‌های اسکلتی عضلانی در کاربران کامپیوتر ۱۳۸۷

ابوالفضل اسماعیلی^۱، فاطمه عرب اسدی^۲، اکرم حسنی^۳، معصومه ملکی‌زاده^۴، فاطمه عالی^۴، محمدرضا حسینیان^۴، فریده صادقیان^۴

۱- دانشجوی بهداشت حرفه‌ای- دانشگاه علوم پزشکی شاهرود- کمیته تحقیقات دانشجویی. ۲- کارشناس پرستاری- دانشگاه علوم پزشکی شاهرود- کمیته تحقیقات دانشجویی. ۳- مهندس کامپیوتر. ۴- عضو هیأت علمی بهداشت حرفه‌ای- دانشگاه علوم پزشکی شاهرود.

چکیده

مقدمه: با گسترش روز افزون استفاده از کامپیوتر در محیط‌های کاری در سراسر دنیا ناراحتی‌های اسکلتی عضلانی در کاربران افزایش چشمگیری را نشان داده است. هدف از این مطالعه بررسی ناراحتی‌های اسکلتی عضلانی در کاربران کامپیوتر در دانشگاه‌های علوم پزشکی و آزاد شاهرود می‌باشد.

مواد و روش‌ها: این مطالعه از نوع مقطعی می‌باشد که بر روی ۱۵۹ نفر همه کاربران کامپیوتر شاغل در دانشگاه علوم پزشکی و دانشگاه آزاد شاهرود انجام شد. ابزار جمع‌آوری اطلاعات پرسش‌نامه استاندارد نوردیک بود که به صورت مصاحبه تکمیل گردید. تجزیه و تحلیل اطلاعات با استفاده از نرم‌افزار SPSS انجام گرفت.

یافته‌ها: نتایج حاصله نشان داد که از جامعه مورد مطالعه ۶۵/۹٪ زن، ۴۷/۸٪ لیسانس، ۴۹/۷٪ بیش از ۵ سال سابقه کار داشتند. شایع‌ترین عارضه به ترتیب کمردرد (۴۷/۸٪)، گردن درد (۴۰/۹٪)، درد دست و مچ (۴۰/۳٪)، شانه درد (۳۹/۶٪)، درد زانو (۳۸/۶٪) و درد آرنج (۸/۸٪) گزارش شد در این مطالعه بین گردن درد و درد دست / مچ با جنس ارتباط معناداری به دست آمد ($P < 0/05$).

نتیجه‌گیری: نتایج مطالعه نشان داد ناراحتی‌های اسکلتی عضلانی در کاربران کامپیوتر بالاست. آموزش روش‌های ارگونومیک کار، تنظیم زمان کار و استراحت، معاینات پزشکی قبل از استخدام و دوره‌ای و انتخاب صندلی‌ها و میزهای ارگونومیک جهت پیشگیری پیشنهاد می‌گردد.

واژگان کلیدی: ناراحتی‌های اسکلتی عضلانی، کاربران کامپیوتر.



چگونه یک پرستار به‌عنوان رگ‌گیر ماهر شناخته می‌شود

زهرا یساقی^۱، کاوه جعفری^۱، دکتر اکرم ثناگو^۲، دکتر لیلا جویباری^۲

۱- دانشجو- دانشگاه علوم پزشکی گرگان- کمیته تحقیقات دانشجویی. ۲- عضو هیأت علمی- دانشگاه علوم پزشکی گرگان.

چکیده

مقدمه: یکی از پروسیجرهای تهاجمی که بکرات توسط پرستاران انجام می‌شود رگ‌گیری وریدی می‌باشد. تقریباً همه بیماران بستری و حتی محدود بیمارانی که در منزل نگه‌داری می‌شوند کاتتر داخل وریدی دارند. متأسفانه همه آن‌ها با موفقیت همراه نیستند و بیش‌تر از یک تلاش جهت گذاشتن آن لازم است که باعث نآسودگی بیمار و باعث هدر رفتن هزینه زمانی و وسیله جهت سازمان می‌شود. در این مطالعه بر آن بودیم تا دریابیم چگونه برخی از پرستاران به‌عنوان رگ‌گیرهای ماهر شناخته می‌شوند.

مواد و روش‌ها: در این مطالعه کیفی با ۱۴ نفر از پرستاران مراکز آموزش درمانی دانشگاه علوم پزشکی گرگان برای شرکت در مطالعه (۱۳۸۸) دعوت به‌عمل آمد. نمونه‌گیری مبتنی بر هدف بود. پرستارانی که از سوی همکاران به‌عنوان رگ‌گیر ماهر شناخته شده بودند مورد مطالعه قرار گرفتند. از روش مصاحبه انفرادی نیمه ساختار برای جمع‌آوری اطلاعات استفاده شد. مصاحبه‌ها خط به خط دست‌نویس و مطابق رویکرد «تحلیل محتوا» آنالیز شدند. جهت رعایت حقوق شرکت‌کنندگان، از آنان رضایت‌نامه شفاهی برای شرکت در مطالعه و ضبط صدا گرفته شد.

یافته‌ها: مضامینی که از تحلیل داده‌ها استخراج شد «کسب تجربه، داشتن دیدگاه فرآیندی به پروسیجر، علاقه به کار پرستاری» بوده است. داده‌ها نشان داد پرستاران موفق در رگ‌گیری وریدی «سابقه کار زیاد در بخش‌های کودکان، اورژانس، سوختگی و اتاق عمل» بوده است. سایر نکات قابل توجه «آرام کردن بیمار قبل از پروسیجر، اجرای برخی فنون در زمان انجام پروسیجر برای پیدا کردن رگ مناسب، فیکس کردن» بود. این پرستاران به حرفه پرستاری و کار با بیمار علاقه‌مند بودند، برخورداری از مهارت رگ‌گیری را در مراقبت از بیماران حیاتی می‌دانستند و از خبرگی در این مهارت احساس خوشنودی و رضایت شغلی می‌نمودند.

نتیجه‌گیری: یکی از اولین مداخلاتی که برای اغلب بیماران در اولین لحظات بستری شدن در مراکز درمانی انجام می‌شود «رگ‌گیری» است. لذا گرفتن رگ سریع، با موفقیت، و با کم‌ترین نآسودگی برای بیمار از اهمیت خاص برخوردار می‌باشد.

واژگان کلیدی: کاتتر داخل وریدی، پرستار، بیماران.





آگاهی نگرش و عملکرد پرستاران در مراقبت از بیمار رو به مرگ در بیمارستان- های وابسته به دانشگاه علوم پزشکی بیرجند در سال ۱۳۸۸

سیدعلی‌رضا جوادی‌نیا^۱

۱- دانشجوی رشته پزشکی- دانشگاه علوم پزشکی بیرجند- کمیته تحقیقات دانشجویی.

چکیده

مقدمه: بیماران مبتلا به بیماری‌های درمان‌ناپذیر در مقایسه با بیماران درمان‌ناپذیر، پذیرش نسبت به بیماری در آن‌ها کم‌تر، امیدواری به زنده ماندن کم‌تر و افسرده‌تر و مضطرب‌تر میباشند، پرستاران به خاطر ماهیت شغلی خود بیش از سایر افراد با افراد رو به مرگ مواجه می‌شوند. مراقبت از بیمار رو به مرگ، آرامش بخشیدن و تسلی‌دادن به خانواده بیمار، خواه مرگ ناگهانی بوده و یا به دنبال یک بیماری طولانی مدت و صعب‌العلاج بروز کند، از دشوارترین تجارب پرستاری است که مستلزم داشتن آگاهی کافی، نگرش مثبت و عملکرد مناسب است. بنابراین مطالعه حاضر با هدف تعیین میزان آگاهی، نوع نگرش و نحوه عملکرد پرستاران و بهیاران در مراقبت از بیمار رو به مرگ در بیمارستان‌های وابسته به دانشگاه علوم پزشکی بیرجند انجام شد.

مواد و روش‌ها: در این مطالعه توصیفی ۲۰۰ نفر پرستار و بهیار بیمارستان امام رضا (ع) و ولی‌عصر بیرجند شرکت داشتند که براساس نمونه‌های در دسترس در دو شیفت صبح و شب مورد بررسی قرار گرفتند. ابزار گردآوری داده‌ها پرسش‌نامه بود که اطلاعات آن در چهار بخش شامل یک بخش بیوگرافی و سه بخش اطلاعات نگرشی تنظیم شده بود. داده‌ها پس از جمع‌آوری در نرم‌افزار SPSS و با آزمون‌های مجذور کای، مقایسه میانگین و ضریب همبستگی اسپیرمن تجزیه و تحلیل گردید.

یافته‌ها: نتایج پژوهش نشان داد که ۶۰ درصد نمونه‌ها از آگاهی خوبی در زمینه مراقبت‌های جسمی و روانی از بیمار رو به مرگ برخوردار بودند (میانگین $14/8 \pm 2/5$)، همچنین ۷۵ درصد دارای نگرش مثبت (میانگین $15 \pm 1/5$) و $65/5$ درصد عملکرد خوبی داشتند (میانگین $15/8 \pm 2/3$). ضریب همبستگی اسپیرمن ارتباط معنی‌داری را بین میزان آگاهی با نگرش و نحوه عملکرد نشان داده است.

نتیجه‌گیری: با توجه به میانگین نمرات، به نقش پرستاران در بایستی توجه بیشتری کرد و برگزاری همایش‌ها، کنفرانس‌ها و آموزش‌های حین خدمت در زمینه مرگ و حقوق بیمار در میزان آگاهی و عملکرد آن‌ها مؤثر خواهد بود.
واژگان کلیدی: نگرش، پرستاران، مراقبت از بیمار رو به مرگ.



بررسی شیوع مصرف خود سرانه دارو و علل آن در سالمندان شهر گناباد ۱۳۸۷

مسعود اسکندری^۱، سمانه رعنائی^۱، اعظم قربانپور^۱، محمد مطلبی^۲

۱- دانشجوی- دانشگاه علوم پزشکی گناباد- کمیته تحقیقات دانشجویی. ۲- عضو هیأت علمی- دانشگاه علوم پزشکی گناباد.

چکیده

مقدمه: مصرف دارو بدون تجویز پزشک از مشکلات جامعه ما محسوب می‌شود. تحقیقات نشان داده‌اند بزرگسالان و سالمندان به دلیل احساس نیاز، بیش‌تر به این امر اقدام می‌کنند که با توجه به مشکلات فیزیولوژیک سالمندی این موضوع به سلامت آنان آسیب جدی وارد می‌سازد. هدف این پژوهش تعیین مصرف خود سرانه دارو و علل آن در سالمندان بود.

مواد و روش‌ها: این مطالعه از نوع توصیفی- تحلیلی و جامعه پژوهش افراد بالای ۶۰ سال بودند. ۹۴ نمونه به‌طور تصادفی از سه گروه ورزشکاران، نمازگزاران، شهروندان عادی انتخاب شدند و داده‌ها به روش مصاحبه سازمان یافته جمع‌آوری گردید و با SPSS و ضریب همبستگی پیرسون تجزیه و تحلیل شدند.

یافته‌ها: میانگین سن ۶۵/۳ سال ۶۶٪ نمونه‌ها زن و ۱۱/۷٪ سیکل بودند. ۶۹/۱٪ متأهل و ۷۷/۷٪ بدون تجویز، دارو مصرف کرده بودند. ۵۳/۲٪ از OTC رضایت داشتند. ۶۶٪ بعد از بروز درد خود درمانی می‌کردند. مشکلات اقتصادی، ۱۹/۵٪ و تصور آشنایی با خواص داروها ۱۵/۹۵٪ علت مصرف خود سرانه بود. ۱۳/۸٪ نمونه‌ها حداقل روزانه ۲ نوع دارو بدون تجویز مصرف می‌کردند.

نتیجه‌گیری: بیش از سه چهارم افراد سابقه OTC داشتند که خیلی بیش‌تر از حد انتظار می‌باشد. عدم آگاهی از خطرات و سبک شمردن علائم بیماری به این معضل دامن می‌زند. ایران جزء ۲۰ کشور نخست مصرف‌کننده دارو است که ۱۰-۱۵٪ داروها بدون تجویز مصرف می‌شوند. اقدام جدی در نظام ارائه خدمات سلامت در جهت کارگزاری صحیح از قبیل اصلاح سیستم بیمه‌ها، دسترس آسان‌تر به پزشک، جلوگیری از عرضه OTC و افزایش آگاهی ضروری به نظر می‌رسد.

واژگان کلیدی: سالمندان، خود درمانی، گناباد.





بررسی تصویر جسمی اعضای هیأت علمی و کارکنان دانشکده‌های دانشگاه علوم

پزشکی گلستان

دکتر اکرم ثناگو^۱، دکتر لیلا جویباری^۲، مریم قنبری^۲

۱- عضو هیأت علمی - دانشگاه علوم پزشکی گلستان. ۲- دانشجو- دانشگاه علوم پزشکی گلستان.

چکیده

مقدمه: تصویر جسمی می‌تواند اثر عمیقی بر زندگی افراد، حس اعتماد به نفس «حس خوشحالی درونی» و سلامتی داشته‌باشد. تصویر جسمی از خود تحت تأثیر عوامل مختلفی می‌باشد. هدف از این مقاله بررسی تصویر جسمی کارکنان دانشکده‌های دانشگاه علوم پزشکی گلستان می‌باشد.

مواد و روش‌ها: در این مطالعه توصیفی- تحلیلی در سال ۱۳۸۷ از طریق سرشماری کارکنان آموزشی، اداری، خدماتی دانشکده‌های علوم پزشکی گلستان مورد بررسی قرار گرفتند. با استفاده از پرسش‌نامه «تصویر جسمی» داده‌ها گردآوری گردید. روایی ابزار با استفاده از روایی محتوایی و پایایی آن با ضریب آلفا کرونباخ ۷۱ درصد اطمینان تأیید شد. متغیرهای «نوع کار، جنسیت، ظاهر بدن، قد، وزن» با استفاده از آمار توصیفی و استنباطی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: از ۲۲۵ شرکت‌کننده، ۶۳/۶ درصد کارکنان تصویر جسمی خوب، ۳۳/۶ درصد تصویر جسمی متوسط و ۳/۱ درصد تصویر جسمی بد از خود داشتند. تفاوت معنی‌داری بین متغیر نوع کار، دانشکده و وزن با تصویر جسمی دیده نشد. ارتباط بین تصویر جسمی با متغیرهای جنسیت ($P=0/003$) و ظاهر جسمی ($P=0/001$) و قد ($P=0/027$) معنادار بوده‌است.

نتیجه‌گیری: با توجه به اهمیت تصویر از جسم خود در سلامت روان افراد و با توجه به این که کارکنان دانشکده‌ها در هر سه رده به علت محیط کار مدام در معرض دید می‌باشند برخورداری از تصویر جسمی مثبت ممکن است در ارایه کار آن‌ها نیز مؤثر باشد لذا اتخاذ استراتژی‌هایی برای ارتقای آن مهم می‌نماید.

واژگان کلیدی: تصویر جسمی، اعضای هیأت علمی، کارکنان، دانشگاه علوم پزشکی.



ارزیابی تأثیر آموزش تغذیه مناسب بر شاخص توده‌ای بدن و آلبومین سرم

بیماران تحت همودیالیز بستری در بیمارستان ۱۳۸۶

عباس یوسفی‌نژاد^۱، دکتر موسی صالحی^۲، دکتر میترا بصیرت‌نیا^۳

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد- علوم تغذیه دانشکده بهداشت و تغذیه- دانشگاه علوم پزشکی شیراز. ۲- دانشیار گروه تغذیه دانشکده بهداشت و تغذیه- دانشگاه علوم پزشکی شیراز. ۳- عضو هیأت علمی- دانشگاه علوم پزشکی شیراز.

چکیده

مقدمه: وقتی بیمار کلیوی به مراحل آخر نزدیک می‌شود و احتیاج به دیالیز پیدا می‌کند، سوء تغذیه از پیامدهای غیر قابل اجتناب دیالیز است. بین پیشرفت نارسایی کلیه و سوء تغذیه پروتئین کالری رابطه مستقیمی وجود دارد. بهبود وضعیت تغذیه‌ای و مرتفع شدن سوء تغذیه در بیماران دیالیزی با آموزش تغذیه امکان‌پذیر خواهد بود. هدف از انجام این مطالعه ارزیابی تأثیر آموزش تغذیه مناسب بر شاخص توده‌ای بدن و آلبومین بیماران همودیالیزی بوده است.

مواد و روش‌ها: از بین بیمارانی که در یک مقطع زمانی ۶ ماهه در سال ۱۳۸۶، به بخش‌های مختلف کلیه و دیالیز بزرگسالان بیمارستان نمازی مراجعه کردند، تعداد ۷۵ نفر در نمونه مورد بررسی و آموزش قرار گرفتند. در ابتدای مطالعه با اندازه‌گیری وزن و قد، شاخص توده‌ای بدن آن‌ها ثبت شده و در پایان مطالعه نیز این عمل تکرار شد. آلبومین سرم بیمار درست قبل از مداخله آموزشی و پس از دوره سه ماهه آموزش از پرونده بیمار استخراج و ثبت می‌گردید. اطلاعات دموگرافیک با پرسش از همراهان بیمار و آنترو پومتریکی با اندازه‌گیری مستقیم به کمک ترازو و متر Seca و آلبومین سرم آن‌ها اندازه‌گیری و ثبت شد. از تست آماری t، از کلمو گراف- اسمیر نوف برای میانگین و انحراف معیار متغیرهای آلبومین و BMI استفاده شد.

یافته‌ها: BMI حداقل بر حسب کیلوگرم بر متر مربع قبل از آموزش ۱۴/۲۰ و حداکثر آن ۳۷ بود و بعد از آموزش حداقل شاخص توده‌ای بدن به ۱۶/۱ و حد اکثر آن ۳۷ باقی ماند و میانگین و انحراف معیار این شاخص قبل و بعد از مطالعه به ترتیب ۲۳/۳±۲/۵ و ۲/۹±۲/۳ بود. حد اقل آلبومین قبل از آموزش ۱/۵۰ و ماکزیمم ۴/۲۰ بود و بعد از آموزش به ترتیب ۱/۵ و ۴/۱ بود. اما میانگین آلبومین و انحراف معیار قبل و بعد از آموزش به ترتیب ۳/۳±۰/۷ و ۳/۷±۰/۸ ثبت شد.

نتیجه‌گیری: این مطالعه نشان داد که آموزش تغذیه به بیماران تحت دیالیز می‌تواند به‌طور معناداری از مشکلات آن-ها بکاهد و باعث افزایش وزن شود.

واژگان کلیدی: آموزش تغذیه، شاخص توده بدنی، آلبومین، همودیالیز.





بررسی موفقیت یک رژیم کم کالری در بیماران مراجعه‌کننده به کلینیک‌های سرپایی تغذیه بیمارستان‌های آموزشی امام رضا (ع) و قائم (عج) مشهد

علیرضا سپهری‌شاملو^۱، دکتر محسن نعمتی^۲، دکتر محمدتقی شاکری^۲

۱- دانشجو- دانشگاه علوم پزشکی مشهد. ۲- عضو هیأت علمی- دانشگاه علوم پزشکی مشهد.

چکیده

مقدمه: چاقی یک عامل خطر ساز در بیماری‌های عروق کرونری و افزایش فشارخون است. اضافه وزن و چاقی در حال تبدیل شدن به یک پاندمی می‌باشد. با افزایش سرعت بروز چاقی، تأثیرات برنامه‌های رژیمی کاهش وزن باید به‌طور دقیق‌تری مورد بررسی قرار گیرند. آمارهای ارایه شده از طرف سازمان بهداشت جهانی نشان می‌دهند نیمی از ایرانیان اضافه وزن دارند. هدف در این مطالعه بررسی تأثیر یک رژیم با ۵۰۰ کیلو کالری کم‌تر از رژیم روزمره غذایی در کاهش میزان اضافه وزن است.

مواد و روش‌ها: از بین بیماران مراجعه‌کننده به علت اضافه وزن و چاقی ($BMI > 23.5$) به درمانگاه‌های تغذیه بیمارستان‌های آموزشی قائم (عج) و امام رضا (ع) مشهد در بین بهمن ۸۶ تا بهمن ۸۷، ۳۹۱ بیمار وارد مطالعه شدند. این‌ها بیماران شامل ۹۲ مذکر، ۲۹۹ مؤنث ($SD \pm$ میانگین سن) 15 ± 29 بودند. اطلاعات بدنی از قبیل قد، وزن، BMI و هم-چنین وضعیت ترکیبات بدن با دستگاه آنالیز ترکیبات بدن ثبت شد. رژیم با کاهش ۵۰۰ کیلو کالری کم‌تر از رژیم مورد نیاز غذایی هر فرد به بیماران ارایه گردید. اطلاعات بیماران ماهیانه ثبت شد و سپس داده‌ها توسط SPSS مورد آنالیز (Paired T-Test) قرار گرفتند.

یافته‌ها: از بین ۱۳۱ نفر (۲۵ مذکر، ۱۰۶ مؤنث) از ۳۹۱ بیماری که رژیم خود را برای یک دوره یک ماهه ادامه دادند $79/38\%$ در کاهش وزن خود با موفقیت روبرو شدند. ($1/13/81$) در مؤنث با میانگین کاهش وزنی (۱- کیلوگرم) و 72% در مذکر میانگین کاهش وزنی ($1/2$ - کیلوگرم)) از ۱۳۱ نفر باقی‌مانده تنها ۴۶ نفر (۷ مذکر، ۳۹ مؤنث) در آغاز ماه سوم به کلینیک مراجعه کردند که تا پایان دوره ۲ ماهه میزان موفقیت رژیم کاهش وزن به $91/30\%$ رسید. (مؤنث $92/30\%$ ، $1/67$ - کیلوگرم)، مذکر $85/7\%$ ، $3/41$ - کیلوگرم)). در آغاز ماه چهارم، اطلاعات ۲۴ نفر (۵ مذکر، ۱۹ مؤنث) از ۴۶ نفر باقی‌مانده ثبت شد. که بر این اساس میزان موفقیت رژیم کاهش وزن در یک دوره ۳ ماهه میان کل افراد به 100% رسید. کاهش وزن در آقایان نسبت به زمان شروع رژیم $3/24$ کیلوگرم و در خانم‌ها $4/07$ کیلوگرم و با میانگین $3/90$ کیلوگرم بود. در آغاز ماه پنجم، اطلاعات ۱۳ نفر (۳ مذکر، ۱۰ مؤنث) ثبت شد. که بر این اساس میزان موفقیت رژیم کاهش وزن در یک دوره ۴ ماهه هم‌چنان در کل افراد به 100% رسید. کاهش وزن در آقایان نسبت به زمان شروع رژیم $4/54$ کیلوگرم و در خانم‌ها $6/2$ کیلوگرم و با میانگین کلی $5/81$ کیلوگرم بود ($P < 0/01$).

نتیجه‌گیری: کاهش میزان ۵۰۰ کیلو کالری از رژیم معمول روزانه غذایی فرد می‌تواند منجر به کاهش وزن قابل توجه در هر دو جنس و به‌خصوص در خانم‌ها شود. در صورت تداوم رژیم برای حداقل ۳ ماه، نتایج حاصل از آن قابل توجه خواهند بود.

واژگان کلیدی: کاهش وزن، رژیم غذایی، مدیریت وزن، انگیزه.





مقایسه ویژگی‌های فیزیک و شیمیایی و میکروبی پنی‌های عرضه شده در

شهرستان شاهرود با استاندارد ملی در سال ۱۳۸۷

اشرف نظریان^۱، سوده ذولفقاری^۱، مجید عرب عامری^۲، محسن عباسی بسطامی^۲، پیراسته نوروزی^۳

۱- دانشجوی کارشناس ارشد صنایع غذایی- دانشگاه آزاد اسلامی واحد سبزوار. ۲- معاونت غذا و دارو- اداره نظارت بر مواد غذایی آرایشی و بهداشتی- دانشگاه علوم پزشکی شاهرود. ۳- کارشناس آزمایشگاه- دانشگاه علوم پزشکی شاهرود.

چکیده

مقدمه: در ایران پنیر به دو صورت پاستوریزه و سنتی تهیه و عرضه می‌گردد. مصرف این فرآورده لبنی در صورت آلودگی آن به میکروارگانیسم‌های پاتوژن سبب مسمومیت و عفونت‌های غذایی شده و سلامت افراد را به خطر انداخته و موجب زیان‌های اقتصادی- اجتماعی قابل توجهی می‌شود.

مواد و روش‌ها: از این مطالعه توصیفی- تحقیقی که در سال ۱۳۸۷ انجام شد. مقایسه ویژگی‌های شیمیایی و میکروبی پنی‌های سنتی و پاستوریزه عرضه شده در شهرستان شاهرود می‌باشد. لذا تعداد ۵۰ نمونه در شرایط استریل به آزمایشگاه منتقل و بر اساسی استانداردهای مربوطه آزمایش گردید.

یافته‌ها: پنی‌های سنتی: میانگین اسیدیته ۱/۷ (حداقل ۰/۸)، میانگین ۴/۱ph (حداکثر ۴/۸)، میانگین نمک ۷ میانگین رطوبت ۵۰، کلی فرم ۱۳٪، اشرشیا ۱۰٪، استافیلوکوکوس اورئوس کواگولاز مثبت ۱۷٪، کپک و مخمر ۱۳٪، سالمونلا در ۲۵ گرم منفی بود. پنی‌های پاستوریزه: کلی فرم ۴٪، اشرشیا کلی ۲٪، استافیلوکوکوس اورئوس کواگولاز مثبت ۳٪، کپک و مخمر ۱۰٪، چربی ۵٪ غیراستاندارد، پروتئین ۸٪، ماده خشک میانگین رطوبت ۵۵٪، اسیدیته بر حسب اسید لاکتیک ۱، ph، میانگین نمک ۲/۱٪ بود.

نتیجه‌گیری: وضعیت کلی نتایج نشان این بررسی نشان‌دهنده آلودگی میکروبی شدیدتر در پنی‌های غیر پاستوریزه در مقایسه با پنی‌های پاستوریزه می‌باشد، که بیانگر عدم رعایت ضوابط بهداشتی در حین تولید این محصول می‌باشد. بنابراین بایستی در مصرف پنیر سنتی توسط عموم مردم اطلاع رسانی لازم صورت گرفته و با تولیدکنندگان غیر مجاز برخورد لازم صورت گیرد.

واژگان کلیدی: پنیر سنتی، پنیر پاستوریزه، ویژگی‌های فیزیکوشیمیایی.





بررسی برخی از ویژگی‌های شیمیایی نمک‌های طعام مصرفی و مقایسه آن با استاندارد در شهر استان شاهرود (زمستان ۱۳۸۷)

سوده ذولفقاری^۱، اشرف نظریان^۱، مجید عرب عامری^۲، شریفی عرب غلامعلی^۳، محسن عباسی بسطامی^۴

۱- دانشجوی کارشناس ارشد صنایع غذایی- دانشگاه آزاد اسلامی واحد سبزوار. ۲- معاونت غذا و دارو- اداره نظارت بر مواد غذایی آرایشی و بهداشتی- دانشگاه علوم پزشکی شاهرود. ۳- معاونت بهداشتی- دانشگاه علوم پزشکی شاهرود. ۴- معاونت غذا و دارو- اداره نظارت بر مواد غذایی آرایشی و بهداشتی- دانشگاه علوم پزشکی شاهرود.

چکیده

مقدمه: اختلالات ناشی از کمبود ید یکی از مشکلات تغذیه‌ای است و کشور ما از دیر باز از نظر اختلالات ناشی از کمبود ید جزو مناطق پرشیوع به حساب می‌آمده است. کشور ما در بین کشورهای مدیترانه شرقی اولین کشوری بود که اقدام به بررسی کشوری گواتر و تولید و توزیع نمک یددار در سطح جامعه نموده و در دهه گذشته به موفقیت‌های چشمگیری نیز دست یافته است. با توجه به کمبود ید و اختلالات شناخته شده ناشی از آن و به منظور تعیین میزان ید نمک‌های طعام مصرفی موجود در شهرستان شاهرود، این تحقیق در زمستان ۱۳۸۷ انجام گرفت.

مواد و روش‌ها: تحقیق به روش مقطعی- توصیفی بر روی ۱۰ علامت تجاری مختلف عرضه شده در شهرستان شاهرود نمونه‌برداری گردید. نمونه‌های مورد مطالعه به‌طور تصادفی از مغازه‌های شهر و مراکز تولید و توزیع، به همراه فرم جمع‌آوری اطلاعات شامل شرایط نگهداری، تاریخ تولید و انقضاء، نام کارخانه تولید کننده و نوع بسته‌بندی تکمیل شد. و برخی از ویژگی‌های شیمیایی نمونه‌ها طبق ضوابط استاندارد بررسی گردید.

یافته‌ها: از ۱۰ علامت تجاری نمک طعام مورد بررسی، ۱۴/۲ درصد از نمک‌های یددار، خارج از محدوده قابل قبول (۳۰-۵۰ ppm) بود که ۱۱/۵ درصد از حداقل مقدار ید قابل قبول (۳۰ ppm) کم‌تر و ۳/۲ درصد از حداکثر مقدار ید قابل قبول (۵۰ ppm) بیش‌تر ید داشتند. ۸/۱ درصد از نمک‌های مواد نامحلول در آب، خارج از محدوده قابل قبول (حداکثر ۰/۱۶ درصد) بود. و ۹۱/۹ درصد مطلوب بود. ۷/۴ درصد از نمک‌های از نظر مواد نامحلول در آب، خارج از محدوده قابل قبول (حداقل ۹۹/۲ درصد) بود و ۹۲/۶ درصد مطلوب بود.

نتیجه‌گیری: یافته‌های حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد، ۲۱ درصد از نمک‌های یددار توزیع شده در شهرستان شاهرود غیر استاندارد بود. لذا با توجه به اهمیت کنترل ید و سایر پارامترهای کیفی و نقش بسیار با ارزش آن در اعمال حیاتی بدن در دوران مختلف، تشدید نظارت دقیق و مستمر بر کارخانجات تولیدکننده برای جلوگیری از تخلفات ضروری به نظر می‌رسد.

واژگان کلیدی: نمک طعام، ید، شهرستان شاهرود.





بررسی ویژگی‌های میکروبی فرآورده‌های گوشتی عرضه شده در شهرستان

شاهرود بر اساس استاندارد ملی در سال ۱۳۸۷

اشرف نظریان^۱، سوده ذولفقاری^۱، مجید عرب‌عامری^۲، محسن عباسی‌بسطامی^۲، پیراسته نوروزی^۳
۱- دانشجوی کارشناس ارشد صنایع غذایی دانشگاه آزاد اسلامی واحد سبزوار. ۲- معاونت غذا و دارو- اداره نظارت بر مواد غذایی آرایشی و بهداشتی- دانشگاه علوم پزشکی شاهرود. ۳- معاونت آموزشی- دانشکده بهداشت- دانشگاه علوم پزشکی شاهرود.

چکیده

مقدمه: با توجه به اینکه فرآورده‌های گوشتی یکی از پرمصرف‌ترین کالاهایی است که در کشور مورد استفاده قرار می‌گیرد لذا توجه به وضعیت بهداشتی و کیفی آن از اهمیت بسزایی برخوردار است. این مطالعه با هدف ارزیابی وضعیت میکروبی فرآورده‌های گوشتی عرضه شده در شهرستان شاهرود در سال ۱۳۸۷ صورت گرفت.

مواد و روش‌ها: از این مطالعه توصیفی تحقیقی که در سال ۱۳۸۷ انجام شد. لذا تعداد ۵۰ نمونه در شرایط استریل به آزمایشگاه منتقل و بر اساس استانداردهای مربوطه آزمایش گردید.

یافته‌ها: میزان آلودگی نمونه‌ها به قرار زیر می‌باشد در سوسیس و کالباس: آلودگی به استافیلوکوکوس اورئوس کوگولاز مثبت ۲٪، آلودگی توتال کانت ۳٪ و آلودگی کپک و مخمر صفر و در هیچ یک از نمونه‌ها آلودگی به سالمونلا مشاهده نشد. همبرگر: استافیلوکوکوس اورئوس کوگولاز مثبت ۱۸٪، توتال کانت ۲۳٪، کپک و مخمر ۶٪، کلی فرم ۱۸٪، اشرشیا کلی ۱۳، سالمونلا ۳٪ بود.

نتیجه‌گیری: وضعیت کلی نتایج این بررسی نشان‌دهنده آلودگی میکروبی بالاتر در فرآورده‌ی همبرگر در مقایسه با سوسیس و کالباس می‌باشد. آلودگی به استافیلوکوکوس اورئوس به‌عنوان شاخص بهداشت فردی و اشرشیا کلی به‌عنوان شاخص آلودگی مدفوعی نشان‌دهنده منعیت در رعایت ظوابط بهداشتی در حین تولید از نظر بهداشت فردی کارگران و مواد اولیه نامناسب و عدم شست‌وشوی مناسب تجهیزات و احتمال عدم رعایت ذنجیره‌ی سرما است که مخاطره‌ی بهداشتی جدی محسوب می‌شود بنابراین برای جلوگیری از وقوع مسمومیت‌های ناشی از مصرف فرآورده‌های گوشتی رعایت ذنجیره‌ی سرما در حمل و نقل و نگهداری از تولید تا مصرف و همچنین نظارت بهداشتی و کنترل مراکز تهیه و توزیع و عرضه الزمی می‌باشد.

واژگان کلیدی: سوسیس، کالباس، همبرگر، آلودگی میکروبی.





بررسی الگوی غذایی دانش‌آموزان نوجوان (۱۲-۱۸ ساله) شهر سبزوار و

مقایسه آن با هرم غذایی استاندارد در سال ۱۳۸۶

اشرف دلبری^۱، سمیه کرامت^۱، اکرم کوشکی^۲، آرش اکابری^۳

۱- دانشجوی کارشناسی پرستاری- دانشگاه علوم پزشکی سبزوار. ۲- عضو هیأت علمی گروه علوم پایه- دانشگاه علوم پزشکی سبزوار. ۳- عضو هیأت علمی گروه بهداشت- دانشگاه علوم پزشکی سبزوار.

چکیده

مقدمه: از آنجایی که هر دوره از زندگی متأثر از دوران قبل و تأثیرگذار بر دوران بعد می‌باشد، در این میان نوجوانی و بلوغ یک نقطه عطف و مرحله مهمی از رشد و تکامل فرد به شمار می‌آید. با توجه به نقش حیاتی الگوی غذایی روی حفظ و ارتقای سلامتی این مطالعه به منظور تعیین الگوی غذایی نوجوانان دانش‌آموز شهر سبزوار و مقایسه آن با هرم غذایی استاندارد انجام شد.

مواد و روش‌ها: این مطالعه از نوع توصیفی- تحلیلی می‌باشد که بر روی ۳۸۹ دانش‌آموز مقاطع راهنمایی و دبیرستان شهر سبزوار در سال که به صورت نمونه‌گیری تلفیقی (طبقه‌ای و خوشه‌ای) بعد از کسب اجازه و تکمیل فرم پرسش- نامه به‌طور مصاحبه حضوری و روش چهره به چهره با دانش‌آموزان اطلاعات لازم کسب گردید. دریافت گروه‌های غذایی از طریق پرسش‌نامه یادآمد ۲۴ ساعته خوراک (یادآمد دو روزه) و بسامد خوراک کسب گردید. سپس داده‌ها طبق راه‌های مقیاس خانگی و درصد خوراکی به سروینگ و گرم تبدیل شده وارد SPSS گردید.

یافته‌ها: در این مطالعه (۴۲/۴ درصد) ۱۶۵ نفر پسر و (۵۷/۶ درصد) ۲۲۴ دختر شرکت داشتند میانگین سنی آن‌ها $15/20 \pm 1/59$ سال وزن $49/17 \pm 11/07$ کیلوگرم و قد $(159/41 \pm 10/64)$ سانتی‌متر بود. در این مطالعه (۳۷٪) ۱۴۴ دانش‌آموز مقطع راهنمایی و (۶۳٪) ۲۴۵ دانش‌آموز مقطع متوسطه شرکت داشتند. میانگین دریافت لبنیات مقطع راهنمایی $3/81 \pm 2/09$ سروینگ و در مقطع دبیرستان $3/27 \pm 1/95$ سروینگ، میانگین دریافت گوشت در مقطع راهنمایی $1/82 \pm 1/11$ سروینگ و در مقطع دبیرستان $1/49 \pm 0/85$ سروینگ، میانگین دریافت غلات در مقطع راهنمایی $14/76 \pm 8/63$ سروینگ و در دبیرستان $14/54 \pm 7/97$ سروینگ، میانگین میوه‌جات در مقطع راهنمایی $1/94 \pm 1/13$ سروینگ و در دبیرستان $2/14 \pm 1/20$ سروینگ، میانگین دریافت سبزیجات در مقطع راهنمایی $1/25 \pm 0/97$ سروینگ و در دبیرستان $1/32 \pm 1/09$ سروینگ، میانگین دریافت قندها و چربی‌ها در مقطع راهنمایی $10/20 \pm 6/21$ سروینگ و در دبیرستان $11/14 \pm 6/56$ سروینگ بود.

نتیجه‌گیری: براساس مطالعات فوق میانگین دریافت گروه‌های قندها و چربی‌ها و غلات در دانش‌آموزان راهنمایی و دبیرستان شهر سبزوار بیش‌تر از حد استاندارد و میانگین دریافت گروه‌های گوشت، میوه‌جات، سبزیجات کم‌تر از حد استاندارد است.

واژگان کلیدی: الگوی غذایی، دانش‌آموزان، راهنمایی، دبیرستان.





بررسی میزان آهن آرد سبوس گرفته مصرفی در سطح در شهر ستان شاهرود (شش ماه اول ۱۳۸۸)

سوده ذولفقاری^۱، مجید عرب‌عامری^۲، محسن عباسی بسطامی^۳، ملیحه فلاح^۴، جواهری^۴، محیا میری^۴
۱- دانشجوی کارشناس ارشد صنایع غذایی- دانشگاه آزاد اسلامی واحد سبزوار. ۲- معاونت غذا و دارو- اداره نظارت بر مواد غذایی آرایشی و بهداشتی- دانشگاه علوم پزشکی شاهرود. ۳- معاونت غذا و دارو- آزمایشگاه کنترل مواد غذایی آرایشی و بهداشتی- دانشگاه علوم پزشکی شاهرود.

چکیده

مقدمه: با توجه به کمبود آهن و اختلالات شناخته شده ناشی از آن و تأثیر مثبت غنی‌سازی آرد در کمیت و کیفیت اختلالات آن و نگرانی از میزان آهن در آرد مصرفی و به‌منظور تعیین میزان آهن آردهای مصرفی موجود در شهر ستان شاهرود، این تحقیق در زمستان ۱۳۸۷ انجام گرفت.

مواد و روش‌ها: تحقیق به روش توصیفی روی ۳۰ نمونه آرد سبوس غنی شده و غنی نشده انجام شد. نمونه‌های مورد مطالعه به‌طور تصادفی از نانوائی‌ها و کارخانه آرد به همراه فرم جمع‌آوری اطلاعات شامل تاریخ تولید و انقضاء، نام کارخانه تولید کننده و نوع بسته بندی نوع آؤد تکمیل شد. میزان آهن نمونه‌های جمع‌آوری شده در آزمایشگاه مواد غذایی دانشگاه علوم پزشکی شاهرود طبق روش کیفی spot test و کمی رنگ سنجی (اسپکتروفتومتری) اندازه‌گیری و میزان آهن ۳۰ تا ۹۰ ppm در گرم آرد مطلوب تلقی گردید.

یافته‌ها: از ۳۰ نمونه آرد سبوس غنی شده و غنی نشده مورد بررسی، میانگین نتایج در فروردین ۸۰ درصد، اردیبهشت ۶۶/۶ درصد، خرداد ۷۵، تیر ۲۵، مرداد صفر، شهریور صفر درصد نتایج کمی اندازه‌گیری آهن در محدوده قابل قبول بود به‌طور کلی در شش ماه اول سال ۱۳۸۸ میانگین آهن آرد سبوس غنی شده ۶۹ درصد نمونه‌ها از نظر میزان آهن نامطلوب و ۴۱ درصد مطلوب بود.

نتیجه‌گیری: یافته‌های حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد، ۶۹ درصد از آهن آرد سبوس غنی شده توزیع شده در شهرستان شاهرود در محدوده قابل قبول بود نبوند. که با توجه به بررسی صورت گرفته تغییرات شدید در گندم ورودی به کارخانه (تغییر در گندم محلی مناطق مختلف و خارجی) سبب افزایش یا کاهش میزان آهن در آهن آرد سبوس می‌باشد. لذا با توجه به اهمیت کنترل برنامه غنی‌سازی و نقش بسیار با ارزش آهن در اعمال حیاتی بدن در دوران مختلف، تشدید نظارت دقیق و مستمر بر کارخانجات تولیدکننده برای جلوگیری از تخلفات ضروری به نظر می‌رسد.

واژگان کلیدی: غنی‌سازی، آرد سبوس، آهن.





بررسی میزان آگاهی دانشجویان دختر دانشگاه علوم پزشکی شاهرود در

خصوص آنفلوآنزای نوع A

مریم سلیمی^۱، دکتر افسانه کرامت^۲

۱- دانشجوی بهداشت عمومی کارشناسی ناپیوسته- دانشگاه علوم پزشکی شاهرود- کمیته تحقیقات دانشجویی. ۲- عضو هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی شاهرود.

چکیده

مقدمه: از اوایل فروردین ۸۸ همه‌گیری آنفلوآنزای A در مکزیک حادث گردید و سپس مواردی از بیماری در ایالات متحده و بسیاری از کشورهای دیگر به وقوع پیوست و به فاصله ۴۳ سال پس از وقوع آخرین پاندمی قرن ۲۰ اولین جهانگیری بیماری در قرن ۲۱ رخ داد و با توسعه دامنه بیماری به چندین قاره در تاریخ ۲۱ خرداد سال جاری فاز ششم پاندمی توسط سازمان جهانی بهداشت اعلام شد. ابتلاء به این بیماری در ایران نیز به سرعت در حال افزایش است. با توجه به اهمیت این بیماری در حال حاضر بر آن شدیم تا میزان آگاهی دانشجویان دانشگاه را بسنجیم و راهکارهای مناسب در جهت افزایش آگاهی آنان را ارائه دهیم.

مواد و روش‌ها: این مطالعه از نوع مقطعی بوده و جمع‌آوری اطلاعات از طریق توزیع پرسش‌نامه‌هایی حاوی ۶ سؤال عمومی و ۲۶ سؤال اختصاصی به‌منظور سنجش آگاهی دانشجویان در خصوص آنفلوآنزای نوع A در میان کلیه دانشجویان دختر مقیم خوابگاه دانشگاه علوم پزشکی شاهرود انجام گرفت. اعتبار محتوایی پرسش‌نامه از طریق نظرسنجی از خبرگان و اعضای هیأت علمی تعیین گردید. داده‌ها پس از جمع‌آوری در نرم‌افزار SPSS وارد شده و با استفاده از روش‌های آمار توصیفی و تحلیلی مورد بررسی قرار گرفت.

یافته‌ها: از مجموع پرسش‌نامه‌های توزیع شده ۱۵۴ مورد توسط دانشجویان تکمیل گردیده و عودت داده شد. میانگین نمره آگاهی کسب شده توسط دانشجویان از مجموع ۲۶ نمره $11/4 \pm 3/6$ بر آورد گردید. حداکثر نمره کسب شده ۲۲ و حداقل آن ۵ بود. $58/4\%$ از دانشجویان نمره‌ای کم‌تر از میانگین دریافت کرده بودند. بین نمرات کسب شده با ترم، رشته و مقطع تحصیلی ارتباط معناداری وجود داشت ($P < 0/05$). بیش‌ترین پاسخ‌های صحیح به ترتیب: به سؤالاتی در خصوص آشنایی با نام بیماری (۹۸٪) و مصرف مایعات فراوان پس از ابتلاء به‌عنوان یک روش درمانی (۷۳٪) و کم‌ترین پاسخ‌های صحیح به مقایسه علائم آنفلوآنزای جدید با سایر انواع آنفلوآنزا (۱۰/۴٪) و علت اصلی مرگ ناشی از آنفلوآنزای نوع A (۱۸/۲٪) تعلق داشت.

نتیجه‌گیری: با توجه به نتایج به‌دست آمده میانگین نمرات آگاهی کسب شده از ۵۰٪ نمره آگاهی کم‌تر بوده است و اکثریت دانشجویان نمره ای کم‌تر از میانگین کسب نمودند و از سوی دیگر نمرات کسب شده با رشته مقطع و ترم تحصیلی ارتباط داشته است. با توجه به اهمیت بیماری آنفلوآنزا و ضرورت افزایش آگاهی دانشجویان در کلیه سطوح و مقاطع انجام برنامه‌های آموزشی عمومی در سطح دانشگاه برای کلیه دانشجویان توصیه می‌شود.

واژگان کلیدی: آگاهی، آنفلوآنزا نوع A.



موانع و محرک‌های مراجعه زنان برای آزمون‌های تشخیصی سرطان‌های شایع

در زنان در شهر بیرجند در سال ۱۳۸۶

فهیمة ستاری^۱، جلال محمدزاده^۱

۱- دانشجو- دانشگاه علوم پزشکی گناباد.

چکیده

مقدمه: سرطان پستان و دهانه رحم جزو سرطان‌های شایع در زنان می‌باشد که با انجام غربالگری مرتب و منظم در مراحل اولیه قابل تشخیص و درمان می‌باشد ولی مطالعات انجام شده در این زمینه نشان داده‌اند که علی‌رغم تأثیرات مثبت بیماریابی در تشخیص زود رس و پیشگیری از مرگ‌ومیر این بیماری‌ها؛ میزان انجام این آزمایشات در جامعه بسیار پایین می‌باشد. لذا مطالعه حاضر با هدف تعیین علل مراجعه و عدم مراجعه زنان جهت انجام آزمون‌های تشخیصی سرطان‌های شایع زنان در شهر بیرجند انجام شد.

مواد و روش‌ها: در این مطالعه توصیفی- تحلیلی از نوع مقطعی تعداد ۳۷۴ خانم متأهل مراجعه‌کننده به مراکز بهداشتی درمانی شهر بیرجند به روش نمونه‌گیری چند مرحله‌ای مورد مطالعه قرار گرفتند. اطلاعات با استفاده از پرسش‌نامه که روایی و پایایی آن تأیید شده بود و شامل سئوالات دموگرافیک (۹ سؤال)؛ آگاهی (۲ سؤال)؛ عملکرد (۲ سؤال)؛ دلایل مراجعه جهت آزمون‌های تشخیصی (محرک‌ها) (۷ سؤال) و ۱۷ سؤال دلایل عدم مراجعه (موانع) می‌باشد و به روش مصاحبه تکمیل و پس از وارد کردن داده‌ها در نرم‌افزار SPSS با استفاده از آزمون‌های آماری توصیفی و تحلیلی کای اسکوتر مورد تجزیه و تحلیل آماری در سطح $\alpha=0/05$ قرار گرفت.

یافته‌ها: یافته‌ها نشان داد که میانگین سن؛ سن اولین قاعدگی و سن یائسگی زنان به ترتیب $32/3 \pm 10/1$ ؛ $37/1 \pm 1/6$ و $47/4 \pm 3/3$ سال و میانگین تعداد فرزندان آن‌ها $2/6 \pm 1/7$ فرزند بود. اکثریت آن‌ها تحصیلات متوسطه ($32/6\%$) و خانه‌دار ($71/7\%$) بودند. $52/4\%$ نسبت به آزمون‌های تشخیصی سرطان پستان و $53/5\%$ نسبت به آزمون‌های تشخیصی سرطان رحم آگاهی داشتند $37/4\%$ سابقه انجام خود آزمایشی پستان و $50/8\%$ سابقه انجام پاپ اسمیر داشتند و تنها $27/3\%$ پاپ اسمیر $24/9\%$ معاینه بالینی پستان را انجام می‌دادند. مهم‌ترین علل محرک جهت انجام آزمون‌های تشخیصی؛ توصیه کارکنان بهداشتی؛ توصیه پزشک؛ رسانه‌های گروهی و مهم‌ترین علل موانع جهت انجام آزمون‌های تشخیصی؛ نداشتن سابقه مشکل؛ عدم آگاهی از رایگان بودن معاینات توسط کارکنان بهداشتی؛ عدم آموزش کادر بهداشتی و عدم آگاهی از وجود مراکز و روش انجام معاینه بیان شد. آزمون آماری کای اسکوتر اختلاف معنی‌داری در آگاهی و عملکرد زنان بر حسب تحصیلات و شغل نشان داد ($P < 0/001$). همچنین آزمون فیشر اختلاف معنی‌داری در عملکرد زنان بر حسب گروه سنی نشان داد ($P < 0/001$) ولی این آزمون اختلاف معنی‌داری در آگاهی زنان بر حسب گروه سنی نشان نداد ($P = 0/4$).

نتیجه‌گیری: نتایج حاصله از این مطالعات نشان داد که انجام آزمون‌های تشخیصی سرطان‌های شایع در زنان در حد متوسط و پایین تر از حد انتظار می‌باشد. با توجه به اینکه مهم‌ترین علت عدم مراجعه زنان عدم احساس نیاز و نداشتن آگاهی می‌باشد و از آنجا که لازمه عملکرد مناسب؛ داشتن آگاهی می‌باشد، لذا لزوم آموزش‌های مداوم و مؤثر توسط کارکنان بهداشتی و رسانه‌های گروهی با توجه به نقش آن‌ها در ارتقاء سطح آگاهی زنان در جهت از بین بردن موانع و تقویت محرک‌های مراجعه زنان جهت انجام آزمون‌های تشخیصی سرطان‌های شایع در زنان؛ مؤثر خواهد بود.

واژگان کلیدی: سرطان؛ آزمون تشخیصی؛ زنان؛ موانع؛ محرک‌ها.



بررسی برخی عوامل مؤثر بر انتخاب نوع تغذیه شیرخواران منطقه ترکمن‌نشین

آق‌قلا

دکتر اکرم ثناگو^۱، دکتر لیلا جویباری^۱، مریم قنبری^۲

۱- عضو هیأت علمی - دانشگاه علوم پزشکی گلستان. ۲- دانشجو - دانشگاه علوم پزشکی گلستان.

چکیده

مقدمه: در کشورهای در حال توسعه تغذیه با شیر مادر هنوز به‌عنوان یک عامل تأثیرگذار بر زندگی و مرگ کودکان مطرح می‌باشد. هنوز تأثیر مدرنیته تغذیه با شیر مصنوعی در بین مادران مطرح می‌باشد. هدف از این مطالعه تعیین برخی عوامل مؤثر بر انتخاب نوع تغذیه شیرخواران آق‌قلا بوده است.

مواد و روش‌ها: در این مطالعه توصیفی تحلیلی مادران دارای کودک زیر دو سال مراجعه کننده به مراکز و پایگاه‌های شهری و روستایی شهرستان آق‌قلا طی سال ۱۳۸۶ مورد بررسی قرار گرفتند. ۲۷۷ نمونه به‌صورت تصادفی وارد مطالعه شدند. ابزار گردآوری اطلاعات پرسش‌نامه اطلاعات دموگرافیک مادر و شیرخوار، اطلاعات نوع تغذیه کودک بعد از تولد و علل استفاده از شیر خشک، سؤالاتی در زمینه آموزش مادران در ارتباط با تغذیه با شیر مادر و مراقبت‌های دوران حاملگی و بعد از زایمان بوده است. از آزمون‌های آمارهای تی و کای دو برای مقایسه متغیرهای کمی و کیفی استفاده شد.

یافته‌ها: از ۲۹۷ شیرخوار، ۸۳/۲ درصد (۲۴۷) نفر شیر مادر استفاده می‌کردند. ۱۱/۴ درصد (۳۴) نفر شیر مصنوعی به‌صورت کمکی همراه با شیر مادر، ۵/۴ درصد (۱۶) نفر از شیر مصنوعی استفاده می‌کردند. علت شروع شیر مصنوعی به‌ترتیب بی‌قراری کودک و نگرفتن پستان، کمبود شیر، چند قلوبی، بیماری‌های مادر و کودک، عدم وزن‌گیری کودک بوده است. در ارتباط با نحوه استفاده از تغذیه مصنوعی با سن، تحصیلات مادر، محل سکونت و نوع زایمان ارتباط معنی‌دار دیده نشد ($P>0/05$). ارتباط بین حاملگی ناخواسته، زمان بدو تولد، چند قلوبی، تمایل مادر به شیردهی، ساعت شروع تغذیه در بدو تولد، سابقه بستری کودک و محل خواب کودک معنی‌داری بوده است ($P<0/05$).

نتیجه‌گیری: نتایج مطالعه دال بر ضرورت برنامه‌های پیشگیرانه می‌باشد. اجرای دقیق برنامه پیشگیری؛ تنظیم خانواده جهت حاملگی ناخواسته، ارتقای مراقبت دوران بارداری برای پیشگیری از زایمان زودرس، اجرای برنامه‌های تماس زودرس مادر و نوزاد در بدو تولد، برنامه‌های پیشگیری از بیماری‌های شایع که باعث بستری کودکان در زمان شیردهی می‌شود و آموزش به والدین برای اهمیت هم‌اطاقی مادر و کودک از جمله این موارد است. نقش آموزشی پرسنل مراکز بهداشتی درمانی در شهرها و خانه بهداشت در روستاها نیز می‌تواند عامل مهمی در نحوه شیردهی مادران باشد.

واژگان کلیدی: شیر مادر، شیرخوار، شیر مصنوعی.



معرفی یک مورد شیرخوار مبتلا به نیمین پیک

عاطفه رجبی^۱، دکتر لیلا جویباری^۲، دکتر اکرم ثناگو^۳

۱- دانشجو- دانشگاه علوم پزشکی گلستان، ۲- عضو هیأت علمی- دانشگاه علوم پزشکی گلستان.

چکیده

مقدمه: بیماری «نیمین پیک»، اختلال متابولیکی، نادر، اتوزوم مغلوب، عمدتاً با پیش آگهی نامطلوب بوده که به دلیل وجود نقص در آنزیم اسفنگومیلیناز، لیپوپروتئینی چون اسفنگومیلین تجزیه نشده و همراه با کلسترول در نقاط مختلف بدن از جمله سیستم عصبی مرکزی و سیستم رتیلولوآندوتلیال تجمع می‌یابد. هدف از این مطالعه معرفی یک شیرخوار مبتلا به نیمین پیک است.

مواد و روش‌ها: معرفی مورد، برای گردآوری اطلاعات از پرونده بیمار، مطالعه آزمایشات و اخذ شرح حال از مادر کودک استفاده شد.

یافته‌ها: بی‌مار ۹ ماهه با وزن ۷ کیلوگرم، مؤنث و با قومیت ترکمن می‌باشد که در فروردین ۱۳۸۸ در مرکز آموزشی درمانی طالقانی گرگان بستری می‌شود. بیمار از بدو تولد دچار اسهال بوده است. آنمی، هپاتواسپلنومگالی و نارسای رخشد در کودک مشهود است. اسهال سبز رنگ و بدبو بودن ادرار و مدفوع نیز جزو علایم اصلی هستند. در آسپیراسیون مغز استخوان سلول‌های کف آلود رؤیت شده و بیوپسی از کبد نیز تأییدکننده بیماری نیمین پیک بوده است. والدین نسبت فامیلی دارند. کودک فرزند دوم خانواده بوده و فرزند اول سالم می‌باشد. مادر نیز در طی دوران حاملگی به آنمی مبتلا بوده است.

نتیجه‌گیری: موتاسیون و جهش‌های ژنتیکی به‌عنوان اصلی‌ترین دلیل بروز این بیماری معرفی شده اند به همین دلیل اجتناب از عوامل جهش‌زا در طی دوران حاملگی می‌تواند در پیشگیری از بروز بیماری مؤثر باشد. در کودکان دارای سابقه خانوادگی از بیماری و یا سابقه قرارگیری مادر در معرض عوامل جهش‌زا در دوران حاملگی، چنانچه علایمی از آنمی و یا ترومبوسیتوپنی وجود داشت بررسی‌های بیش‌تر جهت تعیین وجود بیماری نیمین پیک ضروری است.

واژگان کلیدی: نیمین پیک، اختلالات متابولیکی، اتوزوم مغلوب، بیماری‌های نادر.





مقایسه دو شیوه آموزشی بحث گروهی و آموزش چهره به چهره روش‌های پیشگیری از بارداری بر آگاهی، نگرش و عملکرد زنان مراجعه‌کننده به مراکز

منتخب بهداشتی درمانی شهر زاهدان سال ۱۳۸۶

فاطمه کیانی^۱، زینب پهلوانی^۲

۱- عضو هیأت علمی- دانشگاه علوم پزشکی زاهدان. ۲- دانشجوی پرستاری- دانشگاه علوم پزشکی زاهدان.

چکیده

مقدمه: افزایش جمعیت و نتایج سوء ناشی از آن یکی از مهم‌ترین موضوعات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی می‌باشد. یکی از راه‌ها برای کنترل مسأله جمعیت ارزیابی آموزشی‌های تنظیم خانواده می‌باشد. در این مطالعه تأثیر دو شیوه آموزشی چهره به چهره و بحث گروهی بر آگاهی نگرش و عملکرد زنان با همدیگر مقایسه شده است.

مواد و روش‌ها: در این مطالعه ۹۶ زن مراجعه‌کننده به دو مرکز بهداشتی به‌صورت تصادفی انتخاب شدند و به دو شیوه آموزش گروهی و آموزش چهره به چهره آموزش دیدند، پیش از آن برای هر دو گروه انجام شد سپس برنامه آموزشی اجرا و مجدداً پس از آن انجام شد. نتایج مطالعه به وسیله تست تی مستقل و کای اسکوئر بررسی شد.

یافته‌ها: یافته‌های حاصل از مطالعه نشان داد که در هر دو شیوه آگاهی مراجعه‌کنندگان افزایش یافته و آموزش چهره به چهره برای تغییر نگرش‌ها مؤثرتر است و آزمون‌های آماری ارتباط معنی‌داری را در این زمینه نشان داد اما بحث گروهی چندان برای تغییر نگرش مناسب نیست. عملکرد هر دو گروه قبل و بعد از مداخله ارتباط معنی‌داری را نشان نداد.

نتیجه‌گیری: بر اساس یافته‌های این پژوهش به نظر می‌رسد که مداخلات می‌تواند نتایج مطلوبی داشته باشد و در کلیه مراکز بایستی از برنامه‌های آموزشی استفاده گردد.

واژگان کلیدی: دانش، نگرش، عملکرد، پیشگیری از حاملگی.



بررسی مورد- شاهدی مشخصات دموگرافیک در زوج‌هایی که روش وازکتومی را برگزیدند در مقایسه با انتخاب‌کنندگان سایر روش‌های پیشگیری در شهر

شاهرود طی سال‌های ۱۳۸۴-۱۳۸۷

دکتر افسانه کرامت^۱، معصومه اعرابی^۲، افسانه زارعی^۲

۱- سرپرست کمیته تحقیقات دانشجویی- دانشگاه علوم پزشکی شاهرود، ۲- دانشجویی- دانشگاه علوم پزشکی شاهرود- کمیته تحقیقات دانشجویی.

چکیده

مقدمه: علی‌رغم مزایای ذکر شده در خصوص روش پیشگیری وازکتومی این روش در اکثر جوامع و به‌خصوص در کشورهای در حال توسعه (از جمله ایران) با عدم یا کمبود استقبال مواجه گردیده است. تحقیق حاضر به بررسی مشخصات دموگرافیک در زوج‌هایی که طی سال‌های ۱۳۸۴-۱۳۸۷ در شهر شاهرود روش وازکتومی را برگزیدند در مقایسه با انتخاب‌کنندگان سایر روش‌های پیشگیری پرداخته است.

مواد و روش‌ها: در تحقیق حاضر گروه مورد شامل ۲۴۵ زوج (کلیه موارد) ارجاء شده از ۹ درمانگاه سطح شهر شاهرود برای انجام عمل وازکتومی طی سال‌های ۱۳۸۴-۱۳۸۷ می‌شد و گروه شاهد را زوج‌های مراجعه‌کننده به همان درمانگاه‌ها جهت استفاده از سایر روش‌های پیشگیری (با شرط داشتن حد اقل یک فرزند و به تعداد و با نسبت برابر با گروه مورد از هر درمانگاه و طی سال‌های مذکور) تشکیل می‌داد. پرسش‌نامه‌ای حاوی اطلاعات دموگرافیک و روش پیشگیری انتخابی تکمیل گردید. اطلاعات پس از استخراج توسط نرم‌افزار SPSS و با استفاده از روش‌های آمار توصیفی، t test و XY مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفت

یافته‌ها: بر اساس نتایج به‌دست آمده از مجموع ۴۹۰ زوج مورد مطالعه (۲۴۵ مورد و ۲۴۵ شاهد) میانگین سنی مردان و زنان، سن ازدواج و تعداد فرزند در دو گروه مورد و شاهد به ترتیب عبارت بود از:

	میانگین تعداد فرزند	سن ازدواج	میانگین سنی زنان (همسران)	میانگین سنی مردان
مورد	۲/۶±۱	۲۳/۲۶±۶/۵	۳۳±۶/۶	۳۹/۶±۷/۲
شاهد	۲/۶±۰/۹	۱۹/۱±۱	۳۵/۱±۶/۸	۴۰/۵±۸/۱

سطح تحصیلات در افرادی که وازکتومی را به‌عنوان روش پیشگیری برگزیده بودند به‌طور معنی‌داری بیش از گروه شاهد بود ($P < 0/05$). در مقایسه گروه مورد با افرادی که توبکتومی را برگزیده بودند. گروه مورد دارای میانگین سنی و تعداد فرزند کم‌تر و سطح تحصیلات بالاتری بودند ($P < 0/05$).

نتیجه‌گیری: با توجه به بالاتر بودن سطح تحصیلات در گروه وازکتومی نسبت به گروه شاهد و کم‌تر بودن میانگین سنی و تعداد فرزند در گروه مورد در مقایسه با افرادی که توبکتومی را برگزیده‌اند به نظر می‌رسد برگزاری جلسات مشاوره و کلاس‌های آموزشی در خصوص مزایای وازکتومی برای داوطلبین انجام توبکتومی و کسانی که اندیکاسیون استفاده از روش‌های دائمی را دارند، می‌تواند در افزایش پذیرش وازکتومی کمک‌کننده باشد.

واژگان کلیدی: وازکتومی، مشخصات دموگرافیک، روش پیشگیری از بارداری.





بررسی دیدگاه‌های دانشجویان مامایی در خصوص آموزش مهارت‌های بالینی در طول دوره تحصیل

دکتر افسانه کرامت^۱، سعیده مظفری^۲، لیلا ناصری^۲

۱- عضو هیأت علمی - دانشگاه علوم پزشکی شاهرود. ۲- دانشجوی مامایی - دانشگاه علوم پزشکی شاهرود - کمیته تحقیقات دانشجویی.

چکیده

مقدمه: کسب مهارت‌های بالینی در حیطه وظایف مامایی یکی از اهداف اصلی و بسیار مهم آموزشی در دوره‌های کارشناسی مامایی محسوب می‌شود. از سوی دیگر تعیین دیدگاه‌های دانشجویان در خصوص میزان کسب مهارت‌های بالینی می‌تواند تا حدودی در رفع نواقص و ارتقای آموزش بالینی راهگشا باشد.

مواد و روش‌ها: در تحقیق حاضر کلیه دانشجویان مامایی سال آخر دانشگاه علوم پزشکی شاهرود مورد پرسش قرار گرفتند. جمع‌آوری اطلاعات از طریق تکمیل پرسش‌نامه حاوی ۷۶ مهارت بالینی در ۴ حیطه بارداری و زایمان، نوزادان، بهداشت مادر و کودک و تنظیم خانواده و زنان انجام گرفت. از دانشجویان خواسته شد نظرات خود را در خصوص هر یک از مهارت‌های بالینی ذکر شده بر اساس میزان علاقمندی، مهارت کسب شده و مفید بودن مهارت مورد نظر از طریق دادن امتیاز (حداقل صفر تا حداکثر ۵) بیان نمایند. اطلاعات جمع‌آوری شده پس از استخراج با استفاده از نرم‌افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: در مجموع پرسش‌نامه‌ها توسط ۵۴ تن از دانشجویان مامایی سال آخر تکمیل گردید و عودت داده شد. در حیطه بارداری و زایمان بیش‌ترین میانگین علاقمندی به انجام صحیح زایمان ($4/7 \pm 1/8$) و کم‌ترین میانگین به کنترل علائم حیاتی در حین زایمان ($3/8 \pm 1/4$) تعلق داشت، کم‌ترین میانگین مهارت کسب شده در حیطه زایمان عبارت بود از نحوه مواجهه با خانم باردار مبتلا به بیماری‌های داخلی ($2/3 \pm 1/4$) کم‌ترین میانگین امتیاز مهارت کسب شده در حیطه نوزادان به توانایی انجام اقدامات اورژانس ($2/2 \pm 1/4$) و در حیطه زنان به توانایی انجام مشاوره و آموزش زوجین نازا ($2/3 \pm 1/6$) تعلق داشت.

نتیجه‌گیری: براساس تحقیق اخیر به نظر می‌رسد انجام فعالیت‌های آموزشی در جهت افزایش نگرش مثبت در خصوص انجام اقدامات مراقبتی حین بارداری و زایمان ضرورت دارد. در ضمن لزوم ارتقای فعالیت‌های آموزشی به منظور افزایش مهارت‌های مربوط تشخیص و انجام اقدام به موقع در خانم باردار مبتلا به بیماری داخلی و هم‌چنین توانایی انجام اقدامات اورژانس در مواجهه با نوزاد در معرض خطر از یافته‌های مهم تحقیق اخیر محسوب می‌شود.

واژگان کلیدی: مهارت‌های بالینی، دانشجویان مامایی، آموزش بالینی.





بررسی مشکلات حرفه‌ای ماماهاى شاغل در شهرستان سبزوار در سال ۱۳۸۶

رقیه السادات علیکی^۱، نسرين فاضل^۲، آرش اکابری^۳

۱- دانشجوی مامایی- دانشگاه علوم پزشکی سبزوار. ۲- عضو هیأت علمی- گروه مامایی دانشگاه علوم پزشکی سبزوار. ۳- عضو هیأت علمی- گروه بهداشت دانشگاه علوم پزشکی سبزوار.

چکیده

مقدمه: تلاش در جهت ارتقای سلامت جامعه نیاز به تیزبینی، وسواس و بینشی خاص دارد. دستیابی به آن تنها از مسیر نفوذ خدمات بهداشتی درمانی به درون جامعه می‌گذرد. ماما نیز به‌عنوان یکی از عناصر مهم تیم بهداشتی و حلقه‌ی ارتباطی نقش مؤثری در پیشبرد اهداف بهداشتی جامعه ایفا می‌کند. زیرا مامایی با تولید مثل یک جامعه سر و کار دارد و با تمام عوامل اجتماعی، فیزیولوژیک، پاتولوژیک و سایکولوژیک نیز سر و کار دارد که بر روی کمیت و کیفیت تولید مثل یک اجتماع تأثیر عمیقی می‌گذارند. در نتیجه شناخت مشکلات این حرفه و ارائه‌ی راه حل‌های مناسب از اهمیت بالایی برخوردار است.

مواد و روش‌ها: این مطالعه توصیفی مقطعی که کلیه ماماهاى شاغل در شهرستان سبزوار به‌صورت سرشماری انتخاب شدند ۷۲ پرسش‌نامه توسط ماماها تکمیل شد سپس اطلاعات جمع‌آوری شده با استفاده از نرم‌افزار SPSS و آزمون مجذور کای دو مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: نتایج پژوهش نشان داد که ۴۸/۸٪ (۲۰ نفر) از ماماهاى بیمارستان و ۲۲/۲٪ (۶ نفر) ماماهاى واحد بهداشتی از محل کار رضایت نداشتند. تأمین برنامه‌های رفاهی و ورزشی را ماماهاى شاغل در بیمارستان حدود ۵٪ (۲ نفر) خوب، ۶۲/۵٪ (۲۵ نفر) ضعیف و ۳۲/۵٪ (۱۳ نفر) آن را متوسط و ماماهاى واحد بهداشتی حدود ۱۴/۳٪ (۴ نفر) آن را متوسط و ۸۵/۷٪ (۲۴ نفر) ضعیف توصیف کردند. ۸۲/۱٪ (۲۳ نفر) از ماماها با اجرای قانون آموزش مداوم با استانداردهای جهانی برای تقویت علمی ماماها توافق نظر داشتند و ۹۲/۶٪ (۲۵ نفر) ماماها نیاز به ادامه تحصیل را ذکر کردند.

نتیجه‌گیری: بر اساس نتایج پژوهش مشخص شده که اکثر ماماها نیاز به ادامه تحصیل را در خود احساس می‌کردند و بیش‌تر آن‌ها در مقابل بیماری‌های خونی واگیردار ایمنی لازم را ندارند و اجرای قانون آموزش مداوم مطابق با استانداردهای جهانی را برای تقویت علمی ماماها ضروری می‌دانند و برنامه‌های رفاهی و ورزشی را در ضعیف توصیف کردند.

واژگان کلیدی: مشکلات حرفه‌ای، مامای شاغل.





بررسی آگاهی (دیداری و شنیداری) و نگرش دانشجویان آموزش عالی علمی-

کاربردی جهاد دانشگاهی تهران نسبت به اکستاسی

گیتی خوشه‌مهری^۱، گیتی ابراهیم طاهری^۱، هادی طهرانی^۲، سعید فطین^۳

۱- عضو هیأت علمی گروه آموزش و ارتقاء سلامت دانشکده بهداشت- دانشگاه علوم پزشکی تهران. ۲- دانشجوی دوره کارشناسی ارشد آموزش و ارتقاء سلامت دانشکده بهداشت- دانشگاه علوم پزشکی تهران. ۳- دانشجوی دوره کارشناسی بهداشت عمومی دانشکده بهداشت- دانشگاه علوم پزشکی تهران.

چکیده

مقدمه: یکی از انواع سوء مصرف‌ها، مربوط به مواد محرک خصوصاً ترکیبات شبه آمفتامین و قرص‌های شادی بخش است. با توجه به آمار روز افزون این ماده در کشور مطالعه حاضر با هدف تعیین میزان آگاهی (دیداری و شنیداری) و نگرش دانشجویان مرکز عالی علمی- کاربردی جهاد دانشگاهی شهر تهران نسبت به اکستاسی انجام شد

مواد و روش‌ها: پژوهش حاضر از نوع مقطعی و توصیفی- تحلیلی است. حجم نمونه مورد بررسی ۲۴۷ نفر از دانشجویان بودند که به روش تصادفی انتخاب و مورد بررسی قرار گرفتند اطلاعات از طریق پرسش‌نامه‌ای که مشتمل بر ۳۰ سؤال بود گردآوری و با استفاده از آزمون کای دو و با سطح معنی‌داری کم‌تر از ۰۰۵/۱ پردازش و تجزیه و تحلیل شدند.

یافته‌ها: نتایج به‌دست آمده نشان داد که اکثریت دانشجویان (۸۵/۶) درصد فاقد آگاهی دیداری بودند. میزان آگاهی شنیداری در بین دانشجویان ۸۸/۵ درصد و میزان نگرش نسبت به اکستاسی ۷۳/۷ درصد بود. بین میزان آگاهی دیداری و شنیداری در مورد مصرف اکستاسی با وضعیت حضور والدین، سطح تحصیلات پدر و مادر، بعد خانوار و رتبه تولد ارتباط معنی‌داری وجود نداشت اما ارتباط بین آگاهی شنیداری با وضعیت تأهل، وضعیت اعتقادی معنی‌دار بود ($P < 0.05$).

نتیجه‌گیری: بر اساس این مطالعه با توجه به آسیب‌پذیر بودن قشر جوان به‌ویژه دانشجویان نسبت به مصرف این قرص‌ها بایستی برنامه‌های آموزشی در جهت بارور نمودن ذهن جوانان نسبت به این قرص‌ها ایجاد شود
واژگان کلیدی: آگاهی، نگرش، اکستاسی، اعتیاد.





بررسی سلامت روان دانشجویان ورودی جدید دانشگاه غیر انتفاعی شاهرود

رقیه گرزین^۱، مجید گلی^۲، مهدی راعی^۳، انسیه نورمحمدیان^۴، بی‌بی طاهره ابراهیمی مقدم^۵

۱- کارشناس ارشد روانشناسی- دانشگاه علوم پزشکی شاهرود. ۲- کارشناسی ارشد مشاوره- آموزش و پرورش شاهرود. ۳- کارشناس ارشد آمار حیاتی- دانشگاه علوم پزشکی شاهرود. ۴- دانشجوی کارشناسی مشاوره- دانشگاه غیر انتفاعی شاهرود. ۵- دانشجوی کارشناسی مشاوره- دانشگاه غیر انتفاعی شاهرود.

چکیده

مقدمه: ورود به دانشگاه یک فرایند انتقالی محسوب می‌گردد که غالباً با فشار و نگرانی توأم بوده و می‌تواند عملکرد و سلامت روانی افراد را تحت تأثیر قرار دهد و با توجه به اینکه دانشجویان ورودی جدید، وضعیت سال‌های آتی یک دانشگاه را رقم خواهند زد، شناسایی دانشجویان در معرض آسیب و ارائه خدمات روانشناسی و مشاوره به آنها می‌تواند کمک بزرگی جهت دانشجویان و دانشگاه، هر دو باشد. نظر به اهمیت مساله؛ مطالعه حاضر با هدف بررسی سلامت عمومی دانشجویان پذیرفته شده در سال تحصیلی ۱۳۸۹-۱۳۸۸ دانشگاه غیرانتفاعی شاهرود انجام گرفت.

مواد و روش‌ها: نمونه مورد بررسی ۱۹۷ نفر از دانشجویان ورودی جدید دانشگاه غیر انتفاعی شاهرود بودند که به شیوه طبقه‌ای انتخاب شدند و به پرسش‌نامه سلامت عمومی ۲۸ سؤالی گلدبرگ (GHQ-۲۸) پاسخ گفتند. نمرات حاصل از پرسش‌نامه مذکور با استفاده از روش‌های آمار توصیفی و استنباطی مورد بررسی قرار گرفت.

یافته‌ها: نتایج نشان داد بر اساس نقطه برش ۲۳، تعداد ۳۳/۳٪ از کل دانشجویان مشکوک به اختلال روانی بوده‌اند و بر اساس نقطه برش ۶ در هر یک از زیر مجموعه‌های آزمون مشخص گردید دانشجویان به ترتیب از اختلال در عملکرد اجتماعی، اضطراب، شکایات جسمانی و افسردگی رنج می‌برند. در این مطالعه از نظر اختلالات روانی بین دانشجویان دختر و پسر و مجرد و متأهل تفاوت معناداری مشاهده نشد اما گروه مشاوره بیش‌ترین سطح سلامت روان را به خود اختصاص دادند.

نتیجه‌گیری: نتایج نشان می‌دهد با توجه به بالا بودن درصد دانشجویان در معرض آسیب روانی، انجام ارزیابی‌های روان شناختی دانشجویان در بدو ورود و ارائه خدمات مشاوره در زمینه‌های مختلف و هم‌چنین اجرای برنامه‌های منظم و مستمر آموزش بهداشت روانی جهت دانشجویان دانشگاه‌های غیر انتفاعی نیز ضروری می‌باشد.

واژگان کلیدی: سلامت روان، دانشجویان ورودی جدید.





بررسی سلامت روانی - اجتماعی و عوامل مرتبط با آن در بیماران ۱۵ تا ۲۴ ساله مبتلا به بتا تالاسمی ماژور مراجعه‌کننده به بیمارستان علی‌ابیطالب (ع) زاهدان در سال ۱۳۸۸

دکتر محمد رضا هرمزی^۱، مرتضی اشرفی^۱، احمد ریگی^۲

۱- دانشگاه علوم پزشکی زاهدان. ۲- دانشجوی پزشکی- دانشگاه علوم پزشکی زاهدان- کمیته تحقیقات دانشجویی.

چکیده

مقدمه: بتا- تالاسمی ماژور یک اختلال هماتولوژیک مزمن و ژنتیکی می‌باشد. کودکان و جوانان با بیماری‌های جسمی مزمن از جمله تالاسمی در معرض مشکلات رفتاری و عاطفی می‌باشند. هدف از انجام این مطالعه ارزیابی سلامت روانی- اجتماعی (عمومی) و عوامل مرتبط با آن در بین جوانان مبتلا به بتا- تالاسمی ماژور بود.

مواد و روش‌ها: در این مطالعه مشاهده‌ای توصیفی مقطعی، ما ۱۶۴ بیمار ۱۵ تا ۲۴ ساله مبتلا به بتا- تالاسمی ماژور را که برای درمان در سال ۱۳۸۸ به بیمارستان آموزشی علی ابن ابیطالب (ع) زاهدان مراجعه کرده بودند مورد مطالعه قرار دادیم. اطلاعات دموگرافیک و اطلاعات مربوط به وضعیت سلامت روانی- اجتماعی با استفاده از پرسش‌نامه استاندارد سلامت عمومی (GHQ-۲۸) جمع‌آوری شد. سپس اطلاعات با استفاده از نرم‌افزار آماری SPSS ۱۷.۰ و آزمون آماری T Student test و Chi-square test آنالیز شد.

یافته‌ها: در این مطالعه، ۹۶ بیمار (۵۸/۵٪) مذکر بودند. میانگین سنی کل بیماران $6/35 \pm 5/41$ بود. بر اساس آنالیز نتایج GHQ-۲۸ ۸۳ نفر از کل بیماران (۵۰/۸٪) اختلال روانی داشتند (۵۸/۸٪ کل دختران، ۴۴/۸٪ کل پسران). هم- چنین فراوانی اختلال سلامت جسمی، اختلال افسردگی، اختلال اضطرابی و اختلال کارکرد اجتماعی در کل بیماران به ترتیب ۷/۳٪، ۱۱/۶٪، ۸/۵٪ و ۴/۳٪ بود. در بین بیماران بی سواد، ۷۰/۴٪ آنان اختلال سلامت روانی داشتند. به جز اختلال سلامت جسمی، سایر اختلالات روانی- اجتماعی در بین دختران فراوان تر بود. البته، بین وضعیت روانی- اجتماعی و جنس، وضعیت تأهل، تحصیلات و شغل فرد ارتباط آماری معنی‌داری مشاهده نشد.

نتیجه‌گیری: بر اساس نتایج این مطالعه به دلیل شیوع بالای اختلالات روانی- اجتماعی در جوانان مبتلا به بتا- تالاسمی ماژور خصوصاً دختران، ما برنامه‌های روان شناختی بیش‌تری را برای کاهش فراوانی این اختلالات توصیه می‌کنیم. هم‌چنین برای ارزیابی بیش‌تر انجام مطالعات جامع تر و کمی با ارزیابی فاکتورهای اختصاصی موثر بر سلامت روانی- اجتماعی توصیه می‌شود.

واژگان کلیدی: سلامت روانی- اجتماعی، بتا تالاسمی ماژور، بیماران ۱۵ تا ۲۴ سال، GHQ-۲۸.





مقایسه اثر بکلوفن و دکسترومتورفان در درمان سرفه

دکتر مصیب شهریار^۱، اعظم شرفی^۱، شهاب الدین مالکی^۲

۱- دانشگاه علوم پزشکی زاهدان. ۲- دانشجوی پزشکی - دانشگاه علوم پزشکی زاهدان - کمیته تحقیقات دانشجویی.

چکیده

مقدمه: سرفه یکی از شایع‌ترین نشانه‌هایی است که در مراقبت‌های سرپایی مورد توجه قرار می‌گیرد. از آن جهت که در تعداد کمی از مطالعات تأثیرات درمانی بکلوفن در درمان سرفه (خصوصاً مزمن) مورد ارزیابی قرار گرفته است، در این مطالعه تأثیرات و فعالیت ضد سرفه دوز ۲۰ میلی‌گرمی خوراکی داروی بکلوفن در مقایسه با یکی از داروهای پرکاربرد ضد سرفه یعنی دکسترومتورفان، در بیماران دچار سرفه مورد ارزیابی قرار گرفت تا در صورت مشاهده اثرات مثبت بیش‌تر در کاهش تعداد و مدت زمان دوره‌های سرفه و کاهش شدت سرفه‌ها بتوان بکلوفن را به‌عنوان یک داروی مؤثر به نسبت داروهای رایج معرفی کرد.

مواد و روش‌ها: در این مطالعه کارآزمایی بالینی که به منظور بررسی تأثیر داروی بکلوفن در مقایسه با داروی دکسترومتورفان در درمان سرفه انجام شد، هر یک از بیماران در دو گروه (گروه دریافت‌کننده بکلوفن و گروه دریافت‌کننده دکسترومتورفان) برای بررسی کاهش تعداد، دوره و مدت زمان سرفه‌ها به مدت ۱۴ روز مورد ارزیابی قرار گرفتند. لازم به ذکر است با توجه به محدودیت‌های موجود در این مطالعه فقط کاهش کیفی تعداد، مدت زمان و شدت دوره‌های سرفه مورد ارزیابی قرار گرفت.

یافته‌ها: در این مطالعه ۱۲۰ نفر شامل ۶۰ نفر دریافت‌کننده بکلوفن (۳۰ مرد و ۳۰ زن) و ۶۰ نفر دریافت‌کننده دکسترومتورفان (۳۲ مرد و ۲۸ زن) با میانگین کلی سنی $32/32 \pm 6/51$ سال در گروه بکلوفن و $31/54 \pm 5/06$ سال در گروه دکسترومتورفان مورد ارزیابی قرار گرفتند.

نتیجه‌گیری: بر اساس نتایج این مطالعه بکلوفن دارای اثرات کاهنده بر تعداد، شدت و مدت زمان دوره‌های سرفه و به نسبت بیش‌تر از داروی رایج دکسترومتورفان است. ولی با توجه به اینکه اختلاف معنی‌داری در این مطالعه مشاهده نشد، برای بررسی بیش‌تر انجام تحقیقات دقیق‌تر و کمی توصیه می‌شود.

واژگان کلیدی: سرفه، بکلوفن، دکسترومتورفان.



بررسی دیدگاه‌ها و عقاید دانشجویان علوم پزشکی شهر شاهرود نسبت به

ازدواج خویشاوندی در سال ۱۳۸۸

لیلا ناصری^۱، کسری کوثر^۲، سپیده حاجیان^۳، دکتر افسانه کرامت^۴

۱- دانشجوی مامایی- دانشگاه علوم پزشکی شاهرود- کمیته تحقیقات دانشجویی. ۲- دانشجوی پزشکی شاهرود- کمیته تحقیقات دانشجویی. ۳- دانشجوی دکتری بهداشت باروری- دانشگاه علوم پزشکی شاهرود. ۴- سرپرست کمیته تحقیقات دانشجویی- دانشگاه علوم پزشکی شاهرود.

چکیده

مقدمه: هدف از این پژوهش بررسی دیدگاه‌ها و عقاید دانشجویان زن رشته‌های علوم پزشکی نسبت به ازدواج خویشاوندی در دانشگاه علوم پزشکی شاهرود است.

مواد و روش‌ها: پژوهش حاضر یک مطالعه کیفی به صورت بحث گروه‌های متمرکز است که جمع‌آوری اطلاعات از دانشجویان زن متأهل و مجرد ساکن در مناطق مختلف کشور در دانشگاه علوم پزشکی شاهرود، به روش ضبط بحث-های گروهی و توسط یک نفر گرداننده بحث‌ها و یک نفر ثبت‌کننده صحبت‌های شرکت‌کنندگان صورت گرفت. به جهت به حداکثر رساندن احساس راحتی و اعتماد شرکت‌کنندگان در بیان نظرات خود، افراد در این گروه‌ها از لحاظ جنسیت و مقطع تحصیلی همسان شده و گرداننده بحث‌ها نیز از نظر جنسیت با شرکت‌کنندگان، همسان شده بود. تمامی نظرات افراد در بحث‌های گروهی با اجازه آنان ضبط می‌شد، روی کاغذ پیاده‌سازی شده و در نهایت از اطلاعات بدست آمده، تم‌های اصلی استخراج شده و کدگذاری گردید که هر تم دارای چند ساب تم بود. در نهایت یافته‌های پژوهش تحت دو گروه اصلی «علل تمایل به ازدواج خویشاوندی» و «علل تمایل به ازدواج با غیر خویشاوند» از دیدگاه شرکت‌کنندگان در مطالعه دسته‌بندی شدند.

یافته‌ها: اکثریت شرکت‌کنندگان صرفاً از جنسیت و مقطع تحصیلی یا محل زندگی، به ازدواج با خویشاوند تمایل نشان دادند و این مسأله در افراد متأهل که خود ازدواج خویشاوندی داشتند بارزتر بود. مهم‌ترین دلیل تمایل دانشجویان به ازدواج با خویشاوند، شناخت از یکدیگر و اعتماد متقابل به هم بود. سایر دلایل عبارت بودند از تشابه نسبی و نزدیکی باورهای فرهنگی و سطح اقتصادی خویشاوندان، نقش خانواده، تجربه مثبت از داشتن ازدواج با خویشاوند در نزدیکان و عشق و علاقه طولانی مدت و عدم کفایت اطلاعات. از سوی دیگر گروه اندکی نیز نسبت به ازدواج با غیر خویشاوند نظر مثبت داشتند. این وضعیت در دانشجویان مجرد بیش‌تر دیده می‌شد که مهم‌ترین دلیل آن‌ها، ترس از اختلالات ژنتیکی در فرزندان حاصل از ازدواج خویشاوندی بود. سایر دلایل عبارت بودند از تمایل به گسترش خانواده و فامیل، تأثیر خانواده، شناخت فامیل از پیشینه خصوصی و بعضی نقاط ضعف افراد، تجربه منفی از ازدواج با خویشاوند در نزدیکان و ترس از کدورت و ازهم گسیختگی انسجام فامیل.

نتیجه‌گیری: علی‌رغم رایج بودن اطلاعات علمی در کتب علمی علوم پزشکی درباره نتایج معلولیت‌های ناشی از تولد‌های ناشی از به ارث بردن ژن معیوب از اجداد مشترک، اما همچنان تمایلات به ازدواج با خویشاوند بیش از آن چیزی است که تصور می‌شود. علت را شاید بتوان با مفهومی همچون نقش عمیق برخی اعتقادات و نگرش‌های فرهنگی افراد نسبت به امر ازدواج توضیح داد که تأثیر آن فراتر از نقش آگاهی افراد است. از سوی دیگر نیاز به رایج‌سازی اطلاعات با کیفیت به خانواده‌ها و اصلاح برخی نگرش‌های نادرست در مورد ازدواج خصوصاً با غیرخویشاوند در برخی اقوام و فرهنگ‌ها از راه مناسب و صحیح احساس می‌شود.

پلاواژگان کلیدی: ازدواج خویشاوندی، دیدگاه‌ها، عقاید، دانشجویان علوم پزشکی.

نویسنده مسئول





بررسی آلودگی میکروبی صابون مصرفی در هفت بیمارستان شهر مشهد در

سال ۱۳۸۶

علی اصغر نجف پور^۱، معصومه ملک جعفریان^۲، سید محمدرضا طیبیان^۳، الهام ترابی^۴، نصرت‌الله ناصری^۵، علی ایزدپناه^۶، سعید ذوقدار^۶

۱- استادیار و عضو هیأت علمی گروه مهندسی بهداشت محیط- دانشگاه علوم پزشکی مشهد. ۲- کارشناس ارشد میکروبیولوژی- دانشگاه علوم پزشکی مشهد. ۳- دانشجوی بهداشت محیط- دانشگاه علوم پزشکی مازندران. ۴- دانشجوی بهداشت محیط- دانشگاه علوم پزشکی مشهد. ۵- دانشجوی بهداشت محیط- دانشگاه علوم پزشکی مشهد. ۶- دانشجوی علوم آزمایشگاهی- دانشگاه علوم پزشکی مشهد.

چکیده

مقدمه: در این مطالعه به بررسی آلودگی صابون مصرفی در هفت بیمارستان شهر مشهد در سال ۱۳۸۶ پرداخته شده است.

مواد و روش‌ها: در این مطالعه مقطعی ۶۳ نمونه از هفت بیمارستان از بیمارستان‌های شهر مشهد با استفاده از نمونه-گیری تصادفی طبقه‌ای، اخذ شد. نمونه‌ها از داخل جا صابونی نصب شده بر روی دیوار، ترشحات اطراف مجرای خروجی جا صابونی و ظرف اصلی صابون مایع به صورت استریل برداشت گردیده است پس از نمونه‌گیری به مدت ۲ ساعت در شرایط ۳۷ درجه سانتیگراد در داخل انکوباتور، انکوبه می‌شدند. سپس نمونه‌ها روی محیط‌های کشت جامد Blood Agar و EMB آگار، کشت داده می‌شد و مجدداً به مدت ۲۴ ساعت انکوبه می‌گردید. در نهایت خصوصیات بیوشیمیایی هر کدام از کلنی‌های رشد کرده با استفاده از تست‌های بیوشیمیایی، مورد ارزیابی قرار می‌گرفت و برای تشخیص نوع و جنس میکروارگانیسم‌ها نمونه‌ها بر روی کلنی کانت مورد بررسی قرار می‌گرفتند.

یافته‌ها: ۷۴٪ نمونه‌ها از نظر میکروبی مثبت بودند. بیش‌ترین آلودگی میکروبی به ترتیب مربوط به سیترو باکتر فروندی (۱۸/۲٪) و کلبسیلا پنومونیه (۱۶/۹٪) بود. کم‌ترین آلودگی در نمونه‌های مورد بررسی مربوط به اشرشیاکلی (۱/۳٪) بود. بیش‌ترین موارد منفی در بیمارستان امید و کم‌ترین آن در بیمارستان امدادی مشاهده شد، بدین صورت که تمام نمونه از بیمارستان امید منفی بودند در صورتی‌که تمام موارد بیمارستان امدادی مثبت بودند و در این بیمارستان هیچ‌گونه موارد منفی یافت نشد. بیش‌ترین نسبت میکروبی در سواب به غیر سواب مربوط به استافیلوکوک و کم‌ترین آن مربوط به سیتروباکتر دیورسیس و باسیلوس بود. بیش‌ترین موارد منفی از انبار و سرویس‌های بهداشتی گزارش شد در صورتی‌که از بخش‌های سوختگی، اتاق عمل، ارتوپدی و سی‌سی‌یو هیچ‌گونه موارد منفی گزارش نشد. مثبت بودن نمونه از نظر میکروبی به‌طور معنی‌داری در بخش‌های مختلف متفاوت بود ($P=0/002$) هم‌چنین بر اساس یافته‌های مطالعه حاضر تفاوت معنی‌داری بین بیمارستان‌های مختلف از نظر آماری بود ($P<0/001$).

نتیجه‌گیری: میزان آلودگی میکروبی صابون‌ها مایع در بیمارستان‌ها شهر مشهد بسیار بالاست (۷۴٪). نکته جالب توجه در مورد بیمارستان قائم (عج) که آلودگی بسیار کمی، بر خلاف انتظاری که وجود داشت نشان داد، به دنبال علت، در نهایت متوجه شدیم که این بیمارستان از مایع جدیدی برای سرویس‌های بهداشتی خود استفاده می‌کند که حاوی مواد آنتی باکتریال است و آلودگی را به شدت کاهش داده است. نکته دیگر آموزش صحیح است مثلاً در مواردی به ظروف صابونی برخورد می‌کردیم که در آن مناسب نبود یا دربی وجود نداشت و یا در برخی از موارد بعد از اتمام مایع درون جا صابونی افراد اقدام به برداشتن درب آن و داخل کردن دست خود به داخل محفظه می‌کردند تا مقدار کمی از مایع که در انتهای ظرف بود استفاده کنند که همین مطلب شاید دلیلی برای آلودگی نمونه‌های داخلی می‌شد.

واژگان کلیدی: عفونت بیمارستانی، آلودگی میکروبی، صابون مایع.





بررسی شیوع افسردگی و عوامل مرتبط با آن در بیماران با نارسایی کلیوی تحت درمان با همودیالیز مزمن مراجعه‌کننده به بیمارستان امام رضا (ع) شهر آمل

سیدحمید شریف‌نیا^۱، مرضیه هاتف، ثمین شعشعانی^۲، سهیلا فانی، معصومه مطلق^۳

۱- عضو هیأت علمی- دانشگاه علوم پزشکی بابل. ۲- دانشجوی پرستاری- دانشکده پرستاری و مامایی حضرت زینب(س) آمل ۳- کارشناس پرستاری- پرسنل بخش دیالیز بیمارستان امام رضا(ع) آمل.

چکیده

مقدمه: بیش‌تر بیماری‌ها مخصوصاً انواع مزمن و ناتوان‌کننده پیامدهای روانپزشکی متعددی دارند. دیالیز به‌عنوان راه حلی در درمان نارسایی کلیه، تنش‌زا است و فشارهای روحی روانی مزمن این قبیل بیماران، با بروز مشکلات روانی اجتماعی متعددی همراه است. گرچه درمان به کمک دستگاه‌های همودیالیز توانسته بر طول عمر بیماران بیفزاید، ولی در عین حال برای بسیاری از آن‌ها دشواری‌هایی را ایجاد و ادامه زندگی را مشکل کرده است. لذا مطالعه حاضر با هدف بررسی شیوع و علل مرتبط با افسردگی در بیماران همودیالیزی مراجعه‌کننده به بیمارستان امام رضا(ع) شهر آمل انجام شد.

مواد و روش‌ها: پژوهش حاضر مطالعه‌ای توصیفی تحلیلی است که بر روی بیماران مبتلا به نارسایی مزمن کلیه تحت درمان با همودیالیز در بیمارستان امام رضا(ع) شهر آمل در سال ۱۳۸۸ انجام شد. بیماران به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. جهت جمع‌آوری داده‌ها از پرسش‌نامه که شامل اطلاعات دموگرافیک و آزمون افسردگی بک بود استفاده شد. به کمک نرم‌افزار آماری SPSS و با آزمون کای اسکوئر، آنوای یک طرفه، من ویتنی و ضریب همبستگی اسپیرمن با سطح معناداری $P < 0/05$ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: در این بررسی افراد مورد مطالعه ۱۲۰ نفر شامل ۵۶ مرد و ۶۴ زن بودند. ۶۴/۲ درصد شرکت‌کننده‌ها در این مطالعه بی سواد بودند. مشخص شد ۱۰/۸ درصد شرکت‌کنندگان نمره آزمون بک کم‌تر از ۱۰ (غیر افسرده)، ۲۵/۸ درصد آن‌ها نمره بک بین ۲۱-۳۰ (به نسبت افسرده) و ۱۲/۵ درصد نمره بک بیش از ۴۰ (بسیار افسرده) داشتند. بین سطح تحصیلات ($P = 0/03$)، بیماری زمینه‌ای ($P = 0/02$)، سن ($P = 0/04$) و دسته بندی نمرات افسردگی بک ارتباط معناداری مشاهده شد.

نتیجه‌گیری: یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که درصد قابل توجهی از بیماران همودیالیز دچار افسردگی هستند. اهمیت ارزیابی روان شناختی این بیماران و حضور روانشناس و مددکار در تیم درمانی و فعال شدن خدمات روانپزشکی مشاوره در بیمارستان‌های دارای بخش دیالیز پیشنهاد می‌شود. مطالب مذکور نشانگر اهمیت و لزوم یافتن راهکارهای علمی و عملی جهت برخورد مناسب با مشکلات روانپزشکی و خصوصاً افسردگی در بیماران دیالیزی و اداره بیماری آن‌ها می‌باشد.

واژگان کلیدی: افسردگی، همودیالیز، پرسش‌نامه افسردگی بک.





درمان‌های خانگی و طب سنتی مردم روستای بنهنگ (تربت حیدریه)

احسان طاهری^۱، الهام طاهری^۲، مهدی امیری^۳، محمدرضا صادق‌نیا^۴

۱- دانشگاه علوم پزشکی مشهد. ۲- دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی تهران.

چکیده

مقدمه: استفاده از طب سنتی برای درمان بیماری‌ها قرن‌ها سابقه دارد. هم‌اکنون نیز در بسیاری از کشورها به‌عنوان یک شیوه درمانی به‌کار می‌رود (۱ و ۲) و گرایش فزاینده‌ای برای استفاده از آن مشاهده می‌گردد (۲ و ۳). در کشور ما نیز طب سنتی به‌عنوان درمانی پرسابقه و جزیی از فرهنگ کهن مردم، هم‌چنان مورد استفاده قرار می‌گیرد. به همین علت بر آن شدیم تا به بررسی طب عامیانه مردم روستای بنهنگ تربت حیدریه پرداخته و این گنجینه ارزشمند را ثبت نماییم.

مواد و روش‌ها: داده‌ها پس از مصاحبه با چهار درمانگر محلی به‌دست آمدند. مصاحبه‌ها به‌صورت حضوری و دست‌نویس بودند و پس از آن داده‌ها طبقه‌بندی شدند.

یافته‌ها: داده‌های ارزشمندی از مصاحبه با درمانگرهای محلی به‌دست آمد. درمان گرم‌زدگی با استفاده از برگ سنجد، شاه‌تره و تریخ؛ درمان دل‌درد با استفاده از کلپوره، گل بی‌مادر و درمه‌ترکی؛ درمان سرخک با استفاده از گل ختمی‌خیبازی، تاج‌خروس و خاکشیر؛ استفاده از گیاهان مرزن‌جوش و اسطخدوس و هم‌چنین مخلوطی از چربی کوهان شتر و گرمیانه «دارچین، زنجبیل، هل و میخک» برای تسکین و درمان دردهای استخوانی؛ کاهش دردهای پس از زایمان با خوردن تخم شوید؛ درمان سنگ کلیه با استفاده از جوشانده ریشه گیاهان خارشتری و شیرین‌بیان؛ درمان بیماری‌های کبدی با استفاده از جوشانده گل و برگ کاسنی، استفاده از گلبرگ‌های خشک شده گل‌محمدی و جوشانده مخلوط گیاهان کاسنی، ختمی‌خیبازی و پاکلاغ برای درمان یبوست؛ درمان بیماری اوریون با خوردن برگ گیاه سیخ تروش و بارهنگ؛ استفاده از خشک‌شده میوه هندوانه کور برای درمان انگل‌های روده‌ای؛ موارد دیگر به همراه شرح موارد ذکر شده در اصل مقاله آمده است.

نتیجه‌گیری: باورها و روش‌هایی که به‌صورت سنتی و عامیانه در میان مردم رواج دارند، در صورت ثبت و بررسی‌های بیش‌تر می‌توانند در بهبود وضعیت بهداشت و درمان کشور مورد استفاده واقع شوند و به‌عنوان درمان‌های کم‌خطر و کم‌هزینه برای استفاده عموم عرضه شوند.

واژگان کلیدی: طب سنتی، درمان‌گرهای محلی، تربت حیدریه.





بررسی اپیدمیولوژیک موارد حیوان‌گزیدگی در شهرستان شاهرود

مصطفی صادقی^۱، دکتر محمد امیری^۲، احمد خسروی^۳، ربابه یونسیان^۴، ناصر شیخ‌کبیر^۵

۱- دانشجوی کارشناسی ناپیوسته بهداشت عمومی- دانشگاه علوم پزشکی شاهرود- کمیته تحقیقات دانشجویی. ۲- دکتری مدیریت خدمات بهداشتی درمانی- دانشگاه علوم پزشکی شاهرود. ۳- عضو هیأت علمی- دانشگاه علوم پزشکی شاهرود. ۴- کارشناس مبارزه با بیماری‌ها- دانشگاه علوم پزشکی شاهرود. ۵- کارشناس- دانشگاه علوم پزشکی شاهرود.

چکیده

مقدمه: هاری، بیماری عفونی دستگاه عصبی مرکزی است که همه پستانداران و انسان را مبتلا می‌کند. مطالعه حاضر به منظور بررسی اپیدمیولوژی بیماری هاری در شهرستان شاهرود صورت گرفته است.

مواد و روش‌ها: در این مطالعه توصیفی داده‌های مرتبط با کلیه موارد حیوان‌گزیدگی در شهرستان شاهرود در سال ۱۳۸۷ بر اساس اطلاعات موجود در دفاتر ثبت موارد حیوان‌گزیدگی شهرستان جمع‌آوری گردید.

یافته‌ها: در طی سال ۱۳۸۷ کل موارد حیوان‌گزیدگی ۴۷۶ مورد بوده که اکثریت آن‌ها (۸۵/۱٪) مرد بوده و محل سکونت ۴۳/۷٪ افراد شهر و ۵۶/۳٪ روستا بود. تنها یک مورد از موارد حیوان‌گزیده غیرایرانی بوده است. میزان بروز در شهر ۹۵ و در روستا ۴۲۴ در صد هزار نفر گزارش شده که به‌طور معناداری بیش‌تر از شهر می‌باشد. از کل موارد مورد گزارش، ۱۵۴ نفر (۳۲/۴٪) در شهر و ۳۲۲ نفر (۶۷/۶٪) در روستا مورد گزارش حیوانات قرار گرفته بودند. نوع حیوانات گزنده در اغلب موارد سگ (۷۵/۴٪) و گربه (۱۴/۷٪) بوده و گرگ، روباه و شغال در ۱۲ نفر از موارد به-عنوان عامل گزارش شده‌اند. تمام موارد مورد گزارش، واکسیناسیون خود را کامل نموده و در ۷۸/۲٪ حیوان گزنده پس از ۱۰ روز زنده و ۳/۶٪ مرده و ۱۸/۳٪ وضعیت حیوان گزنده پس از ۱۰ روز نامعلوم گزارش شده است. میزان بروز حیوان‌گزیدگی در شهرستان، ۱۹۹ در صد هزار نفر محاسبه گردید.

نتیجه‌گیری: حیوان‌گزیدگی هنوز یکی از مشکلات مهم بهداشت عمومی است که فعالیت‌های آموزشی همراه با بهبود همکاری‌های برون‌بخشی می‌تواند نقش به‌سزایی در کنترل موارد آن داشته باشد.

واژگان کلیدی: حیوان‌گزیدگی، اپیدمیولوژی، هاری، شاهرود.



بررسی مقایسه‌ای شیوع تهوع و استفراغ پس از عمل جراحی هیستریکتومی به

روش انجام بی‌هوشی عمومی با دو رژیم دارویی متفاوت

آناهیتا معصوم^۱، دکتر مزگان رئیسی^۱، فهیمه میرزایی^۱، بهناز الماسی^۱، جواد موسوی بایگی^۱، دکتر حامد بیضائی^۱، دکتر بدالله اسدی^۱

۱- دانشکده پزشکی- دانشگاه آزاد اسلامی مشهد.

چکیده

مقدمه: تهوع و استفراغ پس از عمل یک علامت شایع و ناخوشایند در دوره پس از عمل است که شیوع کلی آن حدود ۳۰ درصد می‌باشد. علل زیادی برای آن وجود دارد، شامل داروهای بی‌هوشی و انتخاب القای بی‌هوشی. پیشگیری از تهوع و استفراغ پس از عمل به همان اندازه پیشگیری از درد پس از عمل مهم است زیرا خود استفراغ می‌تواند سبب عوارضی چون پارگی مری، تأخیر در ترمیم زخم جراحی و غیره گردد که بر آلام بیمار می‌افزاید. هدف این مطالعه ارزیابی شیوع تهوع و استفراغ پس از عمل جراحی هیستریکتومی به روش انجام بی‌هوشی عمومی با دو رژیم دارویی متفاوت پروپوفول و تیوپنتال است.

مواد و روش‌ها: این تحقیق بالینی یک سو کور در بیمارستان آریای مشهد بین سال‌های ۱۳۸۷ و ۱۳۸۸ انجام شد. برای این مطالعه ۱۰۴ بیمار زن ۳۰ تا ۶۰ ساله که در کلاس یک و دو انجمن متخصصین بی‌هوشی آمریکا قرار داشتند و برای انجام هیستریکتومی شکمی توسط یک جراح واحد به مدت تقریبی ۳۰-۲۵ دقیقه برنامه‌ریزی شده بودند به‌طور تصادفی تحت یکی از دو گروه زیر قرار می‌گرفتند: در گروه P (۵۲ بیمار) القای بی‌هوشی با ۲mg/kg و نگهداری آن با ۵mg/kg/hr پروپوفول انجام می‌شد. در گروه T (۵۲ بیمار) پس از القای بی‌هوشی با ۵mg/kg تیوپنتال سدیم، نگهداری آن با هالوتان به میزان ۰/۵ MAC انجام می‌شد. همه بیماران ۴μg/kg فنتانیل داخل وریدی، ۰/۷mg/kg آتراکوریوم و اکسیژن و نیتروس اکسید به میزان مساوی گرفتند. سپس تعداد بیمارانی را که در اتاق ریکاوری، ۶ و ۲۴ ساعت پس از عمل تهوع و یا استفراغ را متحمل شده بودند ثبت شد. داده‌ها با آزمون کای دو و فیشر دقیق مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند و معیار جهت معنی‌دار بودن آماری $P < 0/05$ بود.

یافته‌ها: در اتاق ریکاوری میزان تهوع در گروه P ۵/۸٪ (بیمار ۳) و در گروه T ۵۹/۶٪ (بیمار ۳۱) بود ($P=0/001$) در حالی که میزان استفراغ در گروه P ۵/۸٪ (بیمار ۳) و در گروه T ۲۸/۸٪ (بیمار ۱۵) بود ($P=0/003$). در ۶ ساعت پس از عمل میزان تهوع در گروه P ۵۵/۸٪ (بیمار ۲۹) و در گروه T ۶۷/۳٪ (بیمار ۳۵) بود ($P=0/314$) در حالیکه میزان استفراغ در گروه P ۲۱/۲٪ (بیمار ۱۱) و در گروه T ۳۸/۵٪ (بیمار ۲۰) بود ($P=0/085$). در ۲۴ ساعت پس از عمل میزان تهوع در گروه P ۳/۸٪ (بیمار ۲) و در گروه T ۳۲/۷٪ (بیمار ۱۷) بود ($P=0/001$) در حالی که میزان استفراغ در گروه P ۱/۹٪ (بیمار ۱) و در گروه T ۵/۸٪ (بیمار ۳) بود ($P=0/618$). نتایج نشان می‌دهند که بروز تهوع و استفراغ در اتاق ریکاوری و نیز بروز تهوع در ۲۴ ساعت پس از عمل بطور معناداری در گروه P کم‌تر از گروه T می‌باشد اما در ۶ ساعت پس از عمل و نیز استفراغ ۲۴ ساعت پس از عمل اختلاف معناداری میان داده‌ها وجود ندارد.

نتیجه‌گیری: استفاده از پروپوفول برای القاء و نگهداری بی‌هوشی عمومی نسبت به القاء بی‌هوشی با تیوپنتال سدیم و نگهداری آن با هالوتان نقش بهتری در کاهش بروز تهوع و استفراغ پس از عمل در زنانی که تحت هیستریکتومی شکمی قرار گرفتند، دارد.

واژگان کلیدی: پروپوفول، تیوپنتال سدیم، تهوع و استفراغ پس از عمل.





تعیین فراوانی اختلالات ناشی از گرما در گروهی از کشاورزان منطقه شمال

آرام تیرگر^۱، ارسلان شیرویه^۲، محمود حاجی احمدی^۱، سیدرضا حسینی^۱

۱- گروه پزشکی اجتماعی - دانشگاه علوم دانشگاه بابل. ۲- دانشجوی رشته پزشکی - دانشکده پزشکی - دانشگاه علوم دانشگاه بابل.

چکیده

مقدمه: افراد شاغل در محیط‌های آزاد مانند کشاورزان بدلیل مواجهه با گرما و رطوبت محیط در معرض خطر ابتلاء به اختلالات ناشی از گرما قرار دارند. نظر به اینکه اطلاعات مربوط به وقوع این اختلالات در کشاورزان ایرانی بسیار محدود است، هدف از انجام این مطالعه بررسی فراوانی این اختلالات در میان گروهی از کشاورزان شمال کشور بوده است.

مواد و روش‌ها: این مطالعه بصورت مقطعی و پرسشنامه ای در میان ۳۴۰ تن از کشاورزان منطقه سرخرود (شهری واقع در ۸۰ کیلومتری غرب مرکز استان مازندران) و طی فصل تابستان به اجرا درآمد. نمونه‌ها به روش تصادفی خوشه ای از میان کشاورزان ۴۲ روستای منطقه جمع‌آوری گردیدند.

یافته‌ها: با توجه به نتایج، میانگین سن کشاورزان مورد مطالعه 45 ± 21 و میانگین سابقه فعالیت کشاورزی در آنان $13/1 \pm 9/25$ سال بود. شیوع اختلالات ناشی از گرما در کشاورزان (البته با توجه به نتایج فصل تابستان در انتهای شهریور ماه) ۱۰۰ درصد بوده است. هیچیک از کشاورزان به‌طور کامل با علائم و نشانه‌های اختلالات ناشی از گرما آشنایی نداشته و تنها ۳۰/۷ درصد از آنان بطور منظم هنگام کار آب می‌نوشیده‌اند. انجام آزمون آماری کای دو وجود ارتباط آماری را بین ابتلا به اختلالات و گروه سنی یا وضعیت توده بدن نشان نداده است.

نتیجه‌گیری: به منظور پیشگیری از اختلالات ناشی از گرما، آموزش کشاورزان و کارفرمایان آنها در خصوص موضوعاتی چون شناسایی علائم اختلالات گرمایی و بکارگیری اقدامات لازم جهت مدیریت فشار گرمایی، امری الزامی است.

واژگان کلیدی: کشاورزان، استرس گرمایی، اختلالات ناشی از گرما، ایران.



بررسی آگاهی از برنامه خود مراقبتی در بیماران مبتلا به بیماری‌های عروق کرونر بستری در بخش قلب بیمارستان واسعی سبزوار

فاطمه نودهی^۱، موسی الرضا تدین فر^۲، آرش اکابری^۳

۱- دانشجوی کارشناسی پرستاری- دانشگاه علوم پزشکی سبزوار. ۲- عضو هیأت علمی گروه پرستاری- دانشگاه علوم پزشکی سبزوار. ۳- عضو هیأت علمی گروه بهداشت- دانشگاه علوم پزشکی سبزوار.

چکیده

مقدمه: بیماری‌های قلبی- عروقی از بیماری‌های شایع قرن بوده و تعداد مبتلایان و قربانیان هر ساله رو به افزایش است. آگاهی از برنامه خود مراقبتی در ابعاد گوناگون در بیماران مبتلا به بیماری‌های عروق کرونر قلب، سهم بسزایی در پیشگیری از بروز حمله‌های مجدد قلبی، مرگ‌ومیر و بستری‌های مجدد بیماران کرونری دارد. هدف از اجرای این طرح تعیین آگاهی بیماران مبتلا به بیماری‌های عروق کرونر از برنامه خود مراقبتی بود.

مواد و روش‌ها: این مطالعه توصیفی- مقطعی بر روی ۱۰۷ بیمار مبتلا به بیماری‌های عروق کرونر، بستری در بخش قلب بیمارستان واسعی سبزوار انجام شد. برای جمع‌آوری اطلاعات از روش مصاحبه با بیمار و تکمیل پرسش‌نامه‌ی پژوهشگر ساخته شامل: اطلاعات دموگرافیک و ۲۴ سؤال در زمینه اطلاعات خود مراقبتی استفاده شد و پایایی ابزار با آزمون آلفای کرون باخ تأیید گردید. برای تحلیل داده‌ها از آزمون‌های آماری مجذور کای، آزمون دقیق فیشر و ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد.

یافته‌ها: بر اساس یافته‌های پژوهش ۶۸/۲٪ از افراد نمونه، نسبت به برنامه خودمراقبتی، آگاهی ضعیف، ۲/۸٪ آگاهی خوب و بقیه آگاهی متوسط داشتند. از بین ۷۲ نفر که نسبت به برنامه خودمراقبتی آگاهی ضعیف داشتند ۵۴ نفر آموزش قبلی ندیده بودند. بین آگاهی از برنامه خودمراقبتی و سابقه بستری قبلی به علت بیماری کرونری، ارتباط معناداری مشاهده نشد. بین آگاهی از برنامه خود مراقبتی و برخی از اطلاعات دموگرافیک مثل جنس و محل سکونت ارتباطی یافت نشد ولی بین افزایش سن و کاهش آگاهی، ارتباط معنی‌داری وجود داشت.

نتیجه‌گیری: آگاهی از برنامه خود مراقبتی در بیماران مبتلا به بیماری‌های عروق کرونر نسبتاً پایین می‌باشد، حتی بیماران با سابقه چندین بار بستری به علت بیماری عروق کرونر نیز از آگاهی ضعیفی برخوردار بودند.

واژگان کلیدی: برنامه خود مراقبتی، بیماری عروق کرونر.





بررسی بهداشت روانی و ارتباط آن با کیفیت زندگی در معتادین مراجعه‌کننده به مراکز ترک اعتیاد استان گلستان در سال ۱۳۸۸

سودابه آلوستانی^۱، حمید حجتی^۲، گلپهار آخوندزاده، اعظم حاجی بیگلو^۳، دکتر بهروز حیدری^۴

۱- دانشجوی پرستاری- دانشگاه آزاد اسلامی واحد علی آباد کتول. ۲- عضو هیأت علمی- دانشگاه علوم پزشکی بابل. ۳- دانشجوی پرستاری. ۴- دکتر داروساز.

چکیده

مقدمه: سوء استفاده از مواد مخدر و دارو از مشکلات بزرگ پزشکی و اجتماعی هستند. زیرا اعتیاد در زمره اختلالات روانی است. که فرد معتاد احتیاج به کمک و مراقبت‌های تیم روانپزشکی و حمایت‌های اجتماعی و خانوادگی دارد. در درمان‌های اجتماعی معتادین باید به علل روانی و خانوادگی هم توجه شود. زیرا شناخت بهتر مسائل روانی و خانوادگی موجب تسهیل در روند درمان و انتخاب شیوه درمانی مناسب می‌شود. این پژوهش توصیفی همبستگی است که با هدف بررسی وضعیت بهداشت روان و ارتباط آن با کیفیت زندگی معتادین مراجعه‌کننده به مراکز ترک اعتیاد صورت گرفت.

مواد و روش‌ها: نمونه این پژوهش ۳۲۰ نفر که به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای از بین کلیه افرادی که شرایط انجام پژوهش را داشتند به صورت تصادفی انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده‌ها شامل دو پرسش‌نامه استاندارد بهداشت روان (MHC) و کیفیت زندگی ۱۷ سؤالی بود که روایی و پایایی آن‌ها به کرات توسط پژوهشگران داخلی و خارجی مورد تأیید قرار گرفته است. داده‌ها بعد گردآوری وارد نرم‌افزار آماری SPSS شدند. سپس توسط آمار توصیفی و تحلیلی مورد تجزیه تحلیل قرار گرفتند.

یافته‌ها: یافته‌ها نشان داد بهداشت روان واحدهای مورد پژوهش به ترتیب با میانگین و انحراف معیار $14/4 \pm 5/4$ به میزان تاحدی مطلوب که بیش‌ترین درصد (۶۱٪) افراد بهداشت روان تاحدی مطلوب و کم‌ترین درصد ۶٪ بهداشت روان مطلوب داشتند. کیفیت زندگی در واحدهای پژوهش با میانگین و انحراف معیار $25/4 \pm 9/8$ به میزان تاحدی مطلوب که بیش‌ترین درصد ۵۳٪ کیفیت زندگی تاحدی مطلوب و کم‌ترین درصد ۴٪ کیفیت زندگی مطلوب داشتند. که در بعد بهداشت روان بیش‌ترین مشکل در درصد بالای اضطراب بود که ۴۰٪ واحدهای پژوهش همیشه مضطرب بودند. در بعد کیفیت زندگی بیش‌ترین مشکل ۵۰٪ نا رضایتی از دریافت حمایت از جانب دوستان و اطرافیان و ۳۸٪ کمبود وقت برای تفریح و سرگرمی داشتند. هم‌چنین بین بهداشت روان و کیفیت زندگی ارتباط معنی‌داری یافته شد ($P=0/000$). یعنی با کاهش بهداشت روان، کیفیت زندگی معتادین هم کاهش پیدا می‌کند.

نتیجه‌گیری: نتایج این پژوهش حاکی از سطح پایین بهداشت روان و کیفیت زندگی معتادین می‌باشد و از آنجایی که هدف از بازتوانی این افراد بازگشت به خانواده و جامعه می‌باشد. اعضای تیم درمانی می‌توانند با شناسایی خصوصیات رایج و صفات شخصیتی و سیستم‌های حمایتی و ارتقای بهداشت روان و کیفیت زندگی معتادین امر پیشگیری، درمان و نوتوانی را تسهیل نمایند.

واژگان کلیدی: بهداشت روان، کیفیت زندگی، معتادین.





بررسی زمان انتظار بیماران برای دریافت خدمات در بخش اورژانس بیمارستان

امیرالمومنین علی (ع) زابل در اسفند ۱۳۸۷

مژده سالاری حمزه‌خانی، سیدپوریا هدایتی، محمدرضا تقوی، مالک رخشانی، فاطمه محبتی، ساره بالاور، مریم خمسای، مریم خرم‌روز، ام‌البنین نصرت‌پناه^۱

۱- دانشگاه علوم پزشکی زابل.

چکیده

مقدمه: این پژوهش با هدف تعیین میزان زمان انتظار بیماران در بخش اورژانس، کیفیت ارائه خدمات را به صورت مستند بیان نموده و با ارائه راه‌کارهای مناسب سبب کاهش زمان انتظار، افزایش رضایتمندی و در نهایت ارتقاء کیفیت خدمت‌رسانی به بیماران می‌شود.

مواد روش‌ها: پژوهش حاضر یک مطالعه توصیفی- تحلیلی است که در مقطعی از زمان به مدت یک ماه (اسفند ۱۳۸۷)، ۲۰۲ نفر از بیمارانی که به علل مختلف به بخش اورژانس این بیمارستان در سه شیفت (صبح، عصر، شب) مراجعه کرده‌اند بررسی شده است برای هر بیمار پرسش‌نامه‌ای حاوی شاخص‌های مورد نظر (اطلاعات دموگرافیک بیمار و همراه بیمار و زمان انتظار برای دریافت خدمات) توسط مشاهده‌گر از طریق مشاهده و مصاحبه تکمیل شده، پایایی و روایی این پرسش‌نامه با انجام نمونه پیلوت، مشاهده مراحل کار بخش اورژانس توسط پژوهشگر و نظرات اساتید گروه مورد تأیید قرار گرفته است و اطلاعات این پرسش‌نامه‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS و اجرای آزمون‌های TTest و ANOV مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

یافته‌ها: از تجزیه و تحلیل اطلاعات ۲۰۲ پرسش‌نامه تکمیل شده توسط پژوهشگر نتایج زیر به دست آمده است:

- ۱- متوسط زمان انتظار بیماران برای پذیرش ۲/۸۵ دقیقه می‌باشد. ۲- متوسط زمان انتظار بیماران برای بستری شدن روی تخت ۳/۵۹ می‌باشد. ۳- متوسط زمان انتظار بیماران برای دریافت اولین خدمات پرستاری ۸/۴۲ دقیقه می‌باشد.
- ۴- متوسط زمان انتظار بیماران برای دریافت خدمات داروخانه‌ای ۶/۷ دقیقه می‌باشد. ۵- متوسط زمان انتظار بیماران برای دریافت خدمات آزمایشگاهی ۳۷/۱۸ دقیقه می‌باشد. ۶- متوسط زمان انتظار بیماران برای دریافت خدمات رادیولوژی ۷/۱۷ دقیقه می‌باشد. ۷- متوسط زمان انتظار بیماران برای ویزیت پزشک متخصص (۲۳/۳۹۶) (ON CALL) دقیقه می‌باشد. هم‌چنین زمان انتظار بیماران برای پذیرش در دو گروه (بستری و سرپائی) و وضعیت‌های (اورژانسی و غیر اورژانسی)، زمان انتظار بیماران برای دریافت خدمات آزمایشگاهی، اولین خدمات پرستاری و بستری شدن روی تخت در وضعیت‌های (اورژانسی و غیر اورژانسی) متفاوت می‌باشد.

نتیجه‌گیری: با توجه به یافته‌ها، بیش‌ترین زمان انتظار بیماران در مراحل ویزیت پزشک متخصص (ON CALL) می‌باشد لذا پیشنهاد می‌شود جهت کاهش زمان انتظار بیماران این بخش، پرسنل بیش‌تری استخدام، هم‌چنین در حین ارائه خدمات، به بیماران و همراهان آن‌ها آگاهی‌ها و راهنمایی‌های لازم از طرف پزشکان و پرسنل صورت گیرد در ضمن بخش‌های رادیولوژی و آزمایشگاه جداگانه‌ای برای بخش اورژانس در نظر گرفته شود.

واژگان کلیدی: بیمارستان، بخش اورژانس، بیمار، زمان انتظار.





بررسی میزان رضایت زنان باردار از ارایه مراقبت‌های بهداشتی و عوامل مرتبط با آن در مراکز بهداشتی و درمانی شهر زاهدان سال ۱۳۸۸

فاطمه کیانی^۱، مرضیه ریگی^۲

۱- عضو هیأت علمی- دانشگاه علوم پزشکی زاهدان. ۲- دانشجوی پرستاری- دانشگاه علوم پزشکی زاهدان.

چکیده

مقدمه: رضایت زنان باردار از ارایه مراقبت‌های بهداشتی، معیاری برای تعیین کیفیت مراقبت‌ها می‌باشد و تعیین عواملی که موجب افزایش رضایت و خرسندی از مراقبت‌ها می‌شود و برطرف کردن علل ناراضی‌ت سبب افزایش کیفیت خدمات و منجر به استفاده بهتر و بیش‌تر مراجعین از خدمات است و در نهایت باعث سلامت بارداری، زایمان کم خطر و تولد نوزاد سالم می‌شود. هدف از این مطالعه بررسی میزان رضایت زنان باردار از ارایه مراقبت‌های بهداشتی و عوامل مرتبط با آن در مراکز بهداشتی درمانی شهر زاهدان در سال ۸۸ می‌باشد.

مواد و روش‌ها: در این مطالعه مقطعی تعداد ۳۲۲ نفر از زنان باردار مراجعه‌کننده به مراکز بهداشتی درمانی شهر زاهدان در سال ۱۳۸۸ به روش تصادفی به‌عنوان نمونه انتخاب شدند. ابزار گردآوری اطلاعات پرسش‌نامه دو قسمتی بودند که قسمت اول در رابطه با مشخصات دموگرافیک و خدمات ارایه شده و قسمت دوم ابزار سنجش رضایت در شش قسمت دسترسی به مراقبت‌ها، هزینه مراقبت‌ها، هماهنگی مراقبت‌ها، نحوه ارتباط ارایه‌دهندگان مراقبت‌ها، آموزش‌های داده شده و کیفیت مراقبت‌ها می‌باشد. داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS، آزمون‌های آماری χ^2 ، آنالیز و واریانس مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند.

یافته‌ها: نتایج در کل میزان رضایت زنان باردار از ارایه مراقبت‌های بهداشتی ۴۴/۷٪ زنان از دریافت مراقبت‌های دوران بارداری در سطح زیاد و ۳/۴٪ در سطح خیلی زیاد رضایت داشتند و ۵۱/۹٪ آنان رضایت کم داشتند. زنان از دسترسی به مراقبت‌های و هزینه مراقبت‌ها بیش‌ترین رضایت را داشتند.

ارتباط آماری معنی‌داری بین رضایت زنان از ارایه مراقبت‌های بهداشتی دوران بارداری با تعداد فرزندان ($P=۰/۰۳$)، تعداد بارداری ($P=۰/۰۰۶$)، وضعیت سلامتی ($P=۰/۰۴$)، وضعیت اقتصادی ($P=۰/۰۰۱$) و نوع حاملگی ($P=۰/۰۰۴$) وجود داشت. هر چه مدت زمان صرف شده تا مرکز بهداشتی بیش‌تر بوده زنان رضایت کم‌تری را نشان داده ($P=۰/۰۰۰۰۱$)، رضایت زنان از ماماها در ارایه مراقبت‌های بهداشتی بیش‌تر بوده ($P=۰/۰۴$). نتایج پژوهشی نشان داده ۶۴/۹٪ زنان از دسترسی به مراقبت‌های بهداشتی دوران بارداری رضایت داشتند، ۴۸/۸٪ زنان از هزینه مراقبت‌های بهداشتی دوران بارداری و ۷۵/۱٪ زنان از هماهنگی مراقبت‌ها و ۸۲/۹٪ زنان از نحوه برقراری ارتباط ارایه‌دهندگان مراقبت‌ها و ۶۱/۵٪ زنان از آموزش‌های دریافت شده مراقبت‌های دوران بارداری و ۸۶/۳٪ زنان از کیفیت مراقبت‌های دوران بارداری رضایت کم و خیلی کم داشتند.

نتیجه‌گیری: ۴۸/۱ درصد زنان از ارایه مراقبت‌های بهداشتی دوران بارداری رضایت داشتند و این امر حاکی از آن است که کیفیت مراقبت‌ها از استاندارد مناسبی برخوردار نیست و برای ایجاد کیفیت مطلوب و قابل قبول باید برنامه‌ریزی و اقدامات لازم صورت پذیرد.

واژگان کلیدی: رضایت، مراقبت‌های دوران بارداری.





بررسی میزان آگاهی و عوامل مرتبط با مصرف داروهای نیروزا در ورزشکاران

پرووش اندام زاهدان در سال ۱۳۸۶

فاطمه کیانی^۱، یاسین قدسی^۲، علیرضا شاهسونی^۳

۱- عضو هیأت علمی- دانشگاه علوم پزشکی زاهدان. ۲- دانشجوی پرستاری- دانشگاه علوم پزشکی زاهدان. ۳- عضو هیأت علمی- دانشگاه علوم پزشکی زاهدان.

چکیده

مقدمه: در سال‌های اخیر همگام با پیشرفت دانش پزشکی و داروسازی و در کنار استفاده صحیح از کشفیات روز افزون این علوم عده‌ای با افکار سود جویانه استفاده نابجای از این داروها را ترویج می‌دهند، یکی از موارد کاربرد غیر مجاز از داروها در ورزش می‌باشد که به دلایل قانونی، اخلاقی و عوارض جانبی مصرف این داروها ممنوع می‌باشد. با توجه به عوارض داروهای نیروزا و افزایش میزان استفاده از آن‌ها در یکی از رشته‌های پر طرفدار ورزشی یعنی بدنسازی بر آن شدیم تا آگاهی، فراوانی استفاده از این داروها و طول مدت مصرف و عواملی که باعث رو آوردن ورزشکاران به این مواد شده است را بررسی کنیم.

مواد و روش‌ها: این مطالعه نوعی مطالعه توصیفی- تحلیلی است و ۳۷۳ ورزشکار پرووش اندام که در باشگاه‌های پرووش اندام شهر زاهدان مشغول به تمرین بودند به‌عنوان نمونه انتخاب شدند و سپس پرسش‌نامه بین آن‌ها توزیع شد و پس از انجام آزمون نتایج آگاهی و عوامل مرتبط با آن با استفاده از آزمون‌های T، paried، T، مستقل و - chi square مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: نتایج حاصل از تحقیق نشان داد که ورزشکاران از آگاهی ضعیفی برخوردار بودند و هیچکدام از پاسخ- دهندگان در سطح امتیاز خوبی قرار نگرفتند ضمناً ۳۶ درصد مصرف دارو داشتند که مصرف آن با تحصیلات و وضعیت تأهل رابطه معنی‌دار نداشت اما با سابقه ورزشی ارتباط معنی‌دار نشان داد.

نتیجه‌گیری: با توجه به نتایج مطالعه ارایه آموزش‌های لازم در خصوص عوارض داروهای نیروزا و اثرات آن بر بدن انسان ضروری می‌باشد.

واژگان کلیدی: آگاهی، داروهای نیروزا، ورزشکاران.





بررسی تغییرات فصلی بر شیوع پره‌اکلامپسی طی پنج سال اخیر در بیمارستان‌های آموزشی مشهد

سپیده قدری^۱، دکتر رویا نصیری^۲، اکرم احمدی شادمهری^۱، طهورا عبداللهی^۱

۱- دانشجوی پزشکی- دانشگاه آزاد اسلامی مشهد، ۲- استادیار- دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد.

چکیده

مقدمه: پره‌اکلامپسی از علل شایع مرگ‌ومیر مادران و نوزادان و از مسایل مهم مامایی می‌باشد. این بیماری می‌تواند موجب عوارض کشنده‌ای نظیر خونریزی داخل جمجمه، انعقاد داخل عروقی، ادم ریه، نارسایی کلیه و کبد و جدا شدن زودرس جفت در زن باردار گردد. هدف از این مطالعه بررسی تغییرات فصلی بر شیوع پره‌اکلامپسی طی پنج سال اخیر در بیماران مراجعه‌کننده به بیمارستان‌های امام رضا (ع) و ۲۲ بهمن مشهد می‌باشد.

مواد و روش‌ها: این مطالعه به صورت مقطعی با بررسی کلیه زایمان‌های بالای ۲۰ هفته و کم‌تر از ۴۲ هفته با استفاده از پرسش‌نامه انجام شد. آمار زایمان‌های هر ماه به‌طور جداگانه ثبت شد. در هر ماه پرونده بیمارانی که با تشخیص انواع پره‌اکلامپسی ترخیص شده‌اند بررسی گردید. داده‌های مربوط به سن مادر، وزن مادر، تحصیلات مادر، تعداد حاملگی، تعداد پارتی، ماه LMP و لقاح، جنس نوزاد، گروه خونی مادر و نوزاد، روش زایمان برحسب پره‌اکلامپسی تحلیل گردید.

یافته‌ها: از ۲۰۵۲۰ زن باردار مراجعه‌کننده به زایشگاه‌های بیمارستان‌ها امام رضا (ع) و ۲۲ بهمن مشهد در سال‌های ۸۵-۸۰، ۴۵۰ نفر (۲/۱۹٪) مبتلا به پره‌اکلامپسی بودند که از بین این تعداد ۵۳ درصد پره‌اکلامپسی شدید، ۴۵ درصد پره‌اکلامپسی خفیف و ۱/۹ درصد اکلامپسی داشتند. شیوع پره‌اکلامپسی در هر ماه بر اساس تعداد پره‌اکلامپسی به تعداد کل زایمان‌ها در هر ماه محاسبه شد و شیوع نسبی (PR) براساس شیوع در هر ماه به شیوع در ماه مرجع محاسبه شد (ماه مرجع ماهی است که کم‌ترین شیوع را دارد). بعد از انجام آنالیزهای آماری ارتباط معنی‌داری بین سن و وزن مادر، تحصیلات مادر، تعداد حاملگی و پارتی، سن حاملگی، گروه خونی مادر و نوزاد، جنس نوزاد، روش زایمان با شیوع پره‌اکلامپسی وجود نداشت. اما ارتباطی بین تغییرات فصل و ماه با شیوع پره‌اکلامپسی وجود داشت، به طوری که بیشترین شیوع نسبی پره‌اکلامپسی براساس ماه لقاح در تابستان بود.

نتیجه‌گیری: بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که عوامل محیطی مانند تغییرات فصل و ماه می‌توانند در اتیولوژی پره‌اکلامپسی نقش داشته باشند.

واژگان کلیدی: پره‌اکلامپسی، شیوع، تغییرات فصلی.



بررسی نوع و میزان روغن مصرفی خانوارهای شهر گناباد و تبیین نیازهای

آموزشی آن بر اساس مدل اعتقاد بهداشتی ۱۳۸۸

محسن هادی، نصرت رنجبر محمود آبادی، طیبه خاوری

چکیده

مقدمه: تغییرات سریع الگوی غذایی و گرایش به مواد غذایی پر انرژی و کم ارزش از نظر غذایی، کاهش فعالیت جسمی و افزایش مصرف دخانیات که سندرم شیوه زندگی نامیده می‌شود. جوامع را در معرض همه‌گیری بیماری‌های غیر واگیر در طول سال‌های آتی قرار داده است. رژیم غذایی نامناسب و پرچرب با افزایش تری‌گلیسرید و کلسترول خون موجب افزایش خطر بروز بیماری‌های قلبی-عروقی می‌شود. روغن نباتی با توجه به ارزش غذایی و میزان کالری از جمله اقلام غذایی به‌شمار می‌آید که توسط تمام افراد جامعه ما مصرف می‌شود به‌طوری که در اوایل دهه ۱۳۸۰ سرانه مصرف به ۱۶ کیلوگرم رسید. سرانه مصرف روغن مایع ۳۶ گرم است. ۸۰٪ روغن مصرفی ایران جامد است که ۲۵ برابر استانداردهای گزارش شده است. لذا این مطالعه با هدف تعیین نوع و میزان روغن مصرفی خانوارهای شهر گناباد و تبیین نیازهای آموزشی آن بر اساس مدل اعتقاد بهداشتی در سال ۱۳۸۸ انجام گرفت.

مواد و روش‌ها: این مطالعه از نوع توصیفی تحلیلی-مقطعی بوده که دارای ۱۷۱ نمونه بوده که زنان خانه‌دار شرکت‌کننده در این طرح به‌صورت خوشه‌ای چند مرحله‌ای در سطح شهر گناباد در سال ۱۳۸۸ انتخاب شدند. نمونه-ها با همکاری رابطین بهداشتی مراکز بهداشتی درمانی شهر گناباد انتخاب شدند. قبل از اجرای طرح آموزش‌های لازم در خصوص طرح و نحوه تکمیل ابزار جمع‌آوری داده‌ها به رابطین جهت انتقال به نمونه‌های مطالعه داده شد. داده‌ها توسط پرسش‌نامه‌ای مشتمل بر ۶۲ سوال که بر اساس مدل اعتقاد بهداشتی (یکی از مدل‌های نوین آموزش بهداشت) و نیز چک لیست مشتمل بر ۹ سؤال که به مدت یک هفته نزد زنان خانه‌دار به امانت مانده و اطلاعات آن در طی هفته بر اساس نوع و میزان مصرف روغن تکمیل گردید. نمره سؤالات پرسش‌نامه از ۱۰۰ محاسبه گردید.

یافته‌ها: نتایج نشان داد که میانگین سنی گروه هدف $37/73 \pm 10/52$ بوده و $42/1\%$ آنان دارای تحصیلات متوسطه بودند. میانگین نمره آگاهی $69/41 \pm 16/08$ ، نمره حساسیت درک شده $79/22 \pm 13/11$ ، شدت درک شده $76/03 \pm 11/78$ ، منافع درک شده $75/43 \pm 13/46$ ، موانع درک شده $67/26 \pm 10/7$ به‌دست آمد. ضریب همبستگی پیرسون ارتباط مستقیم معنی‌داری را بین آگاهی با حساسیت، شدت، منافع و موانع درک شده نشان داد. هم‌چنین آنالیز واریانس یک طرفه اختلاف معنی‌داری را در نمره آگاهی و تحصیلات گروه هدف نشان داد. نتایج حاکی از آن بود که $28/1\%$ نمونه‌ها صرفاً از روغن جامد استفاده می‌کردند. به‌طوری که میانگین میزان روغن جامد مصرفی $8/23$ قاشق در هر وعده غذایی بوده است.

نتیجه‌گیری: یافته‌ها بیانگر این موضوع بود که علی‌رغم میزان قابل قبول آگاهی اما هم‌چنان میزان مصرف روغن جامد بالا بود. از سویی یکی از مهم‌ترین موانع مصرف روغن مایع دسترسی آسان و باصرفه‌تر بودن روغن جامد و نیز طعم بهتر روغن جامد به‌دست آمد. لذا انجام مداخلات آموزشی مبتنی بر تئوری و مدل، مانند مدل اعتقاد بهداشتی به دلیل اجزا و سازه‌های این مدل می‌تواند حساسیت و شدت درک شده را در استفاده‌کنندگان بالا برده و راه‌کارهای جایگزینی روغن مایع به جای روغن جامد را ارائه نماید.

واژگان کلیدی: روغن مایع، روغن جامد، مدل اعتقاد بهداشتی، نیازهای آموزشی.





ارزیابی تغذیه‌ای بیماران با انفارکتوس قلبی در بخش قلب بیمارستان قائم مشهد

سید مصطفی پریزاده^۱، محسن نعمتی^۱، مجید غیورمهرن^۱، محمد صفریان^۱، صالح بابازاده^۱، محسن موهبتی^۱

۱- دانشگاه علوم پزشکی مشهد.

چکیده

مقدمه: سوء تغذیه یک اختلال کلینیکی شایع در جهان است، تاکنون بحث‌های زیادی در مورد چگونگی تعیین وضعیت تغذیه‌ای بیماران به‌منظور دستیابی به بهترین روش پیشگویی مرگ‌ومیر و بستری شدن در بیمارستان وجود دارد. هدف از این مطالعه ارزیابی سوء تغذیه در بیماران با انفارکتوس قلبی و تأثیر بستری شدن در بیمارستان بر وضعیت تغذیه‌ای این افراد در مشهد می‌باشد.

مواد و روش‌ها: این مطالعه بر روی ۵۷ بیمار با انفارکتوس قلبی انجام شده است. بعد از پذیرش در بیمارستان وضعیت تغذیه‌ای بیماران بر اساس متد (NRS-۲۰۰۲) Nutritional Risk Screening و پارامترهای آنتروپومتریک و بیوشیمیایی مورد ارزیابی قرار گرفت. امتیازات NRS بیماران بر اساس از دست دادن وزن، BMI و دریافت مواد غذایی محاسبه شد و بیماران امتیازی بین ۰ تا ۳ گرفتند. در بین این بیماران ۱۵ بیمار به مدت بیش از یک هفته در بیمارستان بستری شدند که کلیه اندازه‌گیری‌های فوق بعد از این مدت دوباره انجام شد.

یافته‌ها: در هنگام پذیرش ۴۹/۱ درصد از بیماران از نظر تغذیه‌ای در شرایط نرمال و ۵۰/۹ درصد از آن‌ها دچار سوء تغذیه بودند. میانگین سن، BMI، BMR و HS-CRP بیماران در هنگام پذیرش به ترتیب $58/44 \pm 12/80$ سال، $26/58 \pm 4/86$ کیلوگرم مترمربع، $1490/84 \pm 372/00$ کیلوکالری و $20/25 \pm 16/94$ میلی‌گرم/لیتر بود. در ۱۵ بیماری که به مدت بیش‌تر از یک هفته بستری شدند میزان BMI به طور معنی‌داری کاهش پیدا کرد، هم‌چنین میزان سوء تغذیه از ۴۶/۷٪ در هنگام پذیرش به ۵۳/۳٪ در هنگام ترخیص افزایش پیدا کرد اما این میزان افزایش معنی‌دار نبود که احتمالاً به دلیل حجم کم نمونه در این مطالعه می‌باشد.

نتیجه‌گیری: سوء تغذیه در بیماران با انفارکتوس قلبی در ایران شیوع بالایی دارد که در مدت بستری در بیمارستان افزایش می‌یابد، بنابراین بهتر است حمایت‌های تغذیه‌ای از این بیماران در تمام بخش‌های قلب بیمارستان‌های ایران مورد توجه قرار بگیرد.

واژگان کلیدی: ارزیابی تغذیه‌ای، انفارکتوس قلبی، سوء تغذیه، Nutritional Risk Screening.



آگاهی و نگرش و عملکرد تغذیه‌ای خانوارهای ایرانی طی ۲۰ سال اخیر

الهه لطفی^۱، ملیحه عباسی^۱

۱- دانشجوی بهداشت خانواده- دانشگاه علوم پزشکی شاهرود- کمیته تحقیقات دانشجویی.

چکیده

مقدمه: آگاهی و نگرش و عملکرد تغذیه‌ای در خانوارها می‌تواند بر روی سلامت نسل و بهبود وضع بهداشتی و تغذیه‌ای آن‌ها تأثیر فوق‌العاده‌ای داشته باشد. تغذیه‌ای مناسب باعث ایجاد نسلی سالم از نظر روحی و روانی و جسمی و اجتماعی می‌شود. با توجه به این موضوع بر آن شدیم بر ۲۰ سال تحقیقات انجام شده در این زمینه مروری داشته باشیم تا kap تغذیه‌ای خانوارهای ایرانی را از چند بعد مورد بررسی قرار دهیم.

مواد و روش‌ها: این بررسی مطالعه‌ای است که به صورت سیستماتیک و گسترده کلیه مطالعات انجام شده طی ۲۰ سال اخیر در ایران را مورد بررسی قرار داده است. این مطالعات بیش‌تر به صورت kap خانوارهای ایرانی در زمینه تغذیه‌ای سالم بوده و در اکثر مطالعات، اطلاعات به‌روش پرسش‌نامه جمع‌آوری شده است و مطالعات (مقطعی- تحلیلی- توصیفی) بوده است

یافته‌ها: نتایج حاکی از آن است که آگاهی و نگرش و عملکرد تغذیه‌ای:

- مادران باردار و شیرده در باره‌ی تغذیه‌ی کودکان زیر ۶۰ ماه مطلوب نیست.

- مادران شیرده درباره‌ی تغذیه‌ی کمکی کودکان بالای ۶ ماه مطلوب نیست.

- خانوارهای ایرانی در باره مصرف نمک یددار مطلوب است.

- خانوارهای ایرانی درباره مصرف میوه و سبزیجات نامطلوب است.

- دانش‌آموزان درباره تغذیه سنین بلوغ متوسط رو به ضعیف است.

- خانوارهای ایرانی درباره مصرف پروتئین سویا ضعیف است.

- خانوارهای ایرانی در باره تغذیه دوران سالمندی و پائینگی در زنان متوسط رو به ضعیف است.

نتیجه‌گیری: نتایج این مطالعات حاکی از آن است که خانوارهای ایرانی به آموزش بیش‌تری در زمینه تغذیه‌ای سالم و ایجاد نگرش مناسب و عملکرد پیامد آن نیازمند هستند. بین آگاهی، نگرش عملکرد خانوارهای ایرانی تفاوت معناداری وجود دارد و نیاز به آموزش منجر به تغییر در رفتار و عملکرد دارد.

واژگان کلیدی: مرور سیستماتیک، آگاهی، عملکرد، نگرش، وضع تغذیه.



بررسی میزان و نحوه مشارکت مردان در مراقبت از زنان باردار در بیمارستان -

های شهرستان شاهرود

لیلا ناصری^۱، سعیده مظفری^۱، دکتر افسانه کرامت^۲، فروغ السادات مرتضوی^۳

۱- دانشجوی مامایی - دانشگاه علوم پزشکی شاهرود - کمیته تحقیقات دانشجویی. ۲- عضو هیأت علمی - دانشگاه علوم پزشکی شاهرود. ۳- دانشجوی PhD بهداشت باروری - دانشگاه علوم پزشکی شاهرود.

چکیده

مقدمه: مطالعات نشان می‌دهند که حمایت همسر در بارداری و زایمان اثرات مثبتی بر تجربه زنان از حاملگی و زایمان دارد با توجه به این که لزوماً حضور به تنهای بیان‌کننده حمایت از همسر و مشارکت در مراقبت نمی‌باشد؛ هدف از انجام این پژوهش بررسی ابعاد و نحوه مشارکت مردان در مراقبت از زنان در دوران بارداری می‌باشد.

مواد و روش‌ها: این مطالعه مقطعی در سه بیمارستان شهرستان شاهرود در سال ۱۳۸۸ انجام گرفت. نمونه‌های پژوهش را ۱۱۰ نفر از زنان زایمان کرده (سزارین و طبیعی) و همسران آنان تشکیل می‌داد. ابزار گردآوری اطلاعات پرسش‌نامه‌ای خود ساخته شامل ۴۰ سؤال در دو بخش اصلی (مربوط به زنان و همسرانشان) بود. روایی پرسش‌نامه با استفاده از نظر اساتید پس از چندین مرحله نظرخواهی به حد مطلوب رسید. در این پژوهش مشارکت مردان در زمینه اصلی شامل همراهی همسر تا مراکز بهداشتی درمانی، مشارکت در امور منزل، توصیه‌های بهداشتی همسر و حمایت مالی و عاطفی سنجیده شد. اطلاعات از طریق مصاحبه از جامعه پژوهش جمع‌آوری گردید و پس از استخراج توسط نرم‌افزار SPSS مورد تجزیه تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: نتایج این مطالعه نشان داد که طبق نظر زنان بیش‌ترین میزان همراهی همسرانشان همراهی تا زایشگاه در زمان زایمان بوده (۹۰٪ موارد) و پس از آن به ترتیب شامل همراهی تا آزمایشگاه (۶۹/۷٪)، مراکز سونوگرافی (۶۷/۳٪) و مطب پزشک (۴۸/۵٪) در طول بارداری می‌گردید. در زمینه مشارکت در امور منزل بیش‌ترین میزان همکاری به امر خرید منزل (۷۸/۸٪) و کم‌ترین به انجام امور مربوط به آماده‌سازی غذا (۲۳/۱٪) مربوط می‌شد. همکاری مردان بعد از بارداری در امور منزل در ۴۷/۵٪ موارد بیش‌تر شده بود و در ۳۹/۴٪ موارد بدون تغییر باقی مانده بود. طبق نظر زنان و همسرانشان بیش‌ترین علت عدم مشارکت مردان در دوران بارداری مشغله کاری می‌باشد (۵۴/۱٪ و ۶۴۵/۷٪). نتایج پژوهش نشان داد هم‌چنین همراهی پدر در مراقبت‌های پره‌ناتال به‌طور معنی‌داری در حاملگی‌های برنامه‌ریزی شده بیش‌تر بوده است ($P < 0/05$).

نتیجه‌گیری: بر اساس نتایج پژوهش میزان و چگونگی مشارکت و همراهی مردان در مراجعه به مراکز بهداشتی در مانی و هم‌چنین امور منزل در طی بارداری را می‌توان به مسائل فرهنگی و هم‌چنین عدم آگاهی در خصوص وظایف همسری و پدری نسبت داد. به نظر می‌رسد برگزاری جلسات مشاوره و کلاس‌های آموزشی مشترک برای زوجین پیش از بارداری و هم‌چنین در دوران بارداری کمک‌کننده باشد. برای دقیق‌تر بودن نتایج نیاز به انجام تحقیقات بعدی با افزایش حجم جامعه نمونه وجود دارد.

واژگان کلیدی: مشارکت مردان، مراقبت دوران بارداری.





بررسی وضعیت کلرزنی منابع آب شرب روستاهای منطقه پشت بسطام شهرستان

شاهرود در سال ۱۳۸۸

مهدی گرگانی^۱، سعید ناظمی^۲

۱- دانشجو بهداشت محیط- دانشگاه علوم پزشکی شاهرود- کمیته تحقیقات دانشجویی. ۲- مربی دانشکده بهداشت- دانشگاه علوم پزشکی شاهرود.

چکیده

مقدمه: با ارتقا دانش بشری و اطلاع از اینکه آب در صورت آلوده بودن، دشمن حیات خواهد بود و بسیاری از بیماری‌های واگیردار توسط آب آلوده منتقل می‌شود، لذا انسان به کیفیت آب مصرفی توجه خاصی دارد. کلرزنی صحیح منابع آب شرب، یکی از مسائل مهم در بهداشت آب و پیشگیری از انتقال بیماری‌ها است. لذا به منظور بررسی و بهینه‌سازی کلرزنی صحیح منابع آب روستاهای منطقه پشت بسطام شهرستان شاهرود این تحقیق صورت گرفته است.

مواد و روش‌ها: با مطالعه منطقه، شناسایی سفره‌های آب زیرزمینی و تعداد روستاهای موجود در هر بخش، تعداد ۲۵ روستا جهت بررسی انتخاب گردید. سپس به هر یک از روستاهای فوق مراجعه و بدون اطلاع بهورزان و آبداران عمل کلرسنجی با کیت کلرسنج در ۱۸ روز مختلف انجام شد. به منظور سنجش میزان آگاهی و مهارت مسئولین کلرزنی و بهورزان، در اجرای عمل کلرزنی و کلرسنجی صحیح به روستا مراجعه و با استفاده از پرسش‌نامه و مشاهده میزان اطلاعات آن‌ها سنجیده شد.

یافته‌ها: در حال حاضر وضعیت کلرزنی منابع آب روستاهای پشت بسطام مطلوب نبوده و از ۹۰ مورد کلرسنجی، در ۶۹ درصد موارد مقدار کلر باقی‌مانده صفر و نامطلوب و فقط در ۳۱ درصد موارد کلر باقی‌مانده مطلوب بوده است. علل عدم کلرزنی آب؛ عدم وجود کیت کلرسنج، نحوه کلرسنجی ناصحیح، از همه مهم‌تر نداشتن اطلاعات کافی و بی‌توجهی آبداران بوده است. نتایج نشان داد آبداران اطلاعات ناقصی در مورد کلرزنی آب داشتند و ۹۴ درصد افراد از کلر موردنیاز اطلاعی نداشتند و بیش از ۹۵ درصد آبداران از طرز تهیه کلر ما در اطلاعی نداشتند. در ۶۶ درصد از موارد از کلر باقی‌مانده، اظهار بی‌اطلاعی می‌کردند.

نتیجه‌گیری: این پژوهش‌ها نشان می‌دهد که در حال حاضر کلرزنی منابع آب شرب روستایی منطقه پشت بسطام، وضعیت مطلوبی ندارد و این عمل در شیوع بیماری‌های منتقله توسط آب، بالاخص در فصل تابستان تأثیر زیادی داشته است. هر چند یکی از علل عدم کلرزنی، عدم آگاهی آبداران و برخی بهورزان از اهمیت موضوع و نداشتن مهارت لازم در انجام صحیح کلرزنی می‌باشد. ولی علل دیگری نظیر عدم وجود کیت کلرسنج و نحوه کلرسنجی ناصحیح و نداشتن نظارت صحیح توسط بهورزان و بی‌توجهی به این موضوع در آن مؤثر می‌باشد. بهتر است که شرکت آب و فاضلاب روستایی و مرکز بهداشت شهرستان نسبت به این امر مهم توجه داشته باشند و در جهت آموزش پرسنل رفع مشکلات کلرزنی منابع آب شرب اقدام نمایند.

واژگان کلیدی: کلرزنی، آب شرب، کلرسنجی، شاهرود.





بررسی میزان آگاهی دانش‌آموزان دبیرستان‌های شهر درگز از بیماری ایدز و راه‌های انتقال و پیشگیری از آن

نسیم گندمکار^۱، شیما فخارا^۲، حسن ناعمی^۳، آرش اکابری^۴

۱- دانشجوی کاردانی بهداشت خانواده دانشگاه علوم پزشکی سبزوار. ۲- دانشجوی کارشناسی پرستاری دانشگاه علوم پزشکی سبزوار. ۳- کارشناس ارشد مدیریت دولتی دانشگاه علوم پزشکی سبزوار. ۴- عضو هیأت علمی گروه بهداشت دانشگاه علوم پزشکی سبزوار.

چکیده

مقدمه: ایدز یک بیماری نقص ایمنی اکتسابی است. عامل آن ویروس (HIV) می‌باشد که در بدن با سرعت زیادی تکثیر پیدا می‌کند و به دلیل ایجاد تداخل در فعالیت‌های سلول‌های ایمنی بیمار را در معرض عفونت‌ها قرار می‌دهد. این مطالعه با هدف تعیین میزان آگاهی دانش‌آموزان شهر درگز از بیماری ایدز و راه‌های انتقال و پیشگیری از آن انجام شد.

مواد و روش‌ها: پژوهش حاصل یک مطالعه‌ی توصیفی از نوع مقطعی است، که به منظور بررسی میزان آگاهی دانش‌آموزان مقطع دبیرستان شهر درگز انجام شده است. حجم نمونه ۶۰۰ نفر بود. در این پژوهش روش نمونه‌گیری از نوع دو مرحله‌ای است، به صورتی که ۳ دبیرستان پسرانه و ۳ دبیرستان دخترانه انتخاب و مورد بررسی قرار گرفت که در این روش جنس، طبقه و مدرسه‌ها خوشه‌ها هستند. جهت جمع‌آوری داده‌ها از پرسش‌نامه خودساخته‌ای که روایی آن توسط چند تن از اساتید دانشگاه و پایایی آن توسط آلفای کرون‌باخ مورد تأیید قرار گرفت، استفاده شد.

یافته‌ها: میزان آگاهی دانش‌آموزان در مورد بیماری ایدز ۵۱٪ خوب، ۴۴/۸٪ متوسط و ۴/۲٪ ضعیف بود. در مورد راه‌های انتقال بیماری ایدز میزان آگاهی دانش‌آموزان ۲۵/۵٪ ضعیف و ۷۴/۵٪ متوسط بود و میزان آگاهی دانش‌آموزان در مورد راه‌های پیشگیری از بیماری ۳٪ ضعیف و ۱۵/۵٪ متوسط و ۸۱/۵٪ خوب بود.

نتیجه‌گیری: با توجه به نتایج به دست آمده از پژوهش حاضر می‌توان گفت که میزان آگاهی دانش‌آموزان در مورد بیماری ایدز و راه‌های انتقال این بیماری متوسط می‌باشد. اما در مورد میزان آگاهی آنان از راه‌های پیشگیری از این بیماری وضعیت مطلوبی وجود دارد.

واژگان کلیدی: ایدز، راه‌های انتقال، راه‌های پیشگیری.



بررسی میزان عوارض جانبی ناشی از واکسن MMR (ساخت ایران) در کودکان تحت پوشش مراکز و پایگاه‌های بهداشتی شهر الوند شهرستان البرز در تابستان

۱۳۸۷

گیتی خوشه‌مهری^۱، علیرضا داریانی^۲، مینا شهسواری^۳، زهره کربلایی‌احمد^۴، هیلدانورمعبودی^۵

۱- عضو هیأت علمی- دانشگاه علوم پزشکی تهران. ۲- دانشجوی بهداشت عمومی- دانشگاه علوم پزشکی تهران. ۳- کارشناس بهداشت عمومی- دانشگاه علوم پزشکی تهران. ۴- دانشجوی کارشناسی بهداشت عمومی- دانشگاه علوم پزشکی تهران. ۵- دانشجوی کارشناسی بهداشت عمومی- دانشگاه علوم پزشکی تهران.

چکیده

مقدمه: هدف ایمن‌سازی حفاظت فرد و جامعه در برابر بیماری‌های قابل پیشگیری با واکسن است. گرچه واکسن‌های مورد استفاده از نظر میزان اثر بخشی بسیار مورد اطمینان هستند و عوارض جانبی آن‌ها ناچیز است اما به‌طور کامل هیچ واکسنی عاری از عوارض جانبی نیست افرادی که واکسن دریافت می‌کنند، ممکن است اثرات جانبی خفیفی را از خود بروز دهند و یا در موارد نادر با عوارض شدید و تهدیدکننده زندگی مواجه شوند. هدف از این مطالعه بررسی میزان عوارض واکسن MMR ساخت ایران در کودکان گروه هدف می‌باشد.

مواد و روش‌ها: این مطالعه از نوع توصیفی- تحلیلی و به‌صورت مقطعی در تابستان ۱۳۸۷ می‌باشد. جمعیت مورد مطالعه کودکان ۱ساله و ۴ تا ۶ ساله‌ای هستند که جهت تزریق واکسن به مراکز و پایگاه‌های بهداشتی منطقه خود مراجعه می‌کنند.

یافته‌ها: میزان عوارض جانبی ناشی از واکسن MMR در کودکان تحت مراکز و پایگاه‌های بهداشتی در منطقه الوند ۹٪ می‌باشد. میزان عوارض ناشی از این واکسن در کودکان ۱ ساله واکسینه شده در این منطقه ۳/۴٪ می‌باشد. این میزان در کودکان ۴ تا ۶ ساله واکسینه شده در این منطقه ۵/۸٪ می‌باشد. میزان عوارض جانبی ناشی از واکسن MMR در دختران واکسینه شده در این منطقه ۳/۵٪ و این میزان در پسران واکسینه شده ۵/۷٪ می‌باشد.

نتیجه‌گیری: واکسن‌هایی که در برنامه ایمن‌سازی کشوری استفاده می‌شوند بسیار مؤثر و ایمن هستند، با این حال هیچ واکسنی کاملاً ایمن نیست و ممکن است پس از ایمن‌سازی منجر به بروز عارضه شود. واکسن‌ها موجب فعال کردن سیستم ایمنی و در نتیجه ایجاد ایمنی در بدن می‌شوند. واکنش‌های موضعی، تب و علائم عمومی جزء پاسخ‌های ایمنی هستند به علاوه بعضی از واکسن‌ها حاوی مواد ادجوانت، نگهدارنده و تثبیت‌کننده هستند که می‌تواند باعث ایجاد این واکنش‌ها شوند، این واکنش‌ها در واکسن MMR ۶ تا ۱۲ روز پس از واکسیناسیون اتفاق می‌افتد

واژگان کلیدی: مصون‌سازی فعال، واکنش آنافیلاکتیک، عوارض جانبی.



بررسی شیوع اختلالات جسمی و روانی در معتادان مراجعه‌کننده به مرکز درمان سوء مصرف مواد (Maintenance Methadon Therapy) حیات سمنان در

سال‌های ۸۸-۱۳۸۷

سیدمصطفی پورحسینی^۱، روناژ نیکخواه^۱، شیدا ذوالفقاری^۱، شهلا حقیقت^۱، دکتر محمود رشیدان^۱، دکتر سمیرا مهرعلیزاده^۱

۱- دانشگاه علوم پزشکی سمنان.

چکیده

مقدمه: اعتیاد یعنی خوگرفتن و وابسته شدن جسمی، روانی و عصبی فرد به مواد مخدر که ترک یا فرار از آن ناممکن و یا بسیار مشکل است. شناخت این اختلالات، در برنامه‌ریزی جهت درمانی مؤثرتر نیاز است. براین اساس در این مطالعه شیوع اختلالات جسمی و روانی مورد بررسی قرار گرفته است. تا بتوان با استفاده از آن، برنامه‌ای مناسب وضعیت کنونی تنظیم نمود.

مواد و روش‌ها: در این مطالعه توصیفی- مقطعی، ۹۰ تن از معتادان مراجعه‌کننده به مرکز درمان سوء مصرف مواد (MMT) حیات سمنان، در سال‌های ۱۳۸۸ و ۱۳۸۷ به‌روش نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب شدند و پرسش‌نامه‌ای پایا ($\alpha=0.79$) شامل ۱۸ سؤال به صورت مصاحبه‌ای تکمیل گردید. این پرسش‌نامه شامل سه بخش مشخصات فردی، چگونگی اختلالات جسمی و روانی فرد بوده است. داده‌های حاصل توسط نرم‌افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفته است.

یافته‌ها: از ۹۰ فرد مورد مطالعه، تعداد ۶۴ نفر (۷۱/۱٪) متأهل و ۲۶ نفر (۲۸/۹٪) در حال حاضر مجرد هستند. شایع‌ترین اختلالات جسمی در افراد طی ۳۰ روز گذشته شان عبارتند از: احساس بی‌اشتهایی (۵۸/۹٪)، خستگی یا ضعف (۵۲/۲٪)، تهوع (۲۵/۸٪)، درد مفصل استخوان (۲۳/۳٪)، لرزش (۲۲/۲٪)، احساس کرختی یا مورمورشدهگی (۲۰/۲٪)، درد قفسه سینه (۲۰٪)، درد ماهیچه (۱۹/۳٪)، درد معده (۱۰/۲٪) و تنفس مشکل (۸٪). شایع‌ترین اختلالات روانی در افراد طی ۳۰ روز گذشته شان: احساس نگرانی (۷۱/۹٪)، احساس تنش (۷۱/۶٪)، احساس نومیدی (۶۷/۸٪)، احساس بی‌ارزشی (۶۶/۷٪)، عصبانیت یا لرزش درونی (۶۵/۶٪)، حس بی‌علاقگی به همه چیز (۶۳/۳٪)، احساس تنهایی (۶۰٪)، وحشت زدگی بدون دلیل (۵۸/۹٪)، حمله‌های وحشت (۴۷/۸٪)، افکار خودکشی (۱۸/۹٪).

بین سن شروع مصرف با مدت مصرف و اختلالات جسمی و روانی رابطه معناداری وجود دارد ($P<0.05$). بین داشتن سابقه بیماری روانی و شکست در درمان اعتیاد رابطه معنادار وجود دارد ($P<0.05$). بین وضعیت شغلی و شکست در درمان اعتیاد رابطه معناداری وجود دارد ($P<0.05$).

نتیجه‌گیری: بر اساس این مطالعه، با شناخت درست اختلالات جسمی و روانی افراد و پیگیری درمان بیماری‌های روانی آنان و ایجاد اشتغال متناسب با وضعیت ایشان می‌توانیم گامی مؤثر در جهت درمانی آسان‌تر و پایدارتر برداریم. **واژگان کلیدی:** اختلالات جسمی، اختلالات روانی، اعتیاد.





مقایسه اختلالات روانی در والدین کودکان عقب‌مانده ذهنی و والدین کودکان

عادی در یزد در سال ۱۳۸۷

پروانه مهرجو^۱، دکتر محمود کمالی^۲، عزیزه اسلامی نصرت آبادی^۳، حمیدرضا محبوبی^۴، ارمغان جهانمیر^۴، زهرا جهانگیری^۴، کرامت‌الله جهانشاهی^۴

۱- دستیار علمی دانشگاه پیام نور، واحد بندرخمیر. ۲- عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور، واحد تفت. ۳- دانشگاه پیام نور، واحد تفت. ۴- دانشجوی پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی بندرعباس.

چکیده

مقدمه: مشکلات و مسایل نگهداری و تربیت کودکان عقب‌مانده ذهنی ممکن است والدین آن‌ها را مستعد اختلالات روانی کند. آگاهی از جنبه‌های مختلف این اختلالات می‌تواند به درمان آن‌ها کمک کند. هدف از این مطالعه مقایسه اختلالات روانی در والدین کودکان عقب‌مانده ذهنی و والدین کودکان عادی در شهر یزد در سال ۱۳۸۷ می‌باشد.

مواد و روش‌ها: این مطالعه یک مطالعه توصیفی می‌باشد که در سال ۱۳۸۷ بر روی دانش‌آموزان مقطع ابتدایی شهر یزد صورت گرفته است. با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای تعداد ۵۰ کودک عقب‌مانده ذهنی و تعداد ۵۰ کودک عادی در مدارس ابتدایی شهر یزد انتخاب گردیدند و والدین آن‌ها پرسش‌نامه استاندارد ۹۰ SCL را که ۹ جنبه مهم اختلالات روانی را بررسی می‌کند پر کردند. در مورد هر فرد برای هر جنبه روانی ضرایب آن‌ها مورد محاسبه قرار گرفت. اطلاعات با استفاده از نرم‌افزار SPSS ۱۳ و با استفاده از آمارهای توصیفی و آزمون T Test مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و P Value کمتر از ۰/۰۵ به عنوان سطح معناداری در نظر گرفته شد.

یافته‌ها: معیار کلی علائم مرضی (GSI) در والدین با کودکان عقب‌مانده ۱/۴۵ و در والدین کودکان عادی ۱/۰۷ بود که این اختلاف از نظر آماری معنی‌دار بود ($P < 0/05$). شکایات جسمانی، اختلال وسواسی اجباری، افسردگی و هم چنین اضطراب به‌طور معناداری در والدین کودکان عقب‌مانده ذهنی بیش از سایرین بود ($P < 0/05$). اما در مورد حساسیت در روابط متقابل، پرخاشگری، ترس مرضی، افکار پارانوئیدی و روان پریشی تفاوت معناداری بین دو گروه مشاهده نگردید.

نتیجه‌گیری: با توجه به بالاتر بودن ضریب شکایات جسمانی، اختلال وسواسی اجباری، افسردگی و اضطراب در والدین کودکان عقب‌مانده ذهنی توجه بیش‌تر در این زمینه‌ها ضروری است. با توجه به اینکه والدین کودکان عقب‌مانده ذهنی به عنوان یک جامعه در دسترس می‌باشند مطالعاتی به‌صورت غربالگری در این بیماران قابل انجام است و توصیه می‌گردد.

واژگان کلیدی: کودکان عقب‌مانده ذهنی، ۹۰ SCL، اختلالات روانی.





بررسی سلامت عمومی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی ارتش در سال ۱۳۸۸

احمد نریمانی^۱، مهدی اکبرزاده^۲، شقایق سادات نقیب^۳، محمد حمزه ای^۴، مریم غفارزاده^۵

۱- دانشجوی پزشکی - دانشگاه علوم پزشکی ارتش - کمیته تحقیقات دانشجویی. ۲- دانشجوی رشته آمار زیستی - دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی. ۳- دانشجوی علوم آزمایشگاه - دانشگاه علوم پزشکی ارتش - کمیته تحقیقات دانشجویی. ۴- دانشجوی پزشکی - دانشگاه علوم پزشکی ارتش - کمیته تحقیقات دانشجویی. ۵- دانشجوی پرستاری - دانشگاه علوم پزشکی ارتش - کمیته تحقیقات دانشجویی.

چکیده

مقدمه: دانشجویان به خاطر دوری از خانواده، تغییر محیط زندگی و اضطراب امتحان، جزو گروه‌های پرخطر از نظر ابتلا به اختلالات روانی هستند. مطالعه حاضر با هدف بررسی سلامت عمومی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی ارتش انجام شده است.

مواد و روش‌ها: در این مطالعه، ۳۱۸ دانشجو (۵۲ نفر پزشکی، ۱۶۶ نفر پرستاری، ۱۰۰ نفر پیراپزشکی) از بین دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی ارتش به شیوه تصادفی طبقه‌بندی شده، انتخاب و سلامت عمومی آن‌ها با استفاده از پرسش‌نامه سلامت عمومی (فرم ۲۸ سؤالی و ۴ مقیاسی GHQ-۲۸) سنجیده شده است. جهت بررسی سلامت عمومی دانشجویان از نمره برش ۲۳ و آزمون t- تک نمونه ای استفاده شد. برای بررسی نرمال بودن نمرات سلامت عمومی از آزمون One sample K-S. جهت بررسی معناداری اختلاف سلامت عمومی دانشجویان دختر و پسر، و رشته‌های مختلف از آزمون‌های t و آنالیز واریانس یکطرفه استفاده شده است.

یافته‌ها: میانگین نمرات سلامت عمومی دانشجویان به‌طور معناداری بیشتر از ۲۳ بوده و این نشان‌دهنده عدم وجود اختلال در سلامت عمومی دانشجویان است. میانگین نمره سلامت عمومی در بین سه رشته نیز با هم اختلاف معناداری را نشان می‌دهد ($P=0/001$). P-value آزمون Levene برای بررسی معنی‌داری اختلاف واریانس در بین دانشجویان پسر و دختر ۰/۰۴۲ (عدم اختلاف واریانس) و P-value حاصل از آزمون t- دو نمونه مستقل برابر با ۰/۰۰۱ است و می‌توان نتیجه گرفت که سلامت عمومی دانشجویان پسر و دختر با یکدیگر اختلافی معنی‌دار دارد. هم‌چنین نتایج بالا در مقایسه سایر مقیاس‌های سلامت عمومی در بین دانشجویان پسر و دختر نیز وجود داشت. P-value آزمون Levene برای بررسی معنی‌داری اختلاف واریانس در بین دانشجویان سال اول و دوم ۰/۰۵۱ (عدم اختلاف واریانس) و P-value حاصل از آزمون T- دو نمونه مستقل برابر با ۰/۲۲ است و می‌توان نتیجه گرفت که سلامت عمومی دانشجویان سال اول و دوم با یکدیگر اختلافی معنی‌دار ندارد. هم‌چنین نتایج بالا در مقایسه سایر مقیاس‌های سلامت عمومی در بین دانشجویان سال اول و دوم نیز وجود داشت. P-value آزمون Levene برای بررسی معنی‌داری اختلاف واریانس در بین دانشجویان روزانه و شبانه ۰/۰۰۹ (عدم اختلاف واریانس) و P-value حاصل از آزمون T- دو نمونه مستقل برابر با ۰/۰۸ است و می‌توان نتیجه گرفت که سلامت عمومی دانشجویان روزانه و شبانه با یکدیگر اختلافی معنی‌دار ندارد. هم‌چنین نتایج بالا در مقایسه سایر مقیاس‌های سلامت عمومی در بین دانشجویان روزانه و شبانه نیز وجود داشت.

نتیجه‌گیری: علی‌رغم شیوع اضطراب و افسردگی در دانشجویان رشته‌های مرتبط با مشاغل درمانی، در وضعیت سلامت عمومی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی ارتش اختلالی مشاهده نمی‌شود که ممکن است به علت آموزش‌های غیر درسی دانشجویان ارتش باشد. جنسیت دانشجویان روی نمره سلامت عمومی و نیز هر کدام از ۴ مقیاس آن، اثراتی دارد.

واژگان کلیدی: پرسش‌نامه سلامت عمومی (GHQ-۲۸)، دانشجویان، اختلالات روانی





بررسی میزان رضایتمندی بیماران از خدمات ارائه شده در بیمارستان امام

حسین (ع) شاهرود و عوامل مؤثر بر آن

دکتر جواد نوریان^۱، احمد خسروی^۲، سمیرا فراتی^۳، زهرا کوهزادی^۴

۱- متخصص بیهوشی - دانشگاه علوم پزشکی شاهرود. ۲- عضو هیات علمی - دانشگاه علوم پزشکی شاهرود. ۳- دانشجوی هوشبری - دانشگاه علوم پزشکی شاهرود.

چکیده

مقدمه: بیمار در بیمارستان محور اصلی است و همه خدمات بیمارستانی به خاطر حضور او انجام می‌شود، بنابراین تاحدودی می‌توان گفت رضایت او بیش‌تر ناشی از رفتار پرسنل و عملکرد آن‌ها است. این مطالعه با هدف تعیین میزان رضایت بیماران و عوامل مؤثر بر آن در بیمارستان امام حسین (ع) شاهرود در سال ۱۳۸۸ انجام شده است.

مواد و روش‌ها: در این پژوهش تو صیفی مقطعی ۳۶۰ بیمار بستری شده به‌صورت تصادفی چندمرحله‌ای انتخاب و در دو زمان بستری و پس از ترخیص مورد مصاحبه قرار گرفتند. ابزار جمع‌آوری داده‌ها پرسش‌نامه‌ای حاوی خصوصیات دموگرافیک و سؤالات مربوط به رضایتمندی از خدمات پرستاری، پزشکی، پاراکلینیک، خدمات رفاهی و تغذیه، پذیرش، ترخیص و مخارج (نمره‌دهی بر اساس مقیاس لیکرت) بود.

یافته‌ها: در این مطالعه ۶۰/۸٪ از بیماران از خدمات پزشکی (زمان بستری ۸۰/۰٪ و پس از ترخیص ۴۱/۷٪ و اختلاف آن‌ها معنادار است $P < ۰/۰۵$)، ۷۲/۸٪ از خدمات پرستاری (زمان بستری ۷۱/۸٪ و پس از ترخیص ۷۳/۹٪)، ۷۷/۶٪ از خدمات پرستاری برای عمل جراحی، ۸۶/۱٪ از خدمات رفاهی و تغذیه رضایت داشته در حالی‌که از مجموع ۱۶۴ نفری که در زمان ترخیص بررسی شدند، ۲۰/۱٪ از خدمات ترخیص و مخارج بیمارستان و از ۱۲۰ بیمار بررسی شده تعداد ۱۰۱ نفر (۸۴/۲٪) از خدمات پاراکلینیک و تنها ۱۹/۰٪ از خدمات پذیرش رضایت داشتند. بین میزان رضایتمندی و نوع بیمه، محل سکونت، وضع تأهل رابطه معناداری وجود نداشت.

نتیجه‌گیری: بررسی نتایج مطالعه نشان می‌دهد که خدمات درمانی و رفاهی ارائه شده نسبت به خدمات پذیرش و ترخیص به بیماران از کیفیت بهتری برخوردار بوده است. میزان رضایت از خدمات پزشکی در زمان پس از ترخیص نسبت به زمان بستری بودن به‌طور معناداری کاهش نشان می‌دهد.

واژگان کلیدی: رضایتمندی، خدمات پرستاری، خدمات پزشکی، ترخیص، پذیرش.





بررسی یافته‌های غیر طبیعی اکوکاردیوگرافی بیماران مبتلا به آنژین صدری مراجعه‌کننده به بخش قلب بیمارستان امام حسین (ع) شاهرود

زهرا اشرفی^۱، اسلام عزیزپور^۲، داود حیدری^۲، حسین باقری^۳، امیر کسانیان^۳

۱. دانشجوی پرستاری - دانشگاه علوم پزشکی شاهرود - کمیته تحقیقات دانشجویی. ۲. کارشناس پرستاری - دانشگاه علوم پزشکی شاهرود. ۳. عضو هیأت علمی - دانشگاه علوم پزشکی شاهرود.

چکیده

مقدمه: در بیماران CAD، اکوکاردیوگرافی و تعیین عملکرد قلبی از لحاظ بالینی و تشخیصی اهمیت بسیار دارد و ممکن است به‌طور معنی‌داری بر روی تصمیمات درمانی و مداخلات اثرگذار باشد. وضعیت عملکردی قلب در محیط‌های بالینی به کمک اکوکاردیوگرافی تعیین می‌گردد. پژوهش حاضر جهت تعیین یافته‌های غیر طبیعی اکوکاردیوگرافی بیماران مبتلا به آنژین صدری مراجعه‌کننده به بخش قلب بیمارستان امام حسین (ع) شاهرود به انجام رسیده است.

مواد و روش‌ها: مطالعه حاضر یک مطالعه توصیفی - مقطعی است که در آن تعداد ۱۰۰ بیمار کاندید انجام اکوکاردیوگرافی بستری در بخش قلب بیمارستان امام حسین (ع) شاهرود به‌صورت غیرتصادفی انتخاب و اطلاعات مورد نیاز در ارتباط با نتایج اکوکاردیوگرافی این بیماران بر اساس پرسش‌نامه پژوهش حاوی اطلاعات دموگرافیک و برخی پارامترهای اکوکاردیوگرافی (مانند: وضعیت دهلیزها و بطن‌های قلب، وضعیت دریچه‌های میترا و سه لتی، میزان کسر تخلیه‌ای بطن چپ (Left Ventricular Ejection Fraction)، نتیجه نهایی اکوکاردیوگرافی و...) از برگه اکوکاردیوگرافی آنان گردید و سپس داده‌ها با استفاده از روش‌های آماری توصیفی و استنباطی (آزمون آماری تی مستقل، آنالیز واریانس و ضریب همبستگی پیرسون) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: بر اساس نتایج حاصل از پژوهش حاضر، میانگین سنی واحدهای مورد پژوهش 61.7 ± 13 سال بود و $53/3$ درصد واحدهای مورد پژوهش خانه‌دار، 67 درصد دارای سابقه بیماری قلبی، $45/1$ درصد دارای سابقه فشارخون بالا و $15/4$ درصد دارای بیماری دیابت بودند. میانگین کسر تخلیه‌ای بطن چپ در واحدهای مورد پژوهش $53/88$ درصد به‌دست آمد. میانگین کسر تخلیه‌ای بطن چپ در افراد متأهل $53/9$ درصد و در افراد همسر فوت شده $53/3$ درصد بود. آزمون آماری آنالیز واریانس با $P < 0/05$ تفاوت معنی‌داری از لحاظ میزان کسر تخلیه‌ای بطن چپ و متغیر شغل نشان داد. هم‌چنین آزمون آماری ضریب همبستگی پیرسون با $P < 0/05$ ارتباط معنی‌داری بین میزان کسر تخلیه‌ای بطن چپ و سن واحدهای مورد پژوهش نشان داد. هم‌چنین آزمون آماری آنالیز واریانس نیز با $P < 0/05$ تفاوت معنی‌داری از لحاظ میزان کسر تخلیه‌ای بطن چپ و گروه‌های مختلف سنی نشان داد.

نتیجه‌گیری: با توجه به یافته‌های حاصل از مطالعه حاضر که نشان‌دهنده وجود اکوی غیر طبیعی و اختلالات متفاوت عملکردی قلب در بیماران مبتلا به آنژین صدری و انفارکتوس میوکارد می‌باشد، لزوم انجام معاینات و بررسی‌های دقیق‌تر و توجه خاص به این بیماران و به‌کارگیری مداخلات مختلف درمانی و مراقبتی از سوی پزشکان و پرستاران یک ضرورت محسوب می‌گردد.

واژگان کلیدی: اکوکاردیوگرافی، آنژین صدری، انفارکتوس میوکارد.





Microvascular density (MVD) in gastric adenocarcinoma and its relationship with clinicopathological characteristics

Tahoorah Abdolahi^{۱,۲}, Kamran Ghaffarzadehgan^۱, Sepideh Ghadri^{۳,۴}, Hamid Reza Raziee^۵, Hanieh Hosseinnazhad^{۳,۴}, Omeed Moaven^۳, Ramin Saeedi^۳, Hamid Reza Sima^۵

۱- Department of Pathology- Mashhad University of Medical Sciences. ۲- Young Researchers' Club, Medical School of Islamic Azad University of Mashhad. ۳- Gastric Cancer Research Group, Mashhad University of Medical Science. ۴- Department of Radiation Oncology- Mashhad University of Medical Sciences. ۵- Department of Medicine- Mashhad University of Medical Sciences.

Abstract:

Introduction: Gastric cancer (GC) is still one of the most leading causes of cancer-related death worldwide. GC considered as a multistage progressive process in which tumor growth and metastatic spread mainly caused by angiogenesis process. So the better understanding of angiogenic status is a crucial step in prognosis of GC. CD34 is a glycoprotein which present in the vascular endothelium is a biomarker for the evaluation of angiogenesis quantification (MVD) and tumor development.

Methods: The aim of this study is to measure the MVD by the immunohistochemical expression of CD34 in gastric adenocarcinoma specimens to identify its prognostic value and its probable relationship with the clinicopathological parameters. Samples obtained from 29 gastric adenocarcinoma patients who had undergone gastrectomy at Mashhad medical University Hospitals. 5 fields of samples with higher density of vessels (hot spots) were counted for new vessels through the microscope, and the median of them were report. The 25 vessel/Hpf was chosen as cutoff and the tumors classified as high or low MVD.

Results: According to the tumor subtypes classification, 20.7% of cases were diffuse type and 79.3% were intestinal type. statistical analyses showed that, there is no significant relationship between age, duration of problem, tumor stage and tumor grade with high/low MVD. About 62% of our cases had non cardia-tumors versus 38% who had cardia-tumors and our analyses showed a significant correlation between MVD and tumor location. Cardia-tumors significantly showed high MVD (81.8) compared to non cardia-tumors (24) ($P < .05$).

Conclusion: Our study showed that progression of angiogenesis process in GC is not related with the development of tumor. Because of the small number of patients enrolled in our study, further clinicopathological investigation is needed to elucidate the role of this biomarker of angiogenesis in GC.

Keywords: MVD, Gastric Adenocarcinoma, Clinicopathological Characteristics.





The relationship between knowledge of ergonomic science and occupational injuries among nursing staff

Akram Sanagoo^۱, Leila Jouybari^۱, Nafiseh Farrokhi^۲

۱- Golestan University of Medical Sciences, School of Nursing & Midwifery. ۲- Golestan University of Medical Sciences

Abstract:

Introduction: Occupational hazards in nursing are higher than other jobs, therefore any disregard of this issue can lead to reduced quality of nursing services provided to patients. The aim of this study was to investigate the relationship between knowledge of ergonomic science and occupational injuries among the nursing staff affiliated to Golestan University of Medical Sciences.

Methods: In this cross-sectional analytical study in ۲۰۰۸, ۴۲۳ nursing staff from different hospitals affiliated to Golestan University of Medical Sciences were investigated based on quota randomized sampling. The data gathered by Ergonomics questionnaire consists ۷۲ questions. The occupational injuries during last year were explored. Chronbach for main parts of the questionnaire was ۰.۸, ۰.۸ and ۰.۹. Descriptive and analytical tested used for data analysis.

Results: ۳۶.۱ percent of the staff had ۵-۱۰ years work experience. Knowledge about ergonomic by ۶۱.۹ percent of nurses was at the high level. ۸۳ percent of the staff were exposed to occupational hazards at mid level. There was no significant relationship between knowledge of ergonomics and occupational injuries rate ($P=۰.۰۸$). The relationships among knowledge of ergonomics and age, gender, marital status, work experience, type and location of service employment was significant ($P<۰.۰۵$). The relationship among occupational injuries with age, work experience, employment type and location of the service of nurses were statistically significant ($P<۰.۰۵$).

Conclusion: Training staff how to do a job, having break during long time working, using appropriate tools and facilities and ergonomic consideration all together may provider a healthier work environment and optimizing human resource.

Keywords: Ergonomics, Nurses, Occupational injures.



Quality of life issues for Bandar Abbas medical student with acne vulgaris in ۲۰۰۷

Shahram Baghestani^۱, Shahram Zare^۱, Keramat-Allah Jahanshahi^۱, Zahra Mosallanejad^۱

^۱- Hormozgan University of medical sciences.

Abstract:

Introduction: Acne is the most common skin disease, affecting nearly ۸۰% of people at some time of their lives. Patient with acne often have anxiety, depression and lowered self-esteem and report a poorer overall quality of life (QOL). Independent of its clinical severity, this disease has a great impact on patient's lives. The aim of this cross sectional study is to assess quality of life issues for Bandar abbas medical student.

Methods: This cross sectional study was performed on Bandar abbas students. The severity of acne was graded using the Lehman criteria. The students with acne vulgaris completed the acne specific quality of life instrument, the Acne- QOL questionnaire. The data were analyzed by SPSS version ۱۶ software using descriptive and analytical (T-test) statistics and diagrams were designed in Excel. Significant level was set as $P < 0.05$.

Results: A total of ۱۸۸ students with acne (۴۶ males, ۱۴۲ females) aged ۱۸-۲۰ years old completed the Acne- QOL questionnaire. The result of this study shows that in ۵۴.۰۴% of the students with acne, acne vulgaris has mild effect on their quality of lives. The overall mean Acne- QOL score in three domains (self- perception, role - social, role - emotional) were higher in male than female. The severity of acne symptoms in women's explanation was greater than men's. One hundred and twenty (۶۳.۸%) of students have mild acne. The severity of acne was significantly related to quality of life ($P < 0.05$).

Conclusion: This study indicated that, the most of students have mild acne. The severity of acne associated with the quality of life. Although acne has mild effect on the quality of life the patient; the women are more vulnerable than men to the negative psychological effects of acne. Care of acne patient should include attention to the quality of life as well as to clinical severity.

Keywords: Acne vulgaris, Quality of life, Skin disease.





Maternal smoking and pregnancy outcomes: A meta-analysis

Jahangiri Z^۱, Jahanshahi K^۱, Karimi S^۱, mahboobi H^۱

^۱- Dept. of Gynecology- Bandar-abbas university.

Abstract:

Introduction: Smoking during pregnancy has been linked to high costs. The use or exposure of tobacco products during pregnancy is a major cause of adverse prenatal outcome but effects on critical fetal and maternal circulations remain unclear. The Goal of this study access the effects of environmental tobacco smoke exposure on birth outcomes.

Methods: ۲۸ Studies were identified with MEDLINE search and complemented with perusal of bibliographies of retrieved articles. Data were evaluated with perusal articles.

Results: Across ۲۸ studies (۳۲۷۴۲ smoker pregnant women, ۲۴۰۳ non-smoker pregnant women), Smoking during pregnancy greatly increases the risk of placenta previa, placental abruption, placenta accreta, pregnancy bleeding of unknown origin, fetal growth restriction, preterm birth, preterm premature rupture of membranes early and late fetal loss and sudden infant death syndrome [۹۵% confidence interval (CI)].

Conclusions: Our study indicate that use or exposure of tobacco products during pregnancy increases the risk of pregnancy complication and late fetal loss and sudden infant death syndrome. Babies whose mothers smoked during pregnancy were more likely to have LBW than babies whose mothers did not smoke. Mothers who continue to smoke in the second half of pregnancy increase their baby's risk of LBW. This paper reveals that prenatal exposure to tobacco smoke is a major risk factor for sudden infant death syndrome.

Keywords: Smoking, Pregnancy outcome, Environmental smoke.



Prevalence of anxiety in Hormozgan university medical sciences students ۲۰۰۷-۲۰۰۸

Sharifi Mehrdad^۱, Bushehri Elham^۱, Paskhandi Shoeib^۱, Paskhandi Shahireh^۱, Jahanshahi

Keramat-Allah^۱

^۱- Hormozgan University of Medical Sciences.

Abstract:

Introduction: High levels of anxiety and stress during medical education may have negative effects on students' learning and may also influence students' performance, decision-making. Because of some stressful factors and impact of circumstances, this group is at high risk. Attention to health of students is highly important. The Goal of this study is evaluation of anxiety and some related factors among students of Hormozgan University of medical sciences.

Methods: this cross-sectional study was performed on ۹۱۹ students of Hormozgan University of medical sciences. In this research anxiety and their association factors in students of Bandar-abbas University of Medical Sciences were measured. Data collecting instrument was a demographic sheet and SVA۷-x Spilberger questionnaire. The data were analyzed by Chi-square test and T-test statistics. Significant level was set as $P < ۰.۰۵$

Results: The results of study show that all of the students suffer to different level of anxiety. ۸.۲ % of students suffer from very severe state and ۱۴.۶ % from trait anxiety. The results also showed significant differences between mental health scores in variables such as sex, marital status and educational majors in at least one or more dimensions of Test.

Conclusion: Increased anxiety level among university students in this research, comprehensive devices, regular adequate consoling and psychiatric services, regular and continuous mental health training can improve and promote the status of mental health among the students especially among the freshmen. It is suggested to accomplish investigation to determine effects of anxiety level on teaching in fields of medical sciences.

Keywords: Anxiety, Students, Medical education, Mental health.



پنجمین سمینار کمیته های تحقیقات دانشجویی شرق کشور

و نهمین همایش کشوری دانش و تندرستی

کارگاه ها

۱۹ و ۲۰ آذرماه ۱۳۸۸

۱۳۸۸ / ۷ / ۲۵

آخرین مهلت ارسال مقالات به نشانی: www.shmu.ac.ir

موضوع مقالات: کلیه عناوین مرتبط با سلامت

پنجمین همایش مقالات از طریق سامانه الکترونیکی دانشگاه به نشانی: www.shmu.ac.ir

نشانی: شهرود / میدان هفتم تیر / ساختمان مرکزی دانشگاه علوم پزشکی شهرود (معاونت آموزشی، پژوهشی دبیرخانه نهمین سمینار دانش و تندرستی)

تلفن: ۵۴۵۵۳۳۳ داخلی ۲۲۹ و ۲۳۰ / فاکس: ۴۸۰۰۳۳۳ (۰۴۲۳)

برگزارکنندگان:

معاونت آموزشی، پژوهشی، کمیته تحقیقات دانشجویی
رشته علوم دانشگاه علوم پزشکی شهرود







کارگاه ایده‌های نو در زمینه تحقیقات Neuroscience

ارایه‌دهندگان: احمد نریمانی (دانشجوی پزشکی - دانشگاه علوم پزشکی ارتش)

مباحث: ۱- مفهوم غلبه طرفی مخ و دست برتری. ۲- کارهای هر کدام از نیمکره‌های مخ. ۳- تست‌های موجود در زمینه غلبه طرفی مخ و دست برتری. ۴- نمونه کار تحقیقاتی در زمینه غلبه طرفی مخ و دست برتری. ۵- تعیین غلبه طرفی مخ شرکت‌کنندگان.
شیوه اجرا: سخنرانی، کارگروهی، پرسش و پاسخ.

تاریخ برگزاری: ۱۹ آذر ۸۸

کارگاه مقاله‌نویسی

ارایه‌دهندگان: زهرا متقی (دانشجوی Ph.D. بهداشت باروری) - مریم دامغانیان (دانشجوی Ph.D. بهداشت باروری)

مباحث: ۱- مقدمه. ۲- عنوان. ۳- چکیده. ۴- متدولوژی. ۵- نتایج و بحث. ۶- رفرنس نویسی.

شیوه اجرا: سخنرانی، کارگروهی، پرسش و پاسخ.

تاریخ برگزاری: ۱۹ آذر ۸۸

کارگاه مالکیت معنوی اثر پژوهشی

ارایه‌دهندگان: احمد خسروی (عضو هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی شاهرود)

مباحث: ۱- اهداف برگزاری کارگاه و اهمیت آن. ۲- معیارهای مالکیت معنوی اثر پژوهشی. ۳- انواع مالکیت معنوی. ۴- ترتیب نام نویسندگان و نقش آن‌ها (Author roles). ۵- سرقت ادبی (plagiarism). ۶- راهنمای نویسندگان. ۷- مباحث اخلاقی در انتشار اثر پژوهشی.

شیوه اجرا: سخنرانی، کارگروهی، پرسش و پاسخ.

تاریخ برگزاری: ۲۰ آذر ۸۸

کارگاه آشنایی با تکنیک‌های مولکولی

ارایه‌دهندگان: دکتر ابراهیم میری‌مقدم (ژنتیک Ph.D.) - میثم سرگزی (دانشجوی پزشکی)

مباحث: ۱- اصول تخلیص DNA. ۲- اصول PCR. ۳- کاربردهای PCR و مواد موردنیاز. ۴- اصول الکتروفورز DNA در ژل.

شیوه اجرا: سخنرانی، کارگروهی، پرسش و پاسخ.

تاریخ برگزاری: ۲۰ آذر ۸۸

